

# کیمپان ۴۳۶

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده  
جمعه ۱۲ تا ۱۸ آبان ماه ۱۴۰۲ خورشیدی  
سال چهارم - شماره ۱۹۰۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



# جنگ؟!!

## آخر الزمانی هادست بردار نیستند



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

\*\*\*\*\*

سال چهارم

کیهان شماره ۱۹۰۲ (۴۳۶)

جمعه ۱۲ تا ۱۸ آبان ماه ۱۴۰۲

۳ تا ۹ نوامبر ۲۰۲۳

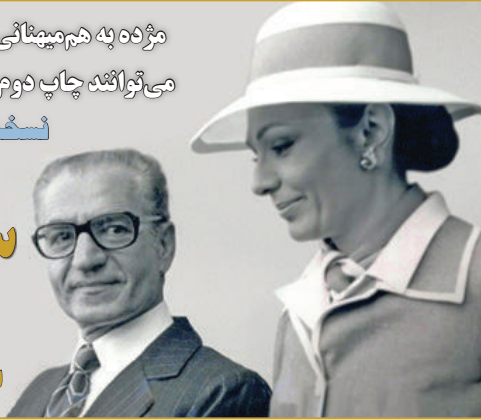


مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند  
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند  
**نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی**  
**در دسترس خواهد بود**

## سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای  
پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

## کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

# کهبان

## \* فهرست مطالب \*

- ۴ ..... سر مقاله - جمهوری اسلامی بر مسندهای حقوق بشری افراتر از جو که! ... / الاهب بقراط ..... ۴
- ۴-۵ ..... جنگ؟! آخر الزمانی هادست بردار نیستند! ... / حامد محمدی ..... ۴-۵
- ۶ ..... شاهزاده رضا پهلوی: ناوقتی جمهوری اسلامی هست، راهکار «دو کشور» اسرائیل و! ... / ..... ۶
- ۷ ..... پیام شاهزاده رضا پهلوی و سخنان بانو یاسمین پهلوی در نخستین کنفرانس ..... / ..... ۷
- ۸-۱۰ ..... اعلام رسمی «درگذشت» آرمیتا گراوند ..... / ..... ۸-۱۰
- ۱۰-۱۱ ..... آنتونی بلینکن: روسیه برای تأمین تسلیحات به سراغ ایران رفته ..... / ..... ۱۰-۱۱
- ۱۱ ..... ولی چو چشم حریصش قند به ماهی حوض ... / خیر اندیش (احمد/حرار) ..... ۱۱
- ۱۲-۱۴ ..... آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۳۷) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی ..... ۱۲-۱۴
- ۱۴ ..... کنسرتی برای شهبانو و معرفی و آغاز فعالیت «بنیاد شهبانو فرح پهلوی» ... / ..... ۱۴
- ۱۵ ..... روزنامه «اورشلیم پست»: آیا آمریکا از روی بارزیم ایران می ترسد؟! ... / ..... ۱۵
- ۱۶ ..... مذاکره برای آزادی گروگان هاد روزه در ازای امتیاز برای حماس ... / ..... ۱۶
- ۱۷ ..... اعلام مصادیق محتوای مجرمانه مرتبط با اسرائیل ... / ..... ۱۷
- ۱۸ ..... فقر غزه و ثروت حماس ... / احمد رأف ..... ۱۸
- ۱۹ ..... زمزمه هایی درباره «خیانت» جمهوری اسلامی به حماس! ... / ..... ۱۹
- ۲۰-۲۱ ..... جنگ حماس علیه اسرائیل از دید حقوق بین الملل ... / ..... ۲۰-۲۱
- ۲۲ ..... درخواست علی خامنه ای از «دولت های اسلامی» برای «فلج کردن» اسرائیل! ... / ..... ۲۲
- ۲۳ ..... پنج میلیون فرصت کاری کشور در اختیار مهاجران ... / ..... ۲۳
- ۲۴-۲۵ ..... رای مثبت جمهوری اسلامی به راه حل «دو کشور» یا ناظاهر به «عقب نشینی» ... / ..... ۲۴-۲۵
- ۲۶ ..... یک قرن لائیسیتته در ترکیه ی آتاتورک ... / علی اصغر حقدار ..... ۲۶
- ۲۶-۲۷ ..... انتقال بازداشت شدگان در مرز اسم خاکسپاری آرمیتا گراوند به زندان های ... / ..... ۲۶-۲۷
- ۲۸-۲۹ ..... ساندی تایمز: جمهوری اسلامی ایران از یک سال پیش در کمین یک قتل عام ... / ..... ۲۸-۲۹
- ۳۰ ..... ادامه جلوگیری از ورود دانشجویان و استادان به دانشگاه ها ... / ..... ۳۰
- ۳۱ ..... با وجود بحران های معیشتی، ۹۶ درصد قرارداد های کاری موقت هستند ... / ..... ۳۱
- ۳۲ ..... ادعای خبرگزاری «تسنیم»: مسعود رجوی سال ۱۳۹۹ بر اثر سکنه قلبی مرد ... / ..... ۳۲
- ۳۲-۳۳ ..... مرگ خاموش نوابغ و مشاهیر موسیقی بر اثر فقر و ناتوانی در ... / ..... ۳۲-۳۳
- ۳۳ ..... هشدار روزنامه «جمهوری اسلامی» در مورد تهدیدات «اعزامی های طالبان» ... / ..... ۳۳
- ۳۴-۳۵ ..... بازرگانان ارمنی جلفای اصفهان در سده های ۱۷ و ۱۸ میلادی ... / ..... ۳۴-۳۵
- ۳۶-۳۷ ..... صدور حکم در مجموع ۱۲۶ سال زندان برای ۲۶ بهانی و دستگیری ... / ..... ۳۶-۳۷
- ۳۷ ..... اردوغان برای اسرائیل خط و نشان کشید ... / ..... ۳۷
- ۳۸ ..... کاهش سالانه آمار ازدواج، افزایش میانگین سنی همسران و کاهش ... / ..... ۳۸
- ۳۹ ..... میلاد حاتمی به اعدام محکوم شد ... / ..... ۳۹
- ۴۰-۴۱ ..... مانیفست روزنامه «بیلد» آلمان درباره تقابل دو فرهنگ متضاد در یک کشور ... / ..... ۴۰-۴۱
- ۴۱ ..... «زن امید آزادی»: دوازده نویسنده زن ایرانی از مبارزات زنان ... / احمد رأف ..... ۴۱
- ۴۱ ..... «جوهر هستی» در نقاشی های فرهاد سلطانی ... / احمد رأف ..... ۴۱
- ۴۲ ..... جایجایی دو عضو کلیدی نزدیک به خامنه ای در «بنیاد مستضعفان» و «ستاد» ... / ..... ۴۲
- ۴۳ ..... ایرانیان رتبه نخست مهاجرت به کشورهای عضو سازمان بین المللی «او ای سی دی» ... / ..... ۴۳
- ۴۴ ..... تورم در مهر ماه هم افزایش یافت؛ بدتر شدن وضعیت شاخص های اقتصادی ... / ..... ۴۴
- ۴۵ ..... به ازای هر ۷۰۰۰ زن در ایران فقط یک پزشک متخصص زنان ... / ..... ۴۵
- ۴۶ ..... «پوتین به رئیس پیام فرستاد»: امیر عبداللهیان درباره غزه بار دوغان ... / ..... ۴۶
- ۴۶-۴۷ ..... حمله آمریکا به کابینه انبار تسلیحات متعلق به سپاه پاسداران در دیر الزور ... / ..... ۴۶-۴۷
- ۴۷ ..... «فانینشال تایمز»: آمریکا از چین خواسته مانع دخالت جمهوری اسلامی در ... / ..... ۴۷
- ۴۸ ..... ۴۵ میلیارد دلار سرمایه با مهاجرت نخبگان در چهار سال از دست رفت ... / ..... ۴۸
- ۴۹ ..... صادرات فرش ایران: نیم در صد! موج جدید بیکاری در کمین بافندگان فرش ... / ..... ۴۹
- ۵۰-۵۱ ..... نقش جنگ تبلیغاتی در جدال اسرائیل و حماس ... / بهرام فرخی ..... ۵۰-۵۱
- ۵۲ ..... هشدار پلیس بریتانیا درباره دخالت عوامل جمهوری اسلامی در تجمعات ... / ..... ۵۲
- ۵۲-۵۳ ..... تداوم کاهش سرعت اینترنت: ادعاهای پوچ وزیر و انتقادات تند کارشناسان ... / ..... ۵۲-۵۳
- ۵۴ ..... یحیی رحیم صفوی به یکن رفت تا «صدای غزه» باشد! ... / ..... ۵۴
- ۵۵ ..... شاخ و شانه کشیدن جمهوری اسلامی برای اسرائیل و آمریکا با جیب خالی و ... / ..... ۵۵
- ۵۶ ..... پشت جلد - عکس هفته / شیر نل حبیب پور شهر و نداد اسرائیلی ایرانی تبار که در حمله وحشیانه ی



بازنشر  
بازنشر

سرمقاله

جمهوری اسلامی بر مسندهای حقوق بشری!

فراتر از جوک! وحشتناک!

جمهوری اسلامی در روزهای پنجشنبه و جمعه ۲ و ۳ نوامبر ۲۰۲۳ برابر با ۱۱ و ۱۲ آبان ۱۴۰۲ ریاست نشست دو روزه «هم‌اندیشی اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل» در ژنو را برعهده داشت. ریاستی که همزمان با تداوم سرکوب جنبش ملی ایرانیان اعلام شد و با اینکه همان زمان در اردیبهشت ۱۴۰۲، مورد اعتراض نهادهای حقوق بشری قرار گرفت اما در آن بازنگری نشد. این در حالیست که به گفته‌ی یک کارشناس حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، انتخاب رئیس برای هم‌اندیشی اجتماعی شورای



هم‌اندیشی اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل/ژنو سوئیس/۲ نوامبر ۲۰۲۳

حقوق بشر سالانه از میان نامزدهای معرفی شده توسط گروه‌های منطقه‌ای این شورا انجام می‌شود در حالی که جمهوری اسلامی اصلاً عضو این شورا نیست تا توانسته باشد نامزدی را معرفی و با دیگر کشورها وی را پیشنهاد کرده باشند. ابهامی که پاسخی برای آن در دست نیست جز اینکه این شورا می‌تواند کشورهای غیرعضو را نیز نامزد مسئولیت‌های مختلف خود کند!

۴۷ عضو شورای حقوق بشر با اکثریت آرای مستقیم و مخفی مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب می‌شوند و طبق انتخابات سال ۲۰۲۲، پاکستان (تا پایان ۲۰۲۳) و قطر و امارات متحده عربی (تا پایان ۲۰۲۴) عضو این شورا هستند ولی جمهوری اسلامی عضو آن نیست!

همان زمان اعلام شد که علی بحرینی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی در دفتر ژنو سازمان ملل آن را نمایندگی خواهد کرد. وی پیشتر سفیر رژیم در اتیوپی و نماینده وزارت خارجه در ستاد حقوق بشر قوه قضاییه و مسئول بخش سیاسی سفارت حکومت در برلین بوده است.

از سوی دیگر، شورای حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که مباحث این نشست بر «سهم دانش و فناوری و نوآوری در ارتقای حقوق بشر از جمله در زمینه بهبود پس از پاندمی کووید-۱۹» متمرکز خواهد بود!

آیا کسی هست که از «سهم دانش و فناوری و نوآوری» جمهوری اسلامی در سرکوب حقوق بشر و تقویت برنامه نظامی اتمی و موشکی و همچنین فاجعه‌ی ایمنی گله‌های دوران کرونا و اعلام ممنوعیت ورود واکسن‌های معتبر آمریکا و اروپا توسط علی خامنه‌ای خبر نداشته باشد؟

و یا آیا کسی هست که از ستاندن مستقیم و غیرمستقیم جان شهروندان به دلیل سیاست‌های ضدبشری و از ستمی که از جمله بر ایرانیان بهایی می‌رود و ساقط شدن آنها از زندگی نشنیده باشد؟ کمی پس از آن گزینش بیجا، شاهزاده رضا پهلوی از آن انتقاد کرد و در «فاکس نیوز» گفت: «این یک توهین و سیلی به صورت یک ملت است. اینکه هر روز می‌شنوید به زنان شلیک می‌شود یا آنها را در مدارس با گاز مسموم می‌کنند... و به چیزی شبیه نسل‌کشی رسیده‌اند، آنوقت شما به عنوان یک نهاد بین‌المللی به آنها جایزه می‌دهید؟! این کار فراتر از یک جوک است... وحشتناک است.»

همین «جوایز» است که جمهوری اسلامی را به همراه تروریست‌های نیابتی در منطقه و هم‌مسلمانان ضدبشری در کشورهای غربی گستاختر از همیشه کرده است. در همین نشست شورای حقوق بشر نیز علاوه بر چند نفری که از جمهوری اسلامی شرکت داشتند، روح‌الله دهقانی فیروزآبادی رئیس پیشین «جهاد دانشگاهی» و معاون «قاضی مرگ» نیز درباره «حقوق بشر» سخن پراکند!

تیر هفته

جنگ؟!!

آخ‌الزمانی‌ها دست بردار نیستند



● **حتا اگر اکنون هم جنگ به مفهوم گسترده‌ی آن اتفاق نیفتد، شیخ آن به تنهایی نیز پیامدهای وخیم اقتصادی و روانی به ویژه برای مردم ایران دارد.**

برای مجهزترین ارتش‌های دنیا جنگ شهری پر از خطر است. با اینهمه مقامات اسرائیل در تصمیمی دشوار در سومین هفته پس از آغاز جنگ توسط حماس دستور ورود ستون‌های زرهی و نیروهای پیاده‌ارتش را به غزه صادر کردند. یکی از تاکتیک‌های رزمی گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی استفاده از «سپرانسانی» است که کار را برای اسرائیل دشوارتر می‌کند اما مقامات تل‌آویو می‌گویند راهی بجز نابودی حماس نیست.

همزمان شدت گرفتن حملات ایذایی گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه مواضع نیروهای آمریکا در سوریه و عراق، دولت بایدن را که متهم به مداخلات با جمهوری اسلامی است به شدت کلافه کرده است. با اینکه کاخ سفید اصرار دارد شواهد و مدارک دخالت مستقیم رژیم ایران در حمله حماس به اسرائیل «کافی نیست» اما مسائل مختلف از جمله ابعاد فجیع جنایت تروریست‌های حماس علیه شهروندان غیرنظامی در حمله هفتم اکتبر دست به دست هم داده تا لحن مقامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی به شدت تغییر کند. آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا دوم آبان در نشست شورای امنیت سازمان ملل به رژیم ایران هشدار داد: «بنزین روی آتش نریزید!»

در این میان، اگرچه دولت‌های اروپایی در مورد قراردادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی محتاط هستند اما همزمان با جنگ غزه گروه ویژه مدیترانه و خاورمیانه شورای پارلمانی ناتو گزارشی با عنوان «تغییر ژئوپلیتیک در ایران و خاورمیانه» تصویب کرد که در آن به کشورهای عضو ناتو توصیه می‌شود صداهای دیپلماتیک در ایران را تقویت کنند. سپاه را در لیست تروریستی قرار دهند و به دیپلماسی گروگانگیری توسط جمهوری اسلامی پایان دهند.

خبری از اژدها نشد!

جنگ حماس و اسرائیل از زوایای مختلف قابل بررسی است و به ویژه آنکه بخش عمده آن با مسائل ایران پیوند خورده. مقامات رژیم و شماری از رهبران حزب‌الله تهدید کرده بودند «با ادامه جنگ در غزه احتمال باز شدن جبهه‌های جدید علیه اسرائیل وجود دارد.» حسین امیرعبداللهمان وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته بود «در صورت حمله زمینی، غزه به گورستان اشغالگران تبدیل می‌شود.» حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران نیز تهدید کرد «اسرائیلی‌ها روی زمین حرکت کنند اژدهای غزه آنان را خواهد بلعید!» اما نه خبری از ۱۵۰ هزار موشک مورد ادعای حزب‌الله لبنان شد و نه «اتصال غزه به کرانه باختری» انجام شد که در نخستین روزهای عملیات تروریستی حماس منابع وابسته به تهران روی آن مانور تبلیغاتی می‌دادند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز که در نخستین روزهای جنگ نقش رژیم در عملیات تروریستی علیه اسرائیل را انکار کرده و از دولت‌های مسلمان منطقه خواسته بود «راه صدور نفت و ارزاق» به اسرائیل را مسدود کنند، تنها ماند و هیچ‌کدام از آنها نه تنها حاضر نشدند علیه اسرائیل دست به اقدامات غیرعقلانی بزنند بلکه ملک عبدالله دوم پادشاه اردن اعلام کرد که کشورش و مصر حاضر به پذیرفتن آوارگان فلسطینی هم نیستند!

جمهوری اسلامی در منگنه

در این میان، برخلاف اینهمه تهدیدات علیه اسرائیل، نماینده جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل که در ارتباط با جنگ حماس و اسرائیل روز ۵ آبان تشکیل شد، به قطعنامه‌ای رأی مثبت داد که در یکی از بندهای آن بر راه حل «دو کشور» برای پایان دادن به منازعه‌ی اسرائیل و فلسطین تأکید شده است. ←

هستند که واقعا باور دارند نابودی اسرائیل زمینه‌ساز «ظهور امام زمان» است. آنها از یکسو به حوزه‌های علمیه و مراکز مذهبی وصلاند و از سوی دیگر به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی. در واقع جمهوری اسلامی در ۴۴ سال گذشته روی جاده‌ای حرکت می‌کرده که همین جریان‌ها آن را به مقصد «آخرالزمان» سنگ‌فرش کرده‌اند.

حسین نوری همدانی از مراجع تقلید شیعه می‌گوید «ما باید در مسیر ظهور گام برداریم و زمینه‌ساز باشیم و اولین و مهمترین گام، محو رژیم غاصب صهیونیستی از صفحه روزگار است!» عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی با صراحت می‌گوید «بزرگترین آرمان و آرزوی محو و نابودی رژیم صهیونیستی است.» اسماعیل قائنی فرمانده سپاه قدس به اسرائیلی‌ها هشدار می‌دهد «زودتر خانه‌هایتان را بفروشید و فرار کنید» و حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران به بنیامین نتانیاهو توصیه کرده بود که شناکردن در دریای مدیترانه را بیاموزد!

سال‌هاست تحلیلگران حتی آنهایی هم که احتمال جنگ میان جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل را کم می‌دانند تأکید می‌کنند در صورت وقوع یک «خطای استراتژیک» احتمال شعله‌ور شدن یک جنگ در منطقه زیاد است. چه بسا آن «خطای استراتژیک» همین عملیات مرگبار حماس علیه اسرائیل باشد که می‌تواند سبب بهم خوردن همه معادلات شود.

در این میان، نگرانی در مورد ایران وقتی بیشتر می‌شود که جمهوری اسلامی که با بحران مشروعیت در داخل و انزوا در خارج روبروست برای به بازی گرفته شدن در معادلات بین‌المللی ابزاری جز تکیه بر شبه‌نظامیان نیابتی و یا توان پهبادی و موشکی و گرونگیری و باج‌خواهی ندارد. استفاده دائمی از این ابزار اما همزمان ضریب محاسبات اشتباه و احتمال درگیری‌ها را به شدت افزایش می‌دهد.

مثیر جاودانفر در ارتباط با احتمال گسترش جنگ به سایر کشورهای منطقه عنوان می‌کند «در حال حاضر جنگ بین حماس و اسرائیل بسیار شدید است اما جنگ با نیروهای حزب‌الله به آن شدت نیست و حملات حوثی‌ها نیز آغاز شده. اگر حزب‌الله حملات موشکی خود را تشدید کند حتماً جنگ بسیار گسترده‌تر خواهد شد که پای لبنان هم به میان کشیده می‌شود و بعید نیست اسرائیل به آنها در پایگاه‌های سپاه در سوریه و حتا در داخل ایران به تأسیسات و کارخانجات وابسته به سپاه پاسداران حمله کند.»

فراتر از همه اینها اعضای شورای امنیت سازمان ملل که مأموریت آنها کمک به صلح و جلوگیری از وقوع منازعات بین‌المللی است، هر کدام در یکطرف این جنگ قرار گرفته‌اند. این وضعیت می‌تواند تهدید مضاعف برای رژیم‌هایی باشد که بر دیوار لرزان این قدرت‌ها تکیه زده‌اند. چنانکه پشتیبانی تسلیحاتی جمهوری اسلامی از روسیه نیز می‌تواند یکی دیگر از محاسبات غلط باشد که زمینه‌ساز اقدام نظامی علیه ایران شود.

در هر حال، حتا اگر اکنون هم جنگ به مفهوم گسترده‌ی آن اتفاق نیفتد، شبح آن به تهایی نیز پیامدهای وخیم اقتصادی و روانی به ویژه برای مردم ایران دارد. هم‌اکنون در جنگ حماس و اسرائیل بورس ایران سقوط کرده و قیمت دلار افزایش یافته و نگرانی‌های مردم از آینده بیشتر شده است. آنهم در حالی که جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم ایران و منطقه سال‌هاست جریان دارد و همین دولت‌های قدرتمندی که امروز برای نحوه‌ی مقابله با جمهوری اسلامی «کاسه چه‌کنم» به دست گرفته‌اند، خودشان در پدید آمدن این وضعیت سهم مؤثر داشته‌اند.

حامد محمدی

## آزیر خطر به صدا در آمده

کشتار فجیع غیرنظامیان و گروگانگیری‌های بی‌سابقه و کودک‌دزدی به معنی عبور تروریست‌های حماس از خط قرمزها بود. آنها در عملیات «طوفان الاقصی» به سیم آخر زدند و دود آن به چشم مردم غزه می‌رود. اگرچه تأخیر در آغاز عملیات زمینی اسرائیل برای ورود به غزه پیش‌بینی آندسته تحلیلگران را که اعتقاد داشتند مقامات اسرائیلی نگران واکنش‌های جدی‌تر جمهوری اسلامی و شرکای منطقه‌ای سپاه پاسداران هستند تقویت می‌کرد اما در نهایت با پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی آمریکا این عملیات آغاز شد. بنابراین دور از ذهن نیست که جنگ در اَشکال مختلف ابعاد گسترده‌تر بگیرد و به سایر کشورها از جمله ایران برسد. این احتمال آنقدر جدیست که در داخل ایران نیز مطرح شده است.



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید «هیچگاه در تاریخ به این اندازه ایران و آمریکا به یک جنگ و درگیری نظامی نزدیک نبوده‌اند.»

این استدلال که کشورها به دلیل «بحران‌های اقتصادی» یا ترس از پیامدهای اقتصادی درگیری جنگ نمی‌شوند یک نگاه عمومی است که در تاریخ معاصر بارها نقض شده است. ارمنستان و جمهوری آذربایجان در شرایطی درگیر جنگ قره‌باغ هستند که شرایط اقتصادی مطلوبی ندارند. جنگ دوم روسیه علیه اوکراین درست در شرایطی اتفاق افتاد که روسیه درگیر رکود اقتصادی پس از پایان پاندمی کرونا بود. مداخله نظامی ائتلاف غرب در لیبی در سال ۲۰۱۱ در شرایطی بود که دولت‌های اروپایی و آمریکا با بحران شدید اقتصادی روبرو بودند. بنابراین برای توضیح اینکه احتمال وقوع جنگ زیاد نیست باید به سراغ سایر عوامل بازدارنده رفت.

## عوامل محرک جنگ کم نیست

تحلیلگران اغلب معتقدند آمریکا و اروپا نمی‌خواهند موازی با بحران اوکراین درگیر یک جبهه دوم در خاورمیانه شوند و درگیر شدن ناتو در خاورمیانه در حمایت از اسرائیل هدیه به روسیه خواهد بود. با توجه به نفوذ گسترده روس‌ها بر سیاست‌های جمهوری اسلامی به ویژه بر نهادهای نظامی نمی‌شود تحریک رژیم ایران توسط مسکو را نادیده گرفت. در ایران جریان‌های شیعی ضدیهودی قدرتمندی فعال

این رأی در نقطه مقابل سیاست و ایدئولوژی جمهوری اسلامی قرار دارد که در پی «محو اسرائیل» و «آزادی قدس» است.

برخی تحلیلگران این اقدام جمهوری اسلامی را به حساب یک «نرمش قهرمانانه» دیگر از سوی علی‌خانم‌های گذاشته و استدلال می‌کنند که نظام بنا بر مصلحت عقب‌نشینی کرده است. برخی دیگر آن را در منگنه قرار گرفتن جمهوری اسلامی تفسیر می‌کنند. مثیر جاودانفر تحلیلگر مسائل اسرائیل به کیهان لندن می‌گوید: «جمهوری اسلامی دید که اکثر کشورهای جهان با این قطعنامه موافقت کردند و اگر رأی منفی می‌داد به ضررش تمام می‌شد. پس حاضر شد بهای بند ۱۳ را که به رسمیت شناختن اسرائیل بود بپردازد. اما در این قطعنامه حماس محکوم نشد و این خیلی به نفع جمهوری اسلامی بود.»

برخی تحلیلگران معتقدند حماس با تکیه بر پشتیبانی جمهوری اسلامی دست به این عملیات تروریستی و به شدت خطرناک زده اما رژیم ایران نه تنها وارد عمل و یا حمایت‌های آشکارتر نشده بلکه با وجود حمایت لفظی از عملیات مرگبار حماس مرتب از نقش داشتن در آن اعلام برائت می‌کند.

موضوع عقب‌نشینی جمهوری اسلامی وقتی جدی شد که روزنامه کویتی «السیاسه»، روز ۱۹ اکتبر، به نقل از احمد عبدالهادی نماینده حماس در لبنان در مصاحبه‌اش با «نیوزویک» نوشت، «ما در بالاترین سطوح قبل، حین و بعد از حمله به اسرائیل با حزب‌الله و ایران هماهنگ بودیم اما در معرض خیانت آشکار و وعده‌های دروغین ایران قرار گرفته‌ایم.»

با کنار هم قرار دادن این شواهد چند پرسش مطرح می‌شود: آیا جمهوری اسلامی واقعا عقب‌نشینی کرده؟ آیا این موضوع علامت تضاد و اختلاف در رده‌های بالای حکومت است؟ چرا حزب‌الله لبنان با تمام قوا وارد جنگ نشد؟ «لشکر امام زمان» که مأموریت آن «آزادی قدس» است پشت درهای کدام پادگان گیر کرد؟! آیا جمهوری اسلامی گروه‌های جهادی را بازبچه منافع خود قرار داده؟ منظور خالد مشعل از فرماندهان ارشد حماس که در نخستین روزهای جنگ در مصاحبه با شبکه «الحدث» گفت از ایران و حزب‌الله «درخواست حمایت بیشتری داریم» چه بود؟ آیا حکومت براساس مصلحت خود از «آرمان‌های فلسطین» عقب‌نشینی کرده است؟

## تلفات در غزه برای حکومت بی‌اهمیت است

بر اساس ادعای حماس دست‌کم هفت هزار نفر در غزه طی سه هفته کشته شدند. تأیید یا رد این آمار به صورت مستقل ممکن نیست اما هر تعدادی که باشد به نظر می‌رسد برای مقامات جمهوری اسلامی اهمیتی ندارد. از نگاه آنها هیچ عاملی نباید ضربه‌ای را که اسرائیل از «جریان مقاومت» خورده در سایه قرار دهد. بر همین اساس است که محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی گفته «اگر حتی یک سال بمباران غزه ادامه یابد و همه مردم غزه شهید شوند باز هم شکست‌خورده قطعی صهیونیست‌ها هستند.»

روزنامه کیهان چاپ تهران (ارگان بیت رهبری) نیز هشتم آبان از زبان خوانندگانش نوشت «دشمنی ایران با اسرائیل صرفاً به خاطر مردم فلسطین نیست. اگر بر فرض محال همه فلسطینیان طرفدار اسرائیل بشوند، بازهم جمهوری اسلامی با اسرائیل دشمن خواهد بود.» اینهمه بیانگر آنست که اولویت جمهوری اسلامی ضربه‌ای است که به اسرائیل وارد آمده و نه مردم غزه و فلسطین!

# شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «فاکس نیوز»: تا وقتی جمهوری اسلامی هست، راهکار «دو کشور» اسرائیل و فلسطین ممکن نیست!

در وزارت خارجه کمک می‌کنم. آنها به ایده نیاز دارند. پاسخ: منظوم این است که یک حمایت با فشار حداکثری وجود داشت و همانطور که گفتم اگر این فشار واقعا اعمال بشود، و ضمناً اگر متحدان اروپایی شما نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف قرار داده و آن را به عنوان سازمان تروریستی اعلام کنند، آنوقت این یک فشار مضاعف بر رژیم خواهد بود و این تلاش‌ها را حتا بیشتر کاهش خواهد داد. به موازات فشار حداکثری می‌بایست یک کارزار حمایت حداکثری [از مردم] هم وجود داشته باشد. این یعنی مردم ایران در موقعیتی قرار بگیرند که بتوانند در سیاست داخلی فشار وارد کنند تا رژیم سرانجام فلج شده و به سوی فروپاشی سوق داده شود. این حمایت بیشتر به معنی کمک‌های تکنولوژیک، یاری‌های مالی برای اعتصاب و موارد مشابه است. این موضوع قبلاً هم اتفاق افتاده. یک نمونه در این زمینه جنبش همبستگی در لهستان در پایان جنگ سرد است.

**پرسش: یک ایرانی متوسط در تهران درباره رژیم و رفتار چه فکر می‌کند؟**

پاسخ: این فکر که ما از ۴۴ سال پیش توسط گروهی عمدتاً اشغال شده‌ایم که از نظر ایدئولوژیک، موجودیت مردم خود اصلاً برایشان اهمیتی ندارد بلکه فقط به فکر این هستند که ایدئولوژی خودشان را به خارج از مرزها صادر کنند و یک خلافت شعبه به وجود بیاورند که بر منطقه و بقیه جهان حاکم شود. ارتباطات این کارزارها و یا تأمین مالی همه این نیابتی‌ها به هزینه مردم ایران انجام می‌شود. در حالی که مردم ایران آزادی می‌خواهند؛ ایرانیان آزادی می‌خواهند؛ ایرانیان با شهروندان دموکراسی‌ها و کشورهای غربی و دیگر کشورهای جهان بسیاری ارزش‌های مشترک دارند. از آنجا که ما به حقوق بشر باور داریم، به برابری نیز باور داریم. ما معتقدیم که پایان دادن به هرگونه تبعیض اعم از ایدئولوژیک و مذهبی و جنسیتی کاملاً خلاف آنچیز است که رژیم نمایندگی می‌کند. این رژیم خواست و دیدگاه‌های هم‌میهنان مرا نمایندگی نمی‌کند.

**پرسش: وقتی به این رژیم و نیروهای نیابتی آن که به سوی ما شلیک می‌کنند نگاه می‌کنید، آیا آنها به دنبال جنگ با ایالات متحده هستند چون ما می‌دانیم چه کسانی اسلحه به دست آنان می‌رساند؟**

پاسخ: به نظر من رژیم در ایران تلاش کرده در آنچه که به یک صلح مشروع در منطقه می‌تواند بیانجامد خرابکاری کند آنهم با نیروهای شیطانی که از طریق ترور می‌جنگند چه علیه مردم خودمان و چه اسرائیل و یا دیگر ملت‌های منطقه. آنها متعهد به صلح نیستند؛ آنها صلح نمی‌خواهند. و تنها راه برقراری صلح اینست که راهکار دو کشور را ممکن ساخت. اما این تنها زمانی رخ خواهد داد که این نیابتی‌ها و همه آنها به سعه در خرابکاری در روند صلح داشتند دیگر وجود نداشته باشند. بنابراین شما باید مشکل را یکبار برای همیشه از میان بردارید. شما می‌توانید سربازان و افراد حماس را بکشید؛ اما نمی‌توانید یک ایدئولوژی را بکشید. شما در نهایت باید آن ایدئولوژی را شکست بدهید که باعث این نوع اعمال و رفتار از سوی برخی می‌شود.



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با فاکس نیوز / سه‌شنبه ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳

بود. این یعنی چه؟ یعنی مردم ایران خیلی خوب می‌دانند که آنچه رژیم نمایندگی می‌کند و به دنبال آنست، با تلاش برای پذیرفته شدن در جامعه جهانی هیچ ربطی ندارد بلکه موضوع بیشتر بر سر اینست که تا آنجا پیش برود که ببیند آیا نقطه ضعفی هست که بتواند استفاده کند یا نه. که به نظر می‌رسد چنین نیز هست. رژیم هربار گستاخ‌تر می‌شود وقتی می‌بیند که غرب تعلل می‌کند و یا فشار لازم را که بایست بیاورد تا آن را مهار کند، وارد نمی‌آورد. اما در نهایت برای نقطه پایان گذاشتن بر این مشکل می‌بایست این رژیم را یکبار برای همیشه از میان برداشت. وگرنه هربار موضوع در معرض خطر قرار می‌گیرد.

**پرسش: به نظر می‌رسد الان نیز آنها همین کار را انجام می‌دهند. اما رئیس جمهور ما خیلی صریح بوده. او گفت: «نکنید!» تمام چیزی که گفت این بود: نکنید! نباید گفته می‌شد نکنید وگرنه جهنمی به پا می‌شود که تاوانش را باید پرداخت؟**

پاسخ: به نظر من حرف که فقط حرف است اما عمل است که نتیجه را تعیین می‌کند. در حال حاضر این وضعیت را داریم که انگار یک سیستم مالی هست که وقتی کسی گروگان می‌گیرد، پاداش می‌گیرد و پول به دست می‌آورد! شما تحریم‌ها را تقویت کردید اما مثل تحریم‌های قبلی اجرا نکردید. من به این نمی‌گویم فشار! می‌دانید، مثل اینست که به آنها می‌گویید بچه‌های خوبی باشید و به کسی آسیب نزنید! آیا پیام [این سیاست] این است؟ به نظر من، بله.

**پرسش: به نظر شما فشار چطوری باید باشد؟ من به افراد**

● شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «فاکس نیوز» درباره تشدید حملات ایذایی گروه‌های نیابتی وابسته به رژیم ایران در منطقه علیه نیروهای آمریکایی و شهروندان اسرائیل گفت یکی از شعارهایی که در خیابان خیلی شنیده شد «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» بود. این شعار یعنی مردم ایران به خوبی می‌دانند آنچه امروز رژیم نمایندگی می‌کند و خواستار آن است، ربطی به آرزوهای آنها ندارد.

● «رژیم هربار گستاخ‌تر می‌شود وقتی می‌بیند که غرب تعلل می‌کند و یا فشار لازم را که بایست بیاورد تا آن را مهار کند، وارد نمی‌آورد. اما در نهایت برای نقطه پایان گذاشتن بر این مشکل می‌بایست این رژیم را یکبار برای همیشه از میان برداشت. وگرنه هربار موضوع در معرض خطر قرار می‌گیرد.»

● «به موازات فشار حداکثری می‌بایست یک کارزار حمایت حداکثری [از مردم] هم وجود داشته باشد. این یعنی مردم ایران در موقعیتی قرار بگیرند که بتوانند در سیاست داخلی فشار وارد کنند تا رژیم سرانجام فلج شده و به سوی فروپاشی سوق داده شود.»

با تشدید حملات موشکی و پهپادی شبه نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی به مواضع آمریکا در سوریه و عراق همزمان با حمله حماس به اسرائیل، شبکه «فاکس نیوز» سه‌شنبه ۹ آبان در گفتگویی با شاهزاده رضا پهلوی به درگیری‌های خاورمیانه و جنگ گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل و نقش مخرب جمهوری اسلامی و نیابتی‌های آن در روند صلح منطقه پرداخت.

وی همچنین در همین روز در گفتگو با تلویزیون لهستانی «تی‌وی پی ورلد» که عمدتاً رویدادهای اروپای شرقی و میانه را پوشش می‌دهد در ارتباط با مسائل خاورمیانه بر نقش مخرب جمهوری اسلامی و لزوم حمایت از مردم ایران تأکید کرد. شاهزاده در گفتگو با این شبکه نیز بار دیگر یادآوری نمود که ایرانیان دشمن اسرائیل نیستند و این جمهوری اسلامی است که «بدرخوانده تروریسم» و حامی گروه‌هایی مانند حماس در فلسطین و حزب‌الله در لبنان است. «تی‌وی پی ورلد» درباره نقش رضا پهلوی می‌گوید «وی که مانند بسیاری از هم‌میهنانش در تبعید زندگی می‌کند، در خط مقدم دفاع از تغییر در کشورش به سود مردم ایستاده است.»

در ادامه متن پرسش و پاسخ «فاکس نیوز» با شاهزاده رضا پهلوی را که توسط کیهان لندن ترجمه شده می‌خوانید.

**پرسش: [رژیم] ایران چه می‌کند؟ منظورشان از خط قرمز چیست؟ منظوم اینست که آنها مپاران می‌کنند. از قرار معلوم نیابتی‌هایش هر روز در منطقه به سوی نیروهای ما شلیک می‌کنند.**

پاسخ: دقیقاً از اول همینطور بوده. موضع این رژیم شامل سرکوب در داخل و تهاجم در خارج می‌شده و آشکارا نیابتی‌هایی مانند حزب‌الله در لبنان و حماس در نوار غزه را به خدمت می‌گرفته است. این رژیم تا این اندازه از جایی که مردم ایران که از همه بیشتر آسیب دیده‌اند فاصله دارد. شعار ایرانی‌ها در خیابان «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران»

# پیام شاهزاده رضا پهلوی و سخنان بانو یاسمین پهلوی در نخستین کنگره «حزب ایران نوین»



پرداخت. وی با بیان اینکه «بسیار خوشحالم که امروز در نخستین کنگره حزب شما حضور دارم» یادآوری کرد که «ایران نوین یادآور حزبی است که شصت سال پیش در ایران به دست جوانان تحصیلکرده ایرانیان از کانون مترقی تأسیس شد. حالا پس از شصت سال شما حزبی به همان نام ایران نوین تأسیس کرده‌اید.»

بانو یاسمین افزود: «کسانی می‌توانند ایران را بسازند که ایران را دوست داشته باشند. این یک اصل مهم و ساده‌ایست. اما برای رسیدن به این هدف نیازمند پس گرفتن ایران از ارتجاع سیاه هستیم.»

وی سپس توصیه‌هایی را برای برقراری ارتباط بیشتر گروه‌ها و احزاب آزادیخواه و ایرانیان با جامعه میزبان و دولت‌ها و رسانه‌ها و نیز نسل‌های دوم و سوم ایرانیان مهاجر مطرح کرد. بانو یاسمین همچنین بر لزوم تداوم فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و یاری به همه ایرانیانی که در مبارزه با رژیم فعال هستند و در این راه آسیب می‌بینند تأکید کرد. وی به اهمیت همکاری گروه‌ها اشاره کرد و گفت: «در حزب ایران نوین تلاش کنید پیشگام همکاری با دیگر گروه‌ها و احزاب ایرانیان باشید. اختلاف نظر و سلیقه سیاسی بین ایرانیان نه تنها طبیعی بلکه لازم است اما آنچه ضروریست پایبندی بر اصول ملی و میهنی و بر این اساس دایره بزرگی از همکاری شکل خواهد گرفت.»

بانو یاسمین پهلوی در پایان با تأکید بر اینکه «پشتکار شرط موفقیت است» افزود: «شما دوستان حزب ایران نوین تا زمانی که در خط میهن‌پرستی و آزادیخواهی هستید و با ملت ایران شفاف و صادقانه، من را هم یکی از پشتیبانان خود حساب کنید. شما می‌توانید مصداق سخنان پادشاه فقید ما در آرامگاه کوروش بزرگ باشید: سر‌بازان همیشه بیدار برای پیشبرد مبارزه ملی و پاسداری از آن در مقابل بدخواهی‌ها.»

یکی از بنیانگذاران شبکه «فرشگرد» خوانده شد به شرح زیر است:

«دوستان گرامی،

برگزاری نخستین کنگره حزب ایران نوین را به شما شادباش می‌گویم. امیدوارم بتوانید چنانکه شایسته این نام و تاریخ پشت آن است عمل کنید و منشأ خدمات بزرگ شوید. کارآیی و کارآمدی یک نظم سیاسی دموکراتیک وابسته به وجود احزاب توانمند و دموکراتیک، فرهنگ دموکراتیک در میان مردم، و پدیدار شدن زیرساخت‌های قانونی و اقتصادی است که قوام‌بخش دموکراسی باشند.

توصیه همیشگی من به همه جریان‌های سیاسی ملی و دموکراسی‌خواه از چپ و راست این بوده و هست که از همین اکنون احزاب سیاسی خود را بسازند و فعالیت تشکلاتی را تمرین کنند. چرا که با تشکل و سازمان‌هاست که می‌توان به سرنگونی جمهوری اسلامی کمک موثرتری کرد و این احزاب سیاسی هستند که در فرای سقوط جمهوری اسلامی باید دست به کار شکل‌شان در زیرساخت‌های سیاسی و حقوقی کشور شوند.

در این مسیر، منافع ملی ایران، دفاع از تمامیت ارضی کشور، فعالیت برای گذار به دموکراسی مبتنی بر حقوق بشر، و احترام به رای مردم به عنوان داور نهایی میان همه گروه‌های سیاسی را چراغ راه خود قرار دهید.

از اینکه کار سیاسی را بیش از پیش جدی گرفته‌اید خوشحالم و برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم.

پاینده ایران  
رضا پهلوی

بانو یاسمین پهلوی با حضور در این کنگره در سخنانی به بیان نظرات خود و همچنین پشتیبانی از این تشکلات تا زمانی که «در خط میهن‌پرستی و آزادی» فعالیت کند

● «حزب ایران نوین» ده ماه پس از اعلام موجودیت خود از درون «شبکه فرشگرد» حزب اقدام به برگزاری نخستین کنگره خود نموده که در نخستین روز آن، جمعه ۵ آبان، پیام شاهزاده رضا پهلوی خوانده شد و همچنین بانو یاسمین پهلوی با حضور خود در این کنگره به طرح نکاتی در حمایت از فعالیت احزاب میهن‌دوست برای آزادی و آبادی ایران پرداخت.

● شاهزاده رضا پهلوی: «منافع ملی ایران، دفاع از تمامیت ارضی کشور، فعالیت برای گذار به دموکراسی مبتنی بر حقوق بشر، و احترام به رای مردم به عنوان داور نهایی میان همه گروه‌های سیاسی را چراغ راه خود قرار دهید.»

● بانو یاسمین پهلوی: «در حزب ایران نوین تلاش کنید پیشگام همکاری با دیگر گروه‌ها و احزاب ایرانیان باشید. اختلاف نظر و سلیقه سیاسی بین ایرانیان نه تنها طبیعی بلکه لازم است اما آنچه ضروریست پایبندی بر اصول ملی و میهنی و بر این اساس دایره بزرگی از همکاری شکل خواهد گرفت.»

نخستین کنگره «حزب ایران نوین» پنجشنبه و ششم آبان ۱۴۰۲ در بروکسل برگزار می‌شود. این حزب در دی‌ماه ۱۴۰۱ در ادامه فعالیت‌های شبکه «فرشگرد» که در شهریور ۱۳۹۷ شروع به فعالیت کرده بود، اعلام موجودیت کرد.

«فرشگرد» در بیانیه‌ای که به همین مناسبت با عنوان «آغاز مرحله‌ای دیگر از کنشگری در چارچوب حزب ایران نوین» منتشر کرد، نوشت: «در شهریور ۱۳۹۷ و تنها به فاصله چند ماه از نقطه عطف انقلاب ملی ایران در دی‌ماه ۱۳۹۶، در بیانیه اعلام موجودیت شبکه فرشگرد تأکید کرده بودیم که ما آمده‌ایم که به «توطئه سکوت» علیه براندازان پایان دهیم... و اکنون با کمال مسرت شاهد هستیم که بر این توطئه سکوت، مهر ابطال نهاده شده است. در آذر ۱۴۰۱ موج بزرگ پذیرش کفالت سیاسی مبارزان زندانی در ایران، پارلمان‌های اروپایی را در نوردیده است و در اقدامی بی‌سابقه، ۱۸۳ نماینده پارلمان اتریش، کفالت سیاسی ۱۸۳ مبارز زندانی در ایران را بر عهده گرفته‌اند. کار به حمایت‌های حقوق بشری متوقف نمانده است و شاهد آن هستیم که نمایندگان پارلمان‌های اروپایی صراحتاً از ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی سخن می‌گویند.»

این حزب «یکپارچگی ملی و سرزمینی کشور، تضمین آزادی‌های بنیادین ملت، و ضرورت استقرار یک نظم سکولار-دموکراتیک بر پایه فرمانده تعیین نوع نظام» را «اصولی فراجزبی و فرامسلسلی» اعلام کرده که نباید «بر سر مطلوبیت آن و تضمین آن در قانون اساسی جایگزین، هیچگونه تعارفی با هیچ جریانی» صورت بگیرد و از همین رو «دفاع از این اصول را در قالب کار حزبی و در قالب حزب ایران نوین شدنی‌تر» می‌داند.

اکنون، ده ماه بعد، این حزب اقدام به برگزاری نخستین کنگره خود نموده که در نخستین روز آن، جمعه ۵ آبان، پیام شاهزاده رضا پهلوی خوانده شد و همچنین بانو یاسمین پهلوی با حضور خود در این کنگره به طرح نکاتی در حمایت از فعالیت احزاب میهن‌دوست برای آزادی و آبادی ایران پرداخت.

متن پیام شاهزاده رضا پهلوی که توسط امیرحسین اعتمادی

## اعلام رسمی «درگذشت» آرمیتا گراوند؛

## آرمیتا نه نخستین و نه آخرین قربانی تحمیل مقررات ضدانسانی است!

● خبرگزاری دولتی «ایرنا» اعلام کرد که آرمیتا گراوند صبح روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲ و پس از ۲۸ روز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان نظامی «فجر» تهران درگذشت.

● این دختر نوجوان ۱۶ ساله نهم مهرماه بر اثر حمله و هل داده شدن توسط یک آمر به معروف حجاب در مترو تهران دچار ضربه مغزی شد و به کما رفت.

● پس از بستری شدن آرمیتا گراوند نهادهای امنیتی حکومت همه تلاش خود را برای انتشار هر خبر موثقی از وضعیت آرمیتا در بیمارستان به کار گرفتند.

خبرگزاری دولت جمهوری اسلامی ساعتی پیش مرگ آرمیتا گراوند دختر دانش‌آموز ۱۶ ساله را اعلام کرد. آرمیتا گراوند نهم مهرماه امسال در مترو تهران بر اثر حمله یک نیروی امر به معروف به کما رفته بود.

آرمیتا گراوند دختر نوجوان ۱۶ ساله که نهم مهرماه بر اثر حمله و هل داده شدن توسط یک مأمور آمر به معروف حجاب در مترو تهران دچار ضربه مغزی شد و به کما رفت، صبح روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲ پس از ۲۸ روز بستری بودن در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان نظامی «فجر» تهران درگذشت.

خبرگزاری «ایرنا» با اعلام خبر درگذشت آرمیتا گراوند ادعا کرده که «آرمیتا گراوند دختر دانش‌آموز تهرانی که اوایل مهر امسال هنگام عزیمت به مدرسه در ایستگاه مترو میدان شهدا دچار افت فشار و بیهوشی شده بود، پس از به ثمر نشستنت معالجات گسترده پزشکی و ۲۸ روز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه درگذشت.»

«ایرنا» مدعی شده «بر اساس نظریه رسمی پزشکان آرمیتا گراوند پس از افت ناگهانی فشار خون، دچار سقوط، ضربه به مغز و به دنبال آن تشنج مداوم، کاهش اکسیژن‌رسانی مغزی و ادم مغزی شده است.»

در تصاویری که خبرگزاری «ایرنا» منتشر کرد، آرمیتا حدود ساعت ۷ بی‌آنکه مقنعه به سر داشته باشد به همراه دوستانش در ایستگاه شهدا مترو تهران دچار «حادثه» شد و از آن زمان در یک بیمارستان نظامی در پایتخت بستری شد. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۷ مهرماه در حاشیه نشست با استانداران مدعی شد حادثه پیش آمده برای آرمیتا گراوند «کاملاً روشن و شفاف است» و «این اتفاق، حادثه‌ای است که امکان دارد هر روز و در هر نقطه‌ای از کشور رخ دهد!»

وزیر کشور جمهوری اسلامی با انکار برخورد فیزیکی آمران به معروف در مترو که از عنوان رسمی و شمایل «حجاب‌بان» برای آنها استفاده می‌شود با این دانش‌آموز نوجوان به خبرنگاران گفت: «دشمنان و افرادی که نمی‌خواهند آرامش روحی و روانی برای مردم وجود داشته باشد، به خصوص شکست‌خوردگانی که تلاش کردند کشور را به آشوب بکشاند و از ملت تو دهنی خوردند، قصد داشتند هر حادثه‌ای که ممکن است در کشور اتفاق بیفتد را به یک ماجرا تبدیل کرده و به نفع خودشان سوء استفاده کنند.»

سردار وحیدی با اشاره به اینکه «دشمنان در مورد این دخترخانم جوان تلاش‌هایی برای بهره‌برداری به نفع خود انجام دادند» ادعا کرد «به دشمنان اعتنا نشد و ملت ما به دروغ‌گویی‌ها و ساختن داستان‌هایی برای التیام درد



ملاقات فرزندشان با محدودیت جدی از سوی نهادهای امنیتی روبرو بوده‌اند. برخی منابع خبر دادند که پدر آرمیتا کارگر ساختمانی است و یک دختر بزرگتر نیز دارد. خواهر بزرگتر آرمیتا تا زمانی که این خبرها منتشر می‌شد اجازه دیدار با او در بیمارستان را پیدا نکرده بود.

روزنامه «فراز» پیشتر در گفتگو با پدر آرمیتا به نقل از وی نوشت که «چند روزی است از آرمیتا خبر ندارم». اگرچه سردبیر روزنامه «فراز» به فاصله کوتاهی، در صفحه ایکس خود بدون اینکه بگوید کجای این گفتگو اشتباه بوده با اشاره به اینکه «اشتباهی بزرگ رخ داد و منجر به اطلاع‌رسانی غلط شد» این خبر را تکذیب و حذف کرد.

پدر آرمیتا گراوند به این روزنامه آنلاین گفته بود: «حقیقتاً من اطلاع چندانی از وضعیت آرمیتا ندارم. در بیمارستان نیستم. سر کارم. چند روزی است که از آرمیتا خبری ندارم.» وی در پاسخ به خبرنگار «فراز» که وضعیت آرمیتا در حال حاضر چطور است، گفته بود: «من در جریان نیستم. تا جایی که خبر دارم در کما هست. فقط همین را می‌دانم.» سه هفته پیش یک منبع آگاه که در بیمارستان «فجر» متعلق به ارتش جمهوری اسلامی واقع در خیابان «پیروزی» (فرح‌آباد) شاغل بود به «کیهان لندن» گفته بود که «هیچکس حق ندارد با خود به داخل بخش ای‌سی‌یو بیمارستان فجر تلفن همراه ببرد و تنها کادر درمان اجازه دارند با نظارت نیروهای امنیتی آرمیتا گراوند را ببینند. همان روز اول که آرمیتا به بیمارستان فجر منتقل و جو بیمارستان به شدت امنیتی شد همه کارکنان بیمارستان که در تلفن همراه خود اپ توئیتر داشتند این اپ را از روی تلفن خود حذف کردند چون نیروهای امنیتی بیش از بقیه اپ‌ها بر روی توئیتر حساس هستند، البته نت بیمارستان و اطراف آن کاملاً قطع است. پس از بستری شدن آرمیتا در این بیمارستان، در خیابان‌های منتهی به بیمارستان فجر، بلافاصله نیروهای امنیتی مستقر شدند.»

این منبع آگاه افزوده بود که «از سه شب پیش خط‌ها خیلی مشکل داشت. از دیشب وای‌فای خانگی مبین‌نت کار نمی‌کند و به زور با نت بسته‌ای راه می‌رود. سرعت خیلی پایین است.»

شکست‌های آنها عادت کرده‌اند... دشمنان بعد از هر ماجرای به جای همدردی با خانواده‌های این افراد، آنها را وجه مصالحه سوءاستفاده‌های خودشان قرار می‌دهند که بسیار زشت و زنده است.»

یک هفته پس از بستری شدن آرمیتا در بیمارستان، علیرضا زاکانی شهردار تهران که نامش به علت دخالت در سرکوب اعتراضات در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار دارد در جمع خبرنگاران درباره انتشار فیلم دوربین‌های داخل واگن مترو گفت: «در واگن‌های مترو و اتوبوس دوربین وجود ندارد. در داخل ایستگاه‌های مترو دوربین مداربسته قرار دارد، ولی داخل واگن‌ها و کابین‌ها دوربینی نیست.»

برخلاف روایت‌سازی رسانه‌های حکومتی در ایران، آرمیتا گراوند، دختر نوجوان ۱۶ ساله، صبح روز نهم مهر ۱۴۰۲، هنگام حرکت به سمت مدرسه، در ایستگاه مترو میدان شهدای تهران، به دلیل نپوشیدن مقنعه و رعایت نکردن حجاب اجباری حکومتی، در داخل واگن، مورد حمله یک نیروی «آمر به معروف» قرار گرفت و با هل دادن او، سرش به لبه در خروجی قطار برخورد کرد و پس از بیهوشی به کما رفت.

بعد از بستری شدن آرمیتا گراوند، نهادهای امنیتی حکومت همه تلاش خود را برای انتشار هر خبر موثقی از وضعیت آرمیتا در بیمارستان به کار گرفتند. ولی آرمیتا نه نخستین و نه آخرین قربانی مقررات حجاب اجباری و همچنین سرکوب‌های خشن جمهوری اسلامی است. سال گذشته پس از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی، در چنین روزهایی شهروندان جوان ایران به خاطر آزادی و تن ندادن به مقررات ضدانسانی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده می‌شدند.

خبرگزاری‌های حکومت در گفتگو با خانواده و دوستان آرمیتا گراوند تلاش کردند موضوع را یک حادثه قلمداد کرده و به وضعیت سلامتی آرمیتا گراوند نسبت دهند بدون آنکه بتوانند توضیح دهند پس اینهمه اقدامات امنیتی و محدودیت خانواده و کادر درمان در بیمارستان برای چیست!

گزارش‌ها حاکی از آن بود که مادر و پدر آرمیتا نیز برای





باشد، به خصوص شکست خوردگانی که تلاش کردند کشور را به آشوب بکشانند و از ملت تو دهنی خوردند، قصد داشتند هر حادثه‌ای که ممکن است در کشور اتفاق بیفتد را به یک ماجرا تبدیل کرده و به نفع خودشان سوء استفاده کنند.»

سردار وحیدی با اشاره به اینکه «دشمنان در مورد این دخترخانم جوان تلاش‌هایی برای بهره‌برداری به نفع خود



انجام دادند» ادعا کرد «به دشمنان اعتنا نشد و ملت ما به دروغ‌گویی‌ها و ساختن داستان‌هایی برای التیام درد شکست‌های آنها عادت کرده‌اند... دشمنان بعد از هر ماجرای به جای همدردی با خانواده‌های این افراد، آنها را وجه مصالحه سوءاستفاده‌های خودشان قرار می‌دهند که بسیار زشت و زننده است.»

این در حالیست که نه تنها افکار عمومی سناریوسازی دروغین جمهوری اسلامی را باور نکرده بلکه برخی در میان مقامات حکومت نیز نسبت به آنچه برای آرمتا رخ داده تردید نشان دادند. نزدیک به یک ماه پس از به کما رفتن آرمتا، احمد علی‌رضاییگی عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه سوم آبان گفته بود که «وظیفه کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهاست که به این موضوع [قتل حکومتی آرمتا] ورود و از وزیر کشور سوال کند، اما مجلس درگیر لایحه برنامه هفتم است.» احمد علی‌رضاییگی وعده داده بود که «به زودی» مجلس به وضعیت این دختر نوجوان رسیدگی می‌کند.

جمهوری اسلامی در حالی مدعی «افت فشار» و بیماری آرمتا شده که او پیش از آنکه توسط حجاب‌بان مورد حمله قرار بگیرد از سلامت کامل جسمانی و روانی برخوردار بود و بر اساس اطلاعات منتشر شده در وبسایت «هه نگاه» این دختر نوجوان دارای کمربند «دان سه» ورزش رزمی تکواندو بود و به عنوان عضو تیم «آناهید رزم» تهران نیز به تازگی کمربند «پوم یک» را کسب کرده بود.

قتل حکومتی آرمتا گراوند که یادآور جان باختن مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ است، با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شده است.

شاهزاده رضا پهلوی با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی «ایکس» یادآور شده «تا زمانی که پیروز نشویم آنها ما را خواهند کشت» و افزوده است: «آنها که آرمتا را کشتند، همان‌ها هستند که مهسا را کشتند، همان‌ها که مجیدرضا را کشتند، همان‌ها که ۱۵۰۰ جاویدنام آبان ۹۸ را کشتند، همان‌ها که جاویدنامان دی ۹۶ را کشتند، همان‌ها که ندا آقاسلطان را کشتند، همان‌ها که فریدون فرخزاد را کشتند، همان‌ها که شهریار شفیق را کشتند، همان‌ها که

نکردن حجاب اجباری حکومتی، در داخل واکن، مورد حمله یک نیروی «آمر به معروف» قرار گرفت و با هل دادن او، سرش به لبه در خروجی قطار برخورد کرد و پس از بیهوشی به کما رفت.

این دختر نوجوان صبح روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲ پس از ۲۸ روز بستری بودن در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان

نظامی «فجر» تهران درگذشت.

جمهوری اسلامی ایران، در تمام مدت ۲۸ روز گذشته با مدیریت اخبار منتشر شده درباره آرمتا و جلوگیری از حضور روزنامه‌نگاران در بیمارستان و حتی جلوگیری از حضور خانواده آرمتا بر بالین او، ادعا کرده بودند این دختر نوجوان در مترو به ناگهان دچار افت فشار خون شده و بر اثر بیهوشی به کما رفته است.

نهادهای امنیتی در این سناریوسازی حتی تلاش کردند از همکلاسی‌ها و خانواده آرمتا نیز سوء استفاده کرده و آنها را وادار به تکرار روایت‌های نادرست حکومت کنند. گزارش‌هایی که بیشتر منتشر شده بود حکایت از زیر فشار شدید قرار داشتن مادر و پدر آرمتا داشت.

نیروهای «آمر به معروف» در متروها نیروهایی رسمی و سازمانیافته توسط شهرداری هستند که با عنوان «حجاب‌بان» استخدام شده و ماهانه ۱۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرند! یک هفته پس از بستری شدن آرمتا در بیمارستان، علی‌رضا زاکانی شهردار تهران که نامش به علت دخالت در سرکوب اعتراضات در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار دارد در جمع خبرنگاران درباره انتشار فیلم دوربین‌های داخل واگن مترو گفت: «در واگن‌های مترو و اتوبوس دوربین وجود ندارد. در داخل ایستگاه‌های مترو دوربین مداربسته قرار دارد، ولی داخل واگن‌ها و کابین‌ها دوربینی نیست.»

تلاش برای سناریوسازی درباره قتل حکومتی آرمتا گراوند تا آنجا پیش رفت که وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز در اینباره اظهارنظر کرد. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۷ مهرماه در حاشیه نشست با استانداران مدعی شد حادثه پیش آمده برای آرمتا گراوند «کاملاً روشن و شفاف است» و «این اتفاق، حادثه‌ای است که امکان دارد هر روز و در هر نقطه‌ای از کشور رخ دهد!»

وزیر کشور جمهوری اسلامی با انکار برخورد فیزیکی آمران به معروف در مترو که از عنوان رسمی و شمایل «حجاب‌بان» برای آنها استفاده می‌شود با این دانش‌آموز نوجوان ۱۶، خبرنگاران گفت: «دشمنان و افرادی که نمی‌خواهند آرامش روحی و روانی برای مردم وجود داشته

وبسایت «دیده‌بان ایران» نیز روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه اعلام کرد که با هنرستان «عروه‌الوثقی» محل تحصیل آرمتا گراوند تماس گرفته، اما آنها مایل به ارائه توضیحات درباره آرمتا نبودند و گفته‌اند «خانواده این دانش‌آموز دچار حاشیه خواهد شد.»

بنا بر این گزارش، معاونت آموزشی محل تحصیل آرمتا گراوند فقط عنوان کرده که «به ما گفته‌اند آرمتا گراوندی دچار ایست قلبی شده» است.

در همین حال، سازمان حقوق بشری هه‌نگاو اعلام کرده است که «نیروهای حراست آموزش و پرورش با همراهی تیمی از مأموران سرکوب جمهوری اسلامی در هنرستان عروه‌الوثقی حضور یافتند و دوستان آرمتا گراوند را تهدید کردند که هیچگونه اطلاع‌رسانی درباره او نداشته باشند و اگر عکسی از او به اشتراک بگذارند، به شدت با آنها برخورد خواهد شد.»

## پیکر آرمتا گراوند تحت تدابیر

### شدید امنیتی در «بهشت زهرا»

### به خاک سپرده شد؛ این گل

### پرپر شده، هدیه به میهن شده...

● با وجود حضور گسترده مأموران و تدابیر شدید امنیتی برای جلوگیری از حضور مردم در خاکسپاری آرمتا، شماری از شهروندان در این مراسم حاضر شده و شعارهایی چون «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده» سر دادند.

پیکر آرمتا گراوند نوجوان ۱۶ ساله که بر اثر حمله مأموران امر به معروف حجاب‌بان بخت، صبح امروز در «بهشت زهرا» تهران و تحت تدابیر شدید امنیتی به خاک سپرده شد.

مراسم خاکسپاری آرمتا گراوند دختر نوجوان جانباخته بر اثر حمله مأموران امر به معروف صبح امروز یکشنبه هفتم آبان ۱۴۰۲ در جَوّ امنیتی سنگین در «بهشت زهرا» تهران برگزار شد. با وجود حضور گسترده مأموران و تدابیر شدید امنیتی برای جلوگیری از حضور مردم در خاکسپاری آرمتا، شماری از شهروندان در این مراسم حاضر شدند.

بر اساس ویدئوها و گزارش‌های منتشر شده در این مراسم شعارهایی چون «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده» و «آرمتا، آرمتا، روحش شاد» سر داده شد و شماری از شهروندان نیز توسط مأموران حکومتی بازداشت و با ون به مکانی نامشخص منتقل شدند.

خانواده آرمتا گراوند که از زمان به کما رفتن دختر نوجوانشان زیر فشارهای شدید امنیتی قرار داشتند، از روز گذشته و همزمان با جان باختن آرمتا با فشارهای بیشتری روبرو هستند. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی این خانواده را مجبور کردند پیکر دخترشان را در «بهشت زهرا»ی تهران به خاک بسپارند. گزارش‌ها حاکی از آنست که خانواده آرمتا تصمیم داشتند پیکر دخترشان به کرمانشاه منتقل کنند.

سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو» گزارش داده نهاد‌های امنیتی با افزایش فشار بر خانواده آرمتا گراوند، اعلامیه‌های نصب شده در حوالی منزل خانواده‌اش در خیابان «پیروزی» تهران را از دیوارها برداشته و از نصب بنر در مقابل خانه جلوگیری کردند.

آرمتا گراوند، متولد ۱۳ فروردین ۱۳۸۵، صبح روز نهم مهر ۱۴۰۲، هنگام حرکت به سمت مدرسه، در ایستگاه مترو میدان «شهدا»ی تهران، به دلیل نپوشیدن مقنعه و رعایت

فرخرو پارسا را کشتند.

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه نوشته که «نبرد میان ما و آنها نبرد میان خیر و شر است و تا زمانی که پیروز نشویم آنها ما را خواهند کشت و عدالتی در کار نخواهد بود.»

علی کریمی، بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال ایران و از مخالفان جمهوری اسلامی نیز با انتشار تصویری از آرمنیا در «ایکس» و با اشتراک هشتگ «رژیم بچه کش آخوندی» نوشت: «ما نشستیم و تماشا کردیم.»

شماری از خانواده‌های دادخواه نیز که عزیزانشان توسط جمهوری اسلامی و در جریان اعتراضات به قتل رسیده در شبانه‌روز گذشته نسبت به قتل آرمنیا توسط حکومت واکنش نشان دادند.

کاملیا سجدیان مادر محمدحسن ترکمان از جانب‌باختگان جنبش ملی ۱۴۰۱ در صفحه اینستاگرام خود نوشته: «امروز مرگ هشتاد میلیون ایرانی را فریاد زد، این ما هستیم که از این دنیا رفته‌ایم و به جمع اموات پیوسته‌ایم، او زنده‌تر و ناظر تر از همیشه است.»

او در ادامه نوشت: «حالا برای داغ مادران این سرزمین باید خون گریست یا مادران فلسطین و غزه؟»

علی آدینه‌زاده برادر ابوالفضل آدینه‌زاده از نوجوانان کشته شده در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ نیز با انتشار تصویری از آرمنیا نوشته است: «چه می‌کنید با فرزندان این سرزمین؟ مگر نمی‌دانید خاک این سرزمین حاصلخیز است؟» شماری از مقامات دیگر کشورها نیز به قتل حکومتی آرمنیا واکنش نشان دادند. از جمله آنانا بریوک وزیر خارجه آلمان در «ایکس» نوشت: «آرمنیا گراوند فقط ۱۶ سال داشت و هنوز یک زندگی در انتظار او بود؛ وحشیگری رژیم، آینده را از او ربود. آینده ایران، جوانان آنند، آینده ایران زنان آنند و این رژیم نمی‌تواند آزادیخواهی آنها را سرکوب کند.»

نوربرت روتگن نماینده پارلمان آلمان نیز با هشتگ «انقلاب ایران» در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آرمنیا گراوند به دلیل نداشتن روسری به دست پلیس اخلاق تا حد مرگ مورد ضرب و جرح قرار گرفت. رژیمی که فقط با خشونت می‌تواند خود را حفظ کند آینده‌ای ندارد. آینده زنان و مردان جوان ایران‌اند که دیگر نمی‌ترسند.»

آبرام پیلی معاون فرستاده ویژه آمریکا در امور ایران صبح روز شنبه ششم آبان با انتشار پستی در رسانه اجتماعی «ایکس» اعلام کرد در سوگ از دست دادن آرمنیا است. وی نوشت: «خشونت مورد حمایت حکومت ایران علیه زنان و دختران، برای بسیاری از خانواده‌ها در داخل و خارج ایران ویرانگر بوده است.»

هانان نویم نماینده آلمان در پارلمان اروپا هم در پیامی در «ایکس» یادآور شده که «رژیم ایران می‌خواست زمانی که توجه جهانی در جای دیگری است مرگ او را اعلام کند، اما مطمئن باشد که باید جوابگو باشد». او افزوده «آرمنیا گراوند جان خود را از دست داد به این دلیل که برخی از حکومت‌های اسلامی فکر می‌کنند کتک زدن کودکان به دلیل بی‌حجابی تا رفتن به اغما ابراردی ندارد.»

تعدادی از هنرمندان و سینماگران از جمله هنگامه قاضیانی، تهیمینه میلانی، مریم بویانی و هانیه توسلی با انتشار مطالبی در شبکه‌های اجتماعی به جان باختن آرمنیا واکنش نشان داده و حکومت را زیر سوال بردند.

در شامگاه شنبه ششم آبان‌ماه نیز شماری از شهروندان در چند شهر ایران از جمله تهران، کرج و شیراز در واکنش به قتل حکومتی آرمنیا شعارهای شبانه سر دادند. در پایتخت مردم در چند نقطه شهر مانند شهرک اکباتان، سعادت‌آباد و چیتگر شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «می‌کشم، می‌کشم هر آنکه خواهرم کشت» و «مرگ بر حکومت بچه‌کش» سر دادند.

## آنتونی بلینکن: روسیه برای تأمین تسلیحات به سراغ ایران رفته؛ ایران هم تجهیزاتی از روسیه گرفته که تهدیدی علیه اسرائیل به شمار می‌رود



آنتونی بلینکن در جلسه استماع کمیته تخصیص بودجه سنا / عکس: رویترز

این بودجه تکمیلی همچنین امنیت سفارت ما را در اسرائیل افزایش می‌دهد.»

روسیه برای تأمین تسلیحات سراغ رژیم ایران رفته بلینکن در ادامه با تأکید بر ضرورت دریافت این بودجه برای پشتیبانی از اوکراین در مقابل تهاجم روسیه و همچنین با تأکید بر حق اسرائیل برای دفاع از امنیت و موجودیت خود اضافه کرد: «شرکای ما برای دستیابی به اهداف ما جهت تأمین امنیت به ما کمک می‌کنند. پشت کردن به تلاش‌های آنها پیامدهای ماندگاری برای امنیت و جایگاه ما در جهان خواهد داشت... درگیری‌ها در اوکراین و خاورمیانه ارتباطات روشنی دارند. از آنجا که ما راه‌های کمک‌رسانی به روسیه را با تحریم قطع کردیم... روسیه بیشتر و بیشتر برای کمک به [رژیم] ایران مراجعه می‌کند. در مقابل، مسکو فناوری نظامی پیشرفته‌تری را به [جمهوری اسلامی] ایران ارائه کرده که تهدیدی برای امنیت اسرائیل به شمار می‌رود. اجازه دادن به روسیه برای پیروز شدن با حمایت [جمهوری اسلامی] ایران به سادگی هم مسکو و هم [رژیم] ایران را گستاخ‌تر می‌کند.»

در حاشیه سخنانی بلینکن در جلسه استماع کنگره گروهی که گفته شد معترضان «ضدجنگ» هستند در حمایت از «آتش‌بس» میان اسرائیل و حماس و در دفاع از «کودکان غزه» و همچنین در مخالفت با «تأمین مالی نسل‌کشی» شعار دادند. از حضور آنها در کنگره تصویری منتشر شده که نشان می‌دهد با دست‌هایی به رنگ قرمز درست پشت سر وزیر خارجه آمریکا به صف شدند!

آنتونی بلینکن در ادامه توضیحات خود به عنوان «دومین دلیل» در دفاع از ضرورت اختصاص بودجه تکمیلی گفت: «این کمک مالی ما را قادر می‌سازد تا به نیازهای بشردوستانه جدی که توسط مستبدان و تروریست‌ها ایجاد شده، و همچنین به پیامدهای درگیری‌ها و نیز بلایای طبیعی در اوکراین، غزه، سودان، ارمنستان و سایر نقاط در سراسر جهان پاسخ دهیم. غذا، آب، دارو و سایر کمک‌های بشردوستانه ضروری باید بتواند به غزه ارسال شود. غیرنظامیان باید بتوانند از خطر دور بمانند... آنجا که حماس از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند، کار دشوارتر شده و روند ارسال کمک‌های بشردوستانه متوقف شده است.»

وی در ادامه دفاع از بودجه درخواستی دولت تشریح کرد: «کمک به جلوگیری از بدتر شدن یک فاجعه انسانی، بخشی از اساسی‌ترین اصول کشور ما است، از جمله زندگی و سرنوشت غیرنظامی‌ها و حفاظت از جان آنها... بدون ارسال کمک‌های بشردوستانه سریع و پایدار، احتمال

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه و لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا سه‌شنبه نهم آبان در جلسه استماع کمیته تخصیص بودجه سنا حاضر شدند تا از درخواست دولت بایدن در مورد تخصیص بودجه ۱۰۶ میلیارد دلاری جهت پشتیبانی از اوکراین و اسرائیل دفاع کنند.

● بلینکن گفته این بودجه برای دفاع از دموکراسی‌هایی که تحت تهاجم وحشیانه بازیگرانی قرار گرفته‌اند که مصمم به محو ملت‌های آنها از روی نقشه هستند ضروری است.

همزمان با عملیات دفاعی اسرائیل در غزه علیه تروریست‌های حماس وزیر خارجه و وزیر دفاع آمریکا روز سه‌شنبه ۳۱ اکتبر (نهم آبان) در جلسه استماع کمیته تخصیص بودجه سنا (درخواست فوری بودجه تکمیلی برای تقویت امنیت ملی) در کنگره آمریکا حاضر شدند.

آنتونی بلینکن و لوید اوستین در کنگره ایالات متحده حضور یافتند تا از درخواست دولت در مورد تخصیص بودجه ۱۰۶ میلیارد دلاری جهت پشتیبانی از اوکراین و اسرائیل دفاع کنند.

جو بایدن از کنگره خواسته است که ۱۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برای پشتیبانی از اسرائیل و ۶۱ میلیارد و ۴۰۰ هزار دلار کمک مالی برای پشتیبانی از اوکراین اختصاص دهد. بلینکن به نمایندگان و سناتورها گفت این بودجه برای کارآمدتر شدن استراتژی مادر دفاع از امنیت آمریکا و متحدانش و همچنین توسعه ارزش‌های دموکراسی ضروری است. وزیر خارجه آمریکا در بخشی از سخنان خود تأکید کرد، «من و اوستین، وزیر دفاع امروز اینجا هستیم، زیرا در این ماموریت، مانند کارهایی که در ارتباط با پیشبرد امنیت ملی آمریکا باید دست به دست هم بدهیم.»

وی توضیح داد، «درخواست بودجه دارای چهار عنصر کلیدی است: اول، حمایت همیشگی ما از اسرائیل و اوکراین. دوم، دفاع از دموکراسی‌هایی که تحت تهاجم وحشیانه بازیگرانی قرار گرفته‌اند که مصمم به محو ملت‌های آنها از روی نقشه هستند، این بودجه تضمین می‌کند که اسرائیل می‌تواند با حمایت دیپلماتیک، امنیتی و اطلاعاتی که ایالات متحده از زمان کشتار وحشتناک حماس افزایش یافته است، به دفاع از مردم خود ادامه دهد... چندین عضو کمیته طی سه هفته گذشته به اسرائیل سفر کرده‌اند. آنها مستقیم از مقامات اسرائیلی شنیده‌اند که برای دفاع از مردم خود و جلوگیری از یک حمله مشابه مانند این به چه چیزهایی نیاز دارند. و این دقیقاً همان است که با ۷/۳ میلیارد دلار نیازهای امنیتی از جمله کمک به اسرائیل برای تقویت سیستم‌های دفاع هوایی و موشکی خود را فراهم می‌کند...

# چه کار خوبی!

کیهان لندن شماره ۱۰۳۹ ( دی ماه ۱۳۸۳ )

بازنشر

خبراندیش ( احمد احرار )



پیش از آن، خانواده‌هایی که در این محله زندگی می‌کردند از طبقات زحمتکش و کم درآمد ولی غیرتی و ناموسی بودند. ورود خانهای عمومی و رفت و آمد مشتریان خانه‌های عمومی، فضای محله را عوض کرد. مردها غیرتشان برمی‌تافت که زنها و دخترهایشان هنگام رفت و آمد در کوچه با زنان آنچنانی عوضی گرفته شوند و دست اشخاص غریبه توی لنگ و پاچه‌شان برود، یا از آنهم بدتر، اهل فسق خانه آنها را به‌جای خانه‌های عمومی بگیرند و سرزده داخل شوند. چندین بار که بر سر این مسائل درگیریهای محلی رخ داد، سکنه نجیب خود را با قمه‌بندهای نانجیبی روبرو یافتند که به‌عنوان پا انداز و لحاف‌کش و دروازکن و ماست و خیار بیار و غیره از رهگذر این کسب شریف ارتزاق می‌کردند و به‌اصطلاح امروزی شبکه فساد را تشکیل می‌دادند. در این شبکه، دو تن به‌اسامی زال ممد و اسدالله قمی شاخصیت تام و معروفیت عام داشتند.

سکنه نجیب چون خودشان حریف شبکه نمی‌شدند عرضحال به رئیس‌الوزرا نوشتند و رئیس‌الوزرا به وزیر داخله مأموریت داد به شکایت آنها رسیدگی و رفع مشکل کند. به دستور وزیر داخله مقرر شد فرماندار تهران کمیسیون مرکب از نمایندگان عدلیه (دادگستری) و نظمی (شهرداری) و بلدیه (شهرداری) و امنیه (ژاندارمری) تشکیل دهد و با حضور نمایندگان سکنه نجیب شهر نو به مشکلات آنها رسیدگی و رفع اشکال کند.

در روز مقرر نمایندگان عدلیه و نظمی و بلدیه و امنیه در مقر فرمانداری تهران حضور یافتند و دو نفر هم به نمایندگی از طرف سکنه نجیب شهر نو وارد جلسه شدند که عبارت بودند از زال ممد و اسدالله قمی!

ای کاش وزیر امور خارجه سوریه هم حیا به خرج می‌داد و مانند وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی از شرکت در اجلاس اردن خودداری می‌کرد.

آنطور هم نیست که فقیهان حاکم بر کشور امام زمان همه کارشان شیطانی باشد. کارهای خدایسندانه نیز از آنها سر می‌زند. یکی همین که نخواستند در اجلاس اردن شرکت داشته باشند.

بهبانہ‌شان، اعتراض به حرفهای اخیر ملک عبدالله دوم بود. پادشاه اردن که امیدوار بودند بین تهران و واشنگتن پا در میانی کند و قدمش را در سفرش به ایران روی چشم نهادند و به‌به و چهچه گفتند، حالا دوباره اخ شده چون گفته است جمهوری اسلامی در انتخابات عراق موش دوانی می‌کند. علاوه بر این، يك سخنگوی رسمی رژیم گفت ما چشمان از این نشست و برخاسته آب نمی‌خورد و نمی‌خواهیم وقت گرانبهای وزیر امور خارجه‌مان با رفتن و نشستن در چنین جلساتی ضایع شود.

چه فکر صحیح و چه تصمیم بجایی. رحمت بر آن شیری که علمای به این با فهمی را خورد!

راست است. اگر هیأت عالی‌رتبه جمهوری اسلامی برای مذاکره درباره عراق و مشکلات آن به اجلاس اردن می‌رفت آدم به یاد شهر نو می‌افتاد و کمیسیون که برای رسیدگی به حال و وضع سکنه نجیب آنجا تشکیل شده بود.

شهر نو، چنان که می‌دانید (و اگر نمی‌دانستید پس بهتر است بدانید) به «پیگال» تهران می‌گفتند. به‌زبان دیگر محله بدنام یا عشرتکده عمومی یا هر اسم دیگری که مختارید بسته به سلیقه و انصافتان روی آن بگذارید. این محله، که بعدها ناحیه دهم از نواحی دهگانه تهران شد و لشوش به آن ناحیه جفت پنج نام داده بودند اوایل، بیرون دروازه قزوین، تقریباً خارج شهر قرار داشت. حدود هشتاد سال پیش، جزو اصلاحات شهری تصمیم گرفته شد محله بدنام را از کوچه قجرها که وسط شهر افتاده بود به نقطه‌ای دور از شهر منتقل کنند. خانهای عمومی (به‌قول آن‌روزیها) بار و بندیل بستند و اسباب کشی کردند به این محله که از آن زمان شهر نو لقب گرفت.

گسترش درگیری بسیار بیشتر است، رنج بیشتر می‌شود و اگر تعلل شود حماس و حامیان آن خود را در نقش منجی جا می‌زنند و از استیصال آسیب‌دیده‌ها، سود خواهند برد.» بلینکن در ادامه گفت: «کمک‌های بشردوستانه نیز برای امنیت اسرائیل حیاتی است. ارائه کمک و حفاظت فوری برای غیرنظامیان فلسطینی در این درگیری، پایه و اساس ضروری برای یافتن شرکایی در غزه است که دیدگاهی متفاوت از حماس برای آینده دارند و مایل به کمک به تحقق آن هستند.»

## حمایت از شرکای بین‌المللی آمریکا

وزیر خارجه آمریکا در شرح سومین دلیل برای ضرورت دریافت بودجه تکمیلی گفت: «این بودجه برای پیشی گرفتن از رقبای استراتژیک ما حیاتی است. این درخواست بازدارندگی ما را تقویت خواهد کرد. با این بودجه از متحدان و شرکای خود در اقیانوس هند و اقیانوس آرام برای مقابله با تهدیدات رو به افزایش از سوی جمهوری خلق چین و همچنین برای مقابله با مشکلات نوظهور حمایت می‌کنیم. این تعهد ما را به متحدان ما، از جمله تحت شرکات امنیتی سه‌جانبه ما با استرالیا و بریتانیا، AUKUS، حفظ خواهد کرد و به کشورها کمک می‌کند تا به تجهیزات نظامی و دفاعی که در آمریکا ساخته می‌شود، دسترسی پیدا کنند.»

بلینکن توضیح داد: «درخواست رئیس‌جمهوری همچنین شامل منابعی برای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است تا جایگزین‌هایی برای کمک‌های مالی چین به آنها باشد. همچنین به کاهش تأثیرات منفی جنگ روسیه بر امنیت غذایی و انرژی برای آسیب‌پذیرترین قشرهای جهان کمک خواهد کرد.»

وزیر خارجه ایالات متحده در توضیح چهارمین دلیل برای درخواست بودجه مکمل گفت: «این مبلغ سرمایه‌گذاری‌های حیاتی را برای محافظت از امنیت آمریکایی‌ها ممکن می‌سازد. این شامل رسیدگی به مهاجرت غیرقانونی، تقویت پایگاه صنعتی دفاعی ما جهت اطمینان از اینکه ارتش ما همچنان آماده، توانا و مجهزترین نیروی نظامی در جهان است و همچنین اینکه ما پشتیبان دموکراسی‌ها باقی می‌مانیم می‌شود. بیش از ۵۰ میلیارد بودجه‌ی کمک امنیتی، ذخایر نظامی ایالات متحده را دوباره پر و پایگاه صنعتی دفاعی ما را تقویت می‌کند.»

شمار زیادی از نمایندگان و سناتورهای جمهوریخواه آمریکا با درخواست دولت بایدن برای دریافت بودجه مکمل مخالف‌اند. این در حالیست که همین گروه دولت بایدن را متهم به مداخلات با جمهوری اسلامی می‌کنند.

سناتور لیندزی گراهام در همین ارتباط می‌گوید که جمهوری اسلامی «بزرگترین حامی تروریسم در روی زمین» است. وی تأکید کرده علی‌خامنه‌ای یک «نازی مذهبی» است و پیشنهاد داده ایالات متحده باید زیرساخت‌های نفتی ایران را هدف قرار دهد تا از ادامه حمایت مالی ایران از گروه‌های تروریستی جلوگیری کند.

سناتور مارکو رابوئیو عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان نیز از مواضع بازدارنده آمریکا در منطقه خاورمیانه انتقاد کرده و گفته است که همین مواضع منجر به افزایش حملات رژیم ایران شده است. رابوئیو افزود که فقدان اقدامات بازدارنده، منجر به تشدید این حملات خواهد شد. وی هشدار داد که جمهوری اسلامی «ایران بطور روزافزون از سلاح‌های پیچیده‌تر و کشنده‌تر در این حملات استفاده خواهد کرد.» در مقابل اما سناتور کریس کونز عضو دمکرات مجلس نمایندگان، از تخصیص بودجه مکمل حمایت کرد و گفت که تخصیص این بسته شامل کمک به اوکراین، اسرائیل و مقابله با نفوذ چین ضروریست.

## دیدار و گفتگو با محمدرضا شاه در قاهره

شاه گفت: ملتی که برایش آنقدر کوشیدم به من پشت کرد، دیگر از من چه می‌خواهد؟

من پایه صلح در خاور میانه بودم و در کشاندن مصریها و اسرائیلیها به امضای قرارداد کمپ دیوید نقش اساسی داشتم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنشتم

آخرین روزها  
پایان سلطنت و  
درگذشت شاه  
(۳۷)

دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطره‌ها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

اعلیحضرتین و سادات و بانو صورت گرفت. گاهی، شاه و سادات دو نفری گفتگو می‌کردند. سخن معمولاً از اوضاع منطقه و بین‌المللی بود. شاه، بسیار می‌خواند، گاهی در باغ قدم می‌زد، با اشتها غذا می‌خورد، بعد از ظهرها می‌خوابید، گاهی ورق‌بازی می‌کرد و شامگاه، پس از صرف شام، فیلمی تماشا می‌کرد. همه زود می‌خوابیدند.

## عملیات طبس

روز ۲۵ آوریل خبری شگفت‌انگیز، سیر معمول زندگی را برهم زد و موجب چند گفتگو و شوخی نیشدار شد. از آنجا که دولت آمریکا نتوانسته بود شاه را با گروگانها تاخت بزنند، کارتر آماده بود برای پیروزی دوباره در انتخابات، به هر کاری برای آزادی آنان دست بزنند. بنابراین، بر آن شد که عملیات نظامی چشمگیری صورت دهد. شکست عملیات، کامل و اگر کسانی در آن جان خود را از دست نداده بودند، مضحک بود؛ از یک ناو هواپیمابر که در آبهای خلیج فارس به‌سر می‌برد، هواپیماها و هلیکوپترهایی روانه خاک ایران شدند تا در نقطه‌ای واقع در کویر مرکزی، نزدیک طبس فرود آیند. اما با وجود میلیونها اطلاعاتی که به‌وسیله سازمانهای اطلاعاتی بسیار پیشرفته به آمریکاییها داده شده بود، ظاهراً آنها نمی‌دانستند فرودگاه کوچک نظامی که برای فرود انتخاب کرده‌اند، از سالها پیش بسته و متروک بوده و در لایه‌ای از شن دفن شده است! از این گذشته، آنجا صدها کیلومتر از تهران، که گروگانهای نگونبخت در آن گرفتار بودند، دور بود.

چرا چنین جایی را به‌عنوان پایگاه عملیاتی خود برگزیده بودند؟ با وجود پژوهشهای بسیار، هیچ کس نتوانست پاسخی به این پرسش بیابد. سه هلیکوپتر به ماسه نشست. یکی دیگر به یک هواپیما خورد و منفجر شد. هشت تن کشته شدند. به آنان که جان سالم به‌در بردند، دستور داده شد که بی‌درنگ، پیش از رسیدن روستائیان که به‌دلیل برپا شدن هیاهو و سر و صدای فراوان به ماجرا پی برده بودند و پاسداران انقلاب، و دوربینهای تلویزیونهای دنیا، آنجا را ترک کنند. آمریکا تحقیر شد و مورد تمسخر قرار گرفت.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

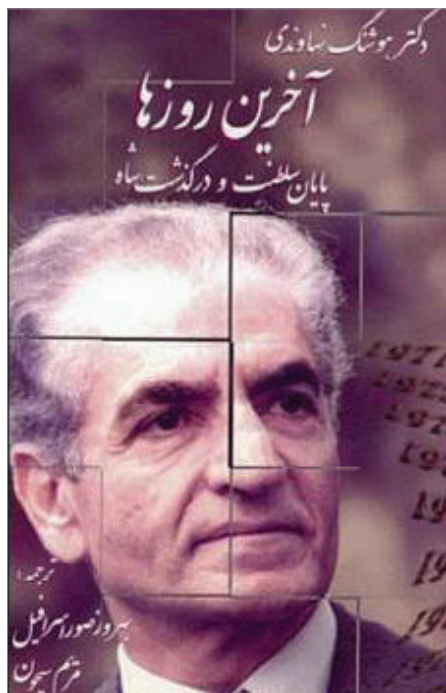
نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت



داده بودند، سپاسگزاری می‌کرد.

آزمایشهایی که مصریها انجام دادند، بسیار زود آشکار ساخت که سرطان، کبد را هم گرفته است. و این نشانه پایان کار بود. با این حال «دوباک» در مصاحبه مطبوعاتی خود از نتیجه شیمی‌درمانی که تجویز شده بود، اظهار امیدواری کرد.

ده روز بعد، محمدرضا شاه به کاخ قبه بازگشت. وضع عمومی‌اش بهتر شده بود. بازگشت به زندگی آرام و محترمانه برایش بسیار فرخنده بود.

زندگی در کاخ قبه یکنواخت بود. به‌ندرت نزدیکانش، فرزندان، خواهرش شاهدخت اشرف و اردشیر زاهدی به دیدارش می‌آمدند. چندین گردهمایی دوستانه نیز میان

در فرودگاه بین‌المللی قاهره، سادات و همسرش انتظار اعلیحضرتین را می‌کشیدند. شاه را آگاه نکرده بودند که آنان به استقبال می‌آیند. او هم احتمالاً انتظارش را نداشت. هنگامی که گفتند «سادات» در پای پلکان است، آشکارا منقلب شد. برخاست و نخستین نفری بود که از هواپیما پیاده شد. سادات بسان برادر، دوست، مردی راستین و دلیر، او را در آغوش کشید.

هلیکوپتر، رئیس جمهوری و همسرش و میهمانانشان را به کاخ «قبه» برد که بنایی بزرگ و تقلیدی بی‌سلیقه از کاخ ورسای بود که شاهان مصر خواسته بودند شبیه‌اش را بسازند، و میهمانان بسیار برجسته دولت در آن پذیرایی می‌شدند. با بردن شاه به آنجا، سادات می‌خواست به شاه نشان دهد که از او همچون گذشته، با همه تشریفات و احترام لازم پذیرایی می‌شود و نه همچون یک تبعیدی و فراری. کاری که ایران پادشاهی برای مصر کرده بود، فراموش نشده بود.

پس از چند دقیقه‌ای استراحت، هلیکوپتر به پرواز درآمد و هر دو زوج را به بیمارستان معادی در قاهره برد.

پزشکانی که قرار بود رسیدگی به وضع شاه را بر عهده بگیرند، اندک اندک گرد می‌آمدند. دکتر «ژرژ فلائدرن» که شهبانو تلفنی با او گفتگو کرده بود از پاریس رسید. حضور او برای بیمار و همسرش اطمینان‌بخش بود. پروفیسور «دوباک» و شش پزشک دیگر از آمریکا آمدند، و همچنین دکتر «کین». سه پزشک مشهور مصری نیز عضو گروه پزشکان بودند که یکی از آنان داماد و پزشک شخصی رئیس جمهوری بود.

روز ۲۸ مارس طحال را خارج کردند. عمل جراحی یک ساعت و سی دقیقه به‌درازا کشید و بی‌برخورد به دشواری یا پیشامد نامنتظری انجام شد. برای او لوله تخلیه نگذاشتند چون شاه تاب آن را نمی‌آورد. جراحان هم لازم ندیدند.

سادات، باز کار زیبایی کرد و پس از پایان موفقیت آمیز جراحی، نشانهایی به «دوباک» و همه اعضای گروه اهدا کرد. بدین وسیله، مصر از آن پزشکان که دوستی را نجات

شاه، ماجراهای بخش پایانی اقامت در ایالات متحده آمریکا و پاناما را برایم شرح داد، از رویدادهای اخیر برایم گفت و چند خاطره شخصی‌اش را بازگو کرد. از من، از آنچه در پاریس و جاهای دیگر، در محافل ایرانیان، از جنبشهای مقاومت و این که مردم درون کشور چه می‌اندیشند و چه عقیده‌های دارند، پرسید. توضیح دادم که مخالفین رژیم انقلابی می‌خواهند بدانند آیا او از آنان پشتیبانی می‌کند، و به‌ویژه نظرش در مورد ارتش که هنوز هم به او وفادار است، چیست؟

با خشونت حرف مرا قطع کرد:

– حالا دیگر از من چه انتظاری دارند، از جان من چه می‌خواهند؟ شما چه می‌خواهید؟

– اعلیحضرت، من شخصاً چیزی نمی‌خواهم.

– می‌دانم که شما از من چیزی نمی‌خواهید! مردم ایران! ملتی که برای آنان آنقدر کوشیدم، و به من پشت کرد، دیگر از من چه می‌خواهد؟

سخنان تلخی که بارها شنیده بودم.

– اعلیحضرت، این ملت دید که شما رفتید، و خاک وطن را رها کردید. این ملت می‌اندیشد که هر وفاداری دوسویه است.

– بله، شاید شما حق دارید. ایران را نمی‌بایست رها می‌کردم. باید نبرد می‌کردیم. ولی من نمی‌خواستم خون ملتم را بریزم. حتی يك لحظه نمی‌توانستم تصور کنم که اینها قادر به انجام چه کارهایی هستند. آیا اینها به‌راستی انسانند یا

اردن می‌رفت. پیش از پیوستن به شوهرش برای تماشای فیلم، مرا پذیرفت و مدتی گفتگو کردیم. روز رفتنش من او را تا فرودگاه همراهی کردم. شهبانو آشکارا خسته ولی بسیار دلیر و مصمم بود. به من گفت: «حتی نمی‌توانید تصورش را بکنید که چه بر سر ما آمده است.»

روز بعد، جمعه، روز گرم و زیبایی بود. مدتی در راهرو با چند تن از جمله خانم فریده دیبا که برای احوالپرسی کوتاهی به آنجا آمده بود و همان روز عازم بازگشت به پاریس بود، گپ زدیم. شاه از اقامتگاه خود بیرون آمد. به او سلام کردم، از من در مورد خانواده‌ام پرسید. هنگام پایین آمدن از پلکان بزرگی که به سوی باغ می‌رفت، نگرانیم از سلامت‌ش را ابراز کردم. در پاسخ به‌راحتی بسیار گفت که گویا عمل جراحی با موفقیت انجام شده و پزشکان امیدوار به تأثیر شیمی‌درمانی هستند، که «در آن صورت مدتی در این دنیا خواهیم بود وگرنه حدود سه تا شش ماه خواهیم زیست، و بیشتر احتمالاً سه ماه. هرچه پیش آید، دست خداست و من خود را به او می‌سپارم.»

به باغ رسیده بودیم و در سکوت، قدم می‌زدیم. احساس اضطراب می‌کردم و از این که او را ناتوان و در حال از بین رفتن می‌دیدم، عمیقاً اندوهگین بودم.

بسیار کوشیدم تا توانستم رو به سوی او کنم و سخنان عادی بگویم:

– اعلیحضرت، به‌نظم می‌رسد که شما بسیاری از موهای خود را از دست داده‌اید.

در اواخر آوریل، وضع جسمانی شاه بحرانی شد و او به دردهای معده، دل‌آشوبه، تهوع و تب دچار آمد. پیرامونیانش بسیار نگران شدند. نخستین آزمایشها، احتمال چرکی شدن را تأیید کرد.

پروفسور دوباک و گروهش، دکتر «کلمن» متخصص مشهوری که در نیویورک کنارش زده بودند، این بار به‌خواست شاهدخت اشرف با چند تن دیگر وارد قاهره شدند تا گروه مصری را کامل کنند. شهبانو، بار دیگر به «ژرژ فلاندرن» تلفن کرد. پزشکان با هم رایزنی کردند و بر روی هیچ چیز به‌توافق نرسیدند. نزدیکان شاه نیز اختلاف داشتند. وضع بیمار، موضوع ناهمسازی آنان شده بود. اردشیر زاهدی با رویه معمول خود که گاهی خشن بود، می‌کوشید داوری کند و همه را آرام سازد.

گروه پزشکی به دیدار شاه رفت. او بسیار مرتب لباس پوشیده، آرام بود و لبخند بر لب داشت. با آنان شوخی کرد. ناگهان وضعش کمی بهبود یافته و حالش بهتر شده بود. معاینه‌اش کردند، میزان مصرف چند دارو را عوض کردند و از هم جدا شدند.

### دیدار در قاهره

در آن روزها، آگاه شده بودم که شاه بهتر شده و می‌تواند افراد را ببیند. به کاخ قبه تلفن کردم و خواستار دیدار او شدم. درخواستم به‌گرمی پذیرفته شد. از من خواستند که



شاهنشاه و شهبانو در مصر



سادات در فرودگاه قاهره شخصاً به استقبال شاه رفت

جانوران کنیف؟  
– اعلیحضرت، چرا جلو همه تظاهراتی را که در ماههای آخر به‌هواداری شما و علیه انقلابیون می‌شد، گرفتید؟ انقلابیون را آزادانه می‌گذاشتید تظاهرات کنند، غارت کنند، آتش بزنند، ویران کنند و هر که را می‌خواهند بی هیچ قانونی کیفر دهند، ولی مانع میهن‌پرستان و ضد انقلابیون می‌شدید که نتوانند دست به تظاهرات بزنند یا عقایدشان را بیان کنند. فقط پس از رفتن اعلیحضرت بود که ده‌ها هزار نفر توانستند در خیابانهای تهران فریاد بزنند: «جاوید شاه». و پانزده روز بعد، شمارشان به نیم میلیون می‌رسید. به‌یاد بیاورید، شبی با باهری، قاسم معتمدی و چند تن دیگر آمدیم که در کاخ متحصن شویم تا جلو رفتن شما را از

– درست است...  
لبخندی زد و نگاهی به پیشانی بی‌موی من کرد و گفت:  
– ... ولی هنوز بیشتر از شما مو دارم... من به‌ویژه وزن زیادی از دست داده‌ام و لاغر شده‌ام. می‌کوشم با کمی ورزش، ظاهری مناسب به‌دست آورم ولی آسان نیست!  
گفتم که آغاز به نوشتن خاطرات و شرح زندگی خصوصی و حرفه‌ای‌ام کرده‌ام، در مورد انقلاب، ترک ایران و شاید در کتابم به دیدارمان در کوثرناکاوا و احتمالاً مصر هم اشاره کنم. («ایران، دو آرزوی بر باد رفته» – از انتشارات «آلین میشل» – ۱۹۸۱).  
و او گفت: «کار درستی می‌کنید. باید گواهی داد، حقیقت را گفت. چقدر ما را آماج تهمت کردند.»

شماره پرواز و ساعت ورود خود را اطلاع دهم تا در فرودگاه منتظرم باشند.  
این چنین، پنجشنبه ۸ می ۱۹۸۰ به قاهره رفتم. نمایندگان دولت مصر مرا به کاخ قبه بردند. اندکی از ساعت ۹ شب گذشته بود. شاه از اتاق ناهارخوری بیرون آمده بود که برود فیلمی تماشا کند. به او ادای احترام کردم. نخستین پرسش او نامنتظر و مهرآمیز بود. «شام خورده‌اید؟ حتماً گرسنه هستید؟» دستور داد برایم غذا بیاورند. سپس گفت: «فردا صبح شما را مفصل‌تر خواهم دید. هر روز صبح از ساعت یازده و نیم تا هنگام ناهار می‌توانیم در پارک راه برویم. آنجا برای گفتگو کردن، آسوده خواهیم بود.»  
شهبانو پس‌فردای آن روز، صبح زود برای استراحت به

## کنسرتی برای شهبانو و معرفی و آغاز فعالیت «بنیاد شهبانو فرح پهلوی»



شهبانو فرح پهلوی و شاهکار بینش پژوه

پرتغال انجام شود. سعی می‌کنیم از افراد مختلف کمک جمع کنیم تا بتوانیم این کتاب‌ها و نقاشی‌ها و یک مقدار مدارک و روزنامه را که در طول این سال‌ها نگه داشتیم در این بنیاد حفظ کنیم.»

«بنیاد شهبانو فرح پهلوی» یک نهاد غیردولتی است که در واقع بر اساس میراث بنیاد شهبانو فرح که در سال ۱۹۷۶ در ایران و به موجب فرمانی از سوی خود وی تأسیس شده بود امسال فعالیت خود را آغاز می‌کند. آن بنیاد در ایران نیز با هدف حمایت از جشنواره‌های هنری، موزه‌ها و مراکز فرهنگی و نهادهای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و فولکلور راه‌اندازی شده بود.

بر اساس آنچه در وبسایت این بنیاد آمده، رسالت آن ارج نهادن به تاریخ ایران از طریق توانمند ساختن فرهنگ و هنر جامعه ایرانی و معرفی آن به مردم سراسر جهان برای برقراری مناسبات بین فرهنگی است و پنج عرصه برای فعالیت‌های خود تعریف کرده است:

- ۱- یک نهاد پویا برای تبلیغ، نمایش، اطلاع‌رسانی و روشنگری درباره ایران قرن بیستم
- ۲- مرکزی برای پژوهش درباره تاریخ قرن بیستم ایران و تحولات اجتماعی و فرهنگی و هنری دوران معاصر ایران
- ۳- آرشیو و موزه
- ۴- الهام بخشیدن، تشویق، توانمندسازی و گرد آوردن مردم

برای تغییر مثبت شرایط خود

- ۵- مبادله‌ی فرهنگی و هنری از طریق مشارکت، فراهم کردن دسترسی‌ها و پرپار ساختن زندگی جامعه از طریق ابتکارات و برنامه‌های عمومی، سمینارهای دانشگاهی، هنرهای نمایشی و رویدادهای فرهنگی

«بنیاد شهبانو فرح پهلوی» ارج نهادن به تاریخ ایران از طریق توانمند ساختن فرهنگ و هنر جامعه و الهام بخشیدن به مردم در سراسر جهان و همگرایی پایدار و مرادده‌ی بین فرهنگی را رسالت خود می‌داند.

● این کنسرت که شاهکار بینش پژوه آن را برگزار خواهد کرد و شهبانو نیز در آن حضور خواهد داشت، با هدف معرفی و حمایت از «بنیاد شهبانو فرح پهلوی» و همچنین بزرگداشت شهبانو برنامه‌ریزی شده است.

● این بنیاد پنج عرصه برای فعالیت‌های خود در زمینه فرهنگ و هنر و دانش و پژوهش و موزه و آرشیو و تحولات فرهنگی جامعه و تاریخ قرن بیستم ایران تعریف کرده است.

● شهبانو فرح: در مجموع چند هزار جلد کتاب دارم و همینطور مقدار زیادی تابلوی نقاشی دارم که فکر کردم یک بنیاد فرهنگی در خارج از ایران درست کنم تا در خارج از کشور هم ببینند که فرهنگ و تاریخ ما چه بوده. با همکاری یکی از هم‌میهنان قرار است این مهم در پرتغال انجام شود.

شنبه ۹ دسامبر ۲۰۲۳ برابر با ۱۸ آذرماه ۱۴۰۲ به مناسبت آغاز فعالیت «بنیاد شهبانو فرح پهلوی» و همچنین گرامی‌داشت هشتاد و پنجمین سالگی شهبانوی ایران، کنسرتی در لس‌آنجلس برگزار خواهد شد.

این کنسرت که شاهکار بینش پژوه آن را برگزار خواهد کرد و شهبانو نیز در آن حضور خواهد داشت، با هدف معرفی و حمایت از «بنیاد شهبانو فرح پهلوی» و همچنین بزرگداشت شهبانو برنامه‌ریزی شده است.

شهبانو فرح پهلوی در گفتگویی با شاهکار بینش پژوه این بنیاد را یک «بنیاد فرهنگی» معرفی کرده و توضیح داده است: «در تمام این ۴۴ سال که از مملکت دور بودیم، کتاب‌های زیادی برای من فرستاده شده، خود هم کتاب خریداری کردم و در مجموع چند هزار جلد کتاب دارم و همینطور مقدار زیادی تابلوی نقاشی دارم که فکر کردم یک بنیاد فرهنگی در خارج از ایران درست کنم تا در خارج از کشور هم ببینند که فرهنگ و تاریخ ما چه بوده. با همکاری یکی از هم‌میهنان قرار است این مهم در

→ کشور بگیریم و فردای آن روز، چند صد تن با همان هدف به سوی خانه آیت‌الله خوانساری رفتند. مرا ببخشید اعلیحضرت، ولی شما ما را از کاخ بیرون راندید و ما آنها را برگرداندیم.

- «من شما را بیرون نکردم، از شما خواستم بروید. ولی چیزی که شده، شده، شده.»

سپس سکوتی بسیار دراز...

«من زندگی خود را وقف ایران کردم. آیا این حقیقت ندارد که در سال ۱۹۴۵ که کشور ما به وسیله سه ارتش بزرگ دنیا اشغال شده بود، من یگانگی ملی و تمامیت ارضی مملکت را حفظ کردم و بخشی از آذربایجان و کردستان را از سلطه روسها بیرون کشیدم؟ من ارتشی به‌وجود آوردم که افتخار و سربلندی ایران بود. در این سالهای واپسین، ایران، ضامن امنیت و صلح در منطقه خلیج فارس، و همچنین تأمین نفت غرب بود! انقلاب سفیدی که باید انجام می‌دادیم، اما هیچ کس در فکر آن نبود، این انقلاب مثبت، آیا زندگی آسوده برای ملت ایران نیابود که دشمنانم هم به آن اعتراف کردند؟ اصلاحات ارضی لازم نبود؟ چه کسی آن را، بی آن که خونی ریخته شود عملی کرد؟ آزادی زن ایرانی، سهمی شدن کارگران در سود شرکتهای تولیدی، سپاه دانش، سپاه بهداشت، توسعه فوق‌العاده اقتصاد ایران، آیا اینها به حساب نمی‌آید. آیا ملت ایران منصف بود؟ و غرب؟

من، پایه صلح در خاور میانه بودم. نقش من در این که مصریها و اسرائیلیها را به سوی امضای قرارداد «کمپ‌دیوید» بکشانم، اساسی بود. البته سادات، ولی حتی کارتر و بگین همان روز به من تلفن کردند و تشکر نمودند. بهای نفت را بالا بردم. حالا باید تاوان آن را بپردازم. همچنین، پیشنهاد کردم به کشورهای در حال توسعه یاری شود، تا همه با هم بتوانیم این دنیای تهیدست دیوانه را نجات دهیم تا ثروتهای کره زمین را به‌گونه‌ای عادلانه تقسیم کنیم. و حالا که من نیستم آیا شما شنیده‌اید که بهای نفت پایین آمده باشد؟ در دوره سلطنت من، ایران با همه همسایه‌های خود در کمال صلح زندگی می‌کرد. ایرانیها از سوی همگان و همه جا مورد احترام بودند. هیچ کشوری در جهان، جز کمونیستها از آنها روادید ورود نمی‌خواست. و حالا...؟»

و می‌خواست سخن بگوید، نه برای من، بلکه برای تاریخ. باز هم سکوتی دراز...

«می‌دانید که در یک ربع قرن، درآمد سرانه ما از ۱۶۰ دلار به ۲۴۵۰ دلار رسید؟ البته شما می‌دانید چون اقتصاددان هستید، و در این توسعه شرکت داشتید. آیا می‌دانید که صندوق بین‌المللی پول و برجسته‌ترین مؤسسات تخصصی آمریکایی و اروپایی در سال ۱۹۷۷ پیش‌بینی می‌کردند که در پایان سده، ایران از نظر اقتصادی، از اسپانیا هم فراتر خواهد رفت. نه وضع امروزی، بلکه اسپانیای آخر قرن بیستم. همه اینها امکان‌پذیر بود. تمام رؤیایا را می‌توانستیم واقعیت ببخشیم. ما منابع خداداد داریم، طبقه برگزیده داریم، رژیم با ثباتی داشتیم. البته منابع طبیعی کمابیش باقی می‌ماند. مگر این که همچون برخی کشورها، اجازه غارت آنها را ندهند. ولی اکنون موجب فرار مغزها می‌شوند و هرج و مرج خونینی بر ایران حاکم است. آیا این هدف کسانی نبود که این انقلاب را برنامه‌ریزی کردند، به آن یاری رساندند، و حتی آن را سازمان دادند؟ این انقلاب بنیادگرا را...»

تا چند سال دیگر، شاید پنج یا شش سال، ایران بزرگترین تولیدکننده کود شیمیایی در جهان می‌شد، شرکت نفت ما در میان ده مهم‌ترین شرکت دنیا بود، ذوب آهن ما با ضرابخانه‌ی چشمگیری توسعه می‌یافت. می‌خواستند مانع همه اینها شوند و همه را از میان ببرند.»

(ادامه دارد)

## روزنامه «اورشلیم پست»:

# آیا آمریکا از رویارویی با رژیم ایران می‌ترسد؟



جو بایدن در جمع سربازان آمریکایی از لشکر ۸۲ هوآبرد مستقر در لهستان/ ۲۵ مارس ۲۰۲۲/ رویترز

● سالم‌الکتابی تحلیلگر مسائل سیاسی در روزنامه «اورشلیم پست» با اشاره به ادعای مقامات آمریکایی که گفته‌اند شواهد و مدارک کافی از دخالت رژیم ایران در حمله حماس به اسرائیل و حمله به نیروهای آمریکایی ندارند نوشته «سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده منتظر شواهدی هستند که به دست می‌آوردند، در واقع نمی‌خواهند به دست بیاورند و حتا اکنون هم به دنبال آن نیستند».

● وی تأکید کرده «وجود شواهد و مدارک به معنای نیاز به پاسخ به منشاء تهدید تأیید شده برای حفظ اعتبار و جایگاه بین‌المللی ایالات متحده است. شکی نیست که شکست آمریکا در حل سرنوشت اوکراین، این کشور را در برخورد با ایران در عرصه نظامی محتاط‌تر می‌کند».

● «مسئلاً تنها موردی که کاخ سفید را مجبور به درگیری مستقیم نظامی با ایران می‌کند، مداخله مستقیم درگیری با اسرائیل است. این بسیار بعید است زیرا خود جمهوری اسلامی ایران نیز خواهان چنین جنگی که بخشی ظرفیت‌های نظامی آن را از بین می‌برد نیست».

تناقض‌گویی‌های مقامات دولت بایدن در مورد دخالت جمهوری اسلامی در حمله مرگبار حماس علیه اسرائیل و همچنین حملات ایزدایی با موشک و پهپادهای انتحاری به مواضع آمریکایی‌ها در منطقه پرسش‌های زیادی در مورد ضعف‌های آمریکا برای رویارویی با اقدام مناسب در برخورد با رژیم ایران و عوامل و نیابتی‌های آن ایجاد کرده است.

سالم‌الکتابی دکترای حقوق عمومی و علوم سیاسی از دانشگاه کازابلانکا در یادداشتی که روزنامه «اورشلیم پست» ۳۱ اکتبر (نهم آبان‌ماه) منتشر کرد می‌نویسد «بی‌شک شکست آمریکا در حل و فصل وضعیت اوکراین، ایالات متحده را در برخورد با رژیم ایران در عرصه نظامی محتاط‌تر کرده است». در مقدمه این نوشتار آمده در اوج درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به نظر می‌رسد پرسش میلیون دلاری این است: آیا آمریکا از مقابله مستقیم نظامی با رژیم ایران، به ویژه در مرحله کنونی، نگران است؟ قبل از پاسخ به این پرسش، باید به انگیزه‌های طرح آن بپردازیم.

مهم‌ترین آنها تناقض‌گویی شدید در اظهارات مقامات ایالات متحده است. به عنوان مثال، پنتاگون مدعی شد که آمریکا هیچ شواهد و مدارکی از دستور مستقیم جمهوری اسلامی به عوامل خود برای حمله به نیروهای آمریکایی در خاورمیانه پیدا نکرده است.

سخنگوی پنتاگون پاتریک رایدر به خبرنگاران گفت: «ما ندیدیم ایران صریحاً به آنها دستور انجام این نوع حملات را داده است».

وقتی از پاتریک رایدر خواسته شد توضیح بیشتری بدهد، گفت: «ما دستور مستقیمی ندیده‌ایم، مثلاً از سوی علی خامنه‌ای که گفته باشد: بروید و این کار را انجام دهید!»

که آمریکا شکی ندارد که این گروه‌ها و شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران هستند.

الکتابی با اشاره به اظهارات یکی از مقامات دفاعی آمریکا در مصاحبه با سی‌ان‌ان که گفته بود «آزیر خطر در همه جا به صدا در آمده است» می‌نویسد: «مقامات آمریکایی می‌گویند که در این مرحله به نظر می‌رسد ایران بجای هدایت صریح گروه‌ها، آنها را تشویق می‌کند. کربی به عنوان سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا گفت که ارتباط بسیار مستقیمی بین این گروه‌ها و سپاه پاسداران وجود دارد».

یکی دیگر از مقامات آمریکایی گفت: «راه‌ها همه به ایران ختم می‌شود. [رژیم] ایران به شبه‌نظامیان و نیروهای نیابتی در سراسر منطقه کمک مالی، سلاح، تجهیز و آموزش می‌دهد.» با وجود اینهمه اتهامات، به نظر می‌رسد که مقامات آمریکا منتظر شواهد بیشتری هستند. یکی دیگر از مقامات آمریکایی این موضوع را اینگونه توضیح داده که سنجش میزان تمایل این گروه‌ها به اقدام مستقل از جمهوری اسلامی ایران یک شکاف اطلاعاتی همیشگی است.

وضعیت قطبی قدرت‌ها و مبارزه علیه قدرت و نفوذ جهانی روسیه و چین نمی‌تواند یک شکست جدید آمریکا را تحمل کند. شکستی که اینبار می‌تواند دردناک باشد.

به همین دلیل، با وجود همه تلاش‌ها و تضمین‌های حمایت از اسرائیل از آغاز بحران کنونی، جو بایدن و اعضای دولت وی موضعی را اتخاذ کرده‌اند که با سردرگمی، آشفتگی و تغییر دیدگاه‌ها مشخص شده است. نگرش آنها با محاسبات انتخاباتی و نگرانی شدید در مورد دخالت حزب‌الله در درگیری فعلی شکل گرفته است.

سالم‌الکتابی معتقد است، جو بایدن پشت مواضع متزلزل خود در رابطه با برخورد شدید با رژیم ایران پنهان شده است. مسلماً تنها موردی که کاخ سفید را مجبور به درگیری مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی ایران می‌کند، مداخله مستقیم در درگیری با اسرائیل است. این بسیار بعید است زیرا خود رژیم ایران نیز خواهان چنین جنگی نیست چرا که این جنگ می‌تواند بخش بزرگی از قابلیت‌های نظامی جمهوری اسلامی را از بین ببرد. در نتیجه، آنها به ضعیف کردن توانایی‌های دشمنان خود از طریق عوامل نیابتی قانع‌اند.

به این ترتیب، طرفین ایرانی و آمریکایی درگیر یک بازی هستند که قوانین و خطوط قرمز آن را به خوبی می‌دانند. اما این مانع از احتمال اشتباهات استراتژیک با محاسبات غلط که هر دو طرف را به انجام کاری که از آن می‌ترسند، نمی‌برد، نمی‌شود.

در همین ارتباط پنتاگون اعلام کرد که نیروهای آمریکایی در عراق بین ۱۷ تا ۲۴ اکتبر ۱۰ بار مورد حمله قرار گرفتند و همزمان در سوریه نیز به نیروهای آمریکایی در همین مدت سه بار مورد حمله شد. در نتیجه ۲۰ سرباز آمریکایی در حملات پهپادی به پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه مجروح شدند. به نظر می‌رسد پنتاگون منتظر شواهدی است که دستورات روشن و مستقیم خامنه‌ای را برای حمله به آمریکایی‌ها ثابت کند. وزارت دفاع آمریکا اما همزمان اذعان می‌کند که بسیاری از حملات اخیر علیه آمریکایی‌ها با پشتیبانی جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی کاخ سفید می‌گوید ایالات متحده معتقد است گروه‌های مرتبط با رژیم ایران در پشت حملات رو به افزایش علیه پایگاه‌های آمریکا در خاورمیانه قرار دارند. وی همچنین گفت: «حملات موشکی و پهپادی به تأسیسات آمریکا در عراق و سوریه اخیراً بیشتر شده است.» کربی تأیید کرد که «گروه‌های مورد حمایت ایران» در پشت این حملات هستند. پنتاگون همچنین عنوان می‌کند در تمام حملات به نیروهای آمریکایی رد پای رژیم ایران دیده می‌شود. اما همزمان می‌گوید «در حال حاضر هیچ مدرکی وجود ندارد!»

در ادامه این مقاله آمده «این قضیه ساده است، سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده منتظر شواهدی هستند که به دست نمی‌آوردند، در واقع نمی‌خواهند به دست بیاورند و حتا اکنون هم به دنبال آن نیستند. به هر حال، وجود شواهد به معنای نیاز به پاسخ به منشاء تهدید تأیید شده برای حفظ اعتبار و جایگاه بین‌المللی ایالات متحده است. شکی نیست که شکست آمریکا در حل سرنوشت اوکراین، این کشور را در برخورد با ایران در عرصه نظامی محتاط‌تر می‌کند».

سالم‌الکتابی با اشاره به اظهارات دوگانه مقامات آمریکایی می‌نویسد «من به عنوان یک ناظر نمی‌دانم مقامات آمریکایی به دنبال چه مدرکی می‌گردند؟ صراحتاً، تعجب من در اینجا به معنای محکوم کردن کسی نیست، بلکه تلاش برای درک واقعیت است. تاریخ ایالات متحده مملو از جنگ و عملیات نظامی علیه اهداف خاص است، گاهی اوقات بدون انتظار برای شواهد تأیید شده، یا با اتکا بر شواهد و مدارک غیرمستند بوده است. بنابراین موضع آمریکا در این مورد گیج‌کننده و پرسش‌برانگیز می‌شود».

با این حال، تجزیه و تحلیل وضعیت می‌تواند پاسخ‌های نسبتاً قانع‌کننده‌ای به این پرسش‌ها ارائه دهد. بدیهی است

## مذاکره برای آزادی گروگان‌ها در غزه در ازای امتیاز برای حماس؛ بعد از رئیس موساد، حسین امیرعبداللہیان به دوحه رفت



دیدار حسین امیرعبداللہیان با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر

است. نتانیاہو در بیانیه‌ای گفت که «همه کاری انجام می‌دهد تا همه گروگان‌ها را به خانه بازگرداند.» نمایندگان خانواده‌های گروگان‌هایی که در روزهای اخیر با نتانیاہو و گالاتت ملاقات کردند، گفتند که از دولت می‌خواهند با یک معامله «همه برای همه» با حماس موافقت کند.

به عنوان بخشی از چنین توافقی، گفته می‌شود که حماس در ازای آزادی بیش از شش هزار اسیر فلسطینی در زندان‌های اسرائیل، همه گروگان‌ها را آزاد می‌کند. مقامات اسرائیلی گفته‌اند این مبادله در حال حاضر توسط دولت در نظر گرفته نشده است.

آژانس اطلاعاتی ارتش اسرائیل و شین‌بت در بیانیه‌ای اعلام کردند نیروهای ویژه اسرائیل روز دوشنبه طی عملیات زمینی در غزه یک سرباز اسرائیلی را که توسط حماس ربوده شده بود، نجات دادند. این بیانیه افزوده که سرباز «اوری مجیدیش» در سلامت کامل بسر می‌برد و با خانواده خود ملاقات کرده است.

پیش از عملیات زمینی اسرائیل، حماس در مجموع چهار گروگان از جمله دو زن مسن اسرائیلی و دو آمریکایی را آزاد کرده بود.

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای گفت: «آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا روز دوشنبه با محمد بن عبدالرحمن آل ثانی نخست وزیر و همچنین وزیر خارجه قطر گفتگو کرد.»

بلینکن در طول این تماس مجدداً از دولت قطر به خاطر تلاش برای تضمین خروج شهروندان آمریکایی و اتباع خارجی از غزه، آزادی گروگان‌های حماس از جمله دو شهروند آمریکایی و ادامه تلاش‌ها برای جلوگیری از گسترش درگیری تشکر کرد.

به گفته مقامات، اسرائیل این تصمیم را تا حدی به این دلیل گرفت که حماس از دادن فهرست اسامی تمامی گروگان‌هایی که در اختیار دارد امتناع کرده است.

حماس به مقامات قطری گفته که هنوز در حال بررسی محل استقرار گروگان‌ها و هویت آنهاست. مقامات اسرائیلی اما معتقدند این فقط یک تاکتیک برای وقت‌گشی با هدف جلوگیری از عملیات زمینی اسرائیل بوده است. سفر بارنتا رئیس موساد به دوحه پس از آغاز عملیات زمینی انجام شد. دو منبع اطلاعاتی گفته‌اند رئیس موساد مذاکرات مربوط به گروگان‌ها را از سر گرفته و با اینکه روند کار «مثبت و سازنده» بود اما به پیشرفتی منجر نشد!

منبع سوم که در جریان این گفتگوها قرار گرفته، می‌گوید «پیشرفت‌هایی حاصل شده است!»

دفتر نخست وزیر اسرائیل از اظهار نظر در اینباره خودداری کرد. وزارت خارجه قطر و یک مقام حماس نیز به پرسش‌ها در اینباره پاسخ نداده‌اند.

از زمان آغاز عملیات زمینی در غزه، بنیامین نتانیاہو نخست‌وزیر و یوآو گالاتت وزیر دفاع اسرائیل با صراحت اعلام کردند که افزایش فشار نظامی بر حماس می‌تواند این گروه را وادار به آزادی گروگان‌ها کند.

گروه تروریستی حماس که اداره نوار غزه را در دست دارد، روز دوشنبه ویدئویی از سه گروگان منتشر کرد: یلنا تروپونوف، دانیل آلونی و ریمون کرشت.

آلونی که در این ویدئو صحبت می‌کند، نتانیاہو را به خاطر رها کردن آنها در زمان وقوع حمله و بعد از گروگان گرفتن آنان سرزنش می‌کند.

آلونی در ویدئو حماس فریاد می‌زند: «همین حالا ما را آزاد کنید. غیرنظامیان را آزاد کنید. زندانیان آنها را آزاد کنید. همین حالا ما را آزاد کنید!» دفتر نخست وزیری اسرائیل این ویدئو را «جنگ روانی بی‌رحمانه حماس و داعش» خوانده

● روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از «افراد مطلع» گزارش داد که رئیس موساد با مقامات قطری درباره امکان آزادی برخی گروگان‌های غیرنظامی حماس در ازای کمک‌های بشردوستانه به غزه صحبت کرده است.

● به گفته افراد آشنا با این مذاکرات، حماس از اسرائیل می‌خواهد که اجازه ارسال سوخت و آتش‌بس را به عنوان بخشی از یک توافق احتمالی صادر کند.

● دو مقام اسرائیلی به «آکسیوس» گفته‌اند، کابینه جنگ اسرائیل پنجشنبه گذشته تصمیم گرفت عملیات زمینی گسترده را در غزه آغاز کند زیرا میانجیگری قطر هیچ ثمری نداشت.

● دو منبع اطلاعاتی گفته‌اند رئیس موساد مذاکرات مربوط به گروگان‌ها را از سر گرفته و با اینکه روند کار «مثبت و سازنده» بود اما به پیشرفتی منجر نشد!

همزمان با سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی به قطر گفته می‌شود که دیوید بارنتا رئیس موساد نیز در یک سفر محرمانه به دوحه سفر کرده بود. بر اساس گزارش رسانه‌های بین‌المللی سفر امیرعبداللہیان سه چهار روز بعد از دیدار بارنتا با مقام قطری صورت گرفته است.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند مستقیم و غیرمستقیم به حماس کمک کند تا بیشترین امتیازات را برای آزادی گروگان‌ها از اسرائیل و متحدان این کشور بگیرد. امیرعبداللہیان که پیش از این به نیویورک سفر کرده بود در صحبت‌هایش چهارم آبان‌ماه در نشست سازمان ملل اعلام کرد «حماس آماده آزادی اسرای غیرنظامی است. دنیا باید به اسرائیل فشار بیاورد که شش هزار نفر فلسطینی آزاد شوند.»

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز سه‌شنبه ۳۱ اکتبر (نهم آبان) به نقل از «افراد مطلع» گزارش داد که رئیس موساد با مقامات قطری درباره امکان آزادی برخی گروگان‌های غیرنظامی حماس در ازای کمک‌های بشردوستانه به غزه صحبت کرده است.

به گفته افراد آشنا با این مذاکرات، حماس از اسرائیل می‌خواهد که اجازه ارسال سوخت و آتش‌بس را به عنوان بخشی از یک توافق احتمالی صادر کند. مقامات مصری گفتند همچنین در مورد آزادی احتمالی اسرای فلسطینی در زندان‌های اسرائیل در ازای آزادی سربازان اسرائیلی که اکنون در اسارت حماس در غزه هستند، بحث می‌شود.

یکی از افراد مطلع گفت: «از زمانی که اسرائیل بمباران‌ها را تشدید کرد و عملیات زمینی خود را در نوار غزه در آخر هفته گسترش داد، مذاکرات دشوارتر شده است.»

پایگاه خبری «آکسیوس» روز دوشنبه ۳۰ اکتبر (هشتم آبان) گزارش داد محور دیدار رئیس موساد با مقامات ارشد قطر آزادی بیش از ۲۳۵ شهروند اسرائیلی و شهروندان خارجی هستند که در جریان حمله تروریستی و مرگبار حماس به اسرائیل به گروگان گرفته شدند.

قطر در حال حاضر میانجی اصلی بین اسرائیل و حماس بر سر موضوع گروگان‌ها به شمار می‌رود. دولت بایدن نیز در این زمینه با قطر همکاری می‌کند، زیرا تعدادی از گروگان‌هایی که حماس در اختیار دارد آمریکایی هستند.

اینهمه درحالیست که دو مقام اسرائیلی گفته‌اند، کابینه جنگ اسرائیل پنجشنبه گذشته تصمیم گرفت عملیات زمینی گسترده را در غزه آغاز کند زیرا میانجیگری قطر هیچ ثمری نداشت.



# اعلام مصادیق محتوای مجرمانه مرتبط با اسرائیل؛ روابط اتباع ایرانی با اتباع اسرائیلی در شبکه‌های اجتماعی «جرم» است!



تجمع ایرانی تباران مقیم اسرائیل در شهر خولون

مطرح و اسرائیل را تهدید کردند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی از روی صندلی‌های خود برخاستند و شعارهای «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر آمریکا» و «فلسطین خوش آمدید» سر دادند.

در مقابل، یک روز پس از حمله حماس به اسرائیل، هشتگ «ایرانیان کنار اسرائیل می‌ایستند» از سوی کاربران ایرانی به یکی از ترندهای فارسی شبکه اجتماعی ایکس تبدیل شد.

بسیاری از کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی بر دست داشت جمهوری اسلامی در حمله گروه تروریستی حماس به خاک اسرائیل تأکید می‌کنند.

همچنین در چند نقطه جهان ایرانیان تجمعاتی برای اعلام دوستی دو ملت ایران و اسرائیل برگزار کردند. تصاویر زیادی نیز از ایران منتشر شده که نشان از موضع‌گیری شهروندان علیه حماس و دیگر گروه‌های اسلامگرا و تروریستی مورد حمایت جمهوری اسلامی، و اعلام همدلی با مردم اسرائیل دارند.

با توجه به مرزبندی شفاف شهروندان ایرانی با جمهوری اسلامی در رابطه با درگیری نظامی اسرائیل و حماس، به نظر می‌رسد رژیم ایران نسبت به افزایش همبستگی میان مردم ایران و اسرائیل احساس نگرانی و ترس کرده و تصویب مصادیق محتوای مجرمانه مرتبط با اسرائیل برای وحشت‌پراکنی بیشتر و فراهم کردن بستری جهت سرکوب بیش از پیش شهروندان ایران، اینبار به بهانه همسویی با مردم اسرائیل، است.

مجرمانه هستند. در هشتمین بخش این مصوبه «ارائه خدمات برای صدور هرگونه مجوز جهت مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم اشخاص حقیقی یا حقوقی از جمله شرکت‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات یا سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به رژیم اشغالگر صهیونیستی در کلیه نمایشگاه‌ها یا هرگونه همایش یا گردهمایی داخلی و بین‌المللی در فضای مجازی» جرم اعلام شده است.

روابط عمومی دادستانی کل کشور اعلام کرده این مصوبات «با عنایت به قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت» به تصویب کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه رسیده است.

از نیمه مهرماه که گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی فلسطینی به رهبری حماس به اسرائیل حمله کردند، بر خلاف تبلیغات جمهوری اسلامی ایرانیان در داخل و خارج کشور حمایت گسترده‌ای را از مردم اسرائیل و علیه سازمان تروریستی حماس به نمایش گذاشته‌اند.

جمهوری اسلامی تلاش دارد تجاوز فجیع و خونبار حماس به اسرائیل و کشتار و گروگان‌گیری شهروندان غیرنظامی را «حمله اسرائیل به فلسطین» روایت کند. پس از حمله حماس به اسرائیل، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی آن را «شکست غیرقابل ترمیم» برای اسرائیل خواند و تأکید کرد که ایران همچنان حامی فلسطین است و از اقدامات جدید حماس حمایت می‌کند.

بسیاری از مقامات ارشد جمهوری اسلامی نیز سخنانی مشابه علی‌خامنه‌ای از تریبون‌های رسمی و غیررسمی

● در این مصوبه «هرگونه مباشرت یا معاونت در مرادوات و ارتباطات غیراتفاقی بین اتباع ایرانی و اتباع رژیم اشغالگر صهیونیستی در فضای مجازی» به عنوان یکی از مصادیق مجرمانه تعریف شده است.

● پس از حمله حماس به اسرائیل شهروندان ایران در داخل و خارج کشور با مردم اسرائیل اعلام همبستگی کردند و هشتگ «ایرانیان کنار اسرائیل می‌ایستند» از سوی کاربران ایرانی به یکی از ترندهای فارسی تبدیل شد.

● به نظر می‌رسد رژیم ایران نسبت به افزایش همبستگی میان مردم ایران و اسرائیل احساس نگرانی و ترس کرده و تصویب مصادیق محتوای مجرمانه مرتبط با اسرائیل برای وحشت‌پراکنی بیشتر و فراهم کردن بستری جهت تشدید سرکوب، اینبار به بهانه همسویی با مردم اسرائیل، است.

دادستانی جمهوری اسلامی مصادیق محتوای مجرمانه مرتبط با اسرائیل را اعلام کرده که شامل مواردی از جمله ارتباط غیراتفاقی اتباع ایرانی با اتباع اسرائیلی در شبکه‌های اجتماعی است.

دادستانی کل کشور اعلام کرد که فهرست مصادیق محتوای مجرمانه با عنوان «محتوای مرتبط با رژیم صهیونیستی به‌روز شده است.» این به‌روزرسانی در جلسه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه انجام شده است.

بر اساس اعلام روابط عمومی دادستانی کل کشور، در این جلسه مواردی درباره مصادیق محتوای مجرمانه مرتبط با اسرائیل مصوب شده است.

در این مصوبه «هرگونه مباشرت یا معاونت در مرادوات و ارتباطات غیراتفاقی بین اتباع ایرانی و اتباع رژیم اشغالگر صهیونیستی در فضای مجازی» به عنوان یکی از مصادیق مجرمانه تعریف شده است.

در بخش دیگری از مصوبه آمده «هرگونه معاونت برای سفر اتباع ایرانی به سرزمین فلسطین اشغالی از طریق فضای مجازی»، و «هرگونه اقدام آگاهانه در جهت تأیید یا تقویت و تحکیم رژیم صهیونیستی در فضای مجازی» از دیگر مصادیق مجرمانه است.

همچنین «هرگونه همکاری، تعامل و تبادل اطلاعات با نهادها و افراد رسمی و غیررسمی وابسته به رژیم صهیونیستی» و «هرگونه همکاری اطلاعاتی یا جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی در بستر فضای مجازی» و «فعالیت سکوهای نرم افزاری متعلق به رژیم صهیونیستی» سه مورد دیگر از مصادیق مجرمانه مصوب توسط کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه هستند.

در ادامه این مصوبات آمده که «ارائه هرگونه خدمات به سکوهای متعلق به رژیم صهیونیستی از قبیل خدمات دسترسی، پردازش، ذخیره‌سازی، عرضه در سایت‌ها و فروشگاه‌های اینترنتی در فضای مجازی» نیز جزو مصادیق

## فقر غزه و ثروت حماس



ستیزه‌جویان «القسام» وابسته به گروه تروریستی حماس / آبان ۱۴۰۲ / رویترز

سیاسی این گروه تروریستی در لبنان است فعالیت می‌کند. منابع اسرائیلی ابومحمد را یکی از طراحان عملیات ۷ اکتبر گذشته و حمله به جنوب اسرائیل که به قتل فجیع ۱۴۰۰ نفر انجامید و طی آن بیش از ۲۰۰ تن از جمله کودکان به گروگان گرفته شدند می‌دانند. ابو زاهر علی موسی جبارین یکی از نمایندگان حماس است که بارها به ایران سفر کرده و دارای روابط بسیار نزدیکی با مقامات جمهوری اسلامی است. یکی دیگر از منابع درآمد حماس از طریق قاچاق کالا از مصر از طریق تونل به باریکه غزه است. حتی یک سر سوزن از مصر بدون پرداخت باج ۲۰ درصدی به حماس نمی‌تواند از این طریق به غزه وارد شود. حماس در دورانی که محمد مرسی و اخوان المسلمین در مصر دولت را در دست داشتند توانست حدود ۸۰۰ تونل در مرز با این کشور حفر کند. درآمدهای حاصل از قاچاق کالا از طریق این تونل‌ها، طبق ارزیابی «انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، تا زمان روی کار آمدن دولت عبدالفتاح سیسی سالانه حدود ۸۰۰ میلیون دلار بوده است، اما در سال‌های اخیر به دلیل سختگیری‌های دولت کنونی مصر به یک سوم کاهش یافته است.

شماری از سازمان‌های به اصطلاح خیریه فلسطینی که در سراسر جهان برای کمک به مردم غزه پول جمع می‌کنند، جز پوششی برای ساختار مالی حماس نیستند. این پول‌ها با توجه به کنترل نهادهای اسرائیلی و آمریکایی به صورت رمزارز از جمله «بیت کوین» جابجا می‌شوند. اسرائیل در دو سال گذشته توانسته ۴۱ میلیون دلار رمزارز حماس را توقیف کند. ادامه استفاده گروه‌های تروریستی مستقر در باریکه غزه از رمزارز نشان می‌دهد که مبالغ توقیف‌شده تنها بخش کوچکی از منابع مالی‌ای است که این گروه از خارج دریافت می‌کند.

در رابطه با ثروت رهبران حماس که در جریان سفرهایشان در هتل‌های پنج ستاره اقامت می‌کنند و در قطر، لبنان و ترکیه دارای خانه‌های لوکس هستند، اخبار موثقی در دست نیست، ولی روزنامه «تایمر» لندن می‌نویسد که ثروت شخصی ابوالعبید اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی این گروه تروریستی، بالغ بر ۴ میلیارد دلار است.

گرسنه به انبار آذوقه سازمان ملل حمله بردند، ثروت حماس و رهبرانش بیش از ۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. حماس رسماً برای اداره غزه از اتحادیه اروپا، قطر و ترکیه کمک‌های مالی دریافت می‌کند و هزینه‌های تسلیحاتی آن نیز از سوی جمهوری اسلامی تامین می‌شود. در گزارش سال ۲۰۲۱ وزارت خارجه آمریکا در خصوص «تامین مالی تروریسم بین‌المللی» آمده است که جمهوری اسلامی سالانه «بیش از ۱۰۰ میلیون دلار» به گروه‌های «حماس»، «جهاد اسلامی» و «جبهه مردمی برای آزادی فلسطین» فرماندهی کل» در غزه پرداخت می‌کند.

بخشی از کمک‌های قطر، ترکیه و اتحادیه اروپا برای اداره باریکه غزه و تامین خدمات اجتماعی و اقتصادی در نیمه راه «غیب» می‌شوند و سر از حساب‌هایی در می‌آورند که توسط بخش مالی این گروه تروریستی اداره می‌شوند. در حال حاضر مسئولیت بخش مالی حماس به عهده زاهر علی موسی جبارین است. این فرد یکی از هزار زندانی فلسطینی است که اسرائیل در سال ۲۰۱۱ میلادی در ازای آزادی گیلعاد شالیت، سربازی که حماس به گروگان گرفته بود، آزاد کرد. زاهر علی موسی جبارین که با پاسپورت قطری سفر می‌کند، ساکن ترکیه است و در این کشور در زمینه مستغلات از طریق شرکتی به نام Trend Gayrimenkul Yatirim Ortagli (Trend GYO) بیش از ۷۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده است. تنها در سال ۲۰۲۱ درآمد رسمی این شرکت از فعالیت‌های اقتصادی در ترکیه ۵۷/۸ میلیون لیر ترکی برابر با بیش از دو میلیون و صد هزار دلار بوده است.

البته فعالیت‌های اقتصادی حماس تنها به ترکیه خلاصه نمی‌شود. زاهر علی موسی جبارین از طریق شرکت‌های دیگری این فعالیت‌ها را به قطر، الجزایر، سودان و امارات متحده عربی نیز توسعه داده است.

شرکت‌های حماس در چندین بانک ترکیه چون Türkiye Ziarat Katilim و Finans، Al Baraka، Vakıf Katilim دارای سپرده‌های بانکی هستند. زاهر علی موسی جبارین در داخل این سازمان تروریستی زیر نظر صالح محمد سلیمان العاروری که با نام ابومحمد شهرت دارد و نماینده دفتر

بیش از نیمی ۵/۲ میلیون فلسطینی ساکن باریکه غزه زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اقتصاد غزه از زمان روی کار آمدن حماس رشد منفی داشته است.

سرمایه‌گذاری نهادهای وابسته به حماس تنها در ترکیه بیش از ۷۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. سود حاصل از این فعالیت‌ها در سال ۲۰۲۲ بیش از ۱/۲ میلیون دلار بوده است. اهر علی موسی جبارین مسئول اقتصادی حماس که با پاسپورت قطری در ترکیه اقامت دارد، دارای روابط بسیار نزدیک با مقامات جمهوری اسلامی است.

احمد رأفت - اقتصاد باریکه غزه در مقایسه با کرانه باختری رود اردن که توسط حکومت خودگردان فلسطین اداره می‌شود اختلاف قابل توجهی دارد. بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، تقریباً ۶۰ درصد از جوانان باریکه غزه بیکار و ۵۳ درصد از کل جمعیت در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. از سال ۲۰۰۷ میلادی که حماس حکومت باریکه غزه را به دست گرفت، درآمد سرانه مردم این منطقه یک چهارم درآمد سرانه آنهایی است که در کرانه باختری رود اردن زندگی می‌کنند. اقتصاد غزه از زمان روی کار آمدن حماس تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی نه تنها رشدی نداشته بلکه سالانه بطور متوسط ۲/۵ درصد سقوط کرده است.

برعکس باریکه غزه، در سال‌های گذشته اقتصاد در مناطق تحت کنترل حکومت خودگردان فلسطین رشد اقتصادی به ثبت رسیده برابر با ۵ درصد بوده است. نرخ بیکاری نیز در کرانه باختری برابر با ۱۳ درصد و شمار کسانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند نیز کمتر از ۱۴ درصد است. بنا بر آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰ میلادی ۷۷ درصد از اهالی باریکه غزه برای گذران زندگی وابسته به کمک‌های بین‌المللی بودند. در حالی که در کرانه باختری رود اردن شمار خانوارهای محتاج به دریافت کمک‌های بین‌المللی زیر ده درصد است. در سال ۲۰۰۷ میلادی، زمانی که حکومت خودگردان فلسطین مجبور شد اداره باریکه غزه را به حماس واگذار کند، حجم سرمایه در این منطقه حدود پنج میلیارد دلار بود و امروز نیز حدس زده می‌شود که تغییری در این رقم ایجاد نشده است. برعکس در کرانه باختری حجم سرمایه رشدی ۳۰۰ درصدی داشته و در سال ۲۰۲۲ میلادی برابر با ۴۵ میلیارد دلار بوده است.

در این تفاوت اقتصادی بین باریکه غزه و کرانه باختری رود اردن باید دو عامل را نیز در نظر داشت که هر دو ارتباط مستقیم با رابطه دولت‌های حاکم در این دو منطقه با اسرائیل دارند.

روزانه ۲۲ درصد از جمعیت شاغل کرانه باختری برای کار، خصوصاً در پروژه‌های عمرانی به اسرائیل می‌روند و دستمزد آنها به سالانه ۳/۸ میلیارد دلار برابر با ۲۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کرانه باختری می‌رسد. پیش از حمله تروریستی حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل، از غزه و در دورانی که نوعی آتش‌بس برقرار بود تنها ۱ درصد از جمعیت شاغل حق ورود به اسرائیل برای کار را داشتند. به این مسئله باید دوره‌های محاصره نظامی و اقتصادی در پیامد درگیری‌ها بین حماس و ارتش اسرائیل را نیز افزود که از سال ۲۰۰۷ تا امروز کم نبوده‌اند.

در حالی که مردم غزه در این روزها به شدت در مضیقه قرار دارند و آذوقه و دارو با قطره‌چکان به این منطقه وارد می‌شود، در حدی که در روزهای گذشته مردم تشنه و

## زمزمه‌هایی درباره «خیانت» جمهوری اسلامی به حماس!



تجمع طرفداران حکومت موسوم به «عاشقان مبارزه علیه صهیونیست»

جنایات‌شان تنها گذاشته است. در همین ارتباط خالد مشعل از رهبران حماس در مصاحبه با شبکه «الحدث» گفت، «از ایران درخواست حمایت بیشتری داریم.»

در چنین شرایطی، حسین امیرعبداللهیان به نیویورک رفته تا از قرار معلوم در آنجا به چانه‌زنی با غربی‌ها بر سر گروگان‌هایی بپردازد که در اختیار حماس هستند آنهم در حالی که جمهوری اسلامی مدعیست هیچ ارتباطی با آن ندارد! وزیر خارجه دولت «قاضی مرگ» هم اصراری ندارد که در سخنانش این موضوع را که مهار شبه‌نظامیان منطقه در دست تهران است، پنهان کند.

در همین ارتباط، ولید فارس تحلیلگر سیاست خارجی «نیوزمکس» و معاون ریاست «گروه پارلمانی ترانس آتلانتیک» با نقل خبری از «العربیة» که در آن از قول امیرعبداللهیان گفته شده «رهبران حماس آماده آزادی گروگان‌های غیرنظامی و تحویل آنها به تهران هستند» با انتقاد از «سیاست خارجی باشکوه غرب» در شبکه ایکس پرسیده است ولی جمهوری اسلامی در ازای آزادی گروگان‌ها چه می‌خواهد؟ وی می‌افزاید: «شاید توقف عملیات اسرائیل، از سر گرفته شدن پرداخت‌ها به ایران، تداوم حمایت مالی از حماس، پرداخت پول نقد بیشتر به حزب‌الله، توقف هرگونه حمایت از انقلاب [کنونی] ایران با نادیده گرفتن سایر درخواست‌های جامعه مدنی برای کمک در سوریه و عراق و لبنان و یمن؟»

قابل توجه اینکه سردار پاسدار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اول آبان‌ماه در یک سخنرانی در مسجد «دانشگاه تهران» گفته بود «اگر تکلیف شود موشک مستقیم به سوی حیف‌شلیک می‌کنیم!» اما نگفت از کجا! از خاک ایران؟! یا توسط شبه‌نظامیان نیابتی که سال‌هاست به همین حملات مشغول هستند!

با وجود همه این تهدیدات اما فعلاً چنین «تکلیفی» به سپاه پاسداران ابلاغ نشده تا آن را به گوش نیابتی‌ها برساند. تکلیفی که علی‌خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا می‌بایست تعیین کند اما تا کنون نکرده و به نظر می‌رسد منظور مقامات ناراضی و دلخور حماس نیز همین باشد. دستوری که آنها انتظارش را داشتند، در روز موعود صادر نشد!

**استناد روزنامه‌سیاسه به نیوزویک**

از سوی دیگر، وبسایت «السیاسه» کویت روز ۱۹ اکتبر در گزارشی با عنوان «رهبر حماس: ایران به ما خیانت کرد!» از قول احمد عبدالهادی با استناد به گفتگوی وی با «نیوزویک» نوشت که با وجود این هماهنگی «اما به نظر می‌رسد با خیانت آشکار و وعده‌های دروغین ایران روبرو شدیم... بله، خیانت آشکار و وعده‌های دروغین.» به گفته عبدالهادی، حماس علاوه بر جمهوری اسلامی با سایر گروه‌های «محور مقاومت» از جمله حزب‌الله نیز قبل از هفتم اکتبر هماهنگ بوده است.

اکنون این سناریو بین بخشی از فرماندهان و اعضای حماس مطرح شده که رژیم ایران به آنها خیانت کرده و هدف جمهوری اسلامی سوء استفاده از عملیات حماس برای توافق با آمریکا و اسرائیل در ازای آرام شدن شرایط منطقه جهت صادرات نفت و گرفتن امتیازات دیگر به سود خود بوده است.

در همین ارتباط منابع غیررسمی به طریحی به اسم «البدرا» اشاره می‌کنند. هرچند که تأیید یا رد این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست اما گویا قرار بود در سالگرد جنگ یوم کپور (۶ تا ۲۵ اکتبر ۱۹۷۳) که درست نیم قرن پیش بین اعراب و اسرائیل درگرفت، روز هفتم اکتبر همزمان در یک ساعت مشخص، «جریان مقاومت» در چند نقطه با پشتیبانی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل وارد عمل شود.

به نظر می‌رسد برنامه این بود که حماس به شهرک‌های اطراف غزه حمله کند و همزمان حزب‌الله لبنان جبهه شمالی علیه اسرائیل را باز کرده و شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران نیز در سوریه به بلندی‌های جولان حمله کنند و جمهوری اسلامی نیز موشک‌های دوربرد را از عراق و سوریه به سوی اسرائیل شلیک نماید. در زمان موعود، حماس عملیات را آغاز کرد اما سایر گروه‌های «مقاومت» و جمهوری اسلامی با دیگر نیابتی‌هایش به وعده‌ی خود عمل نکردند!

اگرچه علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گفته بود «بازوی طراحان فلسطینی» عملیات علیه اسرائیل را می‌بوسد اما از اظهارات برخی مقامات حماس روشن می‌شود که آنها از پشتیبانی‌های تهران که میزان آن مشخص نیست راضی نیستند و بر این باورند که رژیم ایران آنها را در ارتکاب

● در شرایطی که نیروهای حماس در خط مقدم جنگ در شهرک‌های یهودی‌نشین با تمام قدرت جنایت می‌کردند اما نه از هزاران موشک حزب‌الله خبری شد و نه از سپاه «راهیان بیت‌المقدس»!

● احمد عبدالهادی نماینده حماس در لبنان در مصاحبه با «نیوزویک» فاش کرد که «ما در بالاترین سطوح قبل، حین و بعد از حمله به اسرائیل با حزب‌الله و ایران هماهنگ بودیم.» روزنامه کویتی «السیاسه» همین حرف‌ها را منتشر کرد و به نقل از عبدالهادی نوشت «در معرض خیانت آشکار و وعده‌های دروغین ایران قرار گرفته‌ایم.»

● منابع غیررسمی به طریحی به اسم «البدرا» اشاره می‌کنند. هرچند که تأیید یا رد این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست اما گویا قرار بود در سالگرد جنگ یوم کپور (۶ تا ۲۵ اکتبر ۱۹۷۳) روز هفتم اکتبر همزمان در یک ساعت مشخص، «جریان مقاومت» در چند نقطه با پشتیبانی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل وارد عمل شود.

سه هفته پس از حمله مرگبار حماس به اسرائیل با اینکه حمایت‌های مالی و نظامی جمهوری اسلامی از گروه تروریستی حماس بر کسی پوشیده نیست اما حالا این سناریو مطرح شده که رژیم ایران تشکیلات حماس را در تحریک به جنگ علیه اسرائیل، قربانی منافع خود کرده است تا بتواند به عنوان یک «بازیگر» در حل بحرانی که خود مسبب و محرک آنست، راهی برای خروج از انزوای بین‌المللی پیدا کند و به عنوان میانجی، طرف صحبت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گیرد تا شاید بتواند از آنها امتیاز بگیرد.

در شرایطی که نیروهای گروه تروریستی حماس در خط مقدم جنگ در شهرک‌های یهودی‌نشین با تمام قدرت انواع جنایات را مرتکب می‌شدند، نه از باران موشک‌های حزب‌الله به اسرائیل خبری شد و نه از سوی سپاه «راهیان بیت‌المقدس» به حرکت درآمدند!

حالا شماری از مسئولان ارشد گروه حماس که اداره نوار غزه را بر عهده دارد، نسبت به عدم پشتیبانی جمهوری اسلامی از عملیات حمله به اسرائیل موسوم به «توفان الاقصی» به شدت انتقاد دارند.

ابهام و شک در این زمینه وقتی شروع شد که چند روز پس از آغاز عملیات دفاعی اسرائیل علیه حماس با بالا رفتن تلفات در غزه یکی از رهبران حماس به «نیوزویک» گفت که برای این حمله با جمهوری اسلامی هماهنگی شده بود.

احمد عبدالهادی نماینده حماس در لبنان در مصاحبه با «نیوزویک» که ۱۱ اکتبر (۱۹ مهرماه) منتشر شد فاش کرد که «ما در بالاترین سطوح قبل، حین و بعد از حمله به اسرائیل با حزب‌الله و جمهوری اسلامی ایران هماهنگ کردیم.» وی افزود که این هماهنگی ابعاد زیادی از جمله سیاسی و نظامی دارد. به نوشته «نیوزویک»، وی نگفت که نیروی دیگری غیر از حماس این حمله را طراحی کرده است. در همین ارتباط «نیوزویک» با اشاره به مصاحبه‌ی شبکه دولتی روسیه با علی باراکا از مقامات ارشد حماس در لبنان نوشت که «حماس برای طراحی این حمله دو سال وقت صرف کرده و به هیچ نیروی متحد دیگری از جمله جمهوری اسلامی و حزب‌الله اطلاع نداده بود.» به گفته‌ی این مقام حماس، نیم ساعت پس از شروع عملیات، اطلاعات مربوطه منتشر شد. علی باراکا نیز تأیید کرد که رژیم ایران «و همچنین حزب‌الله به ما پول و اسلحه می‌دهند.»

# جنگ حماس علیه اسرائیل از دید حقوق بین‌الملل؛ جنگ تجاوزکارانه و جنایت جنگی



چیدمان هنری در حمایت از گروهان‌های اسرائیلی و کودکانی که حماس به غزه روده است در ساحل «باندی» استرالیا/۲ نوامبر ۲۰۲۳/ رویترز

## دفاع مشروع و دفاع پیش‌دستانه

اینگونه تحولات در توصیف ویژگی‌های قاعده ممنوعیت تهدید و یا کاربرد زور ابعاد وسیع‌تری از این قاعده را روشن‌تر می‌سازد. منظور این است که هرچند مفاد ماده ۲ منشور یادشده حاوی یک ممنوعیت کلی برای ممنوعیت کاربرد و یا تهدید زور است، اما برای اینکه بتواند علت ممنوعیت را توضیح دهد، یا باید در تناقض با ضرورت احترام به تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورها باشد، و یا اینکه با اهداف سازمان ملل متحد به شرح مندرج در ماده یک در تضاد قرار گیرد. در این تفسیر ممکن است مواردی از کاربرد زور اتفاق افتد که ضرورتاً با اصل احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها در تضاد قرار نگیرد. به عنوان مثال در موارد مداخله بشردوستانه برای پایان بخشیدن به جنایت‌های نسل‌کشی، نمی‌توان اینگونه مداخلات را مشمول قاعده ممنوعیت کاربرد زور دانست زیرا اینگونه مداخلات نه با هدف زیرپا گذاشتن اصل استقلال و تمامیت ارضی کشورها، بلکه با هدف رهایی بخشیدن ستمدیدگان انجام می‌شود. به همین دلیل، به عنوان یک قاعده کلی، اصل ممنوعیت کاربرد زور می‌تواند با استثنائاتی همراه باشد که توسط جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است.

در پرتو تحولات معاصر و جدیدتر جامعه بین‌المللی، دفاع مشروع نیز استثنایی بر این قاعده را مطرح ساخته است. اگر کشوری مفاد بند ۴ از ماده ۲ منشور ملل متحد را نقض کند، این حق ذاتی برای قربانی را ایجاد می‌کند تا از خود دفاع کند. حق ذاتی دفاع مشروع، خواه فردی و خواه جمعی، تنها استثنای ممکن در موضوع ممنوعیت کاربرد زور در نظریه‌های سنتی‌تر حقوق بین‌الملل است. ماده ۵۱ منشور این حق ذاتی را تصدیق کرده و آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد حقوقی بین‌الملل به رسمیت می‌شناسد:

در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و

واقعیت قرار دارد که قاعده مورد نظر ریشه‌هایی عمیق‌تر در حقوق بین‌الملل عرفی دارد که به موجب آن حتی اگر قاعده مکتوب حقوقی نیز برای ممنوعیت وجود نداشته باشد، کشورهای عضو جامعه بین‌المللی می‌بایست آن قاعده را در رفتارهای بین‌المللی، و حتی برخلاف تمایلات و سیاست‌های خود، مورد متابعت قرار دهند. [۱] این قاعده در اعلامیه ملل متحد در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان کشورها بار دیگر مورد تأکید قرار گرفته است:

هر کشوری موظف است از تهدید یا استفاده از زور برای نقض مرزهای بین‌المللی موجود کشور دیگر یا به عنوان وسیله‌ای برای حل اختلافات بین‌المللی، از جمله اختلافات ارضی و مشکلات مربوط به مرزهای کشورها، خودداری کند. [۲]

این باز تأکید بر قاعده ممنوعیت تهدید و یا استفاده از زور است که به عنوان ابزار سیاست خارجی کشورها در این اعلامیه با ابعاد دیگری نیز همراه شده که حیطه‌های آن قاعده را به زمینه‌های دیگری نیز گسترش می‌دهد، به عنوان مثال:

- کشورها موظفند از اقدامات تلافی‌جویانه‌ای که متضمن استفاده از زور است، خودداری کنند.
- هر کشوری موظف است از انجام هرگونه اقدام قهری که مردم را از حقوق برابر و تعیین سرنوشت خویش محروم کند، خودداری کنند.

- هر کشوری موظف است از سازماندهی یا تشویق سازماندهی نیروهای نامنظم یا گروه‌های مسلح، از جمله مزدوران، برای هجوم به قلمرو کشور دیگر خودداری کند.
- هر کشوری موظف است از سازماندهی، تحریک، کمک یا مشارکت در اقدامات مربوط به درگیری‌های داخلی یا اقدامات تروریستی در کشور دیگر یا تن دادن به فعالیت‌های سازماندهی شده در قلمرو خود در راستای ارتکاب چنین اعمالی، در صورت اعمالی که در این قانون به آن اشاره شده است، خودداری کند.

- ماده دوم منشور ملل متحد: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد تضاد داشته باشد خودداری خواهند نمود.» اصل «ممنوعیت کاربرد زور» استثنائاتی مانند مداخله بشردوستانه و دفاع مشروع دارد که توسط جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است.

- عملیات جنگی حماس علیه کشور اسرائیل مصداق روشن و غیرقابل تردید ناعادلانه بودن شروع جنگ، یعنی غیرقانونی بودن و غیرمشروع بودن آن است. حماس و پشتیبانان آن مرتکب جنایت جنگ تجاوزکارانه شده‌اند و در قبال آن مسئولیت بین‌المللی دارند و باید به مجازات برسند.

- از زاویه‌ی عدالت در جنگ نیز حماس و نیروهای پشتیبان آن معیارهای قابل قبول جامعه بین‌المللی مانند مقاله‌نامه‌های سوم و چهارم ژنو را نقض کرده‌اند. آنها با کشتن و به اسارت گرفتن غیرنظامیان و خسارت‌هایی که به آنها وارد ساخته‌اند، مسئول هستند و به عنوان مرتکبین جنایات جنگی باید محاکمه و مجازات شوند.

**محمود مسائلی** - با گذشت سه هفته از حملات گروه تروریستی و اسلامی حماس به کشور اسرائیل و عملیات دفاع مشروع آن کشور در مقابل حماس، بحث‌ها و گمان‌ها در رسانه‌های همگانی همچنان ادامه دارد. اما هنوز هیچ‌یک از این رسانه‌ها و تحلیلگران خبری، اثر معتبری که بتواند ماهیت حمله حماس و موضوعات مربوط به دفاع مشروع اسرائیل را با تکیه بر قواعد بین‌المللی توضیح دهد ارائه نکرده‌اند. هدف از این نوشتار کوتاه تشریح ابعاد حقوق بین‌الملل حملات اولیه حماس به کشور اسرائیل و پیامدهای آن است و می‌تواند برخی سردرگمی‌ها را برطرف ساخته و چه بسا کسانی را که از این آشفتگی‌ها بهره‌بردار می‌کنند به حاشیه براند.

## حق اقدام به جنگ

به عنوان یک قاعده کلی در حقوق بین‌الملل هیچ کشوری، و یا گروهی مانند جنبش‌های رهایی‌بخش و همچنین کسانی که درگیر در عملیات تخریب اعضای جامعه بین‌المللی می‌شوند، حق ندارند موضوعات مورد اختلاف را از طریق تهدید به زور و یا استفاده از زور حل و فصل نمایند. ماده دوم منشور ملل متحد این قاعده را به روشنی چنین توضیح می‌دهد:

«ماده ۲-۴: کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد تضاد داشته باشد خودداری خواهند نمود.»

این ماده نه تنها استفاده از زور را جایگزین کاربرد نیروی نظامی ساخته است تا بتواند ابعاد قاعده ممنوعیت دست زدن به جنگ را بیشتر و عمیق‌تر توسعه بخشد، همچنین تهدید به زور را نیز به عنوان نقض همان قاعده ممنوعیت در نظر می‌گیرد. البته این تفسیری ساده و اولیه از قاعده ممنوعیت کاربرد زور و یا تهدید به زور است که همه اعضای جامعه بین‌المللی باید رعایت کنند. اهمیت قاعده نیز تا آنجاست که حتی کشورهای غیرعضو نیز که اصولاً برخلاف تعهدات حقوقی خود به مفاد این ماده نمی‌توانند ملتزم باشند، می‌بایست رفتارهای خود را با دیگران بر اساس این قاعده تنظیم و وابسته سازند. علت این الزام حقوقی نیز در این

➔ امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دستجمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

در این تعریف، دفاع مشروع ضرورت وجودی خود را هنگامی تامین می‌کند که کاربرد زور عملاً اتفاق افتاده باشد. حال اگر کشوری عضو دیگری از جامعه بین‌المللی را تهدید به جنگ و یا نابودی کند، آنگونه که جمهوری اسلامی در مقابل اسرائیل پیوسته به کار می‌برد، اما اعمال زور اتفاق نیفتد، آیا باز هم حق ذاتی دفاع مشروع می‌تواند معنی وجودی قانونی داشته باشد؟ این موضوعی است که دامنه‌های موضوع دفاع مشروع به عنوان استثنایی بر قاعده ممنوعیت تهدید و استفاده از زور را به حیطه‌هایی فراتر از مفاد ماده ۵۱ گسترش می‌دهد که اغلب به عنوان دفاع پیش‌دستانه [۳] از آن نام می‌برند. هرچند که این تفسیر از مفهوم دفاع مشروع هنوز به گونه‌ای جهانشمول مورد تصدیق قرار نگرفته، اما موارد و مثال‌های قابل توجهی از آن وجود دارد که تمایل کشورها برای پذیرش آن را به عنوان یک قاعده در حال ظهور نشان می‌دهد. بر اساس این نگرش و همگرایی که در حال شکل گرفتن است، دیگر نمی‌توان موضوع دفاع مشروع را به مفاد ماده ۵۱ منشور محدود نمود. اگر احتمال کاربرد زور کاملاً قریب‌الوقوع [۴] باشد به گونه‌ای که نتوان از آن اجتناب نمود، کشوری که ممکن است قربانی کاربرد زور باشد، می‌تواند از حقوق ذاتی دفاع مشروع خود در مقابل خطر استفاده کند. [۵]

این توضیحات در نتیجه‌گیری کوتاهی خلاصه می‌شود که به موجب آن کاربرد زور فقط هنگامی بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل قانونی است که افزون بر مفاد ماده ۵۱ منشور ملل متحد، بتواند شرایط تحولات جدید مانند دفاع پیش‌دستانه از یکسو، و مداخله بشردوستانه از دیگرسو، را تامین کند. هرگاه این شرایط تامین شود، کاربرد زور قانونی خواهد بود. یعنی کاربرد زور، عادلانه است و در انطباق کامل با قوانین مورد تایید جامعه جهانی قرار می‌گیرد. اگر کشوری برای خود حق اقدام به جنگ [۶] را ادعا کند ضرورتاً باید این موارد و شرایط قانونی را تامین و اثبات کند. وگرنه کاربرد زور به عنوان ابزار سیاست خارجی موجب مسئولیت بین‌المللی کشور مربوطه خواهد شد.

### مفاهیم جنگ عادلانه

اگر کاربرد زور مطابق با ویژگی‌های برشمرده بالا باشد، ماهیت قانونی و برحق و مشروع از دیدگاه حقوق بین‌الملل به خود می‌گیرد. بنابراین هیچ کشوری حق اقدام به جنگ علیه دیگران را ندارد مگر اینکه در راستای دفاع مشروع به شرح مندرج در ماده ۵۱ منشور بتواند آن را توضیح دهد، یا اینکه دست زدن به جنگ در برگزیده مفاهیم مداخله بشردوستانه و یا با ویژگی‌های خاصی شامل دفاع پیش‌دستانه باشد. خارج از این موارد، هیچ نوع کاربرد زور علیه دیگران نمی‌تواند توجیه قانونی داشته باشد و در نتیجه به شکل گرفتن جنایت جنگ تجاوزکارانه منجر خواهد شد. [۷]

افزون بر این، هنگامی که کشوری به دیگران، یعنی نیروهایی که واجد شرایط کشور بودن نیستند، در برنامه‌ریزی و کاربرد زور یاری رسانده، و یا از آن حمایت کند، عمل خلاف آن کشور حامی گروه‌های یادشده موجب مسئولیت بین‌المللی است که در بالاترین درجه شدت آن عمل خلاف قانون یعنی در ردیف جنایت جنگ تجاوزکارانه قرار می‌گیرد. [۸] از این زاویه با همان تفاسیر گسترده و وسیعی که پیشتر به آن اشاره شد، حضور جمهوری اسلامی ایران در لبنان و یا سوریه، و یا حمایت علنی و آشکار آن نمی‌تواند از دایره مسئولیت ارتکاب جنایت جنگ تجاوزکارانه مبرا و در امان باشد.

همین مفاهیم مربوط به جنگ عادلانه پیچیدگی‌های دیگری را نیز به همراه دارد. در مواردی کاربرد زور ممکن

است غیرقانونی باشد اما توجیهاتی برای آن فراهم شود که آن جنگ غیرقانونی را مشروع و قابل قبول سازد. [۹] در حقیقت، همراه با ضرورت قانونی بودن اقدام به اعمال زور علیه دیگران، ابعاد هنجاری و انسانی نیز باید در نظر گرفته شود. این عامل هنجاری در مواردی ممکن است بر ابعاد حقوقی ممنوعیت اعمال زور پیشی گیرد. بنابراین همراه با تحلیل حقوقی ابعاد قانونی کاربرد زور، می‌بایست این نکات مهم مربوط به مشروعیت آنرا نیز در نظر گرفت. چند مثال این تفاوت‌های ظریف را توضیح می‌دهد:

- بمباران پل‌های رودخانه بلگراد توسط نیروهای ناتو در جریان جنگ‌های کوزوو در سال ۱۹۹۹ که منجر به کشته شدن شهروندان زیادی شد، اقدامی غیرقانونی اما مشروع بود.
- حمله نیروهای ویتنامی در سال ۱۹۷۸ علیه خمرهای سرخ در کامبوج. رژیم پوپ پوت مسئول نابودی حدود یک چهارم مردم کامبوج بود. بنابراین حمله ویتنام هرچند نمی‌توانست در چارچوب مقررات بین‌المللی اقدامی قانونی محسوب شود، اما به دلیل رها ساختن مردم از شر رژیم کامبوج به عنوان عملی مشروع پذیرفته شده است.

- اقدامات نظامی تانزانیا علیه حکومت عیدی امین دیکتاتور اوگاندا در طی سال‌های ۷۹-۱۹۷۸ از رویدادهای برجسته در تاریخ شرق آفریقا پس از استعمار است که مانند موارد بالا هرچند ابعاد غیرحقوقی داشت، اما به عنوان جنگی مشروع مورد توجه پژوهشگران حقوق بین‌الملل قرار گرفته است.

حال در نظر بگیرید که جنگی هم قانونی است و هم مشروع، آیا عملیات جنگی هم می‌بایستی تابع قوانین بین‌المللی باشد یا اینکه طرفین جنگ از هر وسیله ممکن می‌توانند علیه یکدیگر استفاده کنند؟ پاسخ به این پرسش علاوه بر ضرورت عادلانه بودن جنگ، یعنی قانونی و مشروع بودن آن، موضوع عدالت در انجام عملیات جنگی [۱۰] را نیز مطرح می‌سازد. امروزه آنچه با عنوان حقوق بشردوستانه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته ناظر بر همین موضوع عدالت در جنگ است. مقاله نامه‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ همگی بر موضوع عدالت در انجام عملیات جنگی نظارت دارند. در نظر داشته باشیم که هرچند موضوع عدالت در عملیات جنگی به لحاظ مرزهای رشته‌ای و مفهومی با موضوع جنگ عادلانه متفاوت است، اما هر دو موضوع با یکدیگر پیوندها و لایه‌های مشترک دارند. جدول مقایسه‌ای زیر این تفاوت‌ها و اشتراکات را نشان می‌دهد:

حال در نظر بگیرید که جنگی ممکن است عادلانه باشد. یعنی علتی قانونی مانند حقوق ذاتی دفاع از خود برای آن در نظر گرفته شود. یا اینکه آن جنگ مشروع باشد مانند عملیات قهرآمیز برای رها ساختن مردم از نسل‌کشی. اما آن جنگ از نقطه نظر انجام عملیات جنگی، غیرقانونی و غیرمشروع باشد. در نقطه مقابل، و در حالتی فرضی، جنگی ممکن است غیرقانونی و غیرمشروع باشد، اما این جنگ ناعادلانه ممکن است از حیث انجام عملیات جنگی با معیارهای عدالت (به شرح مقاله نامه‌های ژنو) با انتظارات انساندوستانه و معیارهای بین‌المللی منطبق و سازگار باشد. موضوع هنگامی بیشتر پیچیده می‌شود که دو فرضیه دیگر برای توضیح رابطه میان موضوعات جنگ عادلانه و عدالت در جنگ دخیل می‌شوند. بر این اساس، جنگی ممکن است هم عادلانه باشد و هم معیارهای عدالت در جنگ در آنها رعایت شود. در نقطه مقابل جنگی ممکن است هم غیرعادلانه باشد و هم ضرورت انجام عدالت در عملیات جنگی در آن رعایت نشود.

### یک نتیجه‌گیری ساده

هرچند که ممکن است این نتیجه‌گیری موجبات خشم هواداران حماس و فلسطینیان را باعث شود، اما می‌توان در مورد آن با

دقت کافی و به دور از ملاحظات آیینی و مسلکی اندیشه کرد. عملیات جنگی حماس علیه کشور اسرائیل مصداق روشن و غیرقابل تردید ناعادلانه بودن شروع جنگ، یعنی غیرقانونی بودن و غیرمشروع بودن آن است. یعنی هیچ دلیل قانونی و مشروع برای آن وجود ندارد. از این زاویه حماس و پشتیبانان آن مرتکب جنایت جنگ تجاوزکارانه شده‌اند و در قبال آن مسئولیت بین‌المللی دارند. به عبارت روشن‌تر، به دلیل نقض ارزش‌های حقوقی و اخلاقی جامعه بین‌المللی مسئولیت دارند و باید به مجازات برسند.

در عین حال، و از زاویه عدالت در جنگ نیز حماس و نیروهای پشتیبان آن معیارهای قابل قبول جامعه بین‌المللی مانند مقاله نامه‌های سوم و چهارم ژنو را نقض کرده‌اند. آنها با کشتن و به اسارت گرفتن غیرنظامیان و خسارت‌هایی که به آنها وارد ساخته‌اند، مسئول هستند و به عنوان مرتکبین جنایات جنگی، یعنی رعایت نکردن قواعد مربوط به عملیات جنگی که به حقوق بشردوستانه بین‌المللی معروف است، باید محاکمه و مجازات شوند. [۱۱]

حال در نظر بگیریم که تا چه اندازه فضای پاره‌ای از رسانه‌ها، هم فارسی و هم غیرفارسی‌زبان، نادانسته و ناآگاهانه با به بازی گرفتن احساسات مردم، حقایق مربوط به حمله حماس به اسرائیل را از دید آنها مخفی نگاه می‌دارند. بخ نظر بخش بزرگی از این موضوعات به دلیل ناآگاهی تحلیلگران سیاسی که در رسانه‌ها پیوسته نقطه نظرات خود را با مردم به اشتراک می‌گذارند، اتفاق می‌افتد. در نتیجه، موضوعات اساسی که باید در مرکز توجه قرار گیرند فراموش می‌شوند.

ابعاد دیگری از جنایت حماس و پشتیبانان آن در نوشتارهای دیگر مورد تحلیل و انطباق با حقوق بین‌المللی قرار خواهند گرفت.

\*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آناوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[۱] نگاه کنید به دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه عملیات نظامی و غیرنظامی علیه نیکاراگوئه

[۲] The UN GA Res. ۲۴۲۵ (xxv). Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations

[۳] Pre-emptive self-defence

[۴] The Imminent threat

[۵] ابعاد این نوع دفاع مشروع در نوشتاری دیگر توضیح داده می‌شود.

[۶] Jus ad bellum = Right to war

[۷] نگاه کنید به نوشتار بلندی که با همین عنوان جنایت جنگ تجاوزکارانه در کیهان لندن انتشار یافت. همان موضوع با شرحی مبسوط با عنوان جنایت جنگ تجاوزکارانه در حقوق بین‌الملل در فصل پنجم از جلد ششم مجموعه اندیشه‌های حقوق بشری انتشار یافت. نسخه رایگان این کتاب با عنوان موضوعات حقوق بشری و ایران در حقوق بین‌الملل در تارهای اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل در دسترس علاقمندان است.

[۸] نگاه کنید به ماده ۱۶ از طرح نهایی مسئولیت بین‌المللی کشورها

[۹] Lawful application and the use of force in accordance with article ۵۱ of the Charter, and legitimacy of the application of the force. Legality or lawfulness and legitimacy as criteria in analysis of the use of force

[۱۰] jus in bello = justice in war

[۱۱] برای مطالعه بیشتر به چندین نوشتار که پیشتر در کیهان لندن به چاپ رسیده‌اند، مراجعه نمایید.

# درخواست علی خامنه‌ای از «دولت‌های اسلامی» برای «فلج کردن» اسرائیل! هراس «دولت‌های اسلامی» از تهدیدات جمهوری اسلامی و نیابتی‌ها!



سخنرانی علی خامنه‌ای در جمع دانش‌آموزان

از آمریکا درخواست استقرار سیستم پدافندی پیشرفته‌تر و پشتیبانی کرده است.

به گزارش رویترز، مأمون ابونوار ژنرال سابق نیروی هوایی اردن می‌گوید: «اردن برای محافظت از خود به این سلاح‌ها نیاز دارد، اما این به نفع ایالات متحده نیز هست و یک عامل بازدارنده کلیدی برای مقابله با [رژیم] ایران به شمار می‌رود.»

وی توضیح داده «با حضور این شبه‌نظامیان سرکش و غیرقابل کنترل، باید بگوییم که اگر آنها شروع به حمله به اسرائیل در یک درگیری گسترده کنند، ما در وسط درگیری گیر می‌افتیم.»

سخنگوی ارتش اردن تأیید کرده که امان درخواست کرده که موشک‌های پاتریوت آمریکا در اردن مستقر شود.

درخواست اردن برای سیستم‌های دفاع هوایی پاتریوت از واشنگتن نشان‌دهنده نگرانی فزاینده در مورد گرفتار شدن این کشور در جنگی است که جمهوری اسلامی و نیابتی‌های آن به راه انداخته‌اند و احتمال دارد به مرزهای کشورهای دیگر منطقه از جمله اردن کشیده شود.

اردن با سوریه و عراق همسایه است یعنی دو کشوری که شبه‌نظامیان و تروریست‌های نیابتی رژیم ایران در آنها فعالیت می‌کنند. این کشور همچنین در همسایگی اسرائیل و کرانه باختری قرار دارد.

ملک عبدالله پادشاه اردن چندی پیش با صراحت اعلام کرد که نگران است درگیری میان اسرائیل و حماس باعث سرازیر شدن سیل آوارگان فلسطینی به این کشور شود و نه اردن و نه مصر حاضر به پذیرفتن آنها نیستند.

یک مقام امنیتی در اردن که خواست نامش فاش شود، گفت: «انتظار داریم که ما شاهد پاسخی سریع‌تر به درخواست‌های طولانی خود برای کل مهمات و تجهیزات باشیم که تحویل آنها نسبتاً کند صورت می‌گیرد.»

انگلیس کار ایران است!» وی به کنایه گفت: «لابد بسیج لندن و بسیج پاریس این کار را کرده‌اند!»

با ادامه درگیری‌های شدید میان اسرائیل و حماس موج گسترش جنگ به سایر نقاط منطقه دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه را نگران کرده است.

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره احتمال ورود جمهوری اسلامی به جنگ گفته «هر احتمالی متصور است.»

در این میان مواضع مقامات ارشد نظامی جمهوری اسلامی بیش از وزیر خارجه دولت سیزدهم بوی جنگ می‌دهد. علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۷ مهرماه در یک سخنرانی در نیشابور گفته بود «اکنون هم زمان تحقق وعده نابودی اسرائیل و پایان این سلسله خیانت‌ورزی‌ها فرا رسیده و هرآنچه توانمندی‌های انقلاب اسلامی در اختیار است، برای محو کردن صهیونیست‌ها استفاده خواهد شد.» وی اول آبان‌ماه نیز در یک سخنرانی در مسجد «دانشگاه تهران» گفت «اگر تکلیف شود موشک مستقیم به سوی حیفا شلیک می‌کنیم!»

## ترس رهبران و مردم کشورهای منطقه از جمهوری اسلامی

در این میان سایه‌ی جنگ بر فراز منطقه، زمامداران و مردم کشورهای کوچک‌تر خاورمیانه را بیشتر نگران کرده است. در شرایطی که علی خامنه‌ای از رهبران کشورهای اسلامی منطقه می‌خواهد علیه اسرائیل موضع بگیرند و دست به اقدام عملی علیه آن کشور بزنند اما تقریباً اغلب آنها نه از اسرائیل بلکه از تهدیدات جمهوری اسلامی واهمه دارند!

مقامات ارشد سابق اردن و یک منبع امنیتی به رویترز گفته‌اند که اردن اکنون به دلیل نگرانی از شعله‌ور شدن آتش جنگ در منطقه توسط رژیم ایران و گروه‌های نیابتی

● علی خامنه‌ای در سالگرد اشغال سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ با تکرار مواضع ضداسرائیلی خود از کشورهای اسلامی خواست «راه صدور نفت و ارزاق» به اسرائیل را مسدود کنند.

● وی گزارش پلیس بریتانیا مبنی بر دخالت عوامل جمهوری اسلامی در تظاهرات حامیان فلسطین در لندن و سایر شهرهای انگلیس را رد کرد و به کنایه گفت «لابد بسیج لندن و بسیج پاریس این کار را کرده‌اند!»

● در این میان سایه‌ی جنگ بر فراز منطقه، زمامداران و مردم کشورهای کوچک‌تر خاورمیانه را بیشتر نگران کرده است. در شرایطی که علی خامنه‌ای از رهبران کشورهای اسلامی منطقه می‌خواهد علیه اسرائیل موضع بگیرند و دست به اقدام عملی علیه آن کشور بزنند اما تقریباً اغلب آنها نه از اسرائیل بلکه از تهدیدات جمهوری اسلامی واهمه دارند!

● رویترز گزارش داده درخواست اردن برای سیستم‌های دفاع هوایی پاتریوت از واشنگتن نشان‌دهنده نگرانی فزاینده در مورد گرفتار شدن این کشور در جنگی است که جمهوری اسلامی و نیابتی‌های آن به راه انداخته‌اند و احتمال دارد به مرزهای کشورهای دیگر منطقه از جمله اردن کشیده شود.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز چهارشنبه دهم آبان‌ماه طی یک سخنرانی به مناسبت سالگرد اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری دیپلمات‌های ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با تکرار مواضع ضداسرائیلی خود از کشورهای اسلامی خواست «راه صدور نفت و ارزاق» به اسرائیل را مسدود کند.

وی خطاب به رهبران جهان عرب گفت: «با آن رژیم همکاری اقتصادی نکنند در همه مجامع جهانی، صریح، بدون لکنت و دوپهلویی و با صدای بلند جنایات و فجایع رژیم غاصب را محکوم کنند.»

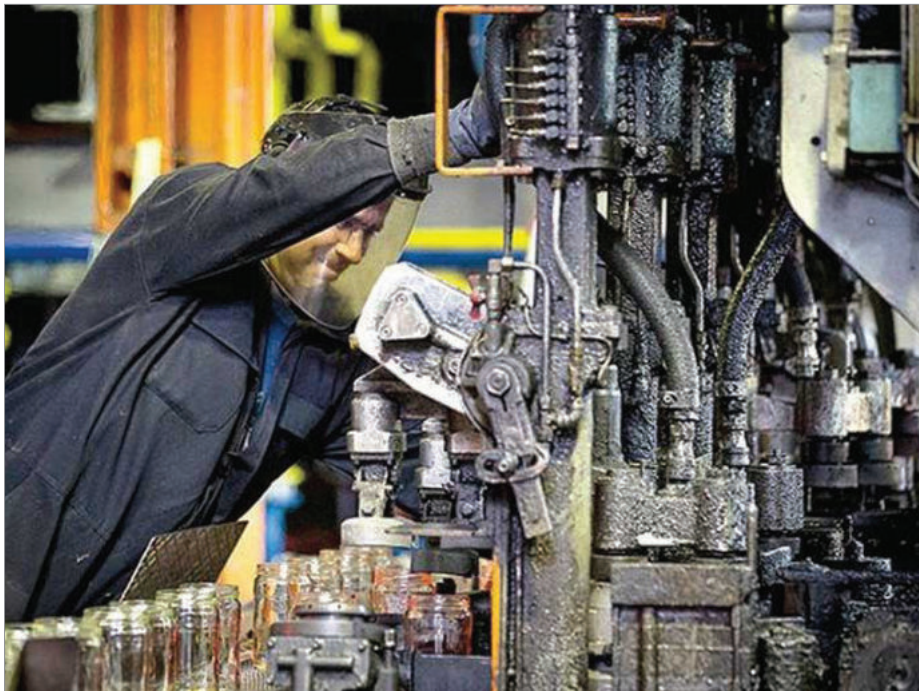
رهبر جمهوری اسلامی در حمایت مجدد از عملیات تروریستی گروه حماس علیه اسرائیل گفت که درس بزرگ عملیات «توفان الاقصی» این بود که گروهی با تدارکات و امکانات کم اما با ایمان و بر دشمن غلبه کرد و «توانست محصول سال‌ها تلاش جنایتکارانه دشمن را در ظرف چند ساعت دود کند و به هوا بفرستد.»

خامنه‌ای در بخشی از سخنان خود گزارش پلیس بریتانیا مبنی بر دخالت عوامل جمهوری اسلامی در تظاهرات حامیان فلسطین در لندن و سایر شهرهای انگلیس را رد کرد.

او در اینباره گفت: «در همین کشورهای غربی، در انگلیس، در فرانسه، در ایتالیا، در خود آمریکا، ایالت‌های مختلف، مردم با جمعیت‌های انبوه می‌آیند در خیابان علیه اسرائیل و در موارد بسیاری علیه آمریکا شعار می‌دهند.»

علی خامنه‌ای در ادامه افزود: «آبروی اینها رفت. اینها واقعاً هیچ علاجی ندارند، نمی‌توانند توجیه کنند؛ لذا می‌بینید یک ابله‌ی پیدا می‌شود می‌گوید اجتماع مردم در

## پنج میلیون فرصت کاری کشور در اختیار مهاجران ۶۷ درصد از جوانان ۱۵ تا ۳۴ ساله ایرانی بیکار هستند



● پنج میلیون فرصت شغلی ایران در اختیار مهاجران خارجی است. مهاجرانی که شمار آنها هشت میلیون نفر اعلام شده، و در نتیجه ۵۹ درصد از آنان در ایران دارای شغل هستند.

● کارفرمایان تعداد زیادی از نیروی کار غیرمجاز افغانستانی را در مراکز اقتصادی شهر به کار می‌گمارند، تنها به این علت که آنها مهاجر غیرمجاز هستند و به همین دلیل حقوق مطابق قوانین کار به آنها پرداخت نمی‌کنند.

● حتی بر اساس آمارهای دولت نیز ۳۷ درصد از جمعیت در سن کار ایران را جوانان ۱۵ تا ۳۴ ساله تشکیل می‌دهند و در حدود ۶۷ درصد از جمعیت بیکار و ۳۳ درصد از شاغلین شامل این گروه سنی می‌شود.

یک مقام دولتی اعلام کرده پنج میلیون شغل کشور در اختیار اتباع مهاجر است که نشان می‌دهد بیش از نیمی از مهاجران در ایران شاغل هستند. محاسبات نشان می‌دهد بر اساس درآمدهای مالیاتی در نظر گرفته شده در بودجه امسال، ۷۰۰ هزار میلیارد یارانه پنهان به اتباع شاغل در ایران تخصیص یافته است.

محمد حسینی نماینده بوشهر در شورای عالی استان‌ها به نقل از صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته که ۵ میلیون شغل در ایران در اختیار اتباع است. شمار مهاجران خارجی در ایران هشت میلیون نفر اعلام شده، در نتیجه ۵۹ درصد از آنان در ایران دارای شغل هستند.

روزنامه اینترنتی «فراز» در گزارشی به ابعاد اقتصاد مهاجران از مالیات پنهان تا ضریب اشتغال پرداخته و نوشته که در حالی پنج میلیون فرصت شغلی کشور در اختیار اتباع خارجی مهاجر قرار گرفته که به گفته صولت مرتضوی وزیر کار، اگر از این میزان شغل فقط ۲/۵ میلیون به ایرانی‌ها برگردد می‌تواند تاثیر زیادی بر نرخ بیکاری و اشتغال در کشور بگذارد.

این در حالیست که دولت هیچ برنامه‌ای برای ساماندهی مهاجران ندارد و حتی درباره اینکه تعداد واقعی مهاجران به ویژه افغانستانی‌ها در ایران هشت میلیون نفر است، تردید وجود دارد. در آنسو اما مهاجران توانسته‌اند در مشاغل مختلفی از جمله کارگری مشغول به کار شوند، بدون آنکه مالیات پرداخت کنند!

در گزارش «فراز» آمده که مهاجران در سراسر کشور پراکنده نیستند و در چند استان متمرکز شده‌اند. تهران و خراسان رضوی بیشترین تعداد اتباع را در خود جای دادند و پرتعدادی در شهر می‌تواند نشان دهد که تا چه میزان از شغل‌ها، از کارگر گرفته تا دست‌فروش و نیروی خدماتی در اختیار افغانستانی‌ها قرار گرفته است. آن‌ها حاضر هستند با حداقل حقوق بدون بیمه و مزایای قانونی کار کنند و کارفرمایان سودجو هم ترجیح می‌دهند که از این کارگران به جای کارگر ایرانی استفاده کنند.

فعالان کارگری تاکید می‌کنند که ایران تبدیل به آموزشگاه فنی و حرفه‌ای نیروی کار افغان شده است. تا جایی که این کارگران بدون کوچک‌ترین تعهدی در ایران اقدام به یادگیری

بر اساس این گزارش‌ها کارفرمایان تعداد زیادی از نیروی کار غیرمجاز افغانستانی را در مراکز اقتصادی شهر به کار می‌گمارند، تنها به این علت که آنها مهاجر غیرمجاز هستند و به همین دلیل حقوق مطابق قوانین کار به آنها پرداخت نمی‌کنند.

چون از اینکه مهاجران توانسته‌اند بخش قابل توجهی از فرصت اشتغال در کشور را در اختیار بگیرند که در آنسو بیکاری سالهاست به مشکلی جدی برای شهروندان ایرانی تبدیل شده است. از سوی دیگر میان آمارهای ارائه شده از سوی دولت درباره نرخ بیکاری و اشتغال نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد.

اکثر اقتصاددانان منتقد نسبت نرخ «حداقل سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد یک شغل» را معیاری برای راستی‌آزمایی آمار دولت معرفی می‌کنند، اما دولت بر این عقیده است که با نرخ بسیار کمتری اشتغال را تقویت کرده و از نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان و جوانان (که همواره بالاتر بوده) کاسته است.

در تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران در مورد شرایط بازار کار در کشور، نرخ بیکاری در تابستان ۱۴۰۲ ۷/۹ درصد رسیده که روندی کاهشی نسبت به بهار ۱۴۰۲ داشته است. طبق این گزارش، نرخ مشارکت اقتصادی افراد در تابستان امسال نسبت به تابستان سال گذشته ۰/۶ درصد افزایش داشته است. زنان فارغ‌التحصیل بیکار به طور میانگین، سهمی معادل ۶۸/۸ درصد از کل بیکاران کشور را داشته‌اند.

اینهمه در حالیست که حتی بر اساس آمارهای دولت نیز ۳۷ درصد از جمعیت در سن کار را جوانان ۱۵ تا ۳۴ ساله تشکیل می‌دهند و در حدود ۶۷ درصد از جمعیت بیکار و ۳۳ درصد از شاغلین شامل این گروه سنی می‌شود.

مهاجرت‌های مختلف می‌کنند و سپس به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند.

این گزارش افزوده که نیروی کار افغان بدون دادن حق بیمه یا هر نوع مالیات سرمایه‌ی زیادی را هم از ایران خارج می‌کند و به افغانستان می‌رساند. در صورتی که این کارگران در مدت زمان حضور در ایران از یارانه پنهان دولت نیز استفاده می‌کنند. بر اساس آمار به هر یک میلیون جمعیت، یک میلیارد دلار یارانه پنهان انرژی و مواد غذایی مثل نان داده می‌شود.

در ادامه آمده که اگر آمار ۸ میلیون مهاجر را در نظر بگیریم یارانه پنهانی که سالانه به آن‌ها اختصاص پیدا می‌کند ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است. اگر بدانیم که کل درآمدهای مالیاتی دولت در بودجه ۱۴۰۲، ۷۰۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده، می‌توان به بزرگی یارانه پنهان اتباع در کشور پی برد. از سوی دیگر دولت در سال‌های اخیر همواره با کسری بودجه روبه‌رو بوده و ۷۰۰ هزار میلیارد یارانه پنهان به اتباع بار زیادی بر بودجه کشور تحمیل می‌کند.

گزارش «فراز» تأکید کرده که موضوع اشتغال مهاجرانی یکی از ابعاد مهمی است که باید در تشکیل سازمان ملی مهاجرت به آن توجه شود تا آمارهای نیروی کار ایرانی و افغانستانی با یکدیگر همخوانی داشته باشند و در روند سامان‌دهی، نه کارگران مهاجر به وسیله کارفرمایان سودجو استثمار شوند و نه جوانان ایرانی بیکار بمانند.

گزارش‌هایی که پیشتر منتشر شده نشان می‌دهد افغانستانی‌های ساکن ایران در مشاغل مختلفی به فعالیت مشغول هستند؛ از فروشنده لباس گرفته تا متصدی باشگاه ورزشی و کارگران رستوران‌ها، کافی شاپ‌ها، مراکز خدماتی، شهرداری و حتی مشاغل کاذب.

# رأی مثبت جمهوری اسلامی به راه حل «دو کشور» یا تظاهر به «عقب نشینی» برای از زیر ضرب خارج کردن حماس؟!



آتش زدن پرچم اسرائیل تجمع حامیان فلسطین در تهران

حماس روبرو شد و آن را در موارد متعدد به عنوان «شکست اسرائیل» مطرح کردند.

حالا در حالی که نماینده جمهوری اسلامی به این قطعنامه رأی مثبت داده، مباحثه و مناقشه بر سر آن در گرفته است! در واقع رژیم ایران به قطعنامه‌های رأی داده است که یکی از بندهای اصلی آن که راهکار پایان دادن به این درگیری است، با یکی از اصول سیاسی و ایدئولوژیک رژیم ایران یعنی «نابودی اسرائیل» مغایرت دارد. با این رأی که نمی‌توانسته به فقط بخشی از این قطعنامه باشد، در عمل راه حل «دو کشور» و موجودیت اسرائیل به رسمیت شناخته شده است. واکنش‌ها به این موضوع با اندکی تأخیر رسانه‌ای شد. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل نهم آبان‌ماه در یک ظاهرا گفتگو به خبرگزاری «ایرنا» توضیح داده است که «رأی مثبت و حمایت جمهوری اسلامی ایران از تصویب قطعنامه پیشنهادی اردن به مجمع عمومی سازمان ملل تغییری در مواضع ایران ایجاد نکرده است.»

در بخشی از توضیحات نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل که بسیار مبهم و غیرشفاف مطرح شده آمده است که: «قطعاً جمهوری اسلامی با بخش‌هایی از این قطعنامه مشکل دارد و در تعارض با سیاست‌های اصولی و قطعی کشورمان در قبال فلسطین قرار دارد؛ اما در مقابل، رژیم صهیونیستی و حامیانش تلاش داشتند تا اولاً عملیات مقاومت در ۱۵ مهر به عنوان یک اقدام تروریستی تلقی شود، که با تلاش و انسجام قوی کشورهای اسلامی و همراهی تعدادی از کشورهای دیگر این توطئه خنثی شد، و ثانیاً تلاش داشتند تا با ایجاد تفرقه در میان کشورها، این قطعنامه با ضعیف‌ترین رای به تصویب برسد.»

در این توضیحات تأکید شده «در عین حال وفق

و ۴۵ رأی ممتنع به تصویب رسید بر «آتش‌بس فوری» تأکید شده است. به نوشته ایرنا، خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی، عراق که اول رأی ممتنع داده بود، بعداً آن را به مثبت تغییر داد. با اینهمه در متن گزارش ایرنا آمده است: «در پی اصلاح رأی ممتنع عراق به این قطعنامه و تبدیل آن به رأی مثبت، آرای نهایی بدین شرح است: ۱۲۱ رأی موافق، ۱۳ رأی مخالف و ۴۵ رأی ممتنع.» در حالی که ایرنا از شمار آرای ممتنع می‌بایست کم می‌کرد و نه از آرای مخالف!

علاوه بر اسرائیل کشورهای آمریکا و اتریش و مجارستان و چک و کرواسی به این قطعنامه رأی منفی دادند. رأی کشورهای مثل بریتانیا، آلمان، استرالیا، بلغارستان، فنلاند، آلمان، یونان، هند، ایتالیا، اوکراین و ژاپن ممتنع بود و فرانسه، بلژیک و عربستان و ارمنستان و جمهوری آذربایجان و بنگلادش و قطر و ایرلند و نروژ و روسیه و اسپانیا و سوریه و ترکیه و همچنین جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای هستند که به آن رأی مثبت دادند. همچنین کشورهای ارائه‌کننده قطعنامه نپذیرفتند اصلاحیه‌ای را تأیید کنند که در آن حملات تروریستی حماس در ۷ اکتبر محکوم شود. این قطعنامه خواهان آتش‌بس فوری، رسیدگی به وضعیت مردم در غزه، آزادی همه غیرنظامیان و حفاظت از شهروندان و اطمینان از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غزه شده و همچنین در بند ۱۳ بر راه حل «دو کشور» اسرائیل و فلسطین بر اساس قطعنامه‌های حقوق ملل و قوانین بین‌المللی به عنوان تنها راه رسیدن به صلح پایدار میان ساکنان این منطقه تأکید شده است.

برخی نمایندگان هم در سخنرانی‌های خود در اجلاس ۲۷ اکتبر بر ضرورت تلاش برای تحقق راهکار «دو کشور» تأکید کردند. با اینهمه تصویب این قطعنامه بلافاصله با استقبال هم جمهوری اسلامی و مقامات و رسانه‌های وابسته و هم

● در قطعنامه‌ای که از سوی کشورهای عربی در ۲۷ اکتبر به تصویب مجمع فوق‌العاده سازمان ملل رسید، بر «آتش‌بس فوری» تأکید شده است. کشورهای ارائه‌کننده نپذیرفتند اصلاحیه‌ای را مبنی بر محکومیت حماس در حمله تروریستی هفتم اکتبر به خاک اسرائیل به آن اضافه کنند. ● در بند ۱۳ بر راه حل «دو کشور» اسرائیل و فلسطین بر اساس قطعنامه‌های حقوق ملل و قوانین بین‌المللی به عنوان تنها راه رسیدن به صلح پایدار میان ساکنان این منطقه تأکید شده است.

● نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در توجیه این رأی اعلام کرد «هر رأی ایران غیر از مثبت به این قطعنامه، بازی در زمین رژیم صهیونیستی و حامیانش بود!» ● روزنامه «جمهوری اسلامی»: «این قطعنامه حاوی نکاتی است که با سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی ایران در تضادند و رأی مثبت ایران به آن می‌تواند به معنای عقب‌نشینی از سیاست اعلام شده باشد.»

● اگرچه برخی تحلیلگران نیز این رأی را عقب‌نشینی جمهوری اسلامی دانسته‌اند، اما این «عقب‌نشینی» به معنی پذیرش موجودیت اسرائیل و راه حل «دو کشور» از سوی رژیم ایران نیست و تنها یک تاکتیک برای از زیر ضرب خارج کردن سازمان تروریستی حماس است تا بتواند دوباره خود را جمع و جور کند و از خسارات و تلفات بیشتر به این گروه تروریستی جلوگیری شود.

همزمان با سومین هفته جنگ اسرائیل با گروه تروریستی حماس در غزه روز جمعه پنجم آبان‌ماه (۲۷ اکتبر ۲۰۲۳) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یک نشست فوق‌العاده درباره فلسطین قطعنامه پیشنهادی کشورهای عربی را به تصویب رساند.

در این قطعنامه که با ۱۲۰ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف



از فلسطین نیست. گروه تروریستی حماس از آغاز با اقدام محمود عباس و راه حل «دو کشور» مخالف بود. در این میان بسیاری از سیاستمداران کشورهای که رأی ممتنع و یا مثبت به قطعنامه ۲۷ اکتبر رأی مثبت دادند، به انتقاد از دولت‌ها و وزارت خارجه‌ی خود پرداختند. از جمله دولت آلمان به شدت مورد انتقاد قرار گرفت بطوری

اسلامی به این قطعنامه پرداخت و نوشت «این قطعنامه حاوی نکاتی است که با سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی ایران در تضادند و رأی مثبت ایران به آن می‌تواند به معنای عقب‌نشینی از سیاست اعلام شده باشد». در این نوشتار تأکید شده این رأی به معنای «پذیرش موجودیت رژیم صهیونیستی توسط دولت‌ها و نامشروع

→ رویه کار مجمع عمومی، تحفظ خود نسبت به راه حل دو کشوری و شناسایی رژیم منحوس اسرائیل را در قالب توضیح رای به ثبت رسانده است. از همین رو به دلیل مغایرت برخی از بندهای این قطعنامه با مواضع قطعی و پایدار کشورمان در موضوع فلسطین، جمهوری اسلامی ایران هم‌بانی (!?) این قطعنامه نشده است.»

Voting Started		10/27/2023		3:48:54 PM	
<b>Item 5 - A/ES-10/L.25</b>					
<b>Protection of civilians and upholding legal and humanitarian obligations</b>					
<input checked="" type="checkbox"/> AFGHANISTAN	<input checked="" type="checkbox"/> CAMEROON	<input checked="" type="checkbox"/> FINLAND	<input checked="" type="checkbox"/> KUWAIT	<input checked="" type="checkbox"/> NEPAL	<input checked="" type="checkbox"/> SAUDI ARABIA
<input checked="" type="checkbox"/> ALBANIA	<input checked="" type="checkbox"/> CANADA	<input checked="" type="checkbox"/> FRANCE	<input checked="" type="checkbox"/> KYRGYZSTAN	<input checked="" type="checkbox"/> NETHERLAN...	<input checked="" type="checkbox"/> SENEGAL
<input checked="" type="checkbox"/> ALGERIA	<input checked="" type="checkbox"/> CENTRAL AF...	<input checked="" type="checkbox"/> GABON	<input checked="" type="checkbox"/> LAO PDR	<input checked="" type="checkbox"/> NEW ZEALAND	<input checked="" type="checkbox"/> SERBIA
<input checked="" type="checkbox"/> ANDORRA	<input checked="" type="checkbox"/> CHAD	<input checked="" type="checkbox"/> GAMBIA	<input checked="" type="checkbox"/> LATVIA	<input checked="" type="checkbox"/> NICARAGUA	<input checked="" type="checkbox"/> SEYCHELLES
<input checked="" type="checkbox"/> ANGOLA	<input checked="" type="checkbox"/> CHILE	<input checked="" type="checkbox"/> GEORGIA	<input checked="" type="checkbox"/> LEBANON	<input checked="" type="checkbox"/> NIGER	<input checked="" type="checkbox"/> SIERRA LEONE
<input checked="" type="checkbox"/> ANTIGUA-BA...	<input checked="" type="checkbox"/> CHINA	<input checked="" type="checkbox"/> GERMANY	<input checked="" type="checkbox"/> LESOTHO	<input checked="" type="checkbox"/> NIGERIA	<input checked="" type="checkbox"/> SINGAPORE
<input checked="" type="checkbox"/> ARGENTINA	<input checked="" type="checkbox"/> COLOMBIA	<input checked="" type="checkbox"/> GHANA	<input checked="" type="checkbox"/> LIBERIA	<input checked="" type="checkbox"/> NORTH MAC...	<input checked="" type="checkbox"/> SLOVAKIA
<input checked="" type="checkbox"/> ARMENIA	<input checked="" type="checkbox"/> COMOROS	<input checked="" type="checkbox"/> GREECE	<input checked="" type="checkbox"/> LIBYA	<input checked="" type="checkbox"/> NORWAY	<input checked="" type="checkbox"/> SLOVENIA
<input checked="" type="checkbox"/> AUSTRALIA	<input checked="" type="checkbox"/> CONGO	<input checked="" type="checkbox"/> GRENADA	<input checked="" type="checkbox"/> LIECHTENSTEIN	<input checked="" type="checkbox"/> OMAN	<input checked="" type="checkbox"/> SOLOMON IS...
<input checked="" type="checkbox"/> AUSTRIA	<input checked="" type="checkbox"/> COSTA RICA	<input checked="" type="checkbox"/> GUATEMALA	<input checked="" type="checkbox"/> LITHUANIA	<input checked="" type="checkbox"/> PAKISTAN	<input checked="" type="checkbox"/> SOMALIA
<input checked="" type="checkbox"/> AZERBAIJAN	<input checked="" type="checkbox"/> COTE D'IVOIRE	<input checked="" type="checkbox"/> GUINEA	<input checked="" type="checkbox"/> LUXEMBOURG	<input checked="" type="checkbox"/> PALAU	<input checked="" type="checkbox"/> SOUTH AFRICA
<input checked="" type="checkbox"/> BAHAMAS	<input checked="" type="checkbox"/> CROATIA	<input checked="" type="checkbox"/> GUYANA	<input checked="" type="checkbox"/> MADAGASCAR	<input checked="" type="checkbox"/> PANAMA	<input checked="" type="checkbox"/> SOUTH SUDAN
<input checked="" type="checkbox"/> BAHRAIN	<input checked="" type="checkbox"/> CUBA	<input checked="" type="checkbox"/> HAITI	<input checked="" type="checkbox"/> MALAWI	<input checked="" type="checkbox"/> PAPUA NEW ...	<input checked="" type="checkbox"/> SPAIN
<input checked="" type="checkbox"/> BANGLADESH	<input checked="" type="checkbox"/> CYPRUS	<input checked="" type="checkbox"/> HONDURAS	<input checked="" type="checkbox"/> MALAYSIA	<input checked="" type="checkbox"/> PARAGUAY	<input checked="" type="checkbox"/> SRI LANKA
<input checked="" type="checkbox"/> BARBADOS	<input checked="" type="checkbox"/> CZECHIA	<input checked="" type="checkbox"/> HUNGARY	<input checked="" type="checkbox"/> MALDIVES	<input checked="" type="checkbox"/> PERU	<input checked="" type="checkbox"/> SUDAN
<input checked="" type="checkbox"/> BELARUS	<input checked="" type="checkbox"/> DEM PR OF K...	<input checked="" type="checkbox"/> ICELAND	<input checked="" type="checkbox"/> MALI	<input checked="" type="checkbox"/> PHILIPPINES	<input checked="" type="checkbox"/> SURINAME
<input checked="" type="checkbox"/> BELGIUM	<input checked="" type="checkbox"/> DEM REP OF ...	<input checked="" type="checkbox"/> INDIA	<input checked="" type="checkbox"/> MALTA	<input checked="" type="checkbox"/> POLAND	<input checked="" type="checkbox"/> SWEDEN
<input checked="" type="checkbox"/> BELIZE	<input checked="" type="checkbox"/> DENMARK	<input checked="" type="checkbox"/> INDONESIA	<input checked="" type="checkbox"/> MARSHALL IS...	<input checked="" type="checkbox"/> PORTUGAL	<input checked="" type="checkbox"/> SWITZERLAND
<input checked="" type="checkbox"/> BENIN	<input checked="" type="checkbox"/> DJIBOUTI	<input checked="" type="checkbox"/> IRAN (ISLAMI...	<input checked="" type="checkbox"/> MAURITANIA	<input checked="" type="checkbox"/> QATAR	<input checked="" type="checkbox"/> SYRIAN ARA...
<input checked="" type="checkbox"/> BHUTAN	<input checked="" type="checkbox"/> DOMINICA	<input checked="" type="checkbox"/> IRAQ	<input checked="" type="checkbox"/> MAURITIUS	<input checked="" type="checkbox"/> REP OF KOREA	<input checked="" type="checkbox"/> TAJIKISTAN
<input checked="" type="checkbox"/> BOLIVIA	<input checked="" type="checkbox"/> DOMINICAN ...	<input checked="" type="checkbox"/> IRELAND	<input checked="" type="checkbox"/> MEXICO	<input checked="" type="checkbox"/> REP OF MOL...	<input checked="" type="checkbox"/> THAILAND
<input checked="" type="checkbox"/> BOSNIA-HER...	<input checked="" type="checkbox"/> ECUADOR	<input checked="" type="checkbox"/> ISRAEL	<input checked="" type="checkbox"/> MICRONESIA...	<input checked="" type="checkbox"/> ROMANIA	<input checked="" type="checkbox"/> TIMOR-LESTE
<input checked="" type="checkbox"/> BOTSWANA	<input checked="" type="checkbox"/> EGYPT	<input checked="" type="checkbox"/> ITALY	<input checked="" type="checkbox"/> MONACO	<input checked="" type="checkbox"/> RUSSIAN FED...	<input checked="" type="checkbox"/> TOGO
<input checked="" type="checkbox"/> BRAZIL	<input checked="" type="checkbox"/> EL SALVADOR	<input checked="" type="checkbox"/> JAMAICA	<input checked="" type="checkbox"/> MONGOLIA	<input checked="" type="checkbox"/> RWANDA	<input checked="" type="checkbox"/> TONGA
<input checked="" type="checkbox"/> BRUNEI DAR...	<input checked="" type="checkbox"/> EQUATORIAL...	<input checked="" type="checkbox"/> JAPAN	<input checked="" type="checkbox"/> MONTENEGRO	<input checked="" type="checkbox"/> SAINT KITTS-...	<input checked="" type="checkbox"/> TRINIDAD-TO...
<input checked="" type="checkbox"/> BULGARIA	<input checked="" type="checkbox"/> ERITREA	<input checked="" type="checkbox"/> JORDAN	<input checked="" type="checkbox"/> MOROCCO	<input checked="" type="checkbox"/> SAINT LUCIA	<input checked="" type="checkbox"/> TUNISIA
<input checked="" type="checkbox"/> BURKINA FASO	<input checked="" type="checkbox"/> ESTONIA	<input checked="" type="checkbox"/> KAZAKHSTAN	<input checked="" type="checkbox"/> MOZAMBIQUE	<input checked="" type="checkbox"/> SAINT VINCE...	<input checked="" type="checkbox"/> TURKMENIST...
<input checked="" type="checkbox"/> BURUNDI	<input checked="" type="checkbox"/> FSM	<input checked="" type="checkbox"/> KYRGYZSTAN	<input checked="" type="checkbox"/> MYANMAR	<input checked="" type="checkbox"/> SAMOA	<input checked="" type="checkbox"/> TUVALU

فهرست رأی کشورهای جهان به قطعنامه پیشنهادی کشورهای عربی در مورد فلسطین: «سبز: مثبت» «قرمز: منفی» و «زرد:

که علاوه بر وزیر خارجه، صدراعظم این کشور نیز مجبور به توضیح شد که چرا آلمان رأی ممتنع داده و نمی‌بایست به رأی منفی می‌داد! در حالی که بر اساس همان دلایل، کشورهایمانند آمریکا و اتریش به آن رأی منفی دادند.

### واکنش شاهزاده رضا پهلوی

موضوع راه حل «دو کشور» سال‌هاست که مورد پشتیبانی شاهزاده رضا پهلوی است. وی به تازگی نیز روز سه‌شنبه ۹ آبان در مصاحبه با شبکه «فاکس‌نیوز» درباره خاورمیانه و جنگ گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل و نقش مخرب جمهوری اسلامی گفت: «تنها راه برقراری صلح اینست که راهکار دو کشور را ممکن ساخت. اما این تنها زمانی رخ خواهد داد که گروه‌های نیابتی و همه‌آنجایی که سعی در خرابکاری در روند صلح داشتند دیگر وجود نداشته باشند.» وی تأکید کرد تا وقتی جمهوری اسلامی هست، راهکار «دو کشور» اسرائیل و فلسطین ممکن نیست!

قابل توجه اینکه در سال‌های اخیر در جریان مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا بر سر «احیای برجام» یکی از درخواست‌هایی که به واسطه دولت‌های غربی و شخص جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی به عنوان شرط «میانبر» برای کنار آمدن با غرب مطرح می‌شد «به رسمیت شناختن اسرائیل» بود. موضوعی که نه تنها هرگز مورد موافقت مقامات جمهوری اسلامی قرار نگرفت بلکه رژیم از هر فرصتی که توانست تروریست‌های نیابتی خود را به جان این کشور و شهروندان آن انداخت. هم‌اکنون نیز مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی در حال رجزخوانی در مورد موفقیت حملات تروریستی و فحیح حماس و نابودی اسرائیل هستند و رؤیای رسیدن به «قدس» را در سر می‌پروراند!

بودن ادعای کسانی خواهد بود که با دولتی به نام اسرائیل مبارزه کنند.» در کنار همه این توضیحات و توجیهاتی که مطرح می‌شود، پدیده‌ی است که رأی دادن به این قطعنامه تصمیمی نبوده که بدون چراغ سبز از سوی بالاترین رده‌های تصمیم‌گیر نظام و بطور مشخص بدون اجازه‌ی علی خامنه‌ای صورت گرفته باشد.

### پیشینه‌ی راه حل «دو کشور»

برخی تحلیلگران این اقدام را «عقب‌نشینی» و سیاست دوگانه جمهوری اسلامی زیر فشارهای بین‌المللی تفسیر کرده‌اند. در حالی که اگر هم چنین باشد، این «عقب‌نشینی» به معنی پذیرش موجودیت اسرائیل و راه حل «دو کشور» از سوی رژیم ایران نیست و تنها یک تاکتیک برای از زیر ضرب خارج کردن سازمان تروریستی حماس است تا بتواند دوباره خود را جمع و جور کند و از خسارات و تلفات بیشتر به این گروه تروریستی جلوگیری شود.

محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین که جمهوری اسلامی مدت‌هاست با وی مناسبات خوبی ندارد و وی را «خائن» می‌نامد، در نوامبر سال ۲۰۱۲ در شصت و پنجمین سال تأسیس دولت اسرائیل، قطعنامه‌ای را به سازمان ملل ارائه داد که بر اساس آن وضعیت حقوقی تشکیلات خودگردان فلسطین به «دولت غیرعضو» سازمان ملل ارتقا یافت. قطعنامه‌ای که با رأی اکثریت اعضای مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد.

در این قطعنامه، دولت خودگردان پذیرفت که دولت فلسطین را در محدوده جغرافیایی ۱۹۶۷ به بعد تأسیس کند. در همان زمان رأی‌دهندگان سازمان همکاری اسلامی از جمله جمهوری اسلامی پذیرفتند که «قدس غربی» بخشی

وی همچنین گفت: «جمهوری اسلامی ایران بار دیگر بر ضرورت تشکیل دولت واحد دموکراتیک فلسطینی به پایتختی قدس شریف و در سراسر سرزمین‌های فلسطینی- از رود اردن تا دریای مدیترانه- و بر مبنای آرای تمام فلسطینیان بومی این سرزمین اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی، به‌عنوان تنها راه پایان منازعه جاری تأکید می‌کند و تا حصول این آرمان تنها راه پیش رو را حمایت از مقاومت مشروع مردم فلسطین می‌داند.»

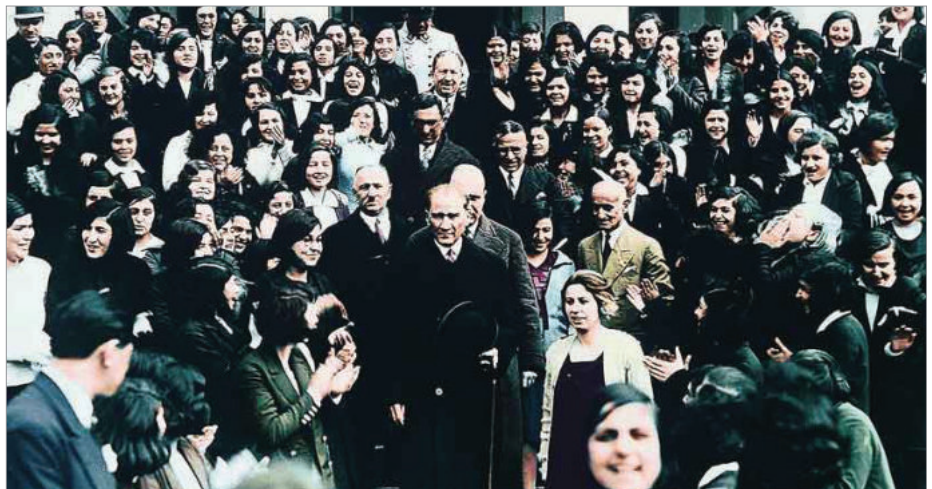
نماینده‌ی جمهوری اسلامی، به ادعای ایرنا، گویا در ۶ آبان نیز پیش از اینکه این موضوع توجهات را به خود جلب کند، در همین زمینه گفته بود: «شایان ذکر است به دلیل وجود برخی تعارضات، جمهوری اسلامی ایران حاضر نشد هم‌بانی قطعنامه مورد نظر شود. لذا هر رأی ایران غیر از مثبت به این قطعنامه، بازی در زمین رژیم صهیونیستی و حامیانش بود.»

حسین امیرعبدالللهیان وزیر خارجه رژیم نیز پس از تصویب این قطعنامه در پاسخ به پرسش خبرنگار «ایرنا» در نیویورک درباره تأثیر تصویب این قطعنامه، بدون آنکه بند مربوط به راه حل «دو کشور» را به روی خود بیاورد، تصریح کرد: «مهمترین پیامی که قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل برای مردم فلسطین دارد، حمایت از مردم مظلوم و مقاوم فلسطین و تمرکز بر این موضوع است که باید آتش‌بس انسانی برقرار شود و کمک‌های انسان دوستانه نیز برقرار شود.»

### توجیه غیرموجه

روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران در سرمقاله خود با عنوان «توجیه غیرموجه قطعنامه سازمان ملل» که سه‌شنبه نهم آبان منتشر شد به انتقاد از رأی مثبت جمهوری

## یک قرن لائسیته در ترکیه‌ی آتاتورک



بازدید مصطفی کمال آتاتورک بنیانگذار ترکیه‌ی لائیک و نوین از یک دبیرستان دخترانه در ازمیر / ۱ فوریه ۱۹۳۱ / منبع: ویکی‌پدیا

## انتقال بازداشت‌شدگان در مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند به زندان‌های قرچک و اوین

● هرچند هنوز آمار قطعی از شمار بازداشت‌شدگان در مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند اعلام نشده اما برخی گزارش‌ها تعداد بازداشت‌شدگان را دست‌کم ۱۵ نفر عنوان کردند.

● مسعود زینال‌زاده و محمد گراوند فعال صنفی آموزگاران، نسرین ستوده فعال مدنی و وکیل دادگستری، منظر ضرابی از خانواده جانبختگان هوپیمای اوکراینی، نیلوفر میرزایی فعال دانشجویی از جمله بازداشت‌شدگان در مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند هستند.

● شمار دیگری از شهروندان نیز در این مراسم مورد ضرب و جرح نیروهای حکومتی قرار گرفتند.

مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند دختر نوجوانی که در پی حمله مأموران امر به معروف به کما رفته بود، در حالی برگزار شد که نهادهای امنیتی شماری از شهروندان حاضر در این مراسم را بازداشت کردند.

مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند

پیکر آرمیتا گراوند صبح یکشنبه ۷ آبان‌ماه در فضای امنیتی شدید به خاک سپرده شد. نهادهای امنیتی از انتقال پیکر آرمیتا به کرمانشاه جلوگیری و خانواده او را وادار کردند پیکر دخترشان را در مزار تعیین شده از سوی حکومت و در «بهشت زهرا»ی تهران به خاک بسپارند.

شماری از شهروندان با وجود جو سنگین امنیتی در مراسم خاکسپاری آرمیتا شرکت و در مراسم یادبودی که از سوی خانواده آرمیتا در مسجد «جابری» در محله چهارصد دستگاه، در خیابان «پیروزی» در تهران برگزار شد نیز شرکت کردند. در مسجد محل برگزاری این مراسم نیز فضای سنگین امنیتی حاکم بود. بر اساس ویدئوها و گزارش‌های منتشر شده در این مراسم شعارهایی چون «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده» و «آرمیتا، آرمیتا، روح شاد» سر داده شد. گزارش‌ها نشان از آن دارد که شماری از فعالان مدنی و صنفی و دادخواه شرکت‌کننده در این مراسم بازداشت شدند. هرچند هنوز آمار قطعی از شمار بازداشت‌شدگان در این مراسم اعلام نشده اما برخی گزارش‌ها تعداد بازداشت‌شدگان را دست‌کم ۱۵ نفر عنوان کرده‌اند.

سازمان حقوق بشری «هنگاو» هم گزارش داده که «دو نفر از بستگان آرمیتا گراوند و همچنین چند زن که هویت‌شان تا کنون معلوم نیست، در محوطه بهشت زهرا توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شدند.» بر اساس تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی مردم و نیروهای امنیتی و لباس شخصی در مقابل مسجد محل برگزاری مراسم یادبود آرمیتا گراوند با هم درگیر شدند.

مسعود زینال‌زاده و محمد گراوند فعال صنفی آموزگاران، نسرین ستوده فعال مدنی و وکیل دادگستری، منظر ضرابی از خانواده جانبختگان هوپیمای اوکراینی، نیلوفر

و جزایی به اعماق زندگی اجتماعی- سیاسی مردمان ترکیه بردند؛ آتاتورک با آگاهی که از مقتضیات زمانه و نیازهای کشوری نوین به دست آورده بود، با تأکید بر اصول و ایده حقوق جدید، قانون اساسی تازه‌ای را برای ترکیه خواستار شد تا بر پایه آن بتواند دولتی مدرن و ملتی نوین را به عرصه آورد. تا دوره مبارزات ملی و میهنی به رهبری آتاتورک، امپراتوری عثمانی بر اساس داده‌های شرعی و احکام فقهی اداره می‌شد و هر عمل سیاسی- اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی نشأت گرفته از دستوراتی بودند که شیخ‌الاسلام‌ها در هماهنگی با خلیفه عثمانی بر مردم تحمیل می‌کردند. در احکام شریعت اسلامی، مفهوم و نهادی به عنوان «حقوق» و «مسئولیت» وجود نداشت و بجای آنها، «احکام» و «تکالیف» قرار داشتند. مدرن‌گرایان ترکیه با لغو دستورات حکومتی- فقهی دوره عثمانیان، قوانین اساسی و موضوعه‌ای را قرار دادند که مبتنی بر حقوق طبیعی انسان‌ها بوده و حقوق زنان و مردان ترکیه را با پایه غیرودینی (لائیک) و عرفی (سکولار) تأمین می‌کردند. لائسیته ترکیه که آتاتورک به ارمغان آورده و به اجرا گذاشت، ملت ترکیه را فراتر از جنسیت- قومیت و اعتقادات دینی به عنوان انسان‌هایی صاحب حق و حقوق قرار داد.

از اعم مسائل و محوری‌ترین موارد مدرن‌سازی حقوقی- سیاسی و فرهنگی ترکیه آتاتورک لائیک، مسائل آموزش و پرورش و زنان بودند؛ مدرن‌گرایان ترکیه با هدایت و حمایت آتاتورک با اجرای آموزش همگانی به پرورش ذهنی جدید و واقع‌گرا مبادرت کردند؛ آنان با گسترش تحصیل دختران و زنان، زمینه‌های لازم را برای احقاق حقوق شهروندی آنان در ترکیه جدید فراهم ساختند. بر پایه اقدامات آتاتورک و دیگر مدرن‌گرایان ترکیه، زنان فعال‌تر در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی حاضر شدند؛ در عرصه‌های سیاسی دارای حق انتخاب شده و در مقامات اجرایی و قضایی جای گرفتند.

اینک یک قرن از اعلام جمهوریت در ترکیه می‌گذرد و این کشور با پشت سر گذاشتن تلاطمات سرنوشت‌ساز تاریخی، بار دیگر در جدال لائسیته و اسلامگرایی، در مجادله‌ای سرنوشت‌ساز قرار گرفته است. تلاطماتی که با کشورداری اسلام‌خواهان عثمانی‌گرا، اصول اولیه ترکیه لائیک را به پرسش کشیده و فرهنگ جمعی و رفتارهای فردی شهروندان ترکیه را با مشکلات جدی مواجه ساخته است.

● آتاتورک و جمع محدود همراهانش که سپس عده‌ای از آنان «حزب جمهوریخواه خلق ترکیه» (۱۹۲۳) را تشکیل دادند، فرایند مدرن‌سازی را با گذار از احکام فقهی به حقوق مدنی و جزایی به اعماق زندگی اجتماعی- سیاسی مردمان ترکیه بردند.

● اینک یک قرن از اعلام جمهوریت در ترکیه می‌گذرد و این کشور با پشت سر گذاشتن تلاطمات سرنوشت‌ساز تاریخی، بار دیگر در جدال لائسیته و اسلامگرایی، در مجادله‌ای سرنوشت‌ساز قرار گرفته است.

علی اصغر حقدار - یکصد سال پیش در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ مصطفی کمال آتاتورک با اعلام جمهوریت ترکیه، نقطه آغازی بر مدرن‌سازی این کشور گذاشت که با شروع جنگ‌های ملی و استقلال‌طلبانه در ۱۹ مه ۱۹۱۹ شکل گرفت و با گذار از الغای سلطنت و خلافت عثمانی، کشور (دولت- ملت) نوین ترکیه را از میان اشغال غریبان، توطئه‌های سنت‌گرایان شریعت‌خواه خلافت و تصوف‌گرایان ضد مدرن ... به سرانجام رساند. جمهوریتی که آتاتورک به وجود آورد، آزادی و حقوق انسانی را برای ترکیه به ارمغان آورد و دوران تازه‌ای را در تاریخ آناتولی و حکومت‌های پیشین پدیدار ساخت؛ حکومت‌هایی که از هزار سال قبل بر پایه آموزه‌های دینی اسلام، اداره جامعه را در دست داشتند.

با فیصله یافتن مسئله ترکیه در جهان پساجنگ جهانی اول در معاهده لوزان (۱۹۲۳) و بیرون راندن قوای خارجی از خاک برجای مانده از امپراتوری زوال‌یافته عثمانی و حفظ بخش‌های مرکزی و آسیایی آن، مصطفی کمال به پایه‌ریزی نهادهای مدرن در ترکیه پرداخت و با همگانی و اجرایی ساختن آنها، رنسانسی را در ترکیه به وجود آورد؛ تدوین قانون اساسی لائیک (۱۹۲۴)، تهیه قوانین عرفی (۱۹۲۶)، آزادی سیاسی زنان (۱۹۳۴)، ایجاد آموزش و پرورش جدید با محتوای مدرن و جایگزینی الفبای لاتین (۱۹۲۸)، تشکیل رژیم پارلمانی و حزبی جمهوریت آمرانه و ... از اهم اقدامات آتاتورک در مدرن‌سازی لائیک ترکیه (۱۹۲۸) به شمار می‌روند.

آتاتورک و جمع محدود همراهانش که سپس عده‌ای از آنان «حزب جمهوریخواه خلق ترکیه» (۱۹۲۳) را تشکیل دادند، فرایند مدرن‌سازی را با گذار از احکام فقهی به حقوق مدنی

➔ میرزایی فعال دانشجویی از جمله بازداشت‌شدگان در مراسم آرمیتا گراوند هستند.

بر اساس گزارش‌های مسعود زینالزاده عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران پس از بازداشت به زندان اوین منتقل شد. نیلوفر میرزایی فعال دانشجویی نیز ساعاتی پس از بازداشت به زندان قرچک ورامین منتقل شده است. نیلوفر میرزایی دانشجوی رشته گرافیک دانشگاه «الزهر» (مدرسه عالی دختران) تهران پیش از این نیز در آبان سال ۱۴۰۱ و در جریان اعتراضات سراسری پس از قتل حکومتی مهسا امینی در مقابل ورودی خوابگاه توسط نیروهای سپاه پاسداران بازداشت و حدود ۳ ماه را در زندان قرچک سپری کرده بود. رضا خندان همسر نسرين ستوده گفته که همسرش از بازداشتگاه وزرا به دادسرای اوین و پس از تفهیم اتهام به زندان قرچک ورامین منتقل شده است. رضا خندان همچنین مدعی شده که نسرين ستوده از زمان بازداشت اعتصاب دارو و غذا کرده است.

البرز صادقی فرزند منظر ضربی هم در شبکه ایکس، «ضرب و شتم شدید» مادرش و بازداشت او را تأیید کرد و نوشت که «مادرم- دادخواه چهار جگرگوشه‌اش- را امروز در

و نه صدایی نه تریبونی دارند...»

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای از جان‌باختن آرمیتا گراوند، نوجوان ۱۶ ساله، به دلیل اعمال «قوانین توهین‌آمیز و تحقیرآمیز حجاب اجباری» ابراز خشم و اندوه کرده است. در این بیانیه آمده که مقامات حکومت ایران به مدت چهار هفته با راه‌اندازی کارزاری هماهنگ اقدام به «انکار و تحریف حقیقت» درباره شرایط منجر به جان‌باختن آرمیتا گراوند کردند. آنها سپس در مراسم تشییع این نوجوان برای ساکت کردن هرگونه ندای حقیقت‌خواهی و عدالت‌طلبی، با «وقاحت» سوگواران را بازداشت کردند.

کانون صنفی معلمان ایران نیز در بیانیه‌ای با محکومیت قتل حکومتی آرمیتا گراوند نوشته که «آرمیتا گراوند، یکی دیگر از دختران نوجوانی بود که جان با ارزشش را در راه تلاش برای حجاب اختیاری از دست داد. مطالبه‌ای ارزشمند که در شرایط امروز ما یکی از محورهای اساسی پیشبرد پروسه دمکراسی خواهی ایرانیان است. چرا که دمکراسی بدون برابری جنسیتی قابل تحقق نیست و مطالبه حجاب اختیاری، خواسته‌ای واقع‌بینانه و قابل‌تحقق و تلاشی در راستای تحقق این پروسه حیاتی است.»

امر را برای ارائه اطلاعات دقیق به مردم در مورد حادثه پیش آمده برای آرمیتا داده نشد؟»

آرمیتا گراوند، متولد ۱۳ فروردین ۱۳۸۵، صبح روز نهم مهر ۱۴۰۲، هنگام حرکت به سمت مدرسه، در ایستگاه مترو میدان «شهدای» تهران، به دلیل نپوشیدن مقنعه و رعایت نکردن حجاب اجباری حکومتی، در داخل واگن، مورد حمله یک نیروی «آمر به معروف» قرار گرفت و با هل دادن او، سرش به لبه در خروجی قطار برخورد کرد و پس از بیهوشی به کما رفت. این دختر نوجوان صبح روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲ پس از ۲۸ روز بستری بودن در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان نظامی «فجر» تهران درگذشت.

خانواده آرمیتا گراوند که از زمان به کما رفتن دختر نوجوانشان زیر فشارهای شدید امنیتی قرار داشتند، از روز گذشته و همزمان با جان‌باختن آرمیتا با فشارهای بیشتری روبرو هستند. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی این خانواده را مجبور کردند پیکر دخترشان را در «بهشت زهرا»ی تهران به خاک بسپارند. گزارش‌ها حاکی از آنست که خانواده آرمیتا تصمیم داشتند پیکر دخترشان به کرمانشاه منتقل کنند. سازمان حقوق بشری «هنگاو» گزارش داده نهادهای



مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند

مراسم خاکسپاری #آرمیتا\_گراوند بعد از ضرب و شتم شدید، با ون به بازداشتگاهی در شهر ری منتقل کردند!»

شمار دیگری از شهروندان نیز در این مراسم مورد ضرب و جرح نیروهای حکومتی قرار گرفتند. شهریار شمس شهروندی که در مراسم خاکسپاری آرمیتا گراوند دخترک ۱۶ ساله‌ای شرکت کرده بود که پس از ضربه‌ی یک آمر به معروف به کما رفت و سرانجام جان باخت با انتشار این عکس در ایکس از جمله نوشته است: «صرفاً به جرم شرکت در مراسم تشییع جنازه‌ی آرمیتا گراوند که طبق گفته‌ی خودشان بطور طبیعی فوت کرده، مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفتم و در آخر برای به کلانتری نرفتن، تمام پول‌هایم را نیز گرفتم!»

این عکس صرفاً قسمتی از آثار ضرب و شتم‌هایشان است. من که فقط مقداری ضرب و شتم شده و مقداری پول از دست دادم و اگر آسیب نخاعی‌ام اینطوری که می‌گویند خفیف باشد، نهایت یکی دو هفته طول می‌کشد و مسئله‌ای نیست؛ مهم افرادی هستند که بازداشت شدند یا گم‌نام‌هایی که خیلی بیشتر و جدی‌تر متحمل هزینه شده‌اند

این بیانیه افزوده که «آرمیتا، ژینا/مهسا، نیکا، سارینا و ... دختران مبارزی هستند که هر کدام در مقابل سیاست‌های فرهنگی/ایدئولوژیک حاکمیت اقتدارگرا ایستادند و بهای این ایستادگی را با بذل جان‌شان دادند.»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه‌ای با محکوم کردن «قتل» آرمیتا گراوند از سرکوب امنیتی و سانسور رسانه‌ای این حادثه توسط جمهوری اسلامی انتقاد کرد و نوشت که اعضای خانواده آرمیتا گراوند در مراسم عزاداری خود تهدید به سکوت شده‌اند. همچنین معلمان و هم‌کلاسی‌های آرمیتا نیز تهدید شده‌اند که در صورت هرگونه اطلاع‌رسانی تنبیه انضباطی شوند.

در این بیانیه آمده که «ترس شما از چه بود که در طول ۲۸ روز از وقوع حادثه و حتی تا لحظه خاکسپاری، به صورت دائم خانواده این دانش‌آموز بی‌گناه را مورد کنترل و تهدید قرار دادید؟»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تأکید کرده که «چرا اجازه ورود هیچ‌کدام از نهادهای مدنی مستقل و بیطرف از جامعه پزشکان و پرستاران و متخصصان

امنیتی با افزایش فشار بر خانواده آرمیتا گراوند، اعلامیه‌های نصب شده در حوالی منزل خانواده‌اش در خیابان «پیروزی» تهران را از دیوارها برداشته و از نصب بنر در مقابل خانه جلوگیری کردند.

جمهوری اسلامی ایران، در تمام مدت ۲۸ روز گذشته با مدیریت اخبار منتشر شده درباره آرمیتا و جلوگیری از حضور روزنامه‌نگاران در بیمارستان و حتی جلوگیری از حضور خانواده آرمیتا بر بالین او، ادعا کرده بودند این دختر نوجوان در مترو به ناگهان دچار آفت فشار خون شده و بر اثر بیهوشی به کما رفته است.

نهادهای امنیتی در این سناریوسازی حتی تلاش کردند از هم‌کلاسی‌ها و خانواده آرمیتا نیز سوء استفاده کرده و آنها را وادار به تکرار روایت‌های نادرست حکومت کنند. گزارش‌هایی که پیشتر منتشر شده بود حکایت از زیر فشار شدید قرار داشتن مادر و پدر آرمیتا داشت.

نیروهای «آمر به معروف» در متروها نیروهایی رسمی و سازمان‌یافته توسط شهرداری هستند که با عنوان «حجاب‌بان» استخدام شده و ماهانه ۱۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرند!

# ساندی تایمز: جمهوری اسلامی ایران از یک سال پیش در کمین یک قتل عام



کار انداختند. بسیاری با موتورسیکلت آمدند، برخی دیگر با قایق، در حالی که چند نفر با پاراگلایدرهای برقی بر فراز حصار امنیتی مرزی پرواز می‌کردند.

تورویست‌ها تقریباً همه کسانی را که در حوزه دید آنها قرار داشتند، سلاخی کردند. به گفته یکی از بازماندگان، بیش از ۲۶۰ مهمان در جشنواره موسیقی سوپرنوا ترنس «مانند اردک» شکار شدند. بر اساس گزارش‌های مطبوعات اسرائیل، بسیاری از مهاجمان از کاپتاگون، یک محرک روانی که حاوی داروی آمفتامین است، استفاده می‌کردند.

سایر عوامل حماس شماری از شهرک‌های مجاور را هدف قرار دادند که ظاهراً طرح آنها را با جزئیات می‌دانستند. در جریان این حمله، نوزادان به همراه مادرانشان از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و تمام خانواده‌ها زنده زنده در آتش سوختند. بسیاری از قربانیان تنها از طریق سوابق دندانپزشکی آنها شناسایی شده‌اند.

تورویست‌ها علاوه بر کشتن بیش از ۱۴۰۰ نفر و مجروح کردن حداقل ۵۳۰۰ نفر دیگر، ۲۳۰ گروگان از جمله ده کودک زیر پنج سال و بازماندگان سالخورده‌ی هولوکاست را ربودند تا از آنها به عنوان ابزار معامله در غزه استفاده کنند. گفته می‌شود یکی از ستیزه‌جویان اسیر شده حماس به بازجویان اسرائیلی گفته است که به ازای هر گروگانی که ربوده، ۱۰ هزار دلار و یک آپارتمان جدید به وی پیشنهاد شده است.

چارلز لیستر مدیر مبارزه با تروریسم در اندیشکده موسسه خاورمیانه در واشنگتن گفته است: «این گستاخانه‌ترین و وحشیانه‌ترین حمله‌ای است که حماس تا کنون علیه اسرائیل انجام داده است». حمله‌ای پیچیده، از زمین، دریا و هوا که حتا جزئیات سایبری هم داشت و مطلقاً هیچ دلیل موثقی وجود ندارد که رژیم ایران نقشی در آن نداشته باشد.»

## اتاق عملیات مشترک

دو روز پس از این قتل عام، وال استریت ژورنال گزارش داد که رژیم ایران در یک سلسله جلساتی که از ماه اوت ←

این حمایت مقامات واشنگتن را بر آن داشت تا بلافاصله پس از این جنایت ادعا کنند که رژیم ایران «بطور گسترده» در این حمله با حماس همدست بوده است. یک منبع کاخ سفید به ساندی تایمز گفت: «که این حمله اثر انگشت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را دارد.»

هیچ دولتی تا کنون از داشتن اطلاعات خاصی حرفی به میان نیاورده که به آن اجازه دهد علناً تهران را مقصر بداند. با این حال، برخی تحلیلگران بر این باورند که این ممکن است ناشی از تمایل غرب برای اجتناب از یک جنگ منطقه‌ای تمام‌عیار باشد و اینکه آشکار شدن حقیقت فقط به زمان نیاز دارد.

هفته گذشته، در حالی که نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) برای حمله زمینی به غزه آماده می‌شدند، سخنگوی ارشد آن به در اختیار داشتن مدارک محکم و غیرقابل انکار در ارتباط با دست داشتن رژیم جمهوری اسلامی در حوادث اخیر اشاره کرد.

دریاسالار دانیال هاگاری بدون اشاره به جزئیات گفت: «قبل از جنگ، رژیم ایران مستقیماً با دادن پول، آموزش و تسلیحات و دانش فنی به حماس کمک می‌کرد. حتی در حال حاضر، حکومت ایران از نظر اطلاعاتی به حماس کمک می‌کند.»

## حمله حماس در جشن یهودیان

در ساعت شش و نیم صبح روز شنبه هفتم اکتبر در تعطیلات یهودیان، حماس شروع به پرتاب و رگبار بیش از ۲۰۰۰ موشک به سمت جنوب و مرکز اسرائیل، از جمله اورشلیم و تل آویو کرد.

دقایقی بعد، هرکهای تروریستی در پی حذف وبسایت‌هایی که هشدارهای اطلاعاتی حیاتی به غیرنظامیان اسرائیلی می‌دادند، برآمدند.

در مرز غزه، هواپیماهای بدون سرنشین کوادکوپتر، برج‌های دیده‌بانی ارتش اسرائیل را بمباران کردند و سیستم‌های شناسایی را قبل از حمله بیش از ۱۵۰۰ مرد مسلح حماس، از جمله اعضای یگان ویژه نوخیا، به داخل خاک اسرائیل، از

● مقامات غربی از ترس یک درگیری گسترده‌تر در تلاش هستند تا از کش و قوس با جمهوری اسلامی اجتناب کنند. اما شواهدی مبنی بر آموزش، تامین مالی، تجهیز و تقویت سریع حماس توسط آنها در حال انباشته شدن است.

● تحلیل ویدئوهای تبلیغاتی حماس توسط شبکه خبری CNN نشان می‌دهد که حداقل از شش محل در غزه احتمالاً استفاده شده است. دو مکان کمتر از یک مایل از مرز با اسرائیل فاصله دارند و شامل یک روستای ساختگی برای شبیه‌سازی جنگ چریکی شهری بنا شده است.

● یک منبع امنیتی پیشین اسرائیل گفته: «مصر اطلاع داده بود که «هزاران» تن از عوامل حماس در حال آموزش در غزه دیده شده‌اند. به نظر می‌رسد زمانی که قاهره به همسایه خود هشدار داده بود که «رویدادی وحشتناک» در راه است، تل آویو تصور کرده عوامل حماس صرفاً در حال انجام یک تمرین نظامی هستند.»

روزنامه ساندی تایمز یکشنبه ۲۹ اکتبر نوشت: در سوم اکتبر، چهار روز قبل از شدیدترین حمله تروریستی تاریخ اسرائیل به آن کشور، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، پیامی مرموز در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. وی در حساب رسمی خود در ایکس نوشت: «رژیم صهیونیستی در حال مرگ است.»

روز بعد، یکی دیگر از حساب‌های مقامات رژیم، نظر خامنه‌ای را بازنشر کرد و اینبار پرچم فلسطین را اضافه نمود. سه هفته پس از کشتار ۷ اکتبر که در جریان آن بیش از ۱۴۰۰ اسرائیلی به دست تروریست‌های حماس به قتل رسیدند، شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد تهران ممکن است مستقیماً در طراحی و اجرای این حمله دست داشته باشد.

رژیم ایران سال‌های متمادیست که حامی اصلی حماس به شمار می‌رود؛ هر دو با هدفی یکسان و اعلام شده برای نابودی اسرائیل سهیم هستند. تهران به تسلیح و آموزش ستیزه‌جویان حماس کمک کرده و به گفته اسماعیل هنیه، رهبر حماس، سالانه ۷۰ میلیون دلار به آن کمک مالی می‌رساند.

(آرتی) گفت: ما کارخانه‌های محلی برای همه چیز داریم: موشک‌هایی با بُرد ۲۵۰ کیلومتر، ۱۶۰ کیلومتر، ۸۰ کیلومتر و ۱۰ کیلومتر. همچنین کارخانه خمپاره، کلاشنیکف و گلوله‌های آن را داریم. ما گلوله‌ها را با اجازه روس‌ها در غزه می‌سازیم.»

نیروهای نیابتی خود را در ایران یا در اردوگاه‌های حزب‌الله لبنان آموزش می‌داده و هیچ نشانه‌ای وجود نداشت که نشان دهد تمرین‌های اخیر بطور ویژه برای آماده شدن جهت ارتکاب جنایات هفتم اکتبر بوده است. یک منبع امنیتی پیشین اسرائیل گفته: «مصر اطلاع داده

→ در بیروت برگزار شده بود، به برنامه‌ریزی و تدوین این حمله کمک کرده است. این روزنامه مدعی شده که در جلسات دو هفته‌ای مقامات ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله سردار اسماعیل قآنی، فرمانده نیروی قدس که به نمایندگی از علی خامنه‌ای عملیات خارجی را طراحی می‌کند و شخصیت‌های بلندپایه حماس و حزب‌الله که در واقع نماینده رژیم ایران در لبنان است، حضور داشتند.

این گزارش با استناد به منابع متعدد، مدعی شده که حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، حداقل در دو جلسه حضور داشته و «چراغ سبز» به حمله ۷ اکتبر را در بیروت نشان داده است. رژیم ایران و گروه تروریستی حماس هر دو این گزارش را تکذیب کرده‌اند. این در حالیست که یک مقام آمریکایی گفت: «ما در حال حاضر هیچ اطلاعاتی برای تایید این گزارش نداریم.»

با این حال، دکتر ماتیو لویت، افسر سابق مبارزه با تروریسم اف‌بی‌آی که اکنون به عنوان تحلیلگر در موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک کار می‌کند، گفته است: «حماس قبلاً به وجود یک «اتاق عملیات مشترک» در بیروت افتخار می‌کرد. مکانی که با مقامات جمهوری اسلامی و حزب‌الله ملاقات می‌کرده است.»

لویت گفت: «حماس معمولاً توسط صالح العاروری، معاون رهبر این گروه و بنیانگذار شاخه نظامی آن، گردان‌های القسام، نمایندگی می‌شود. دولت ایالات متحده برای دستگیری العاروری، ۵۷ ساله، که با ربودن و قتل یک نوجوان اسرائیلی-آمریکایی در کرانه باختری در سال ۲۰۱۴ ارتباط داشته به عنوان بخشی از برنامه پاداش برای عدالت آمریکا، ۵ میلیون دلار (۱/۴ میلیون پوند) جایزه تعیین کرده است. عاروری چهارشنبه گذشته در کنار حسن نصرالله رهبر حزب‌الله و زیاد النخاله رئیس گروه تروریستی جهاد اسلامی فلسطین، برای گرفتن عکسی در بیروت حاضر شد. این افراد زیر تصاویر خامنه‌ای و روح‌الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی نشستند.»

نصرالله در اولین مداخله خود پس از حمله حماس به اسرائیل، از «گام‌هایی که محور مقاومت در این مرحله حساس برای دستیابی به پیروزی همه‌جانبه برداشته است» صحبت کرد.

### آموزش دیدن برای ترور

دولت اسرائیل اکنون بر این باور است که حمله ۷ اکتبر بیش از یک سال پیش برنامه‌ریزی شده بوده است. در حالی که تمرکز دولت نتانیاهو بر منازعات سیاسی داخلی و خشونت در کرانه باختری بود، به نظر می‌رسد حماس اکثر ستیزه‌جویانش را در برابر دید آشکار دشمن سرسخت خود آموزش داده است.

تحلیل ویدئوهای تبلیغاتی حماس توسط شبکه خبری CNN نشان می‌دهد که حداقل از شش محل در غزه احتمالاً استفاده شده است. دو مکان کمتر از یک مایل از مرز با اسرائیل فاصله دارند و شامل یک روستای ساختگی برای شبیه‌سازی جنگ چریکی شهری بنا شده است.

هفته گذشته وال استریت ژورنال گزارش داد که حدود ۵۰۰ جنگجو از حماس و جهاد اسلامی فلسطین در ماه سپتامبر تحت آموزش رزمی تخصصی زیر نظر مربیان نیروی قدس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران آموزش دیدند.

بر اساس گزارش‌ها، این تمرین‌ها تحت نظارت اسماعیل قآنی فرمانده سپاه قدس بوده است. مقامات آمریکایی گفته اند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بطور منظم



دیدار حسن نصرالله با رهبران حماس و جهاد اسلامی در بیروت

بسیاری از فلز مورد استفاده در ساخت این سلاح‌ها در طول سال‌ها از ساختمان‌هایی به دست آمده که توسط حملات هوایی اسرائیل تخریب شده بودند.

### عملیات نهایی

اگرچه تهران همچنان هرگونه نقش مستقیم در قتل عام ۷ اکتبر را انکار می‌کند، اما از زمانی که اسرائیل قصد خود را برای نابودی حماس اعلام کرد و مباران هوایی غزه را آغاز کرد، تمامی نیروهای نیابتی خود را در منطقه فعال نموده است.

حزب‌الله آماده حمله به جبهه شمالی اسرائیل است. شورشیان حوثی در یمن موشک‌هایی را از مسیر دریای سرخ به سوی اسرائیل پرتاب کرده‌اند و پایگاه‌های نظامی آمریکا در سوریه و عراق نیز مورد حمله شبه‌نظامیان تحت حمایت رژیم ایران قرار گرفته‌اند.

شیمیریت مایر مشاور ارشد سیاست خارجی نفتالی بنت نخست‌وزیر سابق اسرائیل گفته است: «این یک عملیات نهایی است. حماس تنها نیست. حماس بخشی از یک شبکه است و محور مقاومت، بسیار وفادار، هماهنگ و مطلع است.»

مایر افراد و تشکیلاتی مانند اسماعیل قآنی و نیروی قدس را در «رأس محور» دانسته و گفته: «آنها مدیران کلان اتفاقاتی هستند که این روزها روی می‌دهند.»

در این میان، چارلز لیستر بر این باور است که سرانجام شواهد قابل اتکا مبنی بر دخالت تهران در حمله حماس «به‌موقع» آشکار خواهد شد، اما آمریکا و متحدانش اکنون اساساً در پی کاهش تنش و جلوگیری از درگیری گسترده‌تر در خاورمیانه هستند.

او تأکید کرده: «اثبات و نشان دادن آشکار دخالت جمهوری اسلامی ایران در این حمله مانند ریختن بنزین بر آتش است و ابعاد جدید و خطرناکی به یک وضعیت بسیار خطرناک می‌بخشد.»

بود که «هزاران» تن از عوامل حماس در حال آموزش در غزه دیده شده‌اند.

او افزود: «به نظر می‌رسد زمانی که قاهره به همسایه خود هشدار داده بود که «رویدادی وحشتناک» در راه است، تل آویو تصور کرده عوامل حماس صرفاً در حال انجام یک تمرین نظامی هستند.»

وی ادامه داد: «این جریان برای ماه‌ها ادامه داشته، اما اسرائیل فکر می‌کرد فقط یک رزمایش بزرگ است.»

### کارخانه‌های زیرزمینی اسلحه‌سازی

کارشناسان بر این باورند که تسلیحات مورد استفاده حماس، از راکت گرفته تا تفنگ‌های تهاجمی، احتمالاً قبلاً توسط تهران تهیه شده یا در اکثر موارد با استفاده از امکانات جمهوری اسلامی در غزه ساخته شده است.

چارلز لیستر مدیر مبارزه با تروریسم در اندیشکده موسسه خاورمیانه در واشنگتن گفت: «تسلیحات جدیدی که در این عرصه به کار گرفته شده‌اند از جمله موشک‌های بالستیک، غالباً، ابتدا از طریق دریا و سپس از طریق شبکه وسیع تونل‌هایی که از «سینا» در مصر عبور می‌کنند، بطور قاچاق به نوار غزه وارد شده بودند.»

وی افزود: «مهندسان حماس نیز پیش از بازگشت به غزه برای راه‌اندازی خطوط تولید داخلی برای آموزش به ایران فرستاده شده بودند که اغلب در کارخانه‌های زیرزمینی صورت گرفته است.» لیستر اضافه کرد: «اینهمه نشانه‌ی ظرفیت‌سازی برای حمله است.»

او ادامه داد: «در چند هفته گذشته پس از حمله، چند ویدئو از شاخه نظامی حماس منتشر شده است که تصاویری کوتاه از این تأسیسات را نشان می‌دهند. از جمله یکی از آنها ساخت نارنجک‌های راکت‌زن زره‌پوش را نشان می‌داد که کپی مستقیم سیستم ایرانی مورد استفاده توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.»

علی باراکا سخنگوی حماس به سرویس عربی روسیه

## ادامه جلوگیری از ورود دانشجویان و استادان به دانشگاهها



دانشگاه امیرکبیر / پلی تکنیک

طول هفته پایانی مهرماه اخراج شدند. در اواخر مهرماه نیز آرمان ذاکری استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس نیز از حضور در کلاس درس محروم و با قطع حقوق مواجه شد. در اوایل مهرماه دکتر مسعود علیا عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه هنر تهران اخراج شد. پیشتر او به همراه دکتر امیر مازیار از تدریس منع شده بودند. همچنین ندا تولایی استاد دانشگاه هنر نیز از دیگر اساتیدی هستند که به تازگی اخراج شده‌اند. وی با وجود تشکیل کلاس‌هایشان در ترم جاری و تأیید صلاحیت در روزهای اخیر در پی تماس تلفنی از سوی حراست دانشگاه به «قطع همکاری به دلیل وجود نوساناتی در تأیید صلاحیت» مواجه شد. از ابتدای مهر امسال ۳۲ هزار استاد حق‌التدریسی از واحدها و رشته‌های مختلف این دانشگاه حذف شده و بجای آنها ۲۰ هزار دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری دانشگاه آزاد استخدام شدند. دانشجویان ترم یک و دو دکترا که بجای استادانی با یک یا دو دهه سابقه تدریس استخدام شده‌اند بر اساس قوانین استخدامی دانشگاه آزاد دارای مدرک کارشناسی ارشد شناخته شده نیستند و حق استخدام شدن نداشته‌اند! حذف اساتید که با اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری از دانشگاه‌ها در جریان است، بخشی از روند سرکوب در دانشگاه‌هاست که همزمان با پیوستن جنبش دانشجویی به اعتراضات جنبش ملی از سر گرفته شد. سیاست محدود ساختن فضای دانشگاه‌ها به اشکال مختلف همواره ادامه داشته است. اخراج، تعلیق و ممنوع‌الورود کردن دانشجویان، حذف اساتید از نظام آموزش عالی، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای تشدید تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها و ایجاد ممنوعیت‌های بیشتر در پوشش دانشجویان دختر و پسر از جمله این اقدامات است.

دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) به برخورد با دانشجویان به دلیل آنچه کنار هم نشست دختر و پسر (مختلط نشستن)، پوشش غیراسلامی و بدپوششی، کوتاهی شلوار و جلو باز بودن مانتو و داشتن پیرسینگ، عنوان شده پرداخته بودند. در همین حال کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور در خردادماه از ممنوع‌الورودی ۴۰ نفر از دانشجویان دختر به دانشگاه هنر در تهران خبر داده و نوشته بود: «حراست دانشگاه «بدون تذکر قبلی» مانع ورود حدود ۴۰ نفر از دانشجویان به دانشگاه شده و هیچ سندی هم مبنی بر تخلف آنها ارائه نداده است و مشخص نیست که این ممنوع‌الورودی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت.» در این میان، در روزهای اخیر باز هم اسامی استادان و دانشجویان بسیاری منتشر شده است که از ورود به دانشگاه منع و یا اخراج شده‌اند. از جمله علی احمدی استاد دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی با انتشار پیامی در صفحه اینستاگرام خود از دریافت حکم اخراج خود خبر داد. این موج اخراج استادان در حالی صورت می‌گیرد که در ماه‌های گذشته اساتید دیگری همچون مهدی خویی، آرمین امیر، آمنه عالی، حمیده خادمی و مرتضی مردی‌ها نیز از دانشگاه اخراج شدند. مهشید گوهری استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد نیز با انتشار متنی از قطع همکاری ناگهانی دانشگاه بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی قبلی، خبر داد. مرشد اسلامی نیز دانش‌آموخته دکترای ادبیات و استاد این رشته در دانشگاه فردوسی مشهد است که با وی قطع همکاری شده است. پس از اخراج دکتر علی اصغر خدایاری استادیار دانشکده مهندسی معدن دانشگاه تهران، دکتر آرمان ذاکری استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و دکتر جواد امامی استاد دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت، در

روز یکشنبه ۷ آبان خبرنگار امیرکبیر نوشت که در روزهای اخیر و پس از پلمب ۵۰ کافه اطراف دانشگاه تهران، دست‌کم ۳ کافه اطراف دانشگاه صنعتی امیرکبیر با طرح شکایت از سوی «حافظ شهبازی» (مدیریت حراست دانشگاه امیرکبیر) و با طرح اتهاماتی همچون «عدم رعایت حجاب» و «شبکه‌سازی علیه جمهوری اسلامی» توسط نیروهای اداره اماکن عمومی فراجا پلمب شدند!

در این میان، در روزهای اخیر باز هم اسامی استادان و دانشجویان بسیاری منتشر شده است که از ورود به دانشگاه منع شده و یا اخراج شده‌اند.

کانال تلگرام خبرنگار امیرکبیر اعلام کرد که دست‌کم ۳ کافه اطراف دانشگاه صنعتی امیرکبیر تعطیل شده و ۲۰ دانشجوی این دانشگاه ممنوع‌الورود شدند. روز یکشنبه ۷ آبان خبرنگار امیرکبیر نوشت که در روزهای اخیر و پس از پلمب ۵۰ کافه اطراف دانشگاه تهران، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد دست‌کم ۳ کافه (کافه‌ایستگاه، کافه روبرو و کافه جاز) اطراف دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) با طرح شکایت از سوی «حافظ شهبازی» (مدیریت حراست دانشگاه امیرکبیر) و با طرح اتهاماتی همچون «عدم رعایت حجاب» و «شبکه‌سازی علیه جمهوری اسلامی» توسط نیروهای اداره اماکن عمومی فراجا پلمب شدند!

این در حالیست که در هفته گذشته نیز ماموران اداره حراست دانشگاه امیرکبیر در اقدامی غیرقانونی به یکی از کافه‌های نزدیک به دانشگاه یورش بردند و اقدام به ضبط کارت شناسایی دانشجویان کردند.

از سوی دیگر در هفته‌های اخیر برخوردهای مربوط به حجاب اجباری و پوشش در محیط دانشگاه‌ها نیز افزایش یافته است و دست‌کم ۲۰ دانشجوی امیرکبیر در ارتبا با «حجاب» و «فعالیت‌های دانشجویی» از ورود به دانشگاه پلی‌تکنیک منع شدند و دست‌کم ۱۲ دانشجو دانشگاه صنعتی امیرکبیر ممنوع‌الورود شدند.

همچنین کمتر از یک هفته پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد دست‌کم ۹ نفر از دانشجویان پسر و ۳ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) ممنوع‌الورود شدند. اطلاعات رسیده نشان می‌دهد که اداره حراست دانشگاه‌ها علاوه بر مشخصات دانشجویان، تصویر پرسنلی و پروفایلی آنها را نیز در اختیار ماموران امنیتی داخل دانشگاه قرار می‌دهند تا دانشجویان بهتر مورد شناسایی قرار گیرند.

به نوشته‌ی این خبرنگار، همچنین اسناد محرمانه نشان می‌دهد که لیست دانشجویان ممنوع‌الورودی روزانه به روزرسانی می‌شود.

این خبرنگار پیشتر از افزایش گشت امنیتی در محیط دانشگاهی خبر داده و نوشته بود: «کمتر از یک ماه از بازگشایی دانشگاه‌ها می‌گذرد اما برخوردها در فضای آکادمیک افزایش یافته است! در روزهای اخیر، گشت‌های چندنفره متشکل از نیروهای حراست و نیروهای لباس‌شخصی در سطح دانشگاه با دانشجویان برخوردهای جدی داشته‌اند.»

روز ۲۳ مهر نیز چندین گشت امنیتی در محیط‌های

## با وجود بحران‌های معیشتی، ۹۶ درصد قراردادهای کارگری موقت هستند



است؛ در تهران سهم مسکن از سبد معیشت خانوار، ۷۳ الی ۷۵ درصد است؛ در کلانشهرهایی مثل اصفهان، مشهد و شیراز، این سهم بالاتر از ۴۸ درصد است.

فرارمز توفیقی همچنین گفته که سهم هفتاد و چند درصدی مسکن از سبد معاش خانوارهای کارگری در تهران، عجیب و غریب بالاست و از استطاعت مردم خارج است، حتی استطاعت رفتاری برای کنار آمدن با این شاخص وجود ندارد؛ به همین دلیل است که رفتارهای مردم در قبال مساله مسکن، از سر استیصال و گاهی غیرقابل باور است چراکه باید بتوانند یک تعادل بین درآمدها و هزینه‌های خود ایجاد کنند.

این فعال کارگری گفته کارگران به دلیل افزایش اجاره‌بها در کلانشهرها ناچار به مهاجرت به حاشیه و شهرهای اطراف هستند و هر روز ساعات زیادی را صرف رفت‌وآمد می‌کنند و این موضوع «علاوه بر اتلاف وقت، استرس‌های رسیدن به محل کار و فشارهای روحی ماندن در ترافیک سلامت کارگران را بطور جدی به مخاطره می‌اندازد» ادامه داد: آستانه‌ی تحمل چنین کارگری در مقابل فشارها و بیماری‌ها پایین می‌آید و از سوی دیگر، سهم او از بهره‌وری تولید به شدت کاهش می‌یابد؛ کارگر قبل از رسیدن به سر کار، در طول مسیر دچار فرسایش روحی و خستگی شده؛ در مرادوات اجتماعی هم با مشکل مواجه می‌شود، چون دیگر زمانی برای ارتباطات اجتماعی و معاشرت حتی با خانواده‌ی بلافصل خود ندارد!

فعالان کارگری مدت‌هاست از دولت درخواست افزایش دستمزدها را دارند اما دولت زیر بار چنین اقدامی نمی‌رود. افزایش سالانه دستمزد کارگران نیز بطور میانگین حدود ۲۰ درصد است اما تورم مدت‌هاست بیش از ۴۰ درصد است. این ارقام نشان می‌دهد هر ماه و هر هفته فاصله میان دستمزد و هزینه‌های زندگی برای این خانوارها افزایش می‌یابد.

قراردادهای موقت و سفید امضا را برای استخدام مطرح کرده و کارگران متقاضی کار نیز برای داشتن درآمدی حداقلی به اجبار شرایط کارفرمایان را می‌پذیرند.

اینهمه در حالیست که حتی کارگرانی که به صورت رسمی استخدام شده‌اند نیز درآمد کافی ندارند. امسال رقم حداقل دستمزد که معیار پرداخت حقوق کارگران و دیگر حداقل‌گیران است، در صورت پرداخت همه مزایای شغلی حدود ۸/۵ میلیون تومان است. محاسبات تحلیلگران اقتصادی و فعالان کارگری نشان می‌دهد که هزینه سبد معیشت در ایران بطور میانگین بیش از ۲۰ میلیون تومان و در شهر تهران ۳۳ میلیون تومان است.

درآمدی برابر با حدود یک سوم از رقم سبد معیشت به این معناست که درآمد کارگران تنها برای ۱۰ روز زندگی کافی است.

فرارمز توفیقی فعال کارگری در توضیح شرایط زندگی کارگران گفته که یکی از مهمترین مشکلات جامعه کارگری تأمین هزینه مسکن است. او گفته که «بحث مسکن، بحث بسیار پیچیده‌ای است که متأسفانه همیشه در تمام محاسبات و در تمام بحث‌های مربوط به سبد معیشت خانوارهای کارگری در مذاکرات مزدی، کنار گذاشته می‌شود؛ هیچ زمان در مذاکرات مزدی کارگران، در ارتباط با هزینه‌های واقعی مسکن بحث جدی نمی‌شود و محاسبات دقیق صورت نمی‌گیرد.»

فرارمز توفیقی افزوده که در کشورهای پیشرفته و صنعتی، سهم مسکن از سبد خانوار بین ۲۲ تا ۳۰ درصد است؛ در شهرهای بسیار بزرگ و صنعتی جهان مثل برلین آلمان، مادرید اسپانیا یا توکیو در ژاپن، سهم مسکن بین ۲۸ تا ۳۰ درصد است، اما در شهرهای کوچک‌تر این سهم بین ۲۲ تا ۲۶ درصد است. در کشور ما در ایده‌آل‌ترین شرایط بنا بر آمار رسمی، سهم مسکن از سبد خانوار از ۴۸.۹ تا ۷۳ درصد

● رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی گفته که از ۱۵ میلیون جامعه کارگری حدود ۹۶ درصد قرارداد موقت دارند و امنیت شغلی ندارند.

● درآمدی برابر با حدود یک سوم از رقم سبد معیشت به این معناست که درآمد کارگران تنها برای ۱۰ روز زندگی کافی است.

● فعالان کارگری مدت‌هاست از دولت درخواست افزایش دستمزدها را دارند اما دولت زیر بار چنین اقدامی نمی‌رود.

در شرایطی که تورم و گرانی در ایران نیاز به حمایت از اقشار کم‌درآمد از سوی دولت را بیش از پیش ضروری کرده، گزارش‌ها از موقت بودن ۹۶ درصد از قراردادهای کاری کارگران حکایت دارد.

فتح الله بیات رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی به وبسایت «تجارت نیوز» گفته که از ۱۵ میلیون جامعه کارگری حدود ۹۶ درصد قرارداد موقت دارند.

قراردادهای کاری موقت به معنای قراردادهای زیر ۹۰ روز هستند که بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی مشمول بیمه و مزایای شغلی نمی‌شوند و حتی رقم حداقل دستمزد نیز برای پرداخت به این کارگران از سوی کارفرما اجباری نیست و بسیاری از آنها ارقامی کمتر از رقم حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند.

فتح‌الله بیات رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی توضیح داده که کارگران «رسمی» در ایران، آنهایی هستند که در شغلی با کد بیمه مشخص یا در کارگاه ثبت شده و با کد کارگاهی مشخص کار می‌کنند و کارفرما برای شان حق بیمه می‌پردازد و از تأکیدات قانون کار شامل سنوات و دستمزد مصوب و حق اضافه کاری و مرخصی قانونی و مستمری بازنشستگی بهره‌مند می‌شوند.

او افزوده که غیر از اینها، کارگرانی هم هستند که چون در شغل بدون کد بیمه (مشاغل کاذب) یا در کارگاه غیر رسمی و بدون کد کارگاهی مشخص کار می‌کنند، صرفاً بسته به میزان انصاف کارفرما، از مزایای قانون کار بهره‌مند می‌گیرند؛ ممکن است بیمه نشوند، ممکن است دستمزد مصوب دریافت نکنند، ممکن است سنوات نگیرند.

به گفته رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی مجموع کارگرانی که با قرارداد دائم مشغول به کار هستند به کمتر از ۴ درصد از کل بیمه شدگان تأمین اجتماعی رسیده چون اغلب قرارداد دایمی‌ها که از نسل کارگران شاغل پیش از صدور دادنامه ۱۷۹ هستند، به سن بازنشستگی رسیده‌اند.

این فعال کارگری تأکید کرده که بیش از ۹۶ درصد جامعه ۱۵ میلیونی کارگران کشور، با قرارداد موقت، قرارداد ۸۹ روزه، قرارداد یک ماهه و سه ماهه و ۶ ماهه و حتی با قراردادهای سفید امضا و سفته‌گذاری و تعهدسپاری بابت اینکه هیچ مطالبه و معوقه‌ای از کارفرما ندارند مشغول به کارند و بنابراین می‌توان گفت بیش از ۹۶ درصد قراردادهای شغلی، ناایمن است.

در شرایطی که بازار کار مساعدی برای کارگران وجود ندارد، و گرانی و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی آنها را ناچار می‌کند با هر شرایطی تن به کار دهند، کارفرمایان نیز شرط

## مرگ خاموش نوابغ و مشاهیر موسیقی بر اثر فقر و ناتوانی در تأمین هزینه درمان

● دل‌مراد شکل‌زهی از آخرین اساتید بازمانده دهل‌نوازی موسیقی بلوچستان به دلیل فقر و ناتوانی در تأمین دارویی که تنها ۴۰۰ هزار تومان قیمت داشت چشم از جهان فرو بست.

● یک ماه پیشتر نیز شیرمحمد بلوچ‌زهی دهل‌نواز مشهور در همان محله فقیرنشین سوچنکان با سرنوشتی مشابه «دل‌مراد» و بر اثر بیماری در سکوت و بی‌توجهی و فقر و بی‌خبری مطلق درگذشت.

● شیرمحمد اسپندار «دونلی نواز» مشهور نیز در سیستان و بلوچستان بر اثر بیماری و در تنگدستی و عدم توان مالی برای درمان چشمانش، برای همیشه بینایی‌اش را از دست داده است.

دل‌مراد شکل‌زهی یکی از آخرین بازماندگان مشاهیر دهل‌نوازی موسیقی بلوچستان به دلیل ناتوانی در خرید دارویی که ۴۰۰ هزار تومان قیمت داشت، غریبانه درگذشت. او چندمین هنرمندی است که در پی فقر و بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی جان باخته است.

دل‌مراد شکل‌زهی از آخرین اساتید بازمانده دهل‌نوازی موسیقی بلوچستان به دلیل فقر و ناتوانی در تأمین دارویی که تنها ۴۰۰ هزار تومان قیمت داشت چشم از جهان فرو بست.

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران با انتشار خبر درگذشت دل‌مراد شکل‌زهی با عنوان «مرگ غریبانه مفاخر بلوچ» نوشته که دل‌مراد شکل‌زهی یکی از آخرین بازماندگان مشهور دهل‌نواز موسیقی بلوچستان چند روز پیش در بی‌توجهی و تنگدستی به خاطر ناتوانی در پرداخت هزینه داروی خویش که فقط چهارصد هزار تومان بیشتر قیمت نداشت در یکی از محلات فقیرنشین نیک‌شهر به نام سوچنکان غریبانه چشم از این جهان فرو بست.

در این مطلب آمده که «عرصه فرهنگ‌و هنر بلوچستان را بیش از هر زمان دیگر تیرگی و تباهی گرفته است به گونه‌ای که در روزهای اخیر دومین آخرین بازمانده نسل دهل‌نواز مشهور بلوچ در سکوت و بی‌خبری و کم‌توجهی و فقر از دنیا رفت بی آنکه کسی را ککی بگذرد.»

این گزارش از درگذشت یک هنرمند دیگر موسیقی بلوچستان در هفته‌های گذشته و باز به دلیل فقر و ناتوانی در پرداخت هزینه درمان خبر داده است. بر این اساس هفته پیش نیز دیگر دهل‌نواز مشهور موسیقی در معرض خطر زوال دهل‌وسرناهی بلوچستان «شیرمحمد بلوچ‌زهی» در همان محله فقیرنشین سوچنکان با سرنوشتی مشابه «دل‌مراد» و بر اثر بیماری در سکوت و بی‌توجهی و

## ادعای خبرگزاری «تسنیم»:

## مسعود رجوی سال ۱۳۹۹ بر اثر سکت قلبی مُرد



از زمان سقوط صدام حسین در عراق پس از حمله آمریکا در فروردین ۱۳۸۲ اطلاعاتی از وضعیت مسعود رجوی در دست نیست

مراکز درمانی شده بود.» در بخشی از این گزارش آمده اوایل دهه ۹۰ به دنبال حملات موشکی سپاه پاسداران و گروه‌های نیابتی به مقرّ مجاهدین در عراق آنها برای انتقال به آلبانی نیازمند خروج از لیست تروریستی وزارت خارجه آمریکا و انگلیس بودند و یکی از شروط آمریکا برای خروج از لیست تروریستی، عدم حضور مسعود رجوی در هر برنامه، دیدار، ملاقات و حتا نشر تصویر وی بود.

در گزارش تسنیم از عباس شاکری معروف به «دکتر فاضل» نام برده شده است. این خبرگزاری ادعا کرده وی «تا قبل از انتقال رجوی به آمریکا به‌عنوان دکتر شخصی او روند درمان وی را دنبال می‌کرد.»

طبق این گزارش «شاکری متولد خرم‌آباد و متخصص اورولوژی است که مدتی را در بیمارستان «شهدا»ی تهریز تهران مشغول به کار بوده و «در سال ۱۳۶۵ به عراق فرار می‌کند و به گروهک منافقین می‌پیوندد... وی اکنون با پاسپورتی با هویت جعلی به‌نام ضیاءالدین عبدالرزاق در کشور فرانسه اقامت دارد.»

تسنیم می‌نویسد «علاوه بر شاکری، برخی دیگر از نزدیکان وی مثل ماساژور و نیروهای محافظ مورد اعتماد او نیز از سال ۱۴۰۰ در برخی کشورهای اروپایی ساکن شده‌اند.»

بعضی از رسانه‌های داخلی در ایران از هر دو جناح حکومت مدت‌هاست بطور سازمانیافته تلاش می‌کنند به هر بهانه‌ای اخبار و رویدادهای مربوط به سازمان مجاهدین را به عنوان «اپوزیسیون نظام» برجسته کنند حتا اگر تاریخ مصرف محتوای مربوطه گذشته باشد و یا خبر اساساً دیگر اهمیتی نداشته باشد.

نه سازمان مجاهدین خلق و نه منابع آمریکایی رسماً مرگ مسعود رجوی را تأیید نکرده‌اند و حتا منابع خبری وابسته به این سازمان همچنان به نقل از او پیام و اظهار نظر در مورد مسائل سیاسی روز منتشر می‌کنند!

● در گزارش تسنیم به نقل از یک «منبع آگاه امنیتی» آمده رجوی پیش از مرگ به‌دلیل پیشرفت بیماری دیابت مجبور به قطع پا شده و بینایی خود را نیز از دست داده بود.

● بعضی از رسانه‌های داخلی در ایران از هر دو جناح حکومت مدت‌هاست بطور سازمانیافته تلاش می‌کنند به هر بهانه‌ای اخبار و رویدادهای مربوط به سازمان مجاهدین را به عنوان «اپوزیسیون نظام» برجسته کنند حتا اگر تاریخ مصرف محتوای مربوطه گذشته باشد و یا خبر اساساً دیگر اهمیتی نداشته باشد.

● نه سازمان مجاهدین خلق و نه منابع آمریکایی رسماً مرگ مسعود رجوی را تأیید نکرده‌اند و حتا منابع خبری وابسته به این سازمان همچنان به نقل از او پیام و اظهار نظر در مورد مسائل سیاسی روز منتشر می‌کنند!

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هفتم آبان‌ماه در گزارشی اختصاصی به نقل از یک «منبع امنیتی» آگاه ادعا کرده مسعود رجوی مسئول «شورای ملی مقاومت» (سازمان مجاهدین خلق) سال ۱۳۹۹ در اثر بیماری و سکت قلبی مُرد.

در گزارش تسنیم آمده وی پیش از مرگ به‌دلیل پیشرفت بیماری دیابت مجبور به قطع پا شده و بینایی خود را نیز از دست داده بود.

بنا بر این گزارش، مسعود رجوی پس از حمله آمریکا به عراق که منجر به سقوط صدام حسین شد در یکی از عملیات‌های نیروهای آمریکایی از ناحیه پا و صورت دچار جراحت شدید شد و به همین دلیل از حضور در انظار عمومی اجتناب می‌کرد.

همچنین گفته شده «وی پس از مدتی به دلیل وضعیت نامناسبی که برای اختفا در کشور اردن (پس از فرار از عراق) داشت، به بیماری قند و فشار خون مبتلا شده بود و ترس ناشی از افشای محل اختفای او، مانع از درمان بیماری‌اش در



## هشدار روزنامه «جمهوری اسلامی» در مورد تهدیدات «اعزامی‌های طالبان» به ایران



تجمع اعضا و طرفداران گروه تروریستی طالبان در «پارک ملت» تهران / مرداد ۱۳۹۹

و حتی در پاره‌ای از موارد به توجیه ناموجه واقعیت‌های تلخی که وجودشان قابل انکار نیست می‌پردازند. این، یعنی تبدیل کردن فرصت تعامل صحیح و قانونی با مهاجرین به تهدیدی که آینده‌ای بسیار نگران‌کننده را رقم خواهد زد. این روزنامه با اشاره به اخراج اعضای طالبان از پاکستان هشدار داده مسئولان نظام «نباید توطئه آمریکا را در موضوع فلسطین و عراق و سوریه و لبنان و یمن خلاصه کنند. در مرزهای خودمان ایادی آمریکا بسیار فعالند که یک مورد آن، مرز شرقی و همسایه تطهیرشده طالبان است.» بعد از سقوط دولت سابق افغانستان و به قدرت رسیدن دوباره طالبان شمار زیادی از مقامات جمهوری اسلامی به حمایت از این گروه تروریستی پرداختند. احمد نادری نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گفت «طالبان از جنبش‌های اصیل منطقه است» و «ما با طالبان دشمن مشترک داریم». علی شمخانی دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز رهبران طالبان را به خاطر عزم‌شان برای جنگیدن با آمریکا ستایش می‌کرد. محمدجواد ظریف وزیر خارجه «دولت تدبیروامید» نیز برای آنها فرش قرمز در تهران پهن کرد.

اینهمه در حالیست که در دو سال گذشته بارها اعضای طالبان به مرزبانان ایرانی تیراندازی کردند. شماری از سربازان هنگ مرزی در این درگیری‌ها کشته شده و یا به گروگان گرفته شدند و در دخمه‌های مرزی شکنجه و تحقیر شدند. یکی از اصلی‌ترین اختلافات میان طالبان و جمهوری اسلامی بر سر «حقابه هیرمند» است. با وجود اینکه مقامات سیاسی نظام ادعا کردند مسئله از طریق دیپلماتیک حل و فصل شده اما مشکل همچنان به قوت خود باقیست. حضور طرفداران طالبان در تجمعات طرفداران گروه تروریستی حماس که از جمله در شهرهای اروپایی برگزار می‌شود زنگ خطر را علیه منافع ملی ایران بیش از پیش به صدا درمی‌آورد. به ویژه آنکه به نظر می‌رسد حکومت بطور سازمانیافته گروه‌هایی از افغانستانی‌های نزدیک یا وابسته به طالبان را به ایران وارد کرده است.

● روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران هشتم آبان‌ماه در سرمقاله خود می‌نویسد با اینکه هر روز حادثه‌های تلخ در نقاط مختلف کشور به دست «اعزامی‌های طالبان» رخ می‌دهد اما مقامات نظام هنوز هم حاضر نیستند دست از تطهیرشان بردارند.

● این روزنامه به جزئیات دقیقی در مورد نوع تهدیدات یا اقدامات ضدامنیتی مورد ادعای خود اشاره نکرده است اما خطاب به مسئولان نظام می‌نویسد «هرقدر هم شما اخبار این حوادث را که حتی تا بیخ گوش تهران هم آمده کتمان کنید، دنیای ارتباطات آن را به گوش مردم می‌رساند.» روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران روز دوشنبه هشتم آبان‌ماه در سرمقاله خود با عنوان «فرستی که به تهدید تبدیل شد» خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشته است با اینکه هر روز حادثه‌های تلخ در نقاط مختلف کشور به دست «اعزامی‌های طالبان» رخ می‌دهد اما مقامات نظام هنوز هم حاضر نیستند دست از تطهیرشان بردارند. این روزنامه به جزئیات دقیقی در مورد نوع تهدیدات یا اقدامات ضدامنیتی مورد ادعای خود اشاره نکرده است اما خطاب به مسئولان نظام می‌نویسد، «هرقدر هم شما اخبار این حوادث را که حتی تا بیخ گوش تهران هم آمده کتمان کنید، دنیای ارتباطات آن را به گوش مردم می‌رساند.»

در بخشی از این نوشتار آمده، «هیچ ایرانی باوجدانی با اصل مهاجرت مردم سایر کشورها از جمله مردم افغانستان در چارچوب‌های ضرورت و نیازشان به این اقدام، مخالف نیست... [اما] از تابستان ۱۴۰۰ که افغانستان توسط گروه تروریستی طالبان اشغال شد، تعداد مهاجرین، نوع مهاجرت و پیامدهای آن به شدت تغییر کرد. این تغییرات با تهدیدهایی برای امنیت، سلامت، اقتصاد و فرهنگ ایران همراه شد که بی‌توجهی به آنها مخاطرات زیادی را برای کشور به همراه خواهد داشت.» در ادامه، روزنامه «جمهوری اسلامی» تأکید می‌کند «آنچه مایه نگرانی است اینست که مسئولان مربوطه در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌هایی که موضوع اتباع به آنها مربوط می‌شود، اهتمام لازم را نسبت به مقابله با این تهدیدها ندارند

فقر و بی‌خبری مطلق درگذشت. → در ادامه آمده که «غمبارتر آنکه با گذشت حدود یک ماه از مرگ مظلومانه شیرمحمد بلوچ‌زهی متاسفانه تا کنون کسی از مرگ وی خبر نداشته و نیز از وضعیت خانواده در فقر فرو رفته آن مرحوم سراغی نگرفته و احوالی جویا نشده تا تسلی خاطر را فراهم آورد!» هنرمندان زیادی در سال‌های گذشته به دلیل فقر و در



دل‌مراد شکل‌زهی

بی‌اعتنایی دولت به وضعیت هنرمندان جان خود را از دست داده یا دچار مشکلاتی شدند.

«اعتماد» همچنین نوشته مفارخی که سالیان متمادی است برای ترویج هنر و فرهنگ ملی و محلی بی‌مزد و منت تلاش نموده، خون و جگر خورده و سختی‌ها و مرارت‌ها کشیده و با نداری و ناملایمتی‌های موجود در این عرصه ساخته‌اند آیا پس از عمری فعالیت، مزد زحمات شایان‌شان این است که در بدترین وضعیت معیشتی و در فقر و فلاکت و نیز در انزوا و بی‌خبری از دنیا بروند بدون آنکه کسی گره به ابروی خویش بیاورد این اندوه بی‌پایان را؟! چندی پیش شیرمحمد اسپندار از نوابغ موسیقی سیستان و بلوچستان و «دونلی نواز» مشهور کشور بر اثر بیماری و در تنگدستی و عدم توان مالی برای درمان چشمانش، برای همیشه بینایی‌اش را از دست داده است.

فقر و ناتوانی در تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی تنها به هنرمندان ساکن سیستان و بلوچستان محدود نمی‌شود. ثریا حکمت بازیگر سینما و تلویزیون در سال ۱۳۹۵ به علت تشنج و سکنه مغزی در حالی درگذشت که اواخر عمرش به دلیل ناتوانی در پرداخت اجاره‌بهای خانه مجبور شده بود مدتی را در چادر زندگی کند.

ایرج خدری بازیگر که با برنامه «ساعت خوش» شناخته شد نیز در آخرین سال‌های عمرش به دلیل فقر به دستفروشی مشغول بود و در نهایت نیز به دلیل بیماری درگذشت. خدری در اثر آسیب جسمی و آنهم حین یک بازی بسکتبال در لیگ ایران دچار ضایعه نخاعی شده بود و به دلیل تشخیص نادرست پزشک فدراسیون بسکتبال این ضایعه جدی گرفته نشد و در نهایت باعث معلولیت وی شد.

## بازرگانان ارمنی جلفای اصفهان در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی



جلفای اصفهان

سربازان قزلباش رفتار بهتری با ارمنه‌ی جلفا داشتند. ارمنه و بازرگانان ارمنی این فرصت را یافتند که بخش قابل توجهی از ثروت خود را به همراه ببرند. بعد از رسیدن به تبریز هم محله‌ی خاصی را در اختیار آنها قرار دادند.

بعدها وقتی ارمنه به اصفهان رسیدند، آن شهر از ۵ سال پیش یعنی ۱۵۹۹ به فرمان شاه عباس در حال بازسازی بود و گسترش عظیمی می‌یافت. میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ در حال ساخت بودند. شاه عباس ارمنه‌ی جلفا را در جنوب زاینده‌رود در منطقه‌ای اسکان داد که توسط سی و سه پل به اصفهان مرتبط می‌شد. ارمنه‌ی جلفای نخجوان این منطقه‌ی نوساز را به یاد شهر قدیمی خود «جلفای نو» نامیدند.

ارمنه در جلفای نو از امتیازهای خاصی برخوردار بودند، از جمله ساختن کلیساهای متعدد و انجام مراسم مذهبی، به صدا درآوردن ناقوس‌ها برای دعوت به مراسم مذهبی و دعا. آنها اجازه‌ی برگزاری برخی جشن‌های مذهبی را در بیرون از اماکن مذهبی نیز داشتند که در برخی از آنها خود شاه عباس نیز حضور پیدا می‌کرد. خلاصه اینکه، وضعیت ارمنه جلفای نو، از وضعیت ارمنه‌ای که در اطراف دریای کاسپین و در فارس اسکان داده شده بودند بسی بهتر و حتی قابل مقایسه نبود.

رابطه‌ی خاص شاه عباس با ارمنه‌ی جلفا را بر بستر رابطه‌ی شاه با غلامان قفقازی خود و نیز با توجه به تضعیف نقش سران قزلباش در هرم نظامی پادشاهی صفویه باید مورد توجه قرار داد.

از همان زمان است که ارمنه‌ی جلفا نقش خاصی به عنوان نمایندگان دیپلماتیک و بازرگانی شاه عباس در اروپا پیدا کردند. همچنین تبدیل به میزبانان سیاحان، دیپلمات‌ها، بازرگانان و مبلغان مسیحی اروپایی در اصفهان شدند. از همین دوره ارمنه‌ی جلفا از نظر ایجاد و تقویت رابطه سیاسی و اقتصادی با اروپا، نقش مهمی ایفا می‌کردند.

از جلفای اصفهان بازرگانان ارمنی شبکه‌ی صادرات و واردات خود را بسیار گسترده‌تر از زمانی که در جلفای

بر رودخانه ارس در نزدیکی شهر جلفا پلی از قرون وسطا قرار داشت که به واسطه موقعیت خاص خود بهترین مکان برای اخذ مالیات از کاروان‌های بازرگانی به شمار می‌رفت که عمدتاً راهی امپراتوری عثمانی بودند. مالیات به صورت سکه در واحدهای پولی سرزمین‌های مختلف پرداخت می‌شد. حاکم جلفا سکه‌های اخذشده را ذوب می‌کرد و به صورت واحد پولی نخجوان در می‌آورد. به همین دلیل در فاصله‌ی کوتاه شهر کوچک جلفا از ثروت نسبتاً عظیمی برخوردار شد.

از اواخر قرن ۱۶ میلادی بازرگانان ارمنی انحصار صادرات ابریشم ایران و واردات اجناس اروپایی از جمله پارچه ابریشم از اسپانیا به ایران را به دست گرفتند. در همین دوره بود که بازرگانان ارمنی جلفا توجه اروپائیان را به سوی خود جلب کردند. به تدریج آنان حتی فراتر از ونیز در شهرهای دیگر اروپایی مانند ماریس هم اقامت گزیدند.

بازرگانان ارمنی جلفا از این امتیاز برخوردار بودند که به دلیل مسیحی بودن نزدیک به ملل اروپایی شمرده می‌شدند و در عین حال آشنایی نزدیکی با ملل خاورمیانه داشتند. به همین دلیل می‌توانستند نقش واسطه‌ی قابل اطمینانی را برای دو طرف ایفا کنند. گذشته از این، به دلیل حساسیت‌هایی که سنی‌های عثمانی نسبت به شیعه‌های ایرانی داشتند، امکان تجارت برای بازرگانان مسلمان ایرانی در عثمانی کمتر بود. در نتیجه ارمنه‌ی مسیحی حجم بسیار بالای تجارت ابریشم را در اختیار خود گرفتند.

در همین دوره موفقیت، بازرگانان ارمنی توجه ویژه‌ی پادشاهان صفوی و به خصوص شاه عباس اول را جلب کردند. در سال ۱۶۰۴ میلادی زمانی که شاه عباس در مقابل لشکریان پیروزمند عثمانی به سرعت در حال عقب‌نشینی بود برای محروم کردن قوای عثمانی از امکان تجدید قوا، اهالی جلفا و مناطق بزرگی از نخجوان شامل ارمنه، آشوری‌ها و مسلمانان را به زور به مناطق مرکزی ایران کوچاند. جالب توجه است که در برزخ کوچ اجباری و وضعیت اضطراری که پیش آمده بود، به فرمان شاه عباس

● از اواخر قرن ۱۶ میلادی بازرگانان ارمنی انحصار صادرات ابریشم ایران و واردات اجناس اروپایی از جمله پارچه ابریشم از اسپانیا به ایران را به دست گرفتند. در همین دوره بود که بازرگانان ارمنی جلفا توجه اروپائیان را به سوی خود جلب کردند. به تدریج آنان حتی فراتر از ونیز در شهرهای دیگر اروپایی مانند ماریس هم اقامت گزیدند.

● در سال ۱۶۰۴ میلادی زمانی که شاه عباس در مقابل لشکریان پیروزمند عثمانی به سرعت در حال عقب‌نشینی بود برای محروم کردن قوای عثمانی از امکان تجدید قوا، اهالی جلفا و مناطق بزرگی از نخجوان شامل ارمنه، آشوری‌ها و مسلمانان را به زور به مناطق مرکزی ایران کوچاند.

چندی پیش پروفیسور ادموند هرزیگ در «انجمن ایران» درباره بازرگانان ارمنی اصفهان در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی سخنرانی کرد. «انجمن ایران» قدیمی‌ترین مرکز ایران‌شناسی در بریتانیاست که در سال ۱۹۳۵ تاسیس شد. ادموند هرزیگ مورخ و نویسنده بریتانیایی و در حال حاضر استاد کرسی فارسی‌شناسی و عضو هیئت علمی شرق‌شناسی در دانشگاه آکسفورد است. او همچنین به عنوان استاد ایران‌شناسی در دانشگاه منچستر خدمت کرده است.

هرزیگ در آغاز سخنان خود گفت که برای ورود به مبحث باید پس‌زمینه‌ای از فعالیت بازرگانان ارمنی در جلفای قدیم در نخجوان را ترسیم کنیم. جلفای قدیم موقعیت جغرافیایی خاصی در کرانه رود ارس و بین جمهوری آذربایجان کنونی و ایران دارد. جلفای قدیم در اواسط قرن ۱۶، شهری کوچک در فاصله‌ی نزدیک به پایتخت اول پادشاهان صفوی، تبریز، قرار داشت. بازرگانان ارمنی این شهر نقش مهمی در صادرات ابریشم تولید شده در اطراف دریای کاسپین به امپراتوری عثمانی داشتند. ابریشم اساساً در گیلان و شروان تولید می‌شد و از راه زمینی به مرکز پخش آن در لاوانت عثمانی، یعنی حلب کنونی، می‌رسید و از آنجا راهی ونیز در ایتالیا می‌شد.

موقعیت ممتازی داشت. علاوه بر این، اصفهان به عنوان پایتخت امپراتوری صفویه، همواره میزبان دیپلمات‌ها، بازرگانان و مبلغان مذهبی زیادی بود که به دنبال گرفتن امتیازی از شاهان صفوی بودند. آرامنه میزبانان این نمایندگان کشورهای مختلف اروپایی بودند. ارتباط نسبتاً دائم با اروپائیان نیز امکان به‌روز شدن را برای بازرگانان ارمنی جلفا فراهم می‌کرد که همین در ایجاد و گسترش شبکه‌ی بازرگانی وسیع آنان کمک می‌کرد.

دیگر آنکه بازرگانان ارمنی حجره‌های پخش برای انواع کالاهای خود در مراکز تجاری مهم اصفهان مانند بازار بزرگ و میدان نقش جهان داشتند و اجناس خود را مستقیم به اروپائیان عرضه می‌کردند و می‌فروختند.

وجود ارمنیان زیادی در کشورهای مختلف که نقش میانجی بین بازرگانان ارمنی جلفا و دولت‌های اروپایی را ایفا می‌کردند نیز عامل مهمی در موفقیت بازرگانان ارمنی

ارمنی، به این واسطه‌گری نیاز چندانی نبود. بنابراین نقطه شروع موفقیت بازرگانان ارمنی در جلفای نو، رابطه خاصی است که پس از اسکان یافتن در جلفای اصفهان بین آنان و شاه عباس به وجود آمد. پادشاه صفوی به زودی آرامنه را به عنوان نمایندگان تجاری و دیپلماتیک خود راهی کشورهای اروپایی کرد. پی‌ترو دل‌واله سیاح معروف ایتالیایی و دیگر سیاحان اروپایی از این رابطه‌ی خاص به عنوان عامل کلیدی موفقیت بازرگانان ارمنی و نیز موفقیت پروژه‌های اقتصادی شاه عباس سخن گفته‌اند. چند پژوهشگر ارمنی نیز به این رابطه خاص اذعان داشته‌اند. شاه عباس در سال ۱۶۲۹ درگذشت ولی گسترش وسیع شبکه بازرگانی آرامنه جلفای نو در واقع بعد از مرگ او صورت گرفت. پس عامل موفقیت آنها تنها رابطه خاص‌شان با شاه عباس نبود.

توجه کنیم که رابطه‌ی بازرگانان ارمنی با جانشینان شاه عباس به گرمی رابطه با شاه عباس نبود. به ویژه در زمان

→ قدیمی در نخجوان زندگی می‌کردند درآوردند. علاوه بر این، انواع دیگری به اقلام صادراتی و وارداتی خود افزودند. از اواخر قرن ۱۷ بازرگانان ارمنی جلفا در تمامی مراکز عمده‌ی تجاری در دنیای آن زمان، از مانیل فیلیپین گرفته تا آمستردام و لندن حضور داشتند. ناگفته نماند که در آن زمان برای ابریشم خام کاسپین در هند تقاضای زیادی وجود نداشت بلکه تقاضا بیشتر برای فلزات قیمتی مانند طلا و نقره، منسوجات اعلا، سنگ‌های قیمتی و به ویژه جواهرات ساخته شده در ونیز بود. بازرگانان ارمنی با داشتن شبکه‌ی گسترده در اروپا این اقلام را به دست آورده و به هند صادر می‌کردند و به ثروت خود می‌افزودند.

از اواسط قرن ۱۷ بازرگانان ارمنی جلفا راه تجاری جدیدی را از کرانه‌های دریای کاسپین تا مسکو کشیدند و از آنجا با رسیدن به دریای بالتیک، راه صادرات به آمستردام و لندن را تسهیل کردند. البته چنین ابتکار عمل‌هایی و استفاده از



پروفسور ادموند هرزیگ



جلفای اصفهان

جلفا بود. از جمله به دلیل حضور آرامنه‌ی نزدیک به دربار رومانف در روسیه، بازرگانان ارمنی جلفا قرارداد بزرگی در اواسط قرن ۱۷ با روسیه بستند.

دلیل دیگر آن بود که هرچند بازرگانان ارمنی مورد اعتماد وزیر اعظم و نیز دارای رابطه‌ی نزدیکی با مادر شاه بودند ولی از همین دوران به تدریج خود را دیگر نه نماینده‌ی پادشاه ایران بلکه به عنوان یک واحد بازرگانی ارمنی جلفا معرفی می‌کردند. با این نحوه عمل توانستند با کمپانی هند شرقی، هلندی‌ها و نیز هندی‌ها قراردادهای بزرگ ببندند.

یک دلیل دیگر هم شاید لباس‌هایی بود که بازرگانان ثروتمند ارمنی جلفا به تن می‌کردند. طرح این لباس‌ها تلفیقی بود از سبک‌های شرقی و غربی. همین انعطاف‌پذیری در طرح لباس، آنان را از امتیاز خاصی در دنیای فارسی‌زبان برخوردار می‌کرد.

سخنران در پایان نتیجه‌گیری کرد که برای آرامنه‌ی جلفای قدیم اساساً ایجاد یک شبکه‌ی گسترده‌ی بازرگانی میسر نبود. آنها اگر در آنجا مانده بودند شبکه‌ی خود را حداکثر تا لاوانت می‌رساندند. زندگی و فعالیت در اصفهان آنان را از امتیازهای مهمی برخوردار کرد. از آنجا که بازرگانان ارمنی شبکه‌ای گسترده در مراکز مهم تجاری به وجود آوردند، بعد از سقوط سلسله صفویه هم توانستند موقعیت ممتاز خود را در بازرگانی بین‌المللی آن دوران حفظ کنند.

شاه سلیمان که در سال ۱۶۶۶ به سلطنت رسید و تا ۱۶۹۴ حکومت کرد، اساساً رابطه‌ای وجود نداشت. ولی در دوره سلطنت همین پادشاه بود که بازرگانان ارمنی موفق شدند با شاهان رومانف در روسیه و با انگلیسی‌ها و هلندی‌ها قراردادهای بزرگ ببندند. از همین دوره تا اوایل قرن ۱۸ ما سندهای بسیاری از قراردادهای بازرگانان ارمنی داریم. پس این پارادوکس را چگونه می‌توان توضیح داد.

ادموند هرزیگ توضیح داد: دلیل اول آنست که شاه سلیمان خود را از اداره امور سیاسی روزانه کنار کشیده و آن را به دست وزیر اعظم یعنی اعتمادالدوله سپرده بود. بازرگانان ارمنی هرچند جایگاه ممتاز خود را نزد پادشاه از دست داده بودند ولی با وزیر اعظم و به‌خصوص مادر شاه سلیمان رابطه‌ی خاص داشتند. دلیل اصلی آن بود که مالیات هنگفت پرداخت شده توسط بازرگانان ارمنی مستقیم به خزانه‌ی مادر شاه واریز می‌شد.

دلیل دیگری که توسط یک پژوهشگر ارمنی به نام اصلانیان ذکر شده، پیشرفته بودن تسهیلات شهر اصفهان برای امر تجارت بود. اصفهان بندر نیست ولی خصوصیاتش مانند بندر دارد که در موفقیت تجاری بازرگانان ارمنی دخیل بوده است. اصفهان آن زمان از نظر داشتن مراکز صنعتی، مراکز تجاری و پخش کالا و عرضه‌کنندگان خدماتی مانند کاروانسرا و حمل و نقل کنندگان کالا و بانکداران

آخرین تکنولوژی‌های زمانه تنها منحصر به بازرگانان ارمنی نبود. با توجه به همین، بازرگانان ارمنی هم‌ردیف بازرگانان اروپایی می‌شدند.

با سقوط خاندان صفویه بازرگانان ارمنی البته آسیب دیدند. سخنران گفت که به خصوص در دوران نادرشاه آرامنه‌ی جلفا تحت فشار زیادی بودند و بسیاری از آنان شهر را ترک کردند. ولی با وجود این، از آنجا که از شبکه‌ی گسترده و مستقری در گوشه و کنار جهان از جمله در هند، ایتالیا، روسیه و آسیای جنوب شرقی برخوردار بودند، همچنان توانستند به فعالیت خود ادامه دهند. به موازات موفقیت اقتصادی، آرامنه‌ی جلفا در حوزه‌های روشنفکری، فرهنگی و سیاسی و ملی نیز شروع به عرض اندام کردند.

سخنران در توضیح بیشتر موفقیت اقتصادی بازرگانان ارمنی گفت که از اواخر قرن ۱۷ تقریباً تمام عواملی که در موفقیت بازرگانان ارمنی از اواخر قرن ۱۶ در جلفای قدیم سهم داشت دیگر وجود نداشتند. راه تجارت از اطراف دریای کاسپین تا لاوانت دیگر اهمیت گذشته را نداشت. از اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی کاسته شده بود و امکان فعالیت بازرگانان دو طرف در سرزمین‌های یکدیگر فراهم شده بود. هرچند در مواردی لازم بود که بازرگانان ارمنی نقش واسطه بین مسیحیان اروپا و مسلمانان را ایفا کنند ولی از اواسط قرن ۱۷ با توجه به میدان عمل بازرگانان

## صدور حکم در مجموع ۱۲۶ سال زندان برای ۲۶ بهائی و دستگیری ۱۰ زن بهائی در اصفهان و ۳ بهائی دیگر در یزد



کمپین نشان دادن آن است که سرکوب بهائیان در ایران بخشی از داستان درازمدت مبارزه برای برابری جنسیتی و عدالت است. این کمپین نشان داد که داستان همه ایرانیان، فصل‌هایی از داستان بهم‌پیوسته ساختن ایرانی جدید، از طریق فداکاری و استقامت است، ایرانی که همه شهروندانش فارغ از دین، پیشینه و جنسیت‌شان بتوانند در آن زندگی و پیشرفت کنند.

سیمین فهندژ گفت: «حکومت ایران با افزایش آزار و اذیت علیه زنان بهائی در این کشور، هر چه بیشتر نشان می‌دهد که همه ایرانیان در تلاشی مشابه برای دستیابی به برابری و آزادی هستند و این حقیقت به درستی در کمپین #داستان\_ما\_یکيست به تصویر کشیده شده است. این کمپین پاسخ جامعه بهائیان به ده‌ها تلاش حکومت ایران برای استفاده از نفرت‌پراکنی و تفرقه‌افکنی است و نشان از بی‌ثمر بودن تلاش‌ها برای ایجاد فاصله میان بهائیان و دیگران دارد. اگر جمهوری اسلامی بتواند از ظلم و ستم ۴۴ ساله خود درسی بیاموزد، آن است که سرکوب بی‌وقفه بهائیان نتیجه معکوس داشته، آگاهی از وضعیت بهائیان را افزایش داده، همبستگی قوی‌تری میان جامعه بهائیان و مردم ایران به وجود آورده، و بی‌گناهی بهائیان در برابر ظلم بی‌امان را به جامعه بین‌المللی اثبات کرده است.»

آخرین دستگیری‌ها و صدور احکام زندان در ادامه بیش از یک سال تشدید حملات به جامعه بهائیان ایران صورت می‌گیرد. ده‌ها بهائیان دیگر در ماه‌های اخیر دستگیر، محاکمه، برای اجرای حکم حبس احضار و از تحصیلات عالی و کسب درآمد محروم شده‌اند. در ماه اوت، جامعه جهانی بهائیان گزارش داد که ۱۸۰ بهائیان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، از جمله یک پیرمرد ۹۰ ساله به نام جمال‌الدین خانجانی که به مدت دو هفته در بازداشت و بازجویی بود.

نیز حمله شد، هرچند او را دستگیر نکردند. در پی اعدام همسر این زن، خانواده‌اش از جمله فرزندان و نوه‌هایش، طی دهه‌ها با آزار و اذیت و محرومیت از بسیاری از حقوق‌شان از جمله حق ورود به دانشگاه روبرو بوده‌اند، وضعیتی که آزار و اذیت شدید و از گهواره تا گور علیه هر بهائیان در ایران را نشان می‌دهد.

سیمین فهندژ نماینده جامعه جهانی بهائیان در سازمان ملل متحد در ژنو گفت: «هر یک از بهائیان دستگیر شده و آنهایی که خانه‌هایشان توسط حکومت ایران مورد هجوم قرار گرفته است، در واقع هر بهائیان در ایران، حکایت مادام‌العمری از آزار و اذیت دارد که تمامی جنبه‌های زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این داستان‌ها گواهی هولناک برای دهه‌ها آزار و شکنجه بی‌رحمانه علیه یک جامعه، تنها به دلیل اعتقادات آنها است. همانطور که شاهدیم در ایران زنان بطور کلی مورد حمله قرار می‌گیرند. زنان بهائیان نه تنها به عنوان زن بلکه به عنوان بهائیان، با آزار و اذیت بیشتری روبرو هستند، موضوعی که هر چه بیشتر نشان می‌دهد که چگونه امروزه همه ایرانیان تنها به خاطر شهامت در دفاع از عدالت و برابری با آزار و اذیت و تبعیض مواجه می‌شوند.»

سیمین فهندژ گفت: «جامعه بین‌المللی باید حکومت ایران را در قبال نقض حقوق بشر پاسخگو بداند. ۱۰ زنی که این هفته دستگیر شدند هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند. ده‌ها نفری که به سال‌ها زندان محکوم شده‌اند نیز بی‌گناه هستند. تنها خواسته آنها خدمت به کشورشان است. اما بجای اینکه از مشارکت آنها استقبال شود، آنها را پشت میله‌های زندان می‌اندازند. حکومت ایران کل اجتماع خود را از برخی از تواناترین افرادش محروم می‌کند.»

جامعه جهانی بهائیان اخیراً کمپین #داستان\_ما\_یکيست را در بزرگداشت ۱۰ زن بهائیان ایرانی که ۴۰ سال پیش به دلیل اعتقادات خود اعدام شدند، راه‌اندازی کرد. هدف این

● دستگیری‌ها پس از یورش به منازل و مصادره اموال شخصی چندین نفر، از جمله لوازم الکترونیکی، کتاب، پول نقد و اشیای باارزش صورت گرفت. گزارش‌ها حاکی از آن است که بیش از ۱۰ مأمور برای دستگیری یکی از زنان به خانه او یورش برده بودند.

● سیمین فهندژ نماینده جامعه جهانی بهائیان در سازمان ملل متحد در ژنو گفت: «هر یک از بهائیان دستگیر شده و آنهایی که خانه‌هایشان توسط حکومت ایران مورد هجوم قرار گرفته است، در واقع هر بهائیان در ایران، حکایت مادام‌العمری از آزار و اذیت دارد که تمامی جنبه‌های زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این داستان‌ها گواهی هولناک برای دهه‌ها آزار و شکنجه بی‌رحمانه علیه یک جامعه، تنها به دلیل اعتقادات آنها است.»

به گزارش جامعه جهانی بهائیان، در الگویی رو به افزایش از آزار و اذیت بهائیان ایران، در روزهای اخیر این جامعه مورد ۲۶ حمله دیگر قرار گرفته که بیشتر زنان را هدف قرار داده است. ده زن که اکثرشان جوان هستند در جریان این حملات دستگیر شده‌اند و ۲۶ نفر دیگر که ۱۶ تن از آنها نیز زن هستند در مجموع به ۱۲۶ سال حبس محکوم شده‌اند. این ۱۰ زن بهائیان اوایل این هفته در اصفهان دستگیر شدند. همچنین سه بهائیان دیگر در یزد در هفته‌های اخیر دستگیر شده‌اند.

این دستگیری‌ها پس از یورش به منازل و مصادره اموال شخصی چندین نفر، از جمله لوازم الکترونیکی، کتاب، پول نقد و اشیای باارزش صورت گرفت. گزارش‌ها حاکی از آن است که بیش از ۱۰ مأمور برای دستگیری یکی از زنان به خانه او یورش برده بودند.

در جریان این یورش‌ها، به منزل یک زن سالمنده بهائیان که همسرش در دهه ۱۳۶۰ به دلیل بهائیان بودن اعدام شده بود

# اردوغان برای اسرائیل خط و نشان کشید؛ «ممکن است یک شب ناگهانی حمله کنیم!»



سخنرانی رجب طیب اردوغان در استانبول علیه اسرائیل / اکتبر ۲۰۲۳

با همان عباراتی همراه بود که که وی قبل از عملیات ارتش ترکیه علیه سازمان‌های تروریستی یا دخالت در لیبی و قره‌باغ استفاده کرد.

ترکیه به عنوان عضوی از ناتو از مواضع صریح آمریکا و اروپا در این بحران غافلگیر شد. همزمان فشارهای داخلی به اردوغان از سوی برخی احزاب و طرفدارانش در مورد ضرورت پشتیبانی از مسلمانان فلسطین که از آرمان‌های اساسی حزب «عدالت و توسعه» است فشارها روی اردوغان را افزایش داد.

اما واقعیت آن است که ترکیه برای اتخاذ مواضع ضداسرائیلی متحمل هزینه‌های زیادی خواهد شد. این کشور با وجود ارتش پیشرفته‌می‌تواند به تنهایی با آمریکا و متحدان اروپایی‌اش مقابله کند، بنابراین معلوم نیست آنکارا چگونه می‌تواند نیروهای خود را به غزه بفرستد! از سوی دیگر ترکیه با بحران اقتصادی شدید روبروست و در شرایطی که که امیدوار بود اقتصاد خود را احیا و تورم را مهار کند و گام‌هایی برای عادی‌سازی رابطه با اسرائیل بردارد اکنون توافق‌هایی که با اسرائیل در زمینه انرژی داشت در آستانه لغو قرار گرفته است.

در پایان این نوشتار سمیر العرکی پرسیده: «اردوغان وقتی می‌داند قبل از درگیری با اسرائیل وارد درگیری با آمریکا و اروپا خواهد شد، روی چه شرط‌بندی می‌کند؟» وی پاسخ می‌دهد که حرف‌های رئیس‌جمهوری ترکیه بر اساس آگاهی از این واقعیت است که آمریکا در آستانه‌ی ورود به دوران انتخابات ریاست‌جمهوری است و از همین رو در رکود بسر می‌برد که بخشی نیز مربوط به موقعیت ایالات متحده و اروپایی‌ها در برابر تهدیدات روسیه است. وی در پایان پرسیده «آیا بادها مطابق میل اردوغان وزیدن خواهد گرفت؟» و پاسخ داده که باید منتظر تحولات بعدی بود.

اگرچه اغلب تحلیلگران احتمال گسترش جنگ حماس و اسرائیل به سایر نقاط منطقه را کم می‌دانند اما برخی دیگر هشدار می‌دهند که علاوه بر لبنان و سوریه، احتمال باز شدن پای جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به جنگ کم نیست.

● رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه ششم آبان‌ماه در مراسم «صدمین سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه» که در آرامگاه مصطفی کمال آتاتورک در استانبول برگزار شد گفت، «حماس یک سازمان تروریستی نیست و یک جنبش آزادیبخش است.»

● اردوغان که مدت‌ها تلاش می‌کرد روابط ترکیه و اسرائیل را بهبود بخشد، حالا تغییر موضع داده و حتا تهدید کرده «ممکن است یک شب ناگهانی حمله کنیم!»

● گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در واکنش به سخنان اردوغان گفت: «یک مار، مار باقی می‌ماند.» اردان افزود: «او تلاش کرد وجهه‌اش را بهبود بخشد، اما یک یهودی‌ستیز باقی مانده است.»

● سمیر العرکی تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای که «الجزیره عربی» منتشر کرد پرسیده: «اردوغان وقتی می‌داند قبل از درگیری با اسرائیل وارد درگیری با آمریکا و اروپا خواهد شد، روی چه شرط‌بندی می‌کند؟»

مقامات جمهوری اسلامی و ترکیه پیدا و پنهان همزمان اسرائیل را تهدید به برخورد نظامی می‌کنند با این تفاوت که در بیان عبارات، هر یک ملاحظات خودشان را دارند.

رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه ششم آبان‌ماه در مراسم «صدمین سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه» که در آرامگاه مصطفی کمال آتاتورک در استانبول برگزار شد گفت، «حماس یک سازمان تروریستی نیست و یک جنبش آزادیبخش است.»

وی در اظهاراتی تحریک‌کننده افزود، «اسرائیل بدون حمایت کشورهای غربی سه روز هم دوام نمی‌آورد.» اردوغان همچنین تأکید کرد که «غرب اصلی‌ترین مسئول اتفاقاتی است که در غزه می‌افتد و بطور کامل از کشتار کودکان فلسطینی دفاع می‌کند.»

اردوغان که مدت‌ها تلاش می‌کرد روابط ترکیه و اسرائیل را بهبود بخشد اکنون تغییر موضع داده و حتا تهدید کرده است که «ممکن است یک شب ناگهانی حمله کنیم!»

این تهدید طرفداران وی را در این مراسم به وجد آورد و آنها شعار دادند که ارتش ترکیه به غزه برود، اما اردوغان سخن خود را با شعارهای آنها تکمیل نکرد. برخی تحلیلگران گفتند وی احساساتی شد و جملاتی را گفت ولی برخی دیگر این موضع را جدی گرفته‌اند.

در پی اعلام این مواضع از سوی رئیس‌جمهوری اسلامگرای ترکیه، وزارت خارجه اسرائیل اعلام کرد کارکنان سفارت خود را از آنکارا فرا خوانده است.

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در واکنش به سخنان اردوغان گفت: «یک مار، مار باقی می‌ماند.» اردان افزود: «او تلاش کرد وجهه‌اش را بهبود بخشد، اما یک یهودی‌ستیز باقی مانده است.»

خبرگزاری فرانسه در گزارشی نوشت مواضع اردوغان ضربه شدیدی به تلاش‌های طرفین برای احیای روابط سیاسی و اقتصادی پس از یک دهه قطع روابط خواهد زد.

اردوغان در حالی که وعده می‌دهد «جمهوری ترکیه را برای قرن جدید آماده می‌کنیم» با شدیدترین بحران اقتصادی در سه دهه گذشته روبروست.

الجزیره عربی در تحلیلی به قلم سمیر العرکی تحلیلگر مسائل ترکیه می‌نویسد تهدید اردوغان به «مداخله نظامی»

دو زن بهائی دیگر، مهوش ثابت و فریبا کمال‌آبادی، که به همراه جمال‌الدین خانجانی و چهار بهائی دیگر از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ یک دهه را در زندان سپری کردند، در ژوئیه ۲۰۲۲ مجدداً بازداشت شدند و اکنون هر کدام برای دومین بار در [https://www.bic.org/sites/default/files/pdf/iran/an\\_unbelievable\\_injustice\\_persian.pdf](https://www.bic.org/sites/default/files/pdf/iran/an_unbelievable_injustice_persian.pdf) سپری کردن حکم ده سال حبس هستند.

## اطلاعات بیشتر درباره جدیدترین آزار و اذیت‌ها علیه بهائیان ایران

● اسامی ۱۰ زن دستگیر شده توسط مأموران وزارت اطلاعات در اصفهان عبارت است از: ندا بدخش، آرزو سبحانیان، یگانه روحبخش، مژگان شاه‌رضایی، پرستو حکیم، یگانه آگاهی، بهاره لطفی، شانا شوقی‌فر، نگین خادمی و ندا عمادی. این افراد به مکانی نامعلوم منتقل شده‌اند.

● خانم‌ها نوشین مصباح، نسیم ثابتی، آریتا فروغی، رویا قانع‌آبادی و سهیلا احمدی، ساکن مشهد، هر یک توسط دادگاه انقلاب این شهر به سه سال و هشت ماه حبس محکوم شدند.

● خانم شکوفه بصیری، آقای احمد نعیمی و آقای ایمان رشیدی نیز دستگیر شده و در بازداشتگاه اداره اطلاعات یزد به سر می‌برند.

● حکم چهار سال و یک ماه و هفده روز زندان و محرومیت اجتماعی خانم سوسن بادوام توسط دادگاه تجدیدنظر استان گیلان تأیید شد.

● آقایان حسن صالحی، وحید دانا و سعید عابدی، هر یک توسط شعبه یک دادگاه انقلاب شیراز به شش سال و یک ماه و هفده روز حبس تحت نظارت پابند الکترونیکی، جریمه و محرومیت‌های اجتماعی محکوم شدند.

● آقای ارسلان یزدانی، خانم سعیده خضوعی، آقای ایرج شکور و آقای پدرام عیبر، هر یک به ۶ سال حبس و خانم‌ها سمیرا ابراهیمی و صبا سفیدی هر یک به ۴ سال و ۵ ماه حبس محکوم شدند.

● حکم آقای هوشیدر زارعی پس از حضور در شعبه یک دادگاه انقلاب شیراز اجرا شد. او به پرداخت جریمه نقدی و پنج سال محدودیت تردد تحت نظارت پابند الکترونیکی محکوم شد.

● خانم شادی شهیدزاده، آقایان منصور امینی، عطاالله ظفر و ولی‌الله قدمیان در شعبه سی و شش دادگاه تجدید نظر استان تهران مجموعاً به دوازده سال حبس تعزیری محکوم شدند.

● خانم شهذخت خانجانی، ساکن سمنان، در شعبه یک دادگاه انقلاب این شهرستان به شانزده سال حبس تعزیری، ۵۰ میلیون تومان جریمه نقدی و مجازات‌های تکمیلی محکوم شد.

● حکم ۱۰ سال و ۹ ماه حبس تعزیری خانم ساناز تقضلی، محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد در دادگاه تجدید نظر تأیید شد.

● خانم رویا ملکوتی، محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد به شش سال و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد.

● جلسه رسیدگی به اتهامات خانم گلنوش نصیریان و خانم فریده مرادی، ساکن مشهد، در شعبه یک دادگاه انقلاب مشهد برگزار و هر یک به سه سال و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

● جلسه رسیدگی به اتهامات خانم پریسا اسلامی، ساکن کرج در دادگاه انقلاب کرج برگزار شد و وی در انتظار صدور حکم بسر می‌برد.

# بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران اعلام شد: کاهش سالانه آمار ازدواج، افزایش میانگین سنی همسران و کاهش فرزندآوری



● مرکز آمار از افزایش ۳۶ درصدی آمار فصلی ازدواج در نخستین فصل سال، نسبت به زمستان ۱۴۰۱ خبر داده اما در مقابل، آمار سالانه این رویداد روند نزولی دارد به این معنا که در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، ایرانیان ۹/۳ درصد کمتر شریک زندگی هم شده‌اند.

● همچنین سن اولین ازدواج در کشور افزایش داشته و در مقابل، آمار فرزندآوری در شهرها و روستاها کاهش یافته است.

● تعداد کودکان زیر ۱۵ سال که در سال گذشته ازدواج کرده‌اند، ۲۶ هزار و ۹۸۹ نفر بوده است که تنها ۱۵ نفر آنها پسر بوده‌اند.

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار، آمار ازدواج در بهار سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته، حدود ۹ درصد کاهش یافته اما سن ازدواج در این بازه زمانی، روند افزایشی داشته است.

مرکز آمار از افزایش ۳۶ درصدی آمار فصلی ازدواج در نخستین فصل سال، نسبت به زمستان ۱۴۰۱ خبر داده اما در مقابل، آمار سالانه این رویداد روند نزولی دارد به این معنا که در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته، ایرانیان ۹/۳ درصد کمتر شریک زندگی هم شده‌اند.

آمار منتشر شده در مورد طلاق نیز نشان می‌دهد که این رویداد هم نسبت به فصل قبل و هم نسبت به مدت مشابه سال پیش روند کاهشی داشته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار، سن اولین ازدواج در کشور افزایش داشته و در مقابل، آمار فرزندآوری در شهرها و روستاها کاهش یافته است.

همچنین بر اساس گزارش مرکز آمار، میانگین سن افراد در همه رویدادهای ازدواج (نه فقط اولین آنها) نیز در این سال‌ها افزایشی بوده است. به گونه‌ای که میانگین سن ازدواج مردان در دو سال گذشته (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱) به ترتیب عبارت بودند از ۳۰/۳ سال و ۳۸/۳۰ سال. این ارقام برای زنان ۲۵/۶ سال و ۲۶/۲ سال ثبت شده است.

همچنین میانگین سن ازدواج مردان در بهار سه سال اخیر عبارتند از: ۲۹/۷ سال، ۳۰/۳ سال و ۳۰/۷ سال. این ارقام برای زنان ۲۴ سال، ۲۵/۶ سال و ۲۶/۲ سال اعلام شده است.

این گزارش نشان می‌دهد که میانگین سن در اولین ازدواج در مناطق شهری، همواره بالاتر از مناطق روستایی بوده است. گزارش مرکز آمار در مورد فرزندآوری نیز نشان‌دهنده تداوم روند کاهشی آن، هم در مناطق شهری و هم روستایی است. تعداد ولادت‌های ثبت شده از یک میلیون و ۴۸۷ هزار و ۹۲۳ نفر در سال ۱۳۹۶ به یک میلیون و ۷۵ هزار و ۳۳۱ نفر در سال گذشته رسیده است.

از سوی دیگر تعداد تولدهای ثبت شده در بهار امسال به ۲۵۲ هزار و ۶۵۱ نفر رسیده که هم در مقایسه با فصل قبل (زمستان ۱۴۰۱) و هم نسبت به بهار سال گذشته روند کاهشی دارد.

همچنین در گزارش مرکز آمار، می‌توان داده‌های قابل تاملی را در مورد ازدواج کودکان مشاهده کرد. بر اساس این گزارش، تعداد کودکان زیر ۱۵ سال که در سال گذشته ازدواج کرده‌اند، ۲۶ هزار و ۹۸۹ نفر بوده است که تنها ۱۵ نفر آنها پسر بوده‌اند. البته آمار کودک‌همسری در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ کاهشی بوده است اما برخی فعالان اجتماعی معتقدند که اعداد و ارقام در مورد ازدواج کودکان چندان دقیقی نیست. در همین ارتباط روزنامه «هم‌میهن» ۲۷ مهرماه ضمن

مؤثر باشد و ارتباطی با سالخوردگی فردی ندارد. بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، آمار تجرد قطعی در سال ۹۵ حدود ۸۰ هزار نفر بود. با توجه به افزایش تجرد قطعی در گروه بالای ۴۰ سال، پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۱۰ کشور با بیش از یک میلیون تجرد قطعی روبه‌رو شود؛ یعنی تا هشت سال دیگر!

در بخش دیگری از گزارش این مرکز آمده که «در حدود سه میلیون زوج ناباور در ایران داریم». از سوی دیگر به دلایلی از جمله تغییر سبک زندگی و آثار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعداد زوج‌های تک‌فرزند یا بی‌فرزند نیز افزایش داشته است. بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سرعت افزایش شمار زنان سالمند بیشتر از مردان است. پیش از این تا سال ۱۳۸۵ تعداد مردان سالمند بیشتر از زنان سالمند بود. در سال ۹۵ اما ماجرا برعکس شد و زنان سالمند از مردان سالمند پیشی گرفتند.

از دلایل بالا بودن زنان سالمند می‌توان به افزایش امید به زندگی زنان اشاره کرد.

در همین ارتباط روز یکشنبه ۳۰ مهرماه علی‌محمد قادری رئیس سازمان بهزیستی کشور از ۲ برابر شدن جمعیت سالمند کشور طی ۴۰ سال گذشته خبر داد و گفت: «جمعیت سالمندان از ۵ درصد به نرخ ۱۰ درصد رسیده است.»

پیشتر محسن سلمان‌نژاد رئیس اسبق دبیرخانه شورای ملی سالمندان در این ارتباط گفته بود که تعداد زنان سالمند تنها ۴ برابر سالمندان مرد تنهاست. وی افزوده بود که ۲۵ تا ۳۰ درصد سالمندان کشور زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند.

نامناسب بودن زیرساخت‌های لازم برای مراقبت از سالمندان به صورتی است که در حال حاضر بسیاری از سالمندان کشور از بیمه‌های اجتماعی محروم‌اند. احمد دلبری رئیس مرکز تحقیقات سالمندی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی در مهرماه گذشته میزان فقر در بین افراد سالمند را ۲ برابر سایر گروه‌های سنی در کشور عنوان و تأکید کرده بود: «۷۰ درصد سالمندان بیمه تکمیلی ندارند و ۵۵ درصد سالمندان مستمری دریافت نمی‌کنند.»

انتشار آمارهایی از «کودک‌همسری» در ایران با اعلام اینکه در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۷ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال ازدواج کردند و بیش از ۱۳۹۰ زن زیر ۱۵ سال مادر شدند نوشت «زمستان پارسال بیش از ۲۰۰ دختر زیر ۱۵ سال طلاق گرفتند.»

اینهمه اقدامات دستوری و پلیسی جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت و اجبار زنان به فرزندآوری و حتی بسته‌های تشویقی برای فرزندآوری نتوانسته رشد باروری در ایران را افزایش دهد و همچنان روند نزولی فرزندآوری ادامه دارد. در راستای همین اقدامات دستوری، مجلس شورای اسلامی وزارت کشور را مکلف کرده است که برنامه کنترل و کاهش طلاق را تکمیل کند.

در جلسه علنی نوبت سوم مجلس شورای اسلامی در بررسی گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم نمایندگان با بندت ماده ۸۰ موافقت کردند.

بنا بر گزارش مربوطه که در رسانه‌های داخلی منتشر شده، سازمان اجتماعی وزارت کشور مکلف است «برنامه کنترل و کاهش طلاق را ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ برنامه مبتنی بر موارد ذیل اصلاح و تکمیل نماید: اولویت‌بخشی به عناصر مهم تأثیرگذار بر طلاق از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن و برنامه‌ریزی در خصوص قبل، حین و پس از طلاق اصلاح و تکمیل نماید.» در همین حال مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش دیگری که در تیرماه جاری نوشت اعلام کرد که کشور احتمالاً طی ۳۰ سال آینده با بحران سالمندی مواجه شود. بر اساس پیش‌بینی‌ها، در سال ۱۴۳۰ بیش از یک سوم جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند.

بنا بر این گزارش، پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته سهم جمعیت سالمند ایران از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۲۱ (یعنی طی ۲۰ سال) از ۱۰ به ۲۰ درصد خواهد رسید. در حالی که روند تغییرات این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته طی ۷۰ تا ۱۲۰ سال رخ می‌دهد. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده بود که پیش‌بینی می‌شود در ایران دهه ۱۴۳۵ تا ۱۴۴۵ حدود ۳۵ میلیون سالمند در کشور وجود خواهد داشت. بر این اساس سیاست‌های جمعیتی می‌تواند روی تغییرات شاخص سالمندی جمعیت

## میلاد حامی به اعدام محکوم شد محکومیت متهم ردیف دوم به ۲۱ سال زندان

که به گفته وکیلش به ۲۱ سال زندان محکوم شده است. علیرضا طباطبایی وکیل محمدرضا زاهدی اعلام کرده که حکم موکل وی صادر و او به ۲۱ سال حبس «بابت معاونت در افساد فی الارض، ۲۰ سال حبس بابت اخلال در نظام اقتصادی کشور و ۲ سال حبس بابت امحای ادله محکوم شده است.»

این وکیل دادگستری با بیان اینکه «مطابق قانون حکم بیشتر که ۲۱ سال حبس است اجرایی می‌شود» گفته که «از طریق دیوان عالی به رای صادره اعتراض می‌کنیم.» پرونده میلاد حامی با حاشیه‌هایی نیز همراه بود از جمله ترور یکی از وکلای پیشین این پرونده، محمدرضا جعفرآقایی که ساکن تهران بود و در سفر شاهرود به قتل رسید.

محمدرضا جعفرآقایی از وکلای دادگستری که برای مسافرت به شاهرود رفته بود، ساعت یک بامداد دوشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۱ در حال ورود به محل سکونت‌اش در حضور همسر و پسر پنج ساله‌اش با شلیک فردی یا افراد ناشناس به قتل رسید.

رضی پارسمن دادستان عمومی و انقلاب شاهرود در گفتگو با ایرنا از شناسایی و بازداشت یک مظنون به قتل این وکیل دادگستری خبر داد و گفت که «پرونده درحال تحقیقات مقدماتی است و احتمال دخالت فرد یا افراد دیگری نیز در این رخداد متصور است.»

به گفته یکی از همکاران محمدرضا جعفرآقایی او پیش از این بارها از سوی چند نفر تهدید شده بود.

بر اساس گزارش رسانه محلی «شاهرودنگار» این وکیل دادگستری ۳۳ ساله پس از آنکه هدف اصابت چند گلوله قرار گرفت به بیمارستان منتقل شد اما پس از ساعاتی جان باخت.

این گزارش تأکید کرده مهم‌ترین پرونده‌ای که محمدرضا جعفرآقایی در دست داشت مربوط به یک متهم در پرونده «قمار و شرط‌بندی» میلاد حامی بوده است.

محمد شیوایی دبیر کمیسیون حمایت کانون وکلای مرکز نیز گفته بود که محمدرضا جعفرآقایی در تهران زندگی می‌کرد و برای تعطیلات به شاهرود رفته بود. او پس از اتمام مراسم شب تاسوعا، حین برگشت در حضور همسر و فرزندش به قتل رسید.

محمد شیوایی تأکید کرده بود که «ظن‌ها متوجه موکل مرحوم در یکی از پرونده‌هایش است؛ مرحوم وکیل جعفرآقایی در معیت یکی از همکاران وکیل پرونده‌ای را وکالت می‌کرد.»

پرونده این قتل در روزهای گذشته به صدور حکم منتهی شد و گفته می‌شود برای قاتل این وکیل اشد مجازات، یعنی اعدام، صادر شده است.

قاتل این وکیل دادگستری، شهریور ۱۴۰۲ بازداشت شد. به گفته سردار جلیل موقوفه‌ای فرمانده انتظامی استان سمنان قاتل یک جوان ۲۰ ساله است که بر اساس اعترافاتش، «توسط یک باند اجیر شده و با اسلحه شکاری و یک دستگاه خودروی سمند جلوی درب منزل وکیل وی را به قتل رساند.» مقامات قضایی و انتظامی اما توضیحات بیشتری ندادند که آیا «باند»ی که این قاتل را اجیر کرده بود به پرونده میلاد حامی ارتباط داشته یا نه!



میلاد حامی در دادگاه

و شرط‌بندی قرار گرفتیم و در زمینه جذب فالوور برای آنها اقدام کردم که البته خود قربانی سوء استفاده اشخاصی هستم که از من به عنوان ویتترین نمایشگاه ناصواب خود بهره بردند.»

میلاد حامی افزوده که «تمامی این نمایش‌ها، لایوها و چالش‌ها، دیکنه شده از سوی بازیگران اصلی و پشت پرده بوده که از بلندپروازی و نادانی من سوء استفاده کردند.»

میلاد حامی توضیح داده که «در دایرکت اینستاگرام با آقای سعدالله امیرشقایق سرشاخه شبکه قمار آشنا شدم که وی پیشنهاد داد برای ما تبلیغات کن به تو درصد می‌دهیم و خانه و ماشین در اختیارت می‌گذاریم بعد از آشنایی قرار شد هر تبلیغاتی که می‌کنم، به من ۵۰ درصد بدهند. از آنجا شروع به درست کردن ویدیو و تبلیغات کردم.»

نماینده دادستان گفته که میلاد حامی در بازجویی تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۹ اقرار کرد که با هدف همکاری شبکه سعدالله شقایق برای افزایش فالوور برای تبلیغ در شبکه قمار از چالش‌هایی غیراخلاقی استفاده می‌کرد.

نماینده دادستان افزوده که میلاد حامی با حدود ۲ میلیون فالوور، چالش‌هایی غیراخلاقی را استوری می‌کرد که همه می‌توانستند ببینند که به معنی اشاعه و گسترش فحشا است.

میلاد حامی به همراه همسر و فرزند نوزادش در ترکیه زندگی می‌کرد و از طریق صفحه اینستاگرامش با انتشار ویدئو و استوری و عکس، با نمایش یک زندگی لوکس که حاصل درآمد ناشی از فعالیت در سایت‌های قمار بوده، مخاطبانش را به حضور در این سایت‌ها ترغیب می‌کرد. او پس از صدور اعلان قرمز اینترپل، در اسفندماه سال ۱۳۹۹ در کشور ترکیه شناسایی، بازداشت و به جمهوری اسلامی تحویل داده شد. متهم ردیف دوم این پرونده، محمدرضا زاهدی است

● میلاد حامی در حالی به «اعدام» محکوم شده که در دادگاه اعلام کرده سرشاخه‌های شبکه قمار افراد دیگری بودند و او تنها «یک مهره» و «ویتترین» بوده است.

● در کیفرخواست میلاد حامی آمده که او حداقل به مبلغ بیش از نیم میلیون دلار (۵۵۰ هزار و ۲۹۰ دلار) در نظام پولی و ارزی کشور اخلال و پولشویی کرده است.

● پرونده میلاد حامی با حاشیه‌هایی نیز همراه بود از جمله ترور یکی از وکلای پیشین این پرونده، محمدرضا جعفرآقایی که ساکن تهران بود و در سفر به شاهرود با شلیک گلوله به قتل رسید.

میلاد حامی از سلبریتی‌های اینستاگرام که به دلیل مدیریت وبسایت‌های قمار و شرط‌بندی بازداشت و از ترکیه به ایران منتقل شده بود به «اعدام» محکوم شده است. محمدرضا زاهدی متهم ردیف دوم این پرونده نیز به ۲۱ سال زندان محکوم شده است.

میلاد حاتم‌آبادی فراهانی معروف به میلاد حامی از گردانندگان وبسایت‌های قمار و شرط‌بندی که در ترکیه بازداشت و به ایران منتقل شده بود در دادگاه به «اعدام» محکوم شده است.

پرونده میلاد حامی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی بررسی شده است. بر اساس کیفرخواست صادره، «افساد فی الارض از طریق اشاعه فساد به صورت گسترده»، «اخلال در نظام پولی و ارزی از طریق خروج مبالغی از سیستم پولی کشور به مراکز قمار و تبدیل آن به ارز به خارج از کشور»، «دایر کردن مرکز قمار»، «تشویق به فساد با توجه به اقدامات مخرب در فضای مجازی و گسترش بی‌بند و باری» از اتهامات وی است. در کیفرخواست میلاد حامی آمده که او حداقل به مبلغ بیش از نیم میلیون دلار (۵۵۰ هزار و ۲۹۰ دلار) در نظام پولی و ارزی کشور اخلال و پولشویی کرده و همچنین به دایر کردن مرکز قمار و تشویق به فساد متهم است. بر اساس اعلام قوه قضاییه نام ۲۱ متهم دیگر نیز در این کیفرخواست آمده است.

در گزارشی که رسانه‌های جمهوری اسلامی درباره فعالیت میلاد حامی منتشر کردند آمده که «متهم با راه‌اندازی سایت‌های قمار و شرط‌بندی و با بدست آوردن اموالی از این طریق، در صفحات مجازی تبلیغات سبک زندگی اشرافی و تجملاتی را می‌کرد و مخاطبان خود را برای بدست آوردن چنین امکاناتی به انجام قمار و شرط‌بندی، تشویق می‌نمود.» این گزارش‌ها افزوده‌اند که «عمده سایت‌های قمار و شرط‌بندی که توسط شبکه‌ای که میلاد حامی هم عضوی از آن بوده تبلیغ می‌شوند، درواقع الگوریتم‌های کلاهبرداری هستند و از افراد شرکت کننده در آنها توسط روش‌های پیچیده کلاهبرداری مالی می‌شود.»

میلاد حامی در حالی به «اعدام» محکوم شده که در دادگاه اعلام کرده سرشاخه‌های شبکه قمار افراد دیگری بودند و او تنها «یک مهره» و «ویتترین» بوده است.

او در دفاعیات خود گفته که «به پیشنهاد یکی از دوستانم که در ترکیه کار می‌کرد سر از آن کشور درآوردم و به همراه دوستم کار گردشگری انجام می‌دادم. پس از گذشت مدتی به عنوان یک مهره مورد توجه گردانندگان سایت‌های قمار

## مانیفست روزنامه «بیلد» آلمان درباره تقابل دو فرهنگ متضاد در یک کشور: ما زندگی را دوست داریم و نه مرگ را!



یکی از خیابان‌های محله «نوی کلن» برلین در تظاهرات طرفداران حماس / ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

● این مانیفست خطاب به همه انسان‌هایی است که در آلمان زندگی می‌کنند. چرا که: دوباره هرگز، همین الان است! ● آلمان باید همین الان «نه» بگوید! به نفرت علیه یهودیان، به دشمنی با انسان‌ها و به همه آنهایی که به ما «نه» می‌گویند. چرا که در کشور چنین فوق‌العاده و با آغوش باز که ما داریم، کرامت «هر» انسانی خدشه‌ناپذیر است: صرف نظر از اینکه چه رنگی داشته باشد، به کدام زبان حرف بزند، و به چه اعتقاد داشته باشد. باید از این کرامت دفاع کرد! اگر الان زمین بخوریم، سقوط خواهیم کرد.

● کیهان لندن این مانیفست را که به پنج زبان آلمانی و عربی و روسی و ترکی و انگلیسی منتشر شده به فارسی ترجمه کرده است چرا که این مانیفست نه تنها برای همه‌ی جوامع باز و دموکراسی‌ها صادق است بلکه در ارتباط با جنبش آزادخواهانه‌ای که در ایران نیز علیه جمهوری اسلامی جریان دارد حاوی همان نکات و مناسباتی است که مردم ایران برای آنها مبارزه می‌کنند.

روز یکشنبه ۷ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳ «بیلد» پرفروش‌ترین روزنامه آلمان یک مانیفست در ارتباط با تجمعات خشن و خرابکارانه‌ی طرفداران گروه‌های تروریستی فلسطینی و همچنین مهاجران و شهروندانی که ارزش‌ها، قانون اساسی و قوانین مدنی و کيفری و همچنین شیوه زندگی و عرف و اخلاق و اتیک و فرهنگ این جامعه را نه تنها به پرسش می‌کشند بلکه تلاش می‌کنند خلاف آنها رفتار کرده و ارزش‌های ضد آن را به دیگران تحمیل کنند، یک مانیفست پنجاه نکته‌ای به پنج زبان آلمانی، عربی، ترکی، روسی و انگلیسی منتشر کرد.

کیهان لندن مقدمه «بیلد» و این پنجاه نکته را که برخی به نظر کاملا بدیهی می‌رسند اما توسط اسلامگرایان و انواع گروه‌های افراطی راست و چپ در کشورهای آزاد و دموکراسی‌ها آشکارا زیر پا گذاشته می‌شوند، به فارسی ترجمه کرده است چرا که این مانیفست نه تنها برای همه‌ی جوامع باز و دموکراسی‌ها صادق است بلکه در ارتباط با جنبش آزادخواهانه‌ای که در ایران نیز علیه جمهوری اسلامی جریان دارد حاوی همان مناسبات و نکاتی است که مردم ایران برای آنها مبارزه می‌کنند. همه تأکیدات از روزنامه «بیلد» است.

**مانیفست «بیلد»: آلمان، ما یک مشکل داریم!**

دنیای ما در بی‌نظمی بسر می‌برد و ما در میانه‌ی آن هستیم. از زمان حمله تروریستی حماس علیه اسرائیل، ما در کشور خود بُعد جدیدی از نفرت علیه ارزش‌هایمان، علیه دموکراسی و علیه آلمان را به چشم می‌بینیم.

در روزهای گذشته آنچه به نمایش گذاشته شده که از مدت‌ها پیش در جامعه ما در حال رسیدن به درجه جوش بود تا به غلیان درآید: در کشور ما انسان‌های زیادی وجود دارند که با نوع زندگی ما مبارزه می‌کنند. انسان‌هایی که قتل غیرنظامیان بی‌گناه را جشن می‌گیرند. کسانی که به فرزندانشان می‌آموزند که از دیگران نفرت داشته باشند چون آنها «کافر» هستند. کسانی که می‌خواهند دامن و یا شلوار پوشیدن زنان را ممنوع کنند.

۶- ما خودمان را پنهان نمی‌کنیم و یا نمی‌پوشانیم بلکه به چهره‌ی همدیگر نگاه می‌کنیم (مگر در کارناوال و یا به خاطر کرونا)  
۷- احترام و دوست داشتن همونوع پایه‌های جامعه آزادما هستند.  
۸- در پس‌زمینه‌ی تاریک‌ترین فصل تاریخ ما، امنیت اسرائیل برای دولت آلمان یک قضیه‌ی وجودی است! این بدان معناست که دفاع از امنیت مردم یهود غیرقابل مذاکره است. البته که انتقاد از سیاست‌های اسرائیل مجاز است.

۹- لطفا مهربان رفتار کنید: ما «خواهش Bitte» و «سپاس Danke» می‌گوییم.

۱۰- ما برای درود و پرورد باخوشحالی به همدیگر دست می‌دهیم.  
۱۱- ما پلیس رابه عنوان «دوست و یاریگر» می‌شناسیم و نه به عنوان دستگاه سرکوب یا دشمن و یا حریف.

۱۲- بسیاری از آلمانی‌ها گوشت خوک می‌خورند. همچنین نزد ما تقریباً ۱۰ میلیون گیاهخوار و یا وگان وجود دارد. راه آزادی از معده نیز می‌گذرد.

۱۳- قدرت قهریه در انحصار دولت است. بجز نهادهای حکومتی هیچکس حق ندارد از قوه قهریه علیه انسان‌ها و یا اشیاء استفاده کند.

۱۴- ما قبول داریم که پارلمان منتخب آزاد ما قوانینی را برای همزیستی ما تعیین کند که می‌تواند توسط دادگاه‌های مستقل بررسی شود.

۱۵- مردان حق دارند مردان را دوست داشته باشند و زنان نیز زنان را. کسی که با این موضوع مشکل دارد، خودش آن مشکل است. عشق پورز و بگذار عشق پورزند!

۱۶- همچنین اگر کسی خود را به عنوان زن یا مرد احساس می‌کند، تحت پیگرد قرار نمی‌گیرد و مجازات نمی‌شود. نزد ما شهروندان مجازند خارج از چارچوب‌های رایج فکر کرده و غیرمعمول [کوئیر] زندگی کنند.

۱۷- ما ادارات اجتماعی [سوسیال] را به عنوان کارفرما نمی‌بینیم بلکه آنها نهادهایی هستند که در اضطرارهای مالی به انسان‌های نیازمند که نمی‌توانند کار کنند، کمک می‌کنند و نه به انسان‌هایی که نمی‌خواهند کار کنند.

۱۸- ما به دستگاه قضاییه خود احترام می‌گذاریم چرا که بدون توجه به موقعیت شخص، قضاوت می‌کند.

۱۹- در سالن شنا زنان بیکنی و یا مایو می‌پوشند. و اگر کسی می‌خواهد در دریای بالتیک [شمال شرق آلمان] برهنه شنا کند هم هیچ مشکلی نیست!

آنهایی که به قانون اساسی ما توجه و اعتنایی ندارند و بجای آن پای منبر موعظه‌گران افراطی می‌نشینند. همانها که از بردباری سوء استفاده می‌کنند چرا که خواهان جامعه دیگری هستند. ما حق نداریم این موضوع را بپذیریم. اینطوری نمی‌تواند ادامه داشته باشد.

**اگر الان زمین بخوریم، سقوط خواهیم کرد!**

آلمان باید همین الان «نه» بگوید! به نفرت علیه یهودیان، به دشمنی با انسان‌ها و به همه آنهایی که به ما «نه» می‌گویند. چرا که در کشور چنین فوق‌العاده و با آغوش باز که ما داریم، کرامت «هر» انسانی خدشه‌ناپذیر است: صرف نظر از اینکه چه رنگی داشته باشد، به کدام زبان حرف بزند، و به چه اعتقاد داشته باشد. باید از این کرامت دفاع کرد! اگر الان زمین بخوریم، سقوط خواهیم کرد.

از همین رو «بیلد» یک مانیفست تنظیم کرده است. یک ایده‌ی راهنما برای آنچه جامعه‌ی آزاد ما را در کنار هم نگه می‌دارد. این مانیفست خطاب به همه انسان‌هایی است که در آلمان زندگی می‌کنند. چرا که: دوباره هرگز، همین الان است! [اصطلاح «دوباره هرگز» اشاره به تکرار جنایات نازی‌ها و نفرت‌پرانی علیه گروه‌های مختلف اجتماعی است که با تلاش علیه فراموشی و آموختن از درس‌های تاریخ می‌بایست هرگز اجازه نداد که دوباره آن فجایع و مصیبت‌ها تکرار شوند.]

**مانیفست پنجاه نکته**

۱- هر کسی که در آلمان زندگی می‌کند، مشمول اصل یک قانون اساسی این کشور است: «کرامت انسان خدشه‌ناپذیر است!»

۲- برای ما کافر وجود ندارد! هر کسی می‌تواند هر عقیده‌ای که دلش می‌خواهد داشته باشد از جمله اگر اعتقاد به بابا نوئل باشد.

۳- کسی که قانون اساسی ما و نظام حقوقی ما را مجموعه‌ای از پیشنهادات غیرالزام‌آور می‌داند، می‌بایست هرچه ممکن است زودتر آلمان را ترک کند.

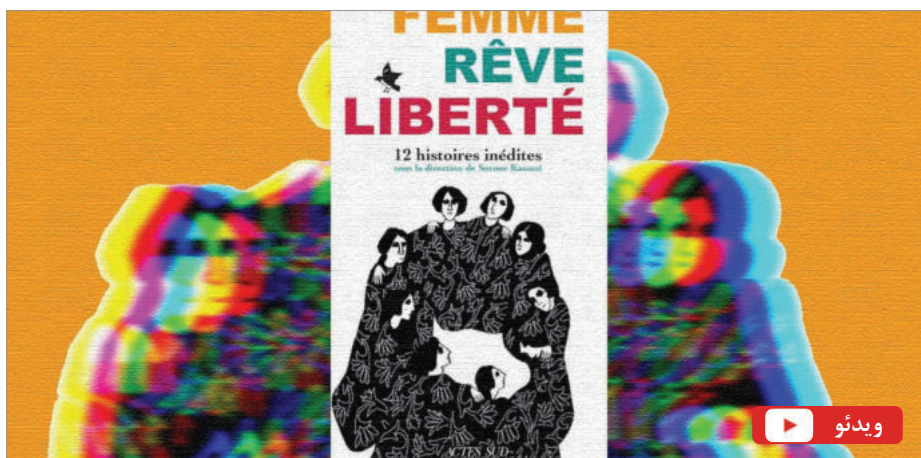
۴- کسی که می‌خواهد بطور دائم نزد ما زندگی کند، باید زبان آلمانی یاد بگیرد. تنها وقتی به زبان مشترک حرف بزنیم، همدیگر را خواهیم فهمید.

۵- هر کسی می‌تواند در آلمان بطور صلح‌آمیز برای اعتقادات خودش تظاهرات کند. اما تهدید انسان‌ها و یا کتک زدن آنها و سنگ پرتاب کردن به آنان و آتش زدن اتومبیل‌ها و برای قاتلان جشن گرفتن جزو آزادی بیان و عقیده محسوب نمی‌شود.





## «زن امید آزادی»: دوازده نویسنده زن ایرانی از مبارزات زنان ایرانی می‌نویسند



«زن امید آزادی» به همت سرور کسمائی نویسنده ایرانی-فرانسوی منتشر شده است. دیگر نویسندگان این کتاب بهیه نخجوانی، سحر دلپجانی، زهرا خانلو، آذر محلوچیان، آیدا مرادی آهنی، پریسا رضا، فریبا وافی، فهیمه فرسائی، رعنا سلیمانی، آسیه نظام شهیدی و نسیم مرعشی هستند. احمد رأفت با سرور کسمائی گفتگویی انجام داده است.

«زن امید آزادی» عنوان روایت‌های دوازده نویسنده زن ایرانی از مبارزات زنان ایران از گذشته تا امروز است که به زبان فرانسوی اخیراً در پاریس منتشر شده است. این کتاب نوشته‌های زنانی از چند نسل را در بر می‌گیرد که هرکدام از نگاهی متفاوت تلاش‌های زنان برای حقوق خود را روایت می‌کنند.

## «جوهر هستی» در نقاشی‌های فرهاد سلطانی



ستاره‌شناسان ایرانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی و نمودارهایی که آنها از حرکت‌های کیهانی در قرون پیشین ترسیم کردند، از چهار دهه پیش آثارش را با تأثیر از کلمه «حق» که به گفته او جوهر هستی است، خلق می‌کند. احمد رأفت در حاشیه این نمایشگاه با فرهاد سلطانی گفتگو کرده است.

فرهاد سلطانی هنرمند با سابقه ایرانی این روزهای بخشی از کارهایش را در مرکز فرهنگی و هنری لهستان در شهر لندن به نمایش گذاشته است. فرهاد سلطانی فارغ‌التحصیل دانشگاه «گلداسمیت» لندن در رشته هنر و معماری و خالق آثار متعدد تجسمی و نقاشی است. این هنرمند ایرانی که در جوانی به عرفان علاقه پیدا کرد، امروز با الهام از پژوهش‌های

۴۸- متلک گفتی یا صدا و سوت زدن زنان در اماکن عمومی، آزار و اذیت به شمار می‌رود.  
۴۹- در نزد ما دختر و پسر اجازه دارند با هم به اردوهای مختلط مدرسه بروند و با هم در سالن ورزش و شنا حضور داشته باشند.  
۵۰- ما زندگی را دوست داریم و نه مرگ را.

۴۵- احترام و قدرانی در شبکه‌های اجتماعی همان اندازه بدیهی است که در سوپرمارکت یا در ادارات.  
۴۶- ما تلاش می‌کنیم از محیط زیست محافظت و منابع را حفظ کنیم. پایداری به معنی آینده است.  
۴۷- دل آلمان برای کودکان می‌تپد. آنها تک تک نمی‌خورند، بلکه تشویق می‌شوند.

۲۰- زنان و مردان از همه نظر دارای حقوق برابر هستند.  
۲۱- حقوق برابر از جمله در دریافت دستمزد برای کار (اگرچه در این زمینه هنوز باید به آن برسیم!)  
۲۲- ما با مناقشه و پرشور بحث می‌کنیم اما به کسانی که عقاید دیگری دارند توهین نمی‌کنیم.  
۲۳- ما در برابر بردبارها بردبار هستیم.  
۲۴- و هیچ بردباری در برابر ناپردباری نداریم!  
۲۵- ما ترقه را در سیلوستر [شب سال نو میلادی] می‌ترکانیم یعنی زمانی که مجاز است.  
۲۶- ما پرچم کشورهایی را که دوست نداریم، آتش نمی‌زنیم. این کار یک جرم کیفری است!  
۲۷- ما به هر دینی احترام می‌گذاریم ولی روشن و شفاف دین را از حکومت جدا می‌کنیم.  
۲۸- زنانی که با فردی غیر از همسر رابطه برقرار می‌کنند، طرد نمی‌شوند چه برسد به آنکه مورد ضرب و جرح قرار بگیرند و یا حتی سنگسار شوند! هنگام طلاق همسران می‌توانند حق سرپرستی مشترک فرزند را داشته باشند صرف نظر از اینکه چه کسی سب ناکامی ازدواج شده باشد.  
۲۹- آدم لازم نیست باکره باشد تا ازدواج کند!  
۳۰- کسی که به خاطر پیگرد سیاسی و یا جنگ نزد ما پناه می‌جوید، آن را دریافت می‌کند. و حتی کسی که حقی نسبت به چنین پناهی را ندارد، معمولاً اجازه پیدا می‌کند در اینجا بماند. در مقابل ما انتظار قدردانی نداریم اگرچه این هیچ بیجا هم نمی‌بود. اما چیزی که ما توقع داریم، رعایت قطعی قوانین ماست و اینکه به ارزش‌های ما و شیوه زندگی ما احترام گذاشته شود.  
۳۱- ما هیچ کودکی را به ازدواج کسی در نمی‌آوریم. و همچنین مردان حق داشتن بیش از یک زن را ندارند.  
۳۲- زنان عین مردان خودشان در اینباره تصمیم می‌گیرند که چه بپوشند، با چه کسی دوست باشند، به چه کسی عشق بورزند و آیا دلشان می‌خواهد به دیسکو یا به کلیسا بروند، به چه کسی رأی بدهند و چه شغلی داشته باشند.  
۳۳- آلمان کشور کباب‌پزهاست. پس از هر پیک‌نیک در پارک ما زباله‌های خود را جمع می‌کنیم و می‌بریم.  
۳۴- چاقو مال آشپزخانه است و جایش در جیب شلوار نیست.  
۳۵- ما مالیات می‌پردازیم چرا که می‌دانیم مالیات‌ها اساس حکومت‌اند.  
۳۶- وقتی زنی به یک مرد «نه» می‌گوید، بدون اگر و مگر یعنی «نه!» هر رفتار دیگری به معنی جرم کیفری است و آزار و اذیت جنسی و یا تجاوز به شمار می‌رود.  
۳۷- ما توقع داریم هر کسی که می‌تواند و اجازه دارد، دنبال کار بگردد و خرج زندگی خود را خودش تأمین کند حتی وقتی کمک اجتماعی و یا پارانه شهروندی در ابتدا بیشتر از دستمزد وی باشد.  
۳۸- در آلمان تحصیل اجباری وجود دارد. ما به اهمیت سواد و آموزش باور داریم.  
۳۹- ما در اتوبوس‌ها و متروها جای خود را به شهروندان سالمند و همچنین شهروندان با ناتوانی جسمی می‌دهیم.  
۴۰- به سلامتی، آلمان! در این کشور آبجو و شراب بخشی از فرهنگ است و باید به آن احترام گذاشت. و اگر کسی نمی‌خواهد مشروب بخورد، نخورد.  
۴۱- اینکه دامن یک زن چقدر بلند یا کوتاه باشد، خودش که آن را می‌پوشد تصمیم می‌گیرد.  
۴۲- کسی که تحمل نمی‌کند که کاریکاتور سیاستمداران، چهره‌های معروف شوها، خدایان یا پیامبران کشیده شود، اشتباهی در آلمان زندگی می‌کند.  
۴۳- رسانه‌ها سیاستمداران را به پرسش می‌کشند اما ما اساساً اعتماد داریم که منتخبان مردم به درستی و به نفع مردم تصمیم می‌گیرند.  
۴۴- شرافت [ناموس] به معنی محق بودن فرد قویتر نیست.

# جابجایی دو عضو کلیدی نزدیک به خامنه‌ای در «بنیاد مستضعفان» و «ستاد اجرایی فرمان امام»



حسین دهقان، پرویز فتاح



غیرقابل تخمین است و... اینها بخشی از اموالی است که دیکتاتور هنگام فرار با خود به خارج برد. امروز سالگرد مرگ سلطنت، وابستگی و وطن‌فروشی در ایران است.» اما بعد از این توییت واکنش‌ها به ادعای کذب او بالا گرفت و مشخص شد همه آن جواهرات مورد اشاره در گنجینه بانک مرکزی ایران است.

در واکنش به این ادعا شهبانو فرح پهلوی نیز گفت در دی‌ماه ۱۳۵۷ و هنگام خروج از کشور، او حتا بخش بزرگی از جواهرات شخصی‌اش را هم در «گنج‌های کاخ نیاوران» باقی گذاشت و با خود نبرد.

پیشتر نیز رئیس سابق «بنیاد مستضعفان» شامگاه شنبه ۱۸ مردادماه ۱۳۹۹ در برنامه تلویزیونی زنده «نگاه» در افشاگری جنجال‌برانگیزی اعلام کرده بود که املاک میلیاردری تحت مالکیت این بنیاد، به تصرف افراد و نهادهایی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش، مجمع تشخیص مصلحت نظام، حداد عادل، محمود احمدی‌نژاد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «بنیاد باران» به مدیریت محمد خاتمی و «مرکز تحقیقات و مطالعات زنان» در آمده است.

این اظهارات، واکنش‌هایی از سوی معصومه ابتکار، شهیندخت مولوردی و دفتر محمود احمدی‌نژاد را به دنبال داشت که همگی ادعاهای فتاح را تکذیب کردند.

دو روز پس از انتشار این گفتگو، وبسایت «همشهری» خبرداد که این گفتگوی جنجالی از بایگانی وبسایت تلویزیون حذف شد.

در این میان، بر اساس بیانیه منتشر شده از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا در آبان ماه ۱۳۹۹ شرکت‌های مرتبط با بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در فهرست تحریم‌ها قرار دارند. طبق اعلام خزانه‌داری آمریکا سید پرویز فتاح رئیس بنیاد مستضعفان نیز از جمله کسانی است که تحریم شده است. بنیاد مستضعفان پس از شرکت ملی نفت ایران، دومین مؤسسه اقتصادی بزرگ در ایران است. بعد از انقلاب اسلامی به فرمان روح‌الله خمینی اموال مصادره شده خانواده پهلوی و سایر مقامات و کارخانه‌داران و بازرگانان به اسم «کمک» به فقرا و نیازمندان» تقدیم رهبر جمهوری اسلامی شد بدون اینکه به «مستضعفان» سودی برسد!

مطرح بود اما بارها اعلام کرد که نامزد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی نمی‌شود.

طرح نام فتاح به عنوان یکی از گزینه‌های اصولگرایان برای انتخابات سال ۱۴۰۰ هم تکرار شد اما در آذرماه سال ۱۳۹۹ خبری بر این مبنا منتشر شده بود که فتاح به دلیل دیدار و تماس با خاتمی از لیست اصولگرایان خط خورده است.

فتاح پیش از ریاست بر بنیاد مستضعفان رییس کمیته امداد بود. او از فرماندهان سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و بیشتر در نهادهای اقتصادی این دستگاه نامتعارف نظامی فعالیت می‌کرده است.

پیشتر سخنان او درباره پرداخت حقوق نیروهای لشکر فاطمیون و نیروهای افغان در سوریه به دستور قاسم سلیمانی از دارایی‌های این بنیاد، اعتراض برخی از رسانه‌های ایران را برانگیخته بود. اعتراضی که طبق معمول به جایی نرسید! پرویز فتاح در فروردین ۱۳۹۹ در یک برنامه تلویزیونی گفته بود: «من در بنیاد تعاون سپاه بودم، حاج قاسم آمده بود به من گفت که حقوق فاطمیون را ندارم بدهم، در سوریه کمک کن یعنی کار به جایی می‌رسد که حاج قاسم سلیمانی می‌تواند حقوق سپاهش را بدهد. می‌گفت این‌ها برادران افغان ما هستند و دست نیاز به امثال ما دراز می‌کند...»

هرچند فتاح خود را یک چهره ضدفساد نشان داده اما فسادهای مالی این بنیاد وابسته به رهبر جمهوری اسلامی بارها افشا شده است.

پرویز فتاح بهمن‌ماه سال گذشته در سالگرد ورود خمینی به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی گفته بود: «پهلوی‌ها هنگام فرار اینقدر عجله داشتند که حتا شناسنامه، سند ازدواج و مدارک‌شان را هم جا گذاشتند!» وی ادعا کرده بود «دفاتر املاک پهلوی در استان‌ها موجود است و در این دفاتر از مردم به زور امضا گرفتند و مکتوب کردند که املاک از مردم خریداری شده در حالی که ریالی به مردم ندادند.»

پیش از این علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت جمهوری اسلامی در تویییتی ادعا کرده بود «۳۵ میلیارد دلار اموال ایرانیان ۲۸۴ چمدان جواهر و الماس دو تاج با ۵ هزار قطعه الماس، ۵۰ قطعه زمرد و ۳۶۸ جبه مروارید که از نظر قیمت

● پرویز فتاح تا پیش از این وزیر نیرو، رئیس کمیته امداد و رئیس بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی بوده است. حسین دهقان نیز مسئولیت‌هایی چون ریاست هلدینگ‌های اقتصادی بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «بنیاد شهید»، وزارت دفاع و مشاور خامنه‌ای و نماینده ویژه ریاست جمهوری در مکران را در کارنامه خود دارد. ● سردار سپاه حسین دهقان که به عنوان نامزد ریاست جمهوری اسلامی برای شرکت در انتخابات سال ۱۴۰۰ ثبت نام کرده بود پیش از اعلام کاندیداهای مورد تأیید شورای نگهبان به نفع ابراهیم رئیسی از حضور در انتخابات انصراف داد.

روز گذشته یکشنبه ۷ آبان علی خامنه‌ای در دو حکم جداگانه سردار سپاه حسین دهقان را به ریاست «بنیاد مستضعفان» و پرویز فتاح را به ریاست «ستاد اجرایی فرمان امام» منصوب کرد.

پرویز فتاح تا پیش از این وزیر نیرو، رئیس کمیته امداد و رئیس بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی بوده است. حسین دهقان نیز مسئولیت‌هایی چون ریاست هلدینگ‌های اقتصادی بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «بنیاد شهید»، وزارت دفاع و مشاور خامنه‌ای و نماینده ویژه ریاست جمهوری در مکران را در کارنامه خود دارد.

پیشتر در ۲۲ مهرماه با اعلام خبر جابجایی‌های مهم در ستاد اجرایی و بنیاد مستضعفان اعلام شده بود: «به نظر می‌رسد با رفتن فتاح به ستاد اجرایی، حسین دهقان به بنیاد مستضعفان و تثبیت مخر در معاون اولی، مثلث مورد اعتماد نظام برای عبور کشور از تحریم، کاملاً مهیا شود. اداره هر یک از آرهلدینگ‌های اقتصادی در شرایط تحریم نیازمند اعتبار درونی در کشور و محافل بیرونی اقتصادی است.»

این گزارش اضافه کرده بود: «حسین دهقان قرار است علاوه بر مدیریت در بنیاد مستضعفان به صورت همزمان نماینده ویژه ابراهیم رئیسی شورای توسعه سواحل مکران را نیز بر عهده داشته باشد تا بتواند پهنه شرقی دریای عمان را نیز با توجه به امکانات بنیاد مستضعفان، توسعه ببخشد.»

وبسایت «چند ثانیه» نیز با تأیید این موضوع نوشت: «دهقان که در سابقه خود تجارب موفق اقتصادی در سپاه، بنیاد شهید، وزارت دفاع و منطقه ویژه مکران را دارد و از سوی دیگر از معتمدین رهبر معظم انقلاب به حساب می‌آید می‌تواند با حضور در بنیاد مستضعفان تحولی جدی و نظامی سازمانیافته در حوزه فعالیت های اقتصادی بنیاد رقم بزند.»

این وبسایت در ادامه نوشته است: «از حیث سیاسی نیز می‌توان امیدوار بود بنیاد مستضعفان که در دوره فتاح با نگرش سیاسی نزدیک به جریان پایداری اداره شده با حضور دهقان که فردی میانه‌رو و معتمد ارکان حاکمیت است به سمت فضای تخصصی اقتصادی و ایجاد مجالی برای حضور و فعالیت نخبگان حرکت کند.»

سردار سپاه حسین دهقان که به عنوان نامزد ریاست جمهوری اسلامی برای شرکت در انتخابات سال ۱۴۰۰ ثبت نام کرده بود پیش از اعلام کاندیداهای مورد تأیید شورای نگهبان به نفع ابراهیم رئیسی از حضور در انتخابات انصراف داد. نام فتاح نیز در انتخابات ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ به صورت جدی

# ایرانیان رتبه نخست مهاجرت به کشورهای عضو سازمان بین‌المللی «اواسی‌دی»



● در سال ۲۰۲۰ تعداد مهاجران جدید ورودی ایرانی به کشورهای منطقه «اواسی‌دی» ۴۸ هزار نفر بود که طبق آخرین آمار این سالنامه در سال ۲۰۲۱ با ۱۴۱ درصد افزایش به ۱۱۵ هزار ورودی جدید در سال رسیده است.

● در سال ۲۰۲۱ در کشور ایتالیا در مجموع ۷۲ هزار دانشجوی بین‌المللی ثبت نام کرده‌اند که دانشجویان ایرانی بعد از دانشجویان چینی، دومین ملیت تشکیل دهنده دانشجویان خارجی هستند.

● تقاضای ایرانیان با ثبت ۶۳۲۰ درخواست جدید پناهندگی در کشور آلمان در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال گذشته رشد ۲۳۴ درصدی داشته است.

مدیر «صدخانه مهاجرت ایران» با ارائه آمار تازه‌ای اعلام کرده ایران رتبه اول مهاجرفرستی به منطقه «اواسی‌دی» (OECD) به عنوان قطب اصلی جذب مهاجران در جهان را از آن خود کرده است.

بهرام صلواتی مدیر صدخانه مهاجرت ایران در یادداشتی نوشته که «در سال ۲۰۲۰ تعداد مهاجران جدید ورودی ایرانی به کشورهای این منطقه ۴۸ هزار نفر بود که طبق آخرین آمار این سالنامه در سال ۲۰۲۱ با ۱۴۱ درصد افزایش به ۱۱۵ هزار ورودی جدید در سال رسیده است. و به این ترتیب رتبه اول مهاجرفرستی براساس نرخ رشد مهاجر جدید را ثبت کرده است.» سازمان بین‌المللی «اواسی‌دی» (OECD) دارای ۳۸ عضو است که کشورهایی مانند ایالات متحده، ترکیه، ایتالیا، بریتانیا، آلمان، کره جنوبی، مکزیک، استونی، لیتوانی، کلمبیا، ایرلند، کانادا، فرانسه، بلژیک، نروژ، سوئد و... از اعضای آن هستند. بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی بهرام صلواتی، ایران در حالی رتبه اول مهاجرفرستی بر اساس نرخ رشد مهاجر جدید را ثبت کرده که از نظر قدر مطلق تعداد مهاجران جدید، ایران در جایگاه دوازدهم قرار دارد. کشور هند با اعزام ۴۰۷ هزار مهاجر جدید به این منطقه در جایگاه نخست از نظر قدر مطلق تعداد مهاجران جدید قرار گرفته که نسبت به سال گذشته رشد ۸۶ درصدی را نشان می‌دهد.

در بخش دیگری از این یادداشت به جذب دانشجویان توسط کشورهای منطقه «اواسی‌دی» (OECD) پرداخته شده و آمده که در سال ۲۰۲۱ در کشور ایتالیا در مجموع ۷۲ هزار دانشجوی بین‌المللی ثبت نام کرده‌اند، که دانشجویان ایرانی بعد از دانشجویان چینی، دومین ملیت تشکیل دهنده دانشجویان خارجی هستند و در جایگاه سوم دانشجویان کشور هند قرار دارند.

در مجموع ۴ میلیون و ۳۲۴ هزار دانشجوی بین‌المللی در منطقه «اواسی‌دی» (OECD) مشغول به تحصیل هستند که دانشجویان چینی، هندی و ویتنام جایگاه‌های اول تا سوم را در اختیار دارند.

از سوی دیگر ایرانیان رتبه اول را در میان ملیت‌های ثبت‌کننده درخواست جدید پناهجویی در کشور استرالیا هستند و ۱۹۱۶ درخواست در سال ۲۰۲۲ داده‌اند که نسبت به سال گذشته (۲۰۲۱) رشد ۲۲۶ درصدی (۸۴۶) ثبت درخواست جدید پناهجویی را نشان می‌دهد.

همچنین تقاضای ایرانیان با ثبت ۶۳۲۰ درخواست جدید پناهندگی در کشور آلمان در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال گذشته (۲۶۹۵) درخواست) رشد ۲۳۴ درصدی داشته است.

بهرام صلواتی همچنین جایگاه ایران در میان ۱۵ ملیت

برتر ثبت درخواست جدید پناهجویی در کشورهای میزبان را نیز ارائه کرده کرده که بر این اساس در استرالیا رتبه ۱، در مجارستان رتبه ۲، در بریتانیا رتبه ۳، در ترکیه رتبه ۴، در لتونی رتبه ۵، در کانادا رتبه ۵، در دانمارک رتبه ۵، در آلمان رتبه ۶، در لوکزامبورگ رتبه ۶، در فنلاند رتبه ۸، در نروژ رتبه ۹، در سوئیس رتبه ۹، در سوئد رتبه ۱۰، در لهستان رتبه ۱۰، در ایسلند رتبه ۱۰، در لیتوانی رتبه ۱۱، در هلند رتبه ۱۱، در اسلونی رتبه ۱۱، در ژاپن رتبه ۱۲، در اتریش رتبه ۱۳، بلژیک رتبه ۱۴ را دارند.

مهاجرت از ایران به شکل فزاینده‌ای ادامه دارد و شهروندان با تحصیلات و مشاغل مختلف در تلاش برای انواع مهاجرت کاری، تحصیلی، سرمایه‌گذاری و یا پناهندگی به دیگر کشورها هستند. بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، و فضای اجتماعی حاکم از سوی جمهوری اسلامی مهمترین عوامل موثر در افزایش مهاجرت ایرانیان هستند.

جمهوری اسلامی در حالی سال‌هاست به هشدارهای کارشناسان درباره خالی شدن کشور از منابع انسانی بی‌اعتنا است که در ماه‌های گذشته اقداماتی محدودکننده یا هزینه‌زا در رابطه با متقاضیان مهاجرت انجام داده است. همراه امسال و برای دومین بار طی سال گذشته، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی هزینه آزادسازی مدرک دانشگاهی فارغ‌التحصیلان را افزایش داد.

بر اساس نرخ جدید آزادسازی مدارک دانشگاهی، فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی برای آزادسازی مدارکشان باید به ازای هر سال ۴۰ میلیون تومان پرداخت کنند. این رقم برای فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد به ازای هر سال ۵۰ میلیون تومان است. آزادسازی مدارک برای رشته‌های پزشکی و داروسازی هم به ازای هر سال ۱۱۰ میلیون تومان و برای رشته دندانپزشکی به ازای هر سال ۱۲۰ میلیون تومان تمام می‌شود؛ به عبارت دیگر، یک دانشجوی رشته پزشکی برای آزادسازی مدرکش دست‌کم باید ۵۰ میلیون تومان به دولت پول بدهد. سال گذشته هزینه آزادسازی مدارک دانشگاهی با افزایش شش برابری روبرو شده بود. آمارها نشان می‌دهد افزایش قیمت آزادسازی مدارک اگر چه نتوانسته روند مهاجرت نیروی متخصص و تحصیلکرده از کشور را کاهش کند اما توانسته برای دولت منبع درآمد جدیدی ایجاد کند!

از سوی دیگر، تابستان گذشته نیز سازمان سنجش آموزش کشور که برگزار کننده رسمی آزمون آیلتس است، این آزمون را به بهانه «لو رفتن سوالات» لغو کرد. بسیاری از متقاضیان تحصیل در خارج از کشور از دانشگاه‌های مقصد پذیرش تحصیلی گرفته یا در حال آماده کردن مدارک برای ثبت درخواست بودند، با لغو آزمون آیلتس دچار بحران شدند. پیشتر نیز بارها برگزاری آزمون آیلتس در ایران لغو شده بود برای نمونه در دی ۱۴۰۱ به داوطلبان اعلام شد که «از اسفندماه تا اطلاع ثانوی» تمام آزمون‌های آیلتس در ایران لغو شده‌اند. این در حالیست که به گفته کارشناسان کاهش آمار مهاجرت از کشور نیازمند اقداماتی زیربنایی مانند افزایش سطح رفاه و رونق اقتصادی و همچنین باز شدن فضای اجتماعی و افزایش امیدواری به آینده است؛ اقداماتی که جمهوری اسلامی در مسیر عکس آنها در حال حرکت است و به نظر می‌رسد از افزایش مهاجرت شهروندان از کشور خشنود است.

مهاجرت سالانه ده‌ها هزار نفر از کشور زیان گسترده‌ای به اقتصاد و تولید و توسعه ایران وارد خواهد کرد. آمارها از خروج ۴۵ میلیارد دلار سرمایه انسانی با مهاجرت نخبگان در چهار سال گذشته حکایت می‌کنند. برآوردها همچنین نشان می‌دهد سرمایه خارج کشور رقمی برابر با فروش یک دهه نفت است. خروج منابع انسانی از کشور زبانی هنگفت به ساختار اقتصادی وارد کرده و هشدار جدی درباره خالی شدن اقتصاد از نیروی کار حرفه‌ای در آینده نزدیک را به همراه دارد.

کارشناسان اقتصادی معتقدند با مهاجرت نیروی کار حرفه‌ای و تحصیلکرده، سهم نیروی کار با کیفیت در بازار کار کاسته شده و بازار کار با کمبود نیروی کار و یا اشتغال افراد نابلد و غیرمتخصص مواجه می‌شود که این مسئله خود تبعات منفی بیشماری را به دنبال خواهد داشت.

همچنین سرمایه انسانی یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی بوده بنابراین، خروج به یک‌باره سرمایه انسانی باعث کاهش رشد اقتصادی در میان مدت و بلندمدت خواهد شد.

از سوی دیگر برای تربیت و آموزش هر نیروی کار حرفه‌ای و تحصیلکرده، بخشی از منابع عمومی کشور هزینه می‌شود که با مهاجرت این نیروها، سرمایه‌گذاری صورت گرفته برای آنها در عمل دود شده و به سود کشور مقصد مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

## تورم در مهرماه هم افزایش یافت؛ بدتر شدن وضعیت شاخص‌های اقتصادی برخلاف ادعای دولت

تجاری ایران پرداخته و نوشته که جدیدترین آمار گمرک نشان می‌دهد تراز تجاری ۷ ماهه منتهی به مهر امسال رقمی معادل منفی ۷/۷ میلیارد دلار است؛ رقمی بی‌سابقه که بیش از دو برابر مدت مشابه سال گذشته است.

در این گزارش تأکید شده که به نظر می‌رسد این کسری تجاری به دلیل رشد واردات ناشی از افزایش درآمد نفتی ایران بوده است و دولت تلاش دارد با کمک این درآمد قیمت‌ها در بازار داخلی را کنترل کند.

محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هفته گذشته اعلام کرده بود که برای اولین بار در تاریخ تراز تجارت خارجی کشور در شش ماه ابتدایی سال منفی شش میلیارد دلار شد؛ این در حالی است که ارزش پول ملی کاهش داشته است.

پورابراهیمی با انتقاد از عملکرد بانک مرکزی گفته بود که «سال گذشته دولت با اصلاح سیاست‌های ارزی بانک مرکزی دولت دوازدهم توانست در بخش صادرات غیرنفتی یک جهش ۲۵ درصدی ایجاد کند، اما امسال بانک مرکزی به صورت جزیره‌ای عمل می‌کند و هیچ هماهنگی با وزرای اقتصادی دولت ندارد.»

وبسایت «تجارت نیوز» نیز در گزارشی به رشد پایه پولی که از عوامل اثرگذار در افزایش تورم است پرداخته و نوشته که آمارهای بانک مرکزی همچنان از تداوم روند صعودی رشد پایه پولی و مهار نسبی سرعت رشد نقدینگی حکایت دارند.

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی بانک مرکزی، پایه پولی که در پایان خرداد ماه سال ۱۴۰۱ معادل ۶۴۰ هزار میلیارد تومان بود، در طی یک سال اخیر با افزایش ۴۱/۸ درصدی همراه شده و در خرداد ماه امسال از رقم ۹۰۸ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. به این ترتیب رقم رشد نقطه به نقطه پایه پولی در مقایسه با خرداد سال گذشته رشدی ۱۴ واحد درصدی را تجربه کرده است.

از سویی دیگر، پایه پولی از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا پایان خرداد ماه سال جاری، بیش از ۳/۹ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که رشد ماهانه پایه پولی در خرداد سال ۱۴۰۱ معادل ۵/۶ درصد رقم خورده بود.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز درباره ادعاهای دولت درباره بهبود شرایط اقتصادی و کاهش تورم می‌گوید: «دولت مدعی است که توانسته تورم را مقداری کنترل کند؛ ولی این مقدار نه به اندازه‌ای است که بتواند آرامش روانی برای جامعه ایجاد کند و نه متناسب با وعده‌هایی است که آقای رئیسی داده بود.»

این اقتصاددان افزوده که «اکنون نرخ تورم را ۴۰ درصد اعلام کرده‌اند؛ این عدد در مقایسه با یک نرخ تورم نرمال هنوز رقم بسیار بالایی است؛ لذا دولت در مهار تورم خیلی موفق نبوده است. دولت به جای اینکه به علت کسری بودجه و ردیف‌های هزینه‌ای زائد در بودجه بپردازد، همه تمرکز خود را روی کاهش نقدینگی گذاشته و همین به دنبال معلول بودن می‌تواند یکی از علل تورم باشد.»

به گفته مرتضی افقه «اگر با همین فرمان ادامه دهند، حتی اگر تورم کم شود هم این کاهش به قیمت رکود است و موجب کاهش نقدینگی واحدهای تولیدی و افزایش بیکاری و فقر خواهد شد.»



داشتند.

در گروه غیرخوراکی‌ها هزینه‌های آموزش طی یک ماه و از فاصله شهریور تا مهرماه امسال ۲۱/۶ درصد بالا رفته که شدیدترین نرخ رشد ماهانه در بین همه گروه‌های اقلام مصرفی است. پس از آموزش، هزینه اجاره مسکن ۴/۳ درصد رشد کرده که ۲ واحد درصد بیشتر از نرخ تورم عمومی و ۰/۸ واحد درصد بیشتر از تورم ماه قبل است.

از سوی دیگر بررسی اختلاف تورمی میان دهک‌های هزینه‌ای نیز حاکی از این است که در مهرماه ۱۴۰۲، دامنه تغییرات نرخ تورم برای دهک‌های مختلف از ۴۴/۶ درصد برای دهک اول (فقرترین دهک) تا ۴۶/۵ درصد برای دهک دهم (ثروتمندترین دهک) است. فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۱/۹ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل ۱/۲ واحد درصد افزایش داشته است. این افزایش نشان می‌دهد فاصله طبقاتی در ایران در مهرماه امسال نسبت به ماه پیشتر افزایش یافته است.

جداً از آمارهای تورمی مهرماه که نشان از افزایش سرعت تورم و گرانی در کشور دارد، دیگر آمارهای اقتصادی نیز تصویری بر خلاف ادعای مقامات دولت را نمایان می‌کند.

در حالیکه تیم اقتصادی دولت معتقد است شرایط اقتصادی رو به بهبود است و از سوی دیگر تبلیغات گسترده‌ای در مورد توافق دولت جو بایدن در ایالات متحده با مقامات جمهوری اسلامی، و آزادسازی پولهایی بلوکه شده ایران در دیگر کشورها، به راه افتاده بود، اما گزارش‌ها از وضعیت اقتصاد ایران نشان از بدتر شدن شرایط دارد.

برای نمونه آمارهای گمرک ایران نشان می‌دهد کسری تجارت خارجی گمرکی در پایان مهرماه ۱۴۰۲ با یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار افزایش نسبت به ماه قبل به هفت میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار افزایش یافت. روزنامه دنیای اقتصاد» در گزارشی به افزایش کسری

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم ماهانه از ۲ درصد در شهریورماه به ۲/۴ درصد در مهر ۱۴۰۲ افزایش یافته است.

● در مهرماه تورم نقطه به نقطه ۳۹/۲ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین، ۳۹/۲ درصد بیشتر از مهرماه ۱۴۰۱ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● در گروه غیرخوراکی‌ها هزینه‌های آموزش طی یک ماه و از فاصله شهریور تا مهرماه امسال ۲۱/۶ درصد و هزینه اجاره مسکن ۴/۳ درصد افزایش داشته است.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه نشان از افزایش سرعت تورم و گرانی در کشور دارد. افزایش کسری تراز تجارت خارجی در کنار آمارهای تورم مشخص می‌کند برخلاف ادعاهای تیم اقتصادی دولت، وضعیت اقتصادی کشور بهبود نداشته و بحران‌های اقتصادی شدت یافته است. مرکز آمار ایران با تأخیری چند روزه گزارش تورم مهرماه ۱۴۰۲ را منتشر کرده که بر اساس آن نرخ تورم ماهانه از ۲ درصد در شهریورماه به ۲/۴ درصد در مهر ۱۴۰۲ افزایش یافته است.

در مهرماه ۱۴۰۲ شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کشور به عدد ۲۰۶/۵ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۳/۲ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۲/۳۹ درصد افزایش و در دوازده ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۴۵/۵ درصد افزایش داشته است. بر اساس جزئیات گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم ماهانه از ۲ درصد در شهریور به ۲/۴ درصد در مهر ۱۴۰۲ افزایش یافت. این رقم به این معنی است که کالاها و خدمات مصرفی مردم در مهرماه بطور متوسط ۲/۴ درصد گران‌تر از شهریورماه بود.

طبق اعلام مرکز آمار ایران، در مهرماه، تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۰/۵ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳/۳ درصد بوده است.

گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد در مهرماه ۱۴۰۲ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۳۹/۲ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین، ۳۹/۲ درصد بیشتر از مهرماه ۱۴۰۱ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

گزارش مرکز آمار از تورم مواد غذایی نشان می‌دهد از بین خوراکی‌ها بیشترین تورم نقطه به نقطه مربوط به «گوشت قرمز و گوشت ماکیان»، «گوشت قرمز، سفید و فرآورده‌های آن‌ها» و «ماهی‌ها و صدف‌داران» است که نقش مهمی در سبد معیشتی و سلامت مردم دارند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها، ۳۵/۷ درصد بوده و بیشترین میزان افزایش قیمت مربوط به گروه گوشت قرمز و گوشت ماکیان با ۸۲ درصد است. بعد از گوشت قرمز و ماکیان، گروه گوشت قرمز، سفید و فرآورده‌های آن‌ها ۸۱ درصد، ماهی‌ها و صدف‌داران با ۶۹/۴ درصد، چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آب میوه با ۴۶/۷ میوه و خشکبار با ۳۸/۴ درصد در مهر امسال نسبت به ماه مشابه سال قبل، بیشترین افزایش قیمت را

# به ازای هر ۷۰۰۰ زن در ایران فقط یک پزشک متخصص زنان فعالیت دارد

مسعود پزشکیان نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در ۳۰ مهرماه با اشاره به موج گسترده مهاجرت پزشکان تاکید کرد که در چند سال آینده به دلیل کمبود پزشک در داخل باید به خارج از کشور رفت!

او همچنین با اشاره به دستمزد پزشکان گفته بود: «پولی که الان در دولت مصوب شده و به نام برابری و مساوات است، زندگی خیلی از پزشکان را نمی‌چرخاند و نمی‌توان از آنها بابت مهاجرت گلیه کرد.»

در اواخر شهریورماه جاری نیز معین‌الدین سعیدی یکی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به کمبود شدید پزشک و پرستار در کشور هشدار داده و به «شفقتنا» گفته بود: «در صورت تداوم مهاجرت‌ها مجبور می‌شویم از بنگلادش و هند پزشک وارد کنیم. بسیاری از ارکان تصمیم‌گیر متوجه حساسیت موضوع نیستند.»

## مشکل کمبود دارو نیز ادامه دارد

در این میان، در کنار کمبود پزشک و پرستار، در حالی که حدود چهار ماه از زمانی که بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت گفته بود «تمام عواملی که باعث کمبود دارو می‌شوند را از بین بردیم» می‌گذرد بحران کمبود دارو نیز در ایران همچنان ادامه دارد.

در همین ارتباط یحیی ابراهیمی نماینده مجلس شورای اسلامی به وسایت «اقتصاد۲۴» گفته است «۳۰۰ قلم کمبود دارو داریم اما دولت زیر بار نمی‌رود و مدام می‌گوید که همه چیز گل و بلبل است.»

در همین ارتباط تیرماه سال جاری بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت گفته بود: «چه کسی گفته که ۲۰۰ قلم کمبود دارو داریم؟ ۲۰۰ قلم نیست.»

خردادماه سال جاری نیز محمد عبده‌زاده رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران گفت: «تعداد کمبود دارویی به بیش از ۲۰۰ قلم دارو رسیده است. علل عمده آن عدم تامین به موقع ارز و ریال و عدم قیمت‌گذاری به موقع و پرداخت نشدن به موقع تسهیلات به شرکت‌های دارویی و مشکلات حواله ارز است.»

عضو شورای عالی داروخانه‌های ایران کمبود دارو در داروخانه‌های پایتخت را ۱۲۰ تا ۱۸۰ نوع دارو عنوان کرده و گفته بود که کمبود اقلام دارویی در داروخانه‌های دولتی و خصوصی متفاوت است. او توضیح داده بود که «در تقسیم‌بندی داروخانه‌ها ۹۰ درصد داروخانه‌ها از داشتن عمده اقلام محروم هستند. داروخانه‌های غیرمنتخب ۹۰ درصد از بخش خصوصی را شامل می‌شوند و بیشتر گردش مالی دارو در داروخانه‌های دولتی است. کمبود دارویی در حد فراگیری در داروخانه‌های خصوصی وجود دارد. چون داروخانه غیرمنتخب اجازه ندارد داروهای خاص عرضه کند نتیجتاً بخش خصوصی درگیر کمبود است.»

عبدالنصر درخشان نماینده مجلس شورای اسلامی در تیرماه جاری به خبرگزاری ایلنا گفته بود که شهرستان سرباز (سیستان و بلوچستان) امکانات درمانی لازم برای مارگزیدگی را ندارد. عادلانه نیست مردم به دلیل کمبود دارو و درمان می‌پیرند.»

به گفته وی «در مرکز شهرستان سرباز متأسفانه خدمات درمانی چشمگیری وجود ندارد و بعضی مواقع پزشک نداریم، از طرفی داروی پادزهر مورد نیاز برای درمان مارگزیدگی و عقرب‌گزیدگی وجود ندارد.»



خدمات سلامت و مراقبت‌های بارداری نیاز دارند. پیشتر در خردادماه جاری نیز معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان اعلام کرده بود که در شهرستان‌های جاسک و بشاگرد با کمبود پزشک متخصص مواجه هستیم. به گفته این مقام مسئول در بیمارستان جاسک از تخصص زنان، اطفال، داخلی، بیهوشی و چشم‌پزشک تنها دو نیرو مستقر است که در زمان نبود یکی از آنان، دیگری وظایف را بر عهده می‌گیرد!

از سوی دیگر رؤسای بیمارستان‌های دولتی از اینکه کادر درمان از بخش دولتی خارج می‌شوند، به شدت احساس نگرانی می‌کنند.

در همین ارتباط رضا حاج منوچهری معاون سازمان پزشکی قانونی کشور ۶ آبان‌ماه با اشاره به اینکه در این سازمان ۷ هزار و ۲۳۰ پست اداری وجود دارد و از این تعداد تنها ۴۲ درصد پست‌ها اشغال و ۵۸ درصد خالیست گفت: «به دلیل سختی کار در بخش‌های مختلف پزشکی قانونی متأسفانه ما با چالش کمبود و خروج نیرو مواجه هستیم، از یکسو در ۵ سال اخیر ۱۱۱ پزشک از مجموعه سازمان خارج شده‌اند و از سوی دیگر در آزمون ۱۱۸ نفره سال جاری، به دلیل نبود جاذبه، ۱۸ جایگاه در نظر گرفته شده برای پزشکان خالی ماند و هیچ شرکت‌کننده‌ای نداشت.»

محسن خالقیان رئیس بیمارستان فیروزگر نیز ۷ آبان‌ماه در همایش طب تسکینی به مشکلات بیمارستان‌های دولتی نسبت به خطر ورشکستگی و تعطیلی این بیمارستان‌ها هشدار داد و گفت که «تعرفه‌های غیرواقعی باعث شده تا ۵۸ پرستار از بیمارستان ما بروند.»

وی نسبت به خروج هیات علمی بیمارستان‌های دولتی ابراز نگرانی کرده و گفته است: «ادامه این روند منجر به بحرانی شدن وضعیت بیمارستان‌های دولتی خواهد شد.» رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی در خردادماه جاری با اعلام اینکه برخی پزشکان مسافرخشی می‌کنند در مصاحبه با خبرگزاری‌های ایران اعلام کرده بود که در سه سال گذشته ۱۰ تا ۱۲ هزار پزشک از کشور مهاجرت کرده‌اند.

● رئیس نظام پزشکی کشور: «در مطالعاتی که در کشور صورت گرفته سن متوسط مادران فوت شده ۳۰ تا ۳۵ سال و عمدتاً در زایمان اول بوده است. در این میان ۴۵ درصد ناشی از عدم تخصص کافی کادر است.»

● بر اساس آمارهای سازمان نظام پزشکی، به ازای هر ۷۰۰۰ زن در ایران فقط یک پزشک متخصص زنان فعالیت دارد. بعلاوه این رشته در ایران تک‌جنسیتی است یعنی مردان اجازه فعالیت در این رشته را ندارند!

● در لایحه حجاب و عفاف نیز بر تفکیک جنسیتی بیمارستان‌ها و معالجه بیماران توسط پزشکان همجنس تاکید شده است.

رئیس سازمان نظام پزشکی اعلام کرد: «در ۱۷ درصد موارد، عدم دسترسی به متخصص زنان باعث مرگ مادر شده که این نشان می‌دهد پراکنش باید تغییر یابد.»

خبرگزاری فارس به نقل از محمد رئیس زاده با اعلام این مطلب نوشت: «در مطالعاتی که در کشور صورت گرفته سن متوسط مادران فوت شده ۳۰ تا ۳۵ سال و عمدتاً در زایمان اول بوده است. در این میان ۴۵ درصد ناشی از عدم تخصص کافی کادر است.»

وی با اشاره به اینکه میانگین جهانی مرگ مادران باردار به ازای هر ۱۰۰ هزار تولد زنده، ۲۰۰ نفر است افزود: «در کشور ما این آمار در چهل سال به نزدیک ۲۰ در هر صد هزار تولد زنده رسید که یک دهم آمار جهانی و خیلی بهتر از چیزی است که دنیا تا ۲۰۳۰ برنامه ریزی کرده است.»

ایرج حریرچی سخنگوی اسبق وزارت بهداشت نیز با اشاره به وجود ناراضی‌ت و شکایات متعدد در مورد کمبود نیروی متخصص بخصوص در مناطق کم‌برخوردار علت اصلی در این زمینه را کمبود کلی پزشک و متخصص در کشور نسبت به جمعیت و نسبت به کشورهای مشابه دانست.

بر اساس آمارهای سازمان نظام پزشکی، به ازای هر ۷۰۰۰ زن در ایران فقط یک پزشک متخصص زنان فعالیت دارد. بعلاوه این رشته در ایران تک‌جنسیتی است یعنی مردان اجازه فعالیت در این رشته را ندارند!

خبرگزاری فارس ۲ آبان ماه به نقل از حجت‌الاسلام سیدروح‌الله حسینی استاد حوزه علمیه قم نوشت: «حضور پزشک و پرستار مرد در بخش زنان و زایمان جواز شرعی ندارد.»

او ادعا کرد: «در شهرهای بزرگ از جمله تهران با وجود اینهمه پزشک و متخصص خانم عملاً با کمبود کادر درمان خانم و اضطراب حضور مردان مواجه نیستیم، حضور کادر درمان آقا جایز نیست. وقتی در جاهایی مثل تهران به راحتی می‌توان تیم زنانه برای اتاق عمل زنان و زایمان در نظر گرفت، بیمارستان‌ها به لحاظ شرعی ملزم به انجام این کار هستند.»

در لایحه حجاب و عفاف نیز بر تفکیک جنسیتی بیمارستان‌ها و معالجه بیماران توسط پزشکان همجنس تاکید شده است.

با اینهمه ۹۱ مرکز درمانی شهرستان کشور فاقد متخصص زنان هستند این در حالیست که زنان مناطق کم‌برخوردار به دلیل آمار بالای ازدواج‌های فامیلی، عدم دسترسی به آب و منابع غذایی بهداشتی و سالم، نبود داروخانه و امکان دستیابی به مکمل‌های غذایی مورد نیاز، سوء تغذیه، آب و هوای نامساعد و فشار کار بسیار، بیش از سایر نقاط به

## حمله آمریکا به انبار تسلیحات متعلق به سپاه پاسداران در دیرالزور؛ تسینیم: محموله باتری و سرامیک بود!



انهدام کامیون‌های وابسته به جمهوری اسلامی در مرز سوریه و عراق / عکس: تسنیم

● این دومین عملیات نیروی هوایی آمریکا علیه گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه از زمان آغاز جنگ حماس علیه اسرائیل است.

● روزنامه «تایم» می‌نویسد «انبار تسلیحات و کانتینرهای منفجر شده توسط جت‌های F-۱۶ به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرتبط بودند که مقامات دفاعی آمریکا می‌گویند نیروهای نیابتی از آنها برای حملات علیه پایگاه‌های آمریکایی استفاده می‌کردند».

● خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران ادعا کرده «سه دستگاه کامیون غیرنظامی که حاوی محصولات اقتصادی در زمینه برق و باتری و محصولات ساختمانی از قبیل چوب و سرامیک در مرز عراق و سوریه هدف قرار داده شد».

● رایان کراکر عضو بنیاد «کارنگی برای صلح بین‌المللی» به «تایم» می‌گوید که به نظر می‌رسد اقدامات [رژیم] ایران برای کشاندن ایالات متحده به سمت درگیری مستقیم طراحی شده است.

منابع سوری گزارش دادند هواپیماهای آمریکا بامداد دوشنبه هشتم آبان یک کاروان از کامیون‌های متعلق به شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی را در شرق

## «پوتین به رئیسی پیام فرستاد»؛ امیر عبداللهیان درباره غزه با اردوغان دیدار کرد



دیدار امیر عبداللهیان با اردوغان در آنکارا / عکس: آناتولی

آستانه» را مبنایی برای راه حل غزه قرار دهند. این پیشنهاد در حالیست که فرمت «آستانه» مدلی برای برقراری صلح در سوریه بود که طرفین آن نیز همین سه کشور بودند و تا کنون نتیجه‌ای نداشته است.

همزمان حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی پس از دومین دیدار با رهبران حماس در دوحه و همچنین ملاقات با امیر قطر راهی ترکیه شد و با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری این کشور و وزیر خارجه ترکیه، هاکان فیدان، دیدار کرد.

اردوغان ششم آبان‌ماه در مراسم «صدمین سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه» در استانبول گفت، «حماس یک سازمان تروریستی نیست و یک جنبش آزادیبخش است.» وی همچنین اسرائیل را تهدید کرد که «ممکن است یک شب ناگهانی حمله کنیم!»

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در واکنش به سخنان اردوغان گفت: «یک مار، مار باقی می‌ماند.» اردان افزود: «او تلاش کرد وجهه‌اش را بهبود بخشد، اما یک یهودی‌ستیز باقی مانده است.»

ترکیه و جمهوری اسلامی ایران تنها کشورهای اسلامی منطقه هستند که در حمایت از گروه تروریستی حماس، کشور اسرائیل را تهدید به حمله نظامی کرده‌اند.

هر دو کشور با وجود بحران شدید اقتصادی برای اسرائیل خط و نشان کشیده‌اند آنهم در حالی که تنها دو روز بعد از آغاز عملیات دفاعی اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس شاخص بورس استانبول و تهران به شدت سقوط کرد تا جایی که مقامات مسئول هر دو کشور به فکر تعطیلی موقت بورس افتادند.

رژیم ایران که به شدت منزوی است روی آشوب در منطقه که خودش یکی از مسببان و آتش‌افروزان آن است به عنوان ابزاری برای خروج از انزوا حساب ویژه باز کرده و امیرعبداللهیان پی در پی برای دیدار با مقامات کشورهای منطقه و سایر دولت‌ها در سفر است تا جمهوری اسلامی را از جمله به عنوان میانجی در جنگی معرفی کند که نیابتی‌های خودش با وحشیگری و قساوت علیه اسرائیل به راه انداخته‌اند.

● الکساندر لاورنتیف نماینده پوتین چهارشنبه شب دهم آبان‌ماه با سردار پاسدار علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی جلسه داشت اما از جزئیات این جلسه و محتوای پیام برای رئیسی خبری منتشر نشده است.

● منابع دولتی روسیه به نقل از چند تحلیلگر برای میانجیگری مسکو با همکاری تهران و آنکارا در مورد غزه زمینه‌سازی می‌کنند. خبرگزاری دولتی «تاس» در همین ارتباط نوشت ترکیه، روسیه و ایران می‌توانند «فرمت آستانه» را مبنایی برای راه حل غزه قرار دهند. فرمتی که با همین سه کشور نتوانست به جنگ سوریه پایان دهد!

رسانه‌های داخلی در ایران گزارش دادند نماینده ولادیمیر پوتین در امور سوریه که در رأس هیأتی به تهران سفر کرده حامل یک پیام ویژه برای جمهوری اسلامی بوده است؛ همزمان حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در آنکارا با رئیس‌جمهوری ترکیه دیدار کرد.

الکساندر لاورنتیف نماینده پوتین چهارشنبه شب دهم آبان‌ماه با سردار پاسدار علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی جلسه داشت اما تا زمان تنظیم این گزارش از جزئیات این جلسه و محتوای پیام خبری منتشر نشده است.

لاورنتیف همچنین با علی‌اصغر خاجی یکی از مشاوران حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز دیدار کرده است.

گفته شده محور گفتگوها همکاری‌های دو جانبه، سوریه، اسرائیل و تحولات منطقه بوده است.

وبسایت «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی نوشت نماینده پوتین حامل پیام برای ابراهیم رئیسی بوده است.

پیش از این علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی و هیأتی از رهبران ارشد حماس همزمان به مسکو سفر کرده بودند. پوتین و رئیسی ۲۴ مهرماه تلفنی درباره جنگ اسرائیل و گروه حماس در غزه صحبت کرده بودند.

در این میان، منابع دولتی روسیه به نقل از چند تحلیلگر برای میانجیگری مسکو با همکاری تهران و آنکارا در مورد غزه زمینه‌سازی می‌کنند. خبرگزاری دولتی «تاس» در همین ارتباط نوشت ترکیه، روسیه و ایران می‌توانند «فرمت

## «فایننشال تایمز»: آمریکا از چین خواسته مانع دخالت جمهوری اسلامی در درگیری‌های منطقه شود



دیدار وزرای خارجه آمریکا و چین در واشنگتن / اکتبر ۲۰۲۳

وانگ ۱۰ ساعت با بایدن، آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی دیدار کرد. وانگ و مقامات آمریکایی در مورد نشست احتمالی بایدن و شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین، در مجمع همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه که قرار است ماه آینده در سانفرانسیسکو برگزار شود گفتگو کردند. این مقام آمریکایی از بیان اینکه آیا توافق حاصل شده است یا نه خودداری کرد، اما گفت که «دولت آمریکا در حال فراهم آوردن شرایط این دیدار است.»

بایدن آخرین بار در اواخر سال ۲۰۲۲ در اندونزی در تنها دیدار خود با شی جین‌پینگ دیدار کرد. آنها برای ارتقاء سطح روابط توافق کردند، اما تلاش‌ها پس از مشاهده یک بالن مشکوک جاسوسی چینی در ماه فوریه بر فراز آمریکای شمالی، از مسیر خارج شد. کاخ سفید گفت که ایالات متحده مسائل زیادی را با وانگ مطرح کرده است، از جمله «اقدامات خطرناک و غیرقانونی چین در دریای چین جنوبی» و نیاز به صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان.

اوایل این هفته، بایدن نخستین رئیس‌جمهوری ایالات متحده بود که به چین هشدار داد که هرگونه اقدام نظامی علیه ارتش، نیروی دریایی یا نیروی هوایی فلیپین باعث امضای معاهده دفاعی متقابل واشنگتن با مانیل خواهد شد. مقامات آمریکایی گفتند که بلینکن و سالیوان نیز موضوع مبارزه با مواد مخدر را مطرح کردند. واشنگتن از پکن می‌خواهد تا صادرات مواد شیمیایی مورد استفاده در ساخت «فتانیل» (یک ماده مخدر) مصنوعی را که به قاتل اصلی آمریکایی‌های بین ۱۸ تا ۴۵ سال تبدیل شده، متوقف کند. این مقام ارشد گفت که ایالات متحده اهمیت برقراری مجدد کانال‌های نظامی را که چین پس از سفر نانسو پلوسی رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا در سال گذشته از تایوان، بسته بود، مطرح کرد. این مقام گفت که پس از برکناری لی شانگفو از سمت وزیر دفاع، ایالات متحده دوباره فشار می‌آورد. چین قبلاً از ترتیب دادن ملاقات بین لی و لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا، خودداری کرده بود، زیرا دولت بایدن تحریم‌هایی را که دولت دونالد ترامپ علیه لی در سال ۲۰۱۸ اعمال کرده بود، لغو نکرد.

● یک مقام ارشد آمریکایی پس از دیدار بلینکن با وانگ بی وزیر خارجه چین گفت: «چین را تحت فشار قرار دادیم تا رویکرد سازنده‌تری اتخاذ کند و البته این شامل تعامل آنها با ایرانی‌ها برای ایجاد آرامش می‌شود.»

● اسرائیل از چین به دلیل عدم اتخاذ موضع انتقادی علیه حماس در مورد حمله «هفت اکتبر» انتقاد کرده است. در اوایل این ماه، وانگ به شاهزاده فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی گفت که عملیات نظامی اسرائیل در پاسخ به این حمله «فراتر از محدوده دفاع از خود» است.

آمریکا از چین خواسته است تا از روابط خود با جمهوری اسلامی و سایر کشورهای خاورمیانه برای آرام‌تر شدن وضعیت خاورمیانه و جلوگیری از گسترش درگیری‌ها در نوار غزه استفاده کند.

روزنامه «فایننشال تایمز» ۲۷ اکتبر (پنجم آبان) گزارش داد ایالات متحده این موضوع را با وانگ بی وزیر خارجه چین در جریان سفر سه روزه خود به واشنگتن که از جمله شامل دیدار با جو بایدن رئیس‌جمهوری بود مطرح کرده است. ایالات متحده نگران اقدام نظامی احتمالی جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از حماس یا حزب‌الله است که می‌تواند منجر به درگیری گسترده‌تری در خاورمیانه شود.

یک مقام ارشد آمریکایی پس از دیدار بلینکن با وانگ گفت: «چین را تحت فشار قرار دادیم تا رویکرد سازنده‌تری اتخاذ کند و البته این شامل تعامل آنها با ایرانی‌ها برای ایجاد آرامش می‌شود.»

وی افزود: «چین به وضوح با دولت‌های منطقه رابطه دارد... ما فکر می‌کنیم که باید از این ارتباطات برای دعوت به آرامش از همه طرف استفاده کرد. فکر می‌کنم برخی از نظرات آنها بطور عمومی در یک جهت خاص متمرکز شده است.»

اسرائیل از چین به دلیل عدم اتخاذ موضع انتقادی علیه حماس در مورد حمله «هفت اکتبر» انتقاد کرده است. در اوایل این ماه، وانگ به شاهزاده فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی گفت که عملیات نظامی اسرائیل در پاسخ به این حمله «فراتر از محدوده دفاع از خود» است. در اولین سفر وزیر خارجه چین به واشنگتن از سال ۲۰۱۸

سوریه منطقه «البوکمال» هدف قرار دادند. همچنین برخی منابع نزدیک به مخالف رژیم اسد نیز می‌گویند سایت‌های مورد استفاده شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی در البوکمال در منطقه دیرالزور در شرق سوریه هدف قرار داده شد.

این دومین عملیات نیروی هوایی آمریکا علیه گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه از زمان آغاز جنگ حماس علیه اسرائیل است.

روزنامه «تایم» می‌نویسد «انبار تسلیحات و کانتینرهای منفجر شده توسط جت‌های F-۱۶ به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرتبط بودند که مقامات دفاعی آمریکا می‌گویند نیروهای نیابتی از آنها برای حملات علیه پایگاه‌های آمریکایی استفاده می‌کردند.»

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران اما ادعا کرده «سه دستگاه کامیون غیرنظامی که حاوی محصولات اقتصادی در زمینه برق و باتری و محصولات ساختمانی از قبیل چوب و سرامیک در مرز عراق و سوریه هدف قرار داده شد.»

به تلافی این حمله تعدادی راکت توسط گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی به سوی پایگاه آمریکایی‌ها در میدان «العمر» پرتاب شد.

از آغاز عملیات دفاعی اسرائیل علیه تروریست‌های حماس حملات راکتی و پهبادی نیروهای نیابتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه و عراق به تأسیسات و پایگاه‌های آمریکایی تشدید شده است. بر اساس گزارش منابع آمریکایی تا کنون حدود ۲۵ نفر از کارکنان آمریکایی در این پایگاه‌ها مجروح شدند.

بسیاری تحلیلگران معتقدند هشدارهای دولت بایدن به مقامات رژیم ایران برای توقف حملات علیه نیروهای آمریکایی بی‌نتیجه است و واشنگتن برای مهار این تهدیدات اقدام لازم انجام نداده است.

در همین ارتباط پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا به نقل از رابرت آبرامز ژنرال بازنشسته آمریکایی می‌نویسد: «ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم گروه‌های نیابتی وابسته به رژیم ایران تحرکات خود را به سطح بسیار بالاتر نبرند.»

لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا هفته گذشته گفت که حملات جنگنده‌های F-۱۶ در پاسخ به یکسری حملات مداوم و عمدتاً ناموفق علیه پرسنل آمریکایی در عراق و سوریه است که توسط «گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران» انجام می‌شود.

بایدن امیدوار است تهران را متقاعد کند که تا قبل از اینکه همه چیز از کنترل خارج شود، به درگیری پایان دهد اما برخی شواهد نشان می‌دهد طرفین این جنگ قصد کوتاه آمدن ندارند.

رایان کراکر عضو بنیاد «کارنگی برای صلح بین‌المللی» و دیپلمات بازنشسته‌ای که به عنوان سفیر آمریکا در خاورمیانه از جمله لبنان، کویت، سوریه، پاکستان، عراق و افغانستان فعالیت می‌کرد به «تایم» می‌گوید به نظر می‌رسد اقدامات رژیم ایران برای کشاندن ایالات متحده به سمت درگیری مستقیم طراحی شده است.

کراکر توضیح داد «اگر حمله گروه‌های مسلح ایرانی موفق به کشتن نیروهای آمریکایی شود، بایدن برای پاسخ قاطعانه تحت فشار شدید قرار می‌گیرد و آمریکا را به جنگ مستقیم با تهران نزدیک‌تر می‌کند... اگر نیروهای تحت حمایت [رژیم] ایران فرصتی به دست بیاورند و ۲۰ نظامی آمریکایی را بکشند، دولت مجبور خواهد شد یک واکنش بزرگ نشان دهد و این شامل اهدافی در داخل ایران خواهد بود.»

# ۴۵ میلیارد دلار سرمایه با مهاجرت نخبگان در چهار سال از دست رفت؛ سرمایه‌ای معادل یک دهه فروش نفت در خارج کشور

● کارشناسان اقتصادی معتقدند با مهاجرت نیروی کار حرفه‌ای و تحصیلکرده، سهم نیروی کار با کیفیت در بازار کار کاسته شده و بازار کار با کمبود نیروی کار و یا اشتغال افراد نابلد و غیرمتخصص مواجه می‌شود.

● رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که ضرر خروج نخبگان، سه برابر درآمد نفتی کشور است.

● خبرها حاکی از دو برابر شدن نرخ خروج نخبگان از کشور و مهاجرت سالانه ۱۰ هزار نفر کادر درمان به خارج از ایران است.

موج سربالی مهاجرت نخبگان، متخصصین و نیروی کار حرفه‌ای از ایران ادامه دارد و آمارها از خروج ۴۵ میلیارد دلار سرمایه انسانی با مهاجرت نخبگان در چهار سال گذشته حکایت می‌کنند. برآوردها همچنین نشان می‌دهد سرمایه خارج کشور رقمی برابر با فروش یک دهه نفت است. در روزهای گذشته بار دیگر آمارهایی تکانهنده از مهاجرت نیروی متخصص و حرفه‌ای از کشور منتشر شد. اخباری که بیانگر دو برابر شدن نرخ خروج نخبگان از کشور و مهاجرت سالانه ۱۰ هزار نفر کادر درمان به خارج از ایران حکایت داشت.

خروج منابع انسانی از کشور زبانی هنگفت به ساختار اقتصادی وارد کرده و هشدار جدی درباره خالی شدن اقتصاد از نیروی کار حرفه‌ای در آینده نزدیک را به همراه دارد.

کارشناسان اقتصادی معتقدند با مهاجرت نیروی کار حرفه‌ای و تحصیلکرده، سهم نیروی کار با کیفیت در بازار کار کاسته شده و بازار کار با کمبود نیروی کار و یا اشتغال افراد نابلد و غیرمتخصص مواجه می‌شود که این مسئله خود تبعات منفی بیشماری را به دنبال خواهد داشت. همچنین سرمایه انسانی یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی بوده بنابراین، خروج به یک‌باره سرمایه انسانی باعث کاهش رشد اقتصادی در میانمدت و بلندمدت خواهد شد.

از سوی دیگر برای تربیت و آموزش هر نیروی کار حرفه‌ای و تحصیلکرده، بخشی از منابع عمومی کشور هزینه می‌شود که با مهاجرت این نیروها، سرمایه‌گذاری صورت گرفته برای آنها در عمل دود شده و به سود کشور مقصد مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

در آنسو بخش زیادی از سرمایه‌های نیروی کار مهاجر نیز، از کشور خارج و در کشور مقصد سرمایه‌گذاری می‌شود. سرمایه ناشی از کار و فعالیت اقتصادی ایرانیان خارج از کشور، رقم هنگفتی حدود ۸۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود که در صورت هموار شدن مسیر بازگشت این مهاجران، امکان بازگشت دست‌کم بخشی از این سرمایه به کشور وجود دارد.

ارقام محاسبه شده برای زیان اقتصادی ناشی از خروج نخبگان نیز، ارقامی تکانهنده است. برای نمونه به گفته مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران با استناد به آمار منتشر شده از مهاجرت نیروی کار، طی چهار سال گذشته ۴۵ میلیارد دلار سرمایه انسانی از کشور خارج شده است. رئیس اتاق بازرگانی تهران پیش‌بینی کرده رقم واقعی



فرد است؛ عددی که در مجموع نزدیک به ۱۲۰ هزار دلار می‌رسد.

روزنامه «شرق» در خرداد ۱۳۹۱ در گزارشی نوشته بود که از مجموع ۲۲۵ دانش‌آموز ایرانی که طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۶ در ۵۳ المپیاد جهانی شرکت کردند بیش از ۱۴۰ نفر یعنی معادل ۶۲/۲ درصد آن‌ها هم‌اکنون در یکی از دانشگاه‌های مطرح دنیا در آمریکا و کانادا تحصیل می‌کنند. آمار این روزنامه نشان می‌داد که در ۶۹/۲ درصد مدال‌آوران المپیاد فیزیک، ۷۶/۷ درصد مدال‌آوران المپیاد ریاضی و ۵۰ درصد مدال‌آوران المپیاد کامپیوتر در کنار ۵۰ درصد مدال‌آوران المپیاد شیمی، خارج از مرزهای جغرافیایی ایران و در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برتر دنیا همچون دانشگاه هاروارد، استنفورد، ام‌آی‌تی، کالیفرنیا، کمبریج، جان هاپکینز و پرینستون در آمریکا و دانشگاه تورنتو و سایمون فریزر در کانادا مشغول تحصیل و تحقیق هستند.

گزارش یازده سال پیش روزنامه شرق بیانگر این بود که مبدأ ۹۴ درصد دانش‌آموزان المپیادی ایران دانشگاه صنعتی شریف و مقصد ۶۶/۴ آن‌ها کشور آمریکا است. در واقع این آمار تأکید داشت که ۶۶ درصد دانش‌آموزان ایرانی مدال‌آور المپیاد طی ۱۴ سال گذشته از ایران مهاجرت کرده‌اند.

آمار تکانهنده دیگر گزارش «شرق» این بود که ۵۰۰ پرفسور ایرانی معادل با یک پنجم کل استادان ایرانی داخل کشور در ایالات متحده مشغول به فعالیت هستند.

با وجود سال‌ها ارائه آمار و هشدارهای پی‌درپی کارشناسان اما سیاستگذاران جمهوری اسلامی کاملاً به این هشدارها بی‌اعتنا بوده و هستند. همین بی‌تفاوتی سبب شده موج مهاجرت از ایران هر روز گسترده‌تر شود و آمارهایی تکانهنده بر جای بگذارد.

بر اساس پژوهش صورت گرفته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیش از ۷۰ درصد دانشجویان مقطع دکتری این دانشگاه که موفق به دریافت مدرک

خسارت ناشی از مهاجرت نیروی کار بیش از این رقم باشد چرا که بخشی از اقتصاد ایران «زیرزمینی» است. بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته اعلام کرده که ضرر خروج نخبگان، سه برابر درآمد نفتی کشور است.

بابک نگاهداری با اشاره به اینکه «سرمایه اصلی پیشرفت در دنیای دانایی‌محور، نیروی نخبه است» گفته که «ضرر خروج نخبگان، ۳ برابر درآمد نفتی کشور است. باید مانع از خروج نخبگان شویم و ملزومات برگشت نخبگان را فراهم کنیم.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» امروز شنبه ششم آبان ۱۴۰۲ در گزارشی به زیان ناشی از خروج نخبگان از کشور پرداخته و نوشته که بیش از یک دهه است خروج نخبگان و نیروی کار حرفه‌ای از سوی کارشناسان هشدار داده شده و البته از سوی حکومت نادیده گرفته شده است.

در این گزارش آمده که رضا فرجی دانا وزیر علوم دولت حسن روحانی در دی‌ماه سال ۱۳۹۲ گفته بود که اگر آمار جهانی در مورد خروج سالانه ۱۵۰ هزار نفر از نخبگان کشور درست باشد، ایران ۱۵۰ میلیارد دلار ضرر می‌دهد، زیرا برای آموزش هر نفر یک میلیون دلار هزینه کرده است.

بهرام صلواتی رئیس رصدخانه مهاجرت ایران نیز در مراسم روغایی از سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۱، عدم ایجاد زیرساخت برای تولید، انتشار و تحلیل داده‌ها در کشور را از مهم‌ترین چالش‌های حوزه مهاجرت اعلام کرد و گفت: «اکنون ۶۵ هزار نفر در سال از طرق و کانال‌های مختلف از کشور مهاجرت می‌کنند.»

به گفته او، بر اساس آمار یونسکو و بانک جهانی در سال ۲۰۲۲، هزینه‌کرد عمومی در بخش آموزش و سلامت برای سرمایه انسانی خروجی (مهاجر خروجی) ۴۵ هزار و ۵۹ دلار در بخش سلامت و ۶۹ هزار و ۵۴۱ دلار هزینه سه دوره آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی طی ۲۳ سال زندگی



# صادرات فرش ایران: نیم درصد! موج جدید بیکاری در کمین بافندگان فرش



فرش ایرانی است.

فیصل مرداسی رئیس پیشین سازمان ملی فرش نیز هفته گذشته در گفتگو با «تجارت‌نیوز» با انتقاد از سیاست‌های ارزی بانک مرکزی گفته بود که «یکی از مشکلات حوزه صادرات فرش، نحوه محاسبه قیمت پایه صادراتی است. بطور مثال قیمت واقعی یک محصول یک دلار است، در حالی که قیمت آن توسط دولت دو دلار محاسبه شده است. این یعنی صادرکننده دو برابر ارزش واقعی کالا باید متعهد شود.» رئیس پیشین سازمان ملی فرش با اشاره به اهمیت صادرات فرش دستباف و جایگاه آن در فرهنگ کشور گفت: فرش دستباف فقط یک محصول صادراتی نیست، بلکه یک محصول هنری و صنعتی است که هویت ملی یک ملت را نشان می‌دهد، پس سیاست‌ها و ابزارهای حمایتی نباید فقط از سوی سازمان ملی فرش یا وزارت صمت باشد، بلکه همه دستگاه‌ها باید از این صنعت حمایت کنند. اما متأسفانه شاهد هستیم که برخی از این نهادها در مسیر صادرات سنگ اندازی می‌کنند. فیصل مرداسی نیز نسبت به تعهد ارزی در نظر گرفته شده برای صادرات فرش انتقاد کرده و گفته که «فلسفه تعهد ارزی برای کالاهایی است که در پروسه تولید آن از پارانه‌های مختلف استفاده می‌شود، مانند صنایع فولاد و پتروشیمی که صادرکنندگان آن باید تعهد بدهند در قبال استفاده از انرژی و مواد اولیه ارزان‌تر از سایر کشورها و رقبا ضمانت می‌دهیم که ارزش حاصل از صادرات را به کشور برمی‌گردانیم، اما کالایی مانند فرش دستباف حتی یک ریال هم از پارانه‌های معمول دیگر تولیدکنندگان استفاده نکرده است، اما باید تعهد ارزی بدهد.»

او همچنین درباره نتایج منفی و زیانبار تصمیمات دولت گفته که «این قبیل رفتارها زمینه را برای تخلف ایجاد می‌کند که یک نمونه آن کم‌اظهاری است. بطور مثال اگر قیمت یک تخت فرش دستباف ۵۰ هزار دلار باشد صادرکننده آن را ۲۵ هزار دلار اظهار می‌کند، یا استفاده از کارت‌های بازرگانی یکبار مصرف و اجاره‌ای و در نهایت قاچاق معکوس رخ خواهد داد. در مجموع تمام این اتفاقات به نفع دولت نخواهد بود، نه از آن درآمدی کسب خواهد کرد و نه در بحث حمایت از تولید عملکرد مثبتی خواهد داشت.»

● صادرات فرش ایران قبل از انقلاب ۶۷ درصد بود که بعد از آن به ۲۸،۳۵،۴۲ درصد، دو سال پیش به ۱۷ درصد و اکنون به نیم درصد رسیده است.

● عضو اتاق بازرگانی با اشاره به اشتغال ۲ میلیون و ۵۷ هزار نفر بافنده فرش که حدود ۱۲ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود، نسبت به بیکاری آنها هشدار داده است.

عضو اتاق بازرگانی ایران با ارائه آمار جدیدی درباره کاهش صادرات فرش اعلام کرده که صادرات فرش ایران قبل از انقلاب ۶۷ درصد بود که بعد از آن به ۲۸،۳۵،۴۲ درصد، دو سال پیش به ۱۷ درصد و اکنون به نیم درصد رسیده است. این فعال صنفی با تأکید بر اینکه پیشتر «با ۶۰ کشور جهان کار می‌کردم و ۱۵ سال متوالی اولین صادرکننده فرش کشور بودم» از وضعیت بحرانی در تولید و صادرات فرش ایران خبر داده و گفته که تولیدکنندگان فرش ناچار هستند همه مواد اولیه را با ارز آزاد خریداری کنند و دولت هیچ ارزی برای حمایت از صنعت فرش ایران در نظر نمی‌گیرد. احد عظیم‌زاده با اشاره به تعهد ارزی در نظر گرفته شده برای صادرکنندگان فرش افزوده که «برای فرش نباید برای پیمان ارزی در نظر بگیرند صادرات فرش باید آزاد باشد و این در حالی است که بعد از یک سال که یک‌دهم فرش هم فروخته نمی‌شود که ما بخواهیم ارز را در اختیار نیما قرار دهیم، با این کار صادرات را از بین برده‌اند.»

او گفته «اجازه نمی‌دهند که فرش‌های مرجوعی به ایران عودت داده شود و به این ترتیب بزرگترین ضربه را به صادرات فرش وارد کرده‌اند، بنده نفر اول فرش ایران هستم اما اگر پاره‌ای مسائل نبود، این شغل را رها می‌کردم، زیرا دولت به این شغل بها نمی‌دهد در حالی که فرش شناسنامه دوم کشور است و ایران را با فرش می‌شناسند اما دولت این صنعت را رها کرده است.»

این فعال صنفی همچنین نسبت به بیکاری شاغلان در صنعت فرش کشور هشدار داده و گفته ۲ میلیون و ۵۷ هزار نفر بافنده فرش داریم و در واقع سرجمع ۱۰ میلیون نفر از مسیر این صنعت امرار معاش می‌کنند که حدود ۱۲ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود، هیچ صنعتی نمی‌تواند تا به این حد بدون سرمایه‌گذاری اشتغال‌زایی داشته باشد.

به گفته رئیس اتحادیه فرش‌فروشان تبریز، زمان دولت نهم ابتدا ۱۰ درصد و بعد ۵ درصد برای صادرکننده سوبسید در نظر گرفتند اکنون این قضیه برعکس شده و گفته شده که از هر دلار ۵۰ هزار تومانی ۴۰ هزار تومان به صادرکننده و مابقی در اختیار دولت قرار گیرد و این صادرات فرش را فلج می‌کند و اگر بافندگان بیکار شوند بزرگترین خیانت به این صنعت خواهد بود. آمارها نشان می‌دهد فرش ایران که در گذشته‌ای نه چندان دور در رده اول جهان قرار داشته، اکنون به رده ششم سقوط کرده و هند و پاکستان و نیپال بازارها را اشغال کرده‌اند. فرش ایرانی نه تنها بازار خارجی را به رقبا باخته بلکه در بازار داخلی نیز فرش افغانستان در حال تثبیت جایگاه ویژه بجای

دکترای خود شده‌اند در فکر مهاجرت هستند. آمار دیگری نشان می‌دهد ۱۶۰ نخبه و متخصص قلب در سال ۱۴۰۱ از ایران مهاجرت کردند.

در این میان آمار مهاجرت کادر درمان رقمی باورنکردنی دارد. عوض حیدرپور متخصص بیهوشی و استاد دانشگاه با ارائه آمار جدیدی، از مهاجرت سالانه ۱۰ هزار کادر پزشکی از کشور خبر داده است. او گفته که «عدد و رقم‌های مهاجرت وحشتناک است، ما هر هفته که سراغ یکی از همکاران را می‌گیریم با خبر می‌شویم مهاجرت کرده است.» روزنامه «هم‌میهن» در شماره چهارم مهرماه در گزارشی به کشیده شدن موج مهاجرت از کشور که به استادان دانشگاه و مدیران حوزه بهداشت رسیده پرداخته است.

بر اساس این گزارش در موج برکناری اساتید باسابقه دانشگاه، استادان دانشگاه‌های علوم پزشکی هم در امان مانده و برخی از آنها با وجود داشتن سوابق علمی قابل توجه در کشور یا با بازنشستگی‌های اجباری مواجه‌اند یا فضا برای ماندن‌شان مهیا نیست. از سوی دیگر مدیران برخی حوزه‌های پزشکی هم ماندن را به رفتن ترجیح داده‌اند.

این گزارش برای نمونه تأکید کرده که از مدیر اداره سلامت وزارت بهداشت تا مدیر گروه اپیدمیولوژی، مدیر مرکز کارآزمایی بالینی و مدیران مرکز تحقیق اعتبار در برخی دانشگاه‌های علوم پزشکی از ایران مهاجرت کرده‌اند.

بر اساس پژوهش صورت گرفته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیش از ۷۰ درصد دانشجویان مقطع دکتری این دانشگاه که موفق به دریافت مدرک دکتری خود شده‌اند در فکر مهاجرت هستند. آمار دیگری نشان می‌دهد ۱۶۰ نخبه و متخصص قلب در سال ۱۴۰۱ از ایران مهاجرت کردند.

اندیشکده «هاتف» در شهریور ماه سال جاری اطلاعاتی را در خصوص مهاجرت نخبگان از کشور منتشر کرده است. بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط این اندیشکده، ۸۰ درصد رتبه‌های برتر ایران در رشته‌های ریاضی و فیزیک در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ از کشور مهاجرت کرده‌اند و از این تعداد، بطور متوسط ۷۸ درصد نخبگان، دیگر به کشور بازنگشته‌اند.

اندیشکده «هاتف» در بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که بین چهار گروه فعالان استارت‌آپی، پزشکان و پرستاران، اساتید، محققان و پژوهشگران و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بین ۶۳ تا ۷۱ درصد از افراد تمایل زیاد یا بسیار زیاد برای مهاجرت دارند.

این گزارش همچنین تأکید کرده که بین ۵۶ تا ۸۷ درصد این گروه‌ها تمایل خود به مهاجرت را تا حد زیاد حاصل از شرایط عمومی کشور می‌دانند. داده‌های مرتبط با سال ۹۷، نشان می‌دهد که از میان ۱۰ رتبه برتر سال ۸۰ رشته ریاضی و فیزیک، فقط دو نفر از آن‌ها در ایران مانده‌اند. یک نفر دانشیار مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف است و دیگری استادیار گروه مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر. از میان چند نفر باقیمانده پنج نفر مقیم آمریکا هستند و دو نفر مقیم کانادا.

همچنین دست‌کم چهار سال است گزارش‌هایی از مهاجرت کارگران ایرانی به کشورهای منطقه و به امید داشتن درآمدی بیشتر منتشر می‌شود؛ از جمله مهاجرت گسترده کارگران ساختمانی به عراق.

کیهان لندن چهار سال پیش در گزارشی بخشی از مشکلات این کارگران از جمله کار اقماری، هزینه زیاد رفت و آمد و چند بار در سال پرداخت عوارض خروج از کشور، و اسکان و امکانات نامناسب در عراق اشاره کرده بود.

## نقش جنگ تبلیغاتی در جدال اسرائیل و حماس



تظاهرات برای غزه / مونیخ آلمان / ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳ / رویترز

داده و در خود کشور اسرائیل نیز باعث دودستگی در بین طرفداران دولت و مخالفان حکومت ائتلافی و خانواده‌های گروگان‌ها تبدیل شده که خواهان بازگشت آنان به خانه هستند.

بنابراین شکی نیست که علاوه بر غافلگیر شدن در هنگام حمله حماس، دولت نتانیاهو در جنگ رسانه‌ای هم تا اینجا تا حدی قافیه را باخته و افکار عمومی جهان خواهان «آتش‌بس» و مخالف وارد شدن اسرائیل به باریکه غزه هست.

چه عواملی باعث صف کشیدن افکار جهانی علیه اسرائیل شده است؟

علاوه بر چندقطبی شدن جهان پس از جنگ سرد و پیشروی دیگر قدرت‌ها در عرصه جهانی و تهاجمی شدن رژیم‌های غیردموکراتیک مانند جمهوری خلق چین و روسیه و دیکتاتورهای همسو با آنها مانند جمهوری اسلامی در ایران و رژیم کمونیست کره شمالی، عرصه را برای سیستم‌های دموکرات لیبرال تا حدی تنگ کرده است.

وجود یک اقلیت مهاجر مسلمان در کشورهای اروپایی و آمریکایی که عمدتاً در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و در اقتصاد و سیستم اجتماعی این کشورها ادغام نشده اند، موجب شده که آنها در هر اعتراض اجتماعی بلافاصله فعال شده و دست به شورش بزنند و شهرهای بزرگ این کشورها را به محل زد و خورد و نمایش قدرت خود تبدیل کنند. در این میان، همراهی و همسویی گروه‌های افراطی چپ با مهاجران مسلمان در غرب که ائتلاف «ارتجاع سرخ و سیاه» در ایران قبل از انقلاب ۵۷ را تداعی می‌کند،

حقیقت جنگ را به افکار عمومی جهان باخته است.

این پرسش‌ها ذهن را به خود مشغول می‌کنند: آیا دولت نتانیاهو جنگ تبلیغاتی را به حامیان حماس در جهان باخته و اگر چنین است، چه عواملی باعث این صف‌کشی جهانی در مقابل دفاع مشروع و برحق اسرائیل از شهروندان خود شده است؟

آیا ضعف ساختاری در دولت اسرائیل باعث اینهمه جنگ تبلیغاتی علیه تنها کشور مبتنی بر دموکراسی در این منطقه شده است؟

آیا دستگاه تبلیغاتی غرب هفت دهه پس از پایان جنگ جهانی دوم قادر به تصویر کشیدن حقایق و برتری سیستم دموکراسی نیست؟

ابرقدرت آمریکا را چه می‌شود که چنین در موضع ضعف قرار گرفته و دشمنانش در روز روشن برایش خط و نشان می‌کشند؟ آیا همانطور که از شواهد پیدا بود، دشمنان دموکراسی در واقعیت و در عمل از دست بالا برخوردارند؟ در پاسخ به پرسش نخست، ابتدا به دلایلی که رهبران اسرائیل آنرا نوعی احترام به خانواده‌های بازماندگان قلمداد می‌کنند، دولت نتانیاهو نتوانست افکار عمومی جهان را از جنایات گروه تروریستی حماس آنطور که باید و شاید مطلع کند و به نوعی خبرهای این وقایع شوم در زیر خبرهای شبیخون بی‌سابقه و وحشیانه‌ی حماس به نوعی به حاشیه رفت.

علاوه بر این، موضوع گروگان‌ها که می‌توانست به صورت سلاحی علیه جنایات حماس استفاده شود به ابزاری تبدیل شده که دولت نتانیاهو را تحت فشار و توجه جهانی قرار

● تا زمانی که جامعه جهانی اسرائیل را به دلیل استفاده حماس از سپرهای انسانی فلسطینیان در غزه مقصر بداند، حماس به استفاده از این ابزار تروریستی و ضدبشری ادامه خواهد داد.

● آیا دستگاه تبلیغاتی غرب هفت دهه پس از پایان جنگ جهانی دوم قادر به تصویر کشیدن حقایق و برتری سیستم دموکراسی نیست؟

● کشورهای غربی و در راس آنها ایالات متحده دهه‌ها با بستن چشم به روی پیشرفت‌های نظامی رژیم اسلامی و نقض وحشیانه‌ی حقوق بشر در ایران، با امید به اینکه حکومت اسلامی دست از توسعه هسته‌ای بردارد، به مباحثات و معامله با آن پرداختند و این رفتار متناقض موجب ایجاد غول بی‌شاخ و دمی شده که اینک از درگیری با آن اجتناب می‌ورزند تا مبدا تمامی خاور میانه به آتش کشیده شود.

بهرام فرخی- با گذشت نزدیک به چهار هفته از حمله تروریستی حماس به شهرک‌های اسرائیل و واکنش دولت نتانیاهو و مباران باریکه غزه و حمله زمینی به این نوار برای پاکسازی از جنایتکاران حماس و در نتیجه بحران انسانی که در جنوب غزه شکل گرفته، روزی نیست که بنگاه‌های خبرپرآکنی جهان خبری از تظاهرات و راهپیمایی علیه کشور اسرائیل در کشورهای مختلف ندهند.

شکی نیست جنگ‌های نظامی امروز با نوعی جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی روانی همراه است که اگر هر یک از طرفین در این نوع جنگ کم‌توجهی به خرج دهد در

همراه بود و پس از خروج نیروهای آمریکایی از این کشورها نیز گروه‌هایی به قدرت رسیدند که آشکارا دشمن آمریکا هستند، موجب شده که افکار عمومی این کشور علاقه چندانی برای دخالت در جنگ‌های منطقه‌ای نداشته باشند. همچنین دولت‌های دموکرات ایالات متحده از جیمی کارتر و باراک اوباما تا جو بایدن که با کنار کشیدن آمریکا از منازعات جهانی، موجب برکنار شدن رهبران طرفدار غرب در جهان شده‌اند، نوعی ناامیدی از اعتماد به ابرقدرت آمریکا را شکل داده و دست رقبای ایالات متحده (چین و روسیه) را در اکثر کشورهای جهان سوم باز کرده که به نظر می‌رسد، متحدین باوفادارتری برای حاکمان این کشورها به حساب می‌آیند.

و در نهایت دنیا شاهد این وقایع است که مقامات آمریکایی علنا به نزدیک‌ترین شریک سیاسی نظامی خود در منطقه اعلام می‌کند که سرپاژانش به کمک اسرائیل نخواهند آمد و این کشور فقط از کمک‌های نظامی پر خوردار خواهد بود. اینگونه اظهارات برای دشمنان قسم‌خورده اسرائیل نه تنها پیام‌های نویدبخشی دارد بلکه آنها را در حمله به مواضع آمریکا و اسرائیل گستاخ‌تر کرده و می‌کند.

در پایان برای پاسخ به این پرسش که آیا همانطور که از شواهد پیدا بود، در این دوران، دشمنان دموکراسی از دست بالا برخوردار هستند، باید گفت در اینکه با پیشرفت‌های اقتصادی بی‌سابقه‌ی چین در بیست سال اخیر، نوعی امید کاذب در جهان سوم به وجود آمده که تنها راه پیشرفت اقتصادی و خروج از فقر، الزام دموکراسی لیبرال و سیستم اقتصادی غربی نیست، موضوع آزادی و دموکراسی در حالی به حاشیه رانده می‌شود که دولت‌های دموکراسی‌ها نیز در دفاع از آن ناتوان به نظر می‌رسند.

غرب در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی با مشکلاتی دست به گریبان است که از جمله می‌توان به بحران‌های اقتصادی مداوم که گریبان طبقه متوسط را گرفته همزمان با رباتیک شدن فعالیت‌های اقتصادی در همه عرصه‌ها از جمله صنعت و کشاورزی و همچنین اداری اشاره کرد که ناگزیر بیکاری مزمن به همراه آورده است. به نظر می‌رسد که نوعی شکنندگی در رفاه و امنیت اقتصادی غربی به وجود آورده که در بلندمدت خطر بزرگی برای دموکراسی‌ها به شمار می‌رود.

بدهی‌های سنگین ملی در ایالات متحده که هفده چندین جنگ برای برتری دنیای آزاد و دموکراسی در سرتاسر جهان بوده، موجب شده که سیاستمداران آمریکایی رغبت زیادی به دخالت و همراهی حتی با کشورهای هم‌پیمان و متحدان دیرین خود نداشته باشند و سعی کنند در اکثر موارد به نوعی با دیپلماسی از مواضع اصولی خود نیز عقب‌نشینی کنند و این رفتار چیزی جز یأس در دوستان و متحدان از یکسو و تهاجم و گستاخی در دشمنان دموکراسی از سوی دیگر ایجاد نمی‌کند.

این نوع رفتار از طرف رهبران دموکراسی‌ها و دنیای آزاد، راه دستیابی به آزادی و دموکراسی را برای جوانان با شهامت ایران که خواهان زندگی عادی همراه با آزادی‌های لیبرال هستند دشوار می‌سازد.

ما در پایان جنگی که گروه تروریستی و نیابتی حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ علیه کشور اسرائیل به راه انداخته، شاید شاهد نوعی تفاهم و راه حل دو کشور برای نزاع اسرائیل و فلسطین باشیم ولی قطعاً این اتفاق با حضور و تداوم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در ایران امکانپذیر نخواهد بود.

\* بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است

فضای مجازی هستند.

شبکه الجزیره که با پول فروش گاز از میدان‌های نفتی مشترک با ایران تغذیه می‌شود و در دنیای عرب بسیار پربیننده است، اهمی برای بازی‌های سیاسی و دیپلماتیک



گروه تروریستی حماس

امبرنشین قطر فراهم کرده تا نقش خود را به عنوان «شریک دزد و رفیق قافله» بازی کند.

همچنین نفوذ عوامل چپ و مخالف سیستم‌های لیبرال در شبکه‌های خبری در غرب مثل بی‌بی‌سی انگلیس که روابط همیشه دوگانه با جهان عرب داشته موجب می‌شود که این کانال‌ها مرکز پروپاگاندای گروه‌های تروریستی و برخلاف منافع غرب شوند که تنها یک نمونه آن خبر دروغ بمباران موشکی بیمارستانی در شمال غزه و کشته شدن بیش از پانصد نفر توسط اسرائیل بود که موجی از تظاهرات و نفرت علیه این کشور را در سرتاسر جهان به دنبال داشت. با گذشت چند روز جعلی بودن خبر و اینکه موشک متعلق به «جهاد اسلامی» بوده که چه بسا عمدی به پارکینگ بیمارستان اصابت کرده و حدود ۳۵ نفر کشته شدند منتشر شد ولی خبر دروغ اولی تأثیر خود را در افکار عمومی جهان گذاشته بود و تکذیب خبر از طرف بی‌بی‌سی سود چندانی برای اسرائیل نداشت.

در پاسخ به این پرسش که آیا ابرقدرت آمریکا را چه می‌شود که چنین در موضع ضعف قرار گرفته و دشمنانش در روز روشن برایش خط و نشان می‌کشند، باید گفت شکی نیست که دیگر آمریکا همان کشور پیروز جنگ جهانی دوم در عرصه جهانی نیست و در زمینه اقتصادی رقبای بسیار پیدا کرده و هرچند از نظر نیروی نظامی هنوز در صدر کشورهای جهان قرار دارد ولی به دلایلی قادر به استفاده مفید از این نیروی بازدارنده نیست.

تجربه دو جنگ افغانستان و عراق که با هزینه‌های سرسام‌آور انسانی و مالی برای مالیات‌دهندگان آمریکایی

→ موجب گسترش موج اعتراضات در پایتخت‌های اروپایی علیه اسرائیل که به دفاع مشروع از موجودیت و شهروندان خود پرداخته می‌شود.

تا زمانی که جامعه جهانی اسرائیل را به دلیل استفاده حماس از سپرهای انسانی فلسطینیان در غزه مقصر بداند، حماس به استفاده از این ابزار تروریستی و ضدبشری ادامه خواهد داد.

کشورهای غربی و در راس آنها ایالات متحده دهه‌ها با بستن چشم به روی پیشرفت‌های نظامی رژیم اسلامی و نقض وحشیانه‌ی حقوق بشر در ایران، با امید به اینکه حکومت اسلامی دست از توسعه هسته‌ای بردارد، به مماشات و معامله با آن پرداختند و این رفتار متناقض موجب ایجاد غول بی‌شاخ و دمی شده که اینک از درگیری با آن اجتناب می‌ورزند تا مبدا تمامی خاور میانه به آتش کشیده شود.

رهبری جمهوری اسلامی هم از حملات تروریستی حماس، گروه تروریستی نیابتی‌اش، در این برهه زمانی اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند.

علاوه بر دور کردن توجه جهانی از وضعیت متزلزل رژیم اسلامی با ضربه به «پیمان ابراهیم» و بهم زدن روند نزدیکی عربستان به اسرائیل تلاش می‌کند تا افکار عمومی کشورهای معتدل عربی را در مقابل دولت‌های آنها قرار دهد.

در شرایط کنونی، حملات تروریستی هفتم اکتبر حماس نوعی خوش‌خدمتی رژیم جمهوری اسلامی به ارباب‌اش پوتین نیز هست تا افکار عمومی خسته شده در روسیه از جنگ اوکراین را به نوعی منحرف کند.

موضوع بازرسی‌های اتمی نیز به حاشیه رفته و رژیم ایران در خفا برنامه‌های هسته‌ای خود را پیش می‌برد. دور از انتظار نیست که در صورت گسترش جنگ به دیگر کشورها، رژیم اسلامی خبر اولین آزمایش هسته‌ای خود را بطور رسمی به جهان اعلام و سرویس‌های اطلاعاتی غرب را نیز مانند «شین بت» و «موساد» اسرائیل در مقابله با حملات وحشیانه حماس غافلگیر کند.

آنچه روشن است اینکه جمهوری اسلامی و رهبرش علی خامنه‌ای دلشان به حال مردم فلسطین نمی‌سوزد و هدف آنها از شعله‌ور کردن جنگ چیزی جز بقا و طولانی کردن عمر رژیم آخوندها نیست.

جالب توجه اینکه اگر در کشورهای مسلمان‌نشین، مردم برای فلسطین و علیه اسرائیل تظاهرات کردند و دولت‌ها در سکوت به نظاره پرداختند، در ایران این دولت اصولگرای «قاضی مرگ» همراه با اصلاح‌طلبان تشنه قدرت هستند که دست در دست هم برای فلسطین سینه می‌زنند و مردم که سال‌هاست شعار می‌دهند «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» پرچم فلسطین را حواله‌ی آنها می‌کنند!

در چنین شرایطی، دولت ائتلافی و شکننده نتانیاها که از وجود افراطی‌های مذهبی در کابینه استفاده می‌کند و در طول چند ماه اخیر فضای سیاسی کشور اسرائیل را به دنبال رفرم قضایی، دوقطبی کرده، با غفلت نابخشودنی در مقابل حملات جنایتکارانه حماس، محبوبیت‌اش به پایین‌ترین سطح رسیده و شخص نتانیاها اگر شرایط اضطراری حاکم برقرار نمی‌بود، شاید هم‌اکنون در مقابل دادگاه مجبور به دفاع از خود می‌شد.

روابط بسیار سرد و گاه خصمانه دولت دمکرات بایدن نیز با شخص نخست وزیر از عوامل تشدیدکننده بحران در کشور اسرائیل به حساب می‌آید.

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر بازیگران جدیدی در عرصه خبررسانی پا به جهان گذاشتند که نمونه آن شبکه ماهواره‌ای «الجزیره» در قطر و رسانه‌های اجتماعی در

## هشدار پلیس بریتانیا درباره دخالت عوامل جمهوری اسلامی در تجمعات طرفداران حماس



تظاهرات حامیان حماس در لندن / ۲۱ اکتبر ۲۰۲۳

گزارش‌های اطلاعاتی درباره استخدام باندهای سازمان‌یافته تبهکاری از سوی جاسوسان رژیم ایران برای هدف قرار دادن مخالفان جمهوری اسلامی در بریتانیا ابراز نگرانی کرده بود. در همین ارتباط یک منبع دیگر در وزارت کشور بریتانیا به «تایمز» گفت: «ما بسیار نگران هستیم که دولت‌های متخاصم خارجی با انتشار اطلاعات نادرست تلاش کنند تا احساسات ضد اسرائیلی را در میان مسلمانان داخل این کشور برای اهداف خود تحریک کنند.»

هرچند ابتدا ادعا شد برگزاری این تجمعات ممنوع خواهد بود اما این ممنوعیت‌ها به اجرا گذاشته نشد.

اکنون این پرسش مطرح شده که بریتانیا تا کجا چشم بر روی اقدامات ضدامنیتی عوامل رژیم ایران می‌بندد؟ در گزارش «تایمز» آمده از دلایل اینکه دولت بریتانیا جدی‌تر این مسئله را پیگیری نمی‌کند «نگرانی از اقداماتی است که ممکن است به اخراج سفیر بریتانیا از تهران و از دست رفتن ظرفیت جمع‌آوری اطلاعات [از ایران] منجر شود.»

ایالات متحده و کانادا هر دو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تروریستی اعلام کرده‌اند، اما گفته می‌شود که از طریق شرکای خود مثل استرالیا و نیوزلند و همچنین نفوذ بریتانیا در تهران کانال‌های ارتباطی خود را باز نگه داشته‌اند. عوامل وابسته به جمهوری اسلامی علیه شهروندان بریتانیا و همچنین ایرانیان مخالف حکومت در این کشور نیز دست به تحریکات گسترده‌ای زده‌اند.

در نوامبر سال گذشته، پس از هشدار پلیس در مورد تهدید خبرنگاران، نیروهای امنیتی به دفتر تلویزیون «ایران اینترنشنال» اعزام شدند. خبرنگاران بی‌بی‌سی نیز گزارش داده‌اند که توسط رژیم ایران مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

مخالفان ایرانی- بریتانیایی جمهوری اسلامی نیز بر این باورند که تظاهرات حامیان فلسطین توسط حکومت ایران سازماندهی شده است و عوامل رژیم به ملت‌بند شدن فضا دامن می‌زنند. در تظاهراتی که اخیراً در لندن برگزار شد وحید بهشتی فعال سیاسی ایرانی مورد حمله حامیان حماس قرار گرفت.

افسران ارشد پلیس گفته‌اند تهران در تلاش است تا تنش‌ها را در تجمعات طرفداران حماس در شهرهای بریتانیا افزایش دهد. در همین ارتباط پلیس نسبت به افزایش فعالیت «دولت‌های متخاصم» در بریتانیا هشدار داده است. «تایمز» دریافته که افسران واحد ضدتروریسم اعلام کردند تهران در تلاش است تا آشوب‌ها را در تجمعات علیه اسرائیل افزایش دهد و عوامل آن در این تجمعات حضور فیزیکی دارند و همزمان کارزاری برای نشر اطلاعات غلط با هدف تحریک احساسات ضدیهودی مسلمانان به راه انداخته‌اند.

مقامات ارشد پلیس بریتانیا در حالی که آماده دور جدید تظاهرات طرفداران گروه تروریستی حماس می‌شوند، اعلام کردند عوامل جمهوری اسلامی با دامن زدن به این اعتراضات در بریتانیا به دنبال گسترش آشوب هستند.

روزنامه «تایمز» چاپ لندن روز شنبه ششم آبان به نقل از افسران ارشد پلیس بریتانیا گزارش داد تهران در تلاش است تا تنش‌ها در تجمعات طرفداران حماس در شهرهای مختلف بریتانیا را افزایش دهد. در همین ارتباط پلیس نسبت به افزایش فعالیت «دولت‌های متخاصم» در بریتانیا هشدار داده است.

«تایمز» دریافته که افسران واحد ضدتروریسم بطور خصوصی گفته‌اند تهران در تلاش است تا آشوب‌ها را در تجمعات علیه اسرائیل افزایش دهد.

در این گزارش تأکید شده این کارزار مستقیم با رژیم ایران مرتبط است و شامل یک کمپین نشر اطلاعات نادرست آنلاین و حضور فیزیکی عوامل جمهوری اسلامی در اعتراضات است.

پلیس متروپولیتن گفت که نیروهای امنیتی در صورت تکرار شعارهای «جهادی» مداخله خواهند کرد. بیش از هزار پلیس برای تأمین امنیت این تظاهرات مأمور شده بودند.

در پی شواهد تازه‌ای مبنی بر نفوذ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بریتانیا، سوئلا براورمن وزیر کشور انگلیس گفته بود سپاه بزرگترین تهدید برای امنیت ملی بریتانیا است. وی از احتمال افزایش فعالیت‌های سپاه در بریتانیا و

## تداوم کاهش سرعت اینترنت؛ ادعاهای پوچ وزیر و انتقادات تند کارشناسان؛ معلوم نیست مسئول فیلترینگ کیست!

● رئیس کمیته اینترنت انجمن تجارت الکترونیک: هیچ مسئولی فیلترینگ را گردن نمی‌گیرد و هیچکس هم نمی‌داند مسئول فیلترینگ کیست!

● وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی همواره مدعی بهبود وضعیت اینترنت است و به تازگی نیز وعده داده با راه‌اندازی فیبر نوری سرعت اینترنت ایران ۸۰ برابر می‌شود.

● سرعت اینترنت در ایران با تصمیمات سیاسی جمهوری اسلامی پیوند خورده و از سال گذشته تا کنون، و در پی شکل‌گیری اعتراضات جنبش ملی، کیفیت اینترنت در کشور به شدت کاهش یافته است.

جمهوری اسلامی همچنان فیلترینگ و ایجاد اختلال در اینترنت را در دستور کار دارد و بر اساس گزارش‌ها سرعت ایران به پایین‌ترین رتبه در خاورمیانه رسیده است. رئیس کمیته اینترنت و زیرساخت انجمن تجارت الکترونیک ایران اما معتقد است که دولت باید بپذیرد که نمی‌توان از نظر فنی با فیلترشکن‌ها مقابله کرد.

سرعت اینترنت در ایران با تصمیمات سیاسی جمهوری اسلامی پیوند خورده و از سال گذشته تا کنون، و در پی شکل‌گیری اعتراضات جنبش ملی، کیفیت اینترنت در کشور به شدت کاهش یافته است.

پویا پیرحسینلو رئیس کمیته اینترنت انجمن تجارت الکترونیک، روز چهارشنبه دهم آبان‌ماه در سخنانی با انتقاد از لفلترینگ گسترده در کشور، باکس‌های فیلترینگ را اصلی‌ترین عامل ایجاد اختلالات اینترنتی خوانده است.

پویا پیرحسینلو با بیان اینکه هیچ مسئولی «فیلترینگ را گردن نمی‌گیرد و هیچکس هم نمی‌داند مسئول فیلترینگ کیست، گفت: «باکس‌های فیلترینگ بیشترین اختلالات را در اینترنت ایران به وجود می‌آورند. شرکت ارتباطات زیرساخت هم پاسخگوی آن نیست.»

رئیس کمیته اینترنت انجمن تجارت الکترونیک همچنین به آخرین گزارش انجمن تجارت الکترونیک در خصوص وضعیت اینترنت کشور اشاره کرده و توضیح داد که یافته‌های این گزارش نتیجه‌ی اندازه‌گیری سه شاخص «سرعت اینترنت»، «محدودیت‌ها یا آزادی اینترنت» و «اختلالات روی اینترنت» بوده که امتیازدهی این سه مورد نشان داده است ایران بدترین وضعیت اینترنت را دارد.

او همچنین با انتقاد شدید از اقدامات دولت در رابطه با محدودسازی اینترنت گفته که «پهنای باند بین‌الملل را فریز کرده‌اند و افتخار می‌کنند که ترافیک داخلی نسبت به بین‌المللی را افزایش داده‌اند. دیوار کشیده‌اند دور کشور و افتخار می‌کنند که دیوار را بلندتر کرده‌اند، افتخار

می‌کنند که اینترنت مردم را بیشتر قطع کرده‌اند. پویا پیرحسینلو معتقد است: «مسئولان اول بپذیرند که نمی‌توانند با فناوری وی‌پی‌ان‌ها مقابله کنند و دوم، باید طوری سیاست‌گذاری کنند که نیاز مردم به این ابزارها از ۸۰ درصد به ۳۰ درصد کاهش پیدا کند.»

### سود کلان «کاسبان فیلترینگ» زیر سایه دولت

جلال رشیدی کوچی، نماینده مجلس شورای اسلامی، خرداد امسال گفته بود که پشت اعمال فیلترینگ گسترده، بازاری ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومانی شکل گرفته که به جز برخی دستگاه‌ها و افراد حکومتی، کسی به آن راه ندارد.

این نماینده مجلس با بیان اینکه «هم از لحاظ فنی و هم از لحاظ روانی» می‌توان آسیب‌های فیلترینگ را بررسی کرد، افزود: «من نظرسنجی در یکی از شبکه‌های اجتماعی که فیلتر است انجام دادم که تقریباً سی هزار نفر در آن شرکت کردند و هشتاد درصد گفتند ماهیانه بالای صد هزار تومان بابت فیلترشکن هزینه می‌کنند.»

جلال رشیدی کوچی هفته آخر شهریورماه نیز اعلام کرد که به همراه یک نماینده دیگر مجلس شورای اسلامی «طرح تحقیق و تفحص از نحوه فیلترینگ و اینکه چه کسانی پشت قضیه فیلترشکن‌ها هستند را کلید زده‌ایم.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که «قاعدتا متولی امر در این زمینه نیز مجموعه وزارت ارتباطات است. آن چیزی که مشخص است این است که مجلس در بحث فیلترینگ اگر سوال و تحقیق و تفحصی دارد از مجموعه وزارت ارتباطات داشته باشد؛ گر چه وزیر ارتباطات می‌گوید این داستان به من ارتباطی ندارد و تصمیم‌ها جای دیگری گرفته می‌شود.»

جلال رشیدی کوچی تأکید کرده که «خود دولت پشت داستان فیلترینگ است. وقتی مسئولان دولتی مصاحبه می‌کنند که این شرکت‌ها باید بیایند در ایران دفتر بزنند که ما اجازه فعالیت دهیم یعنی اینکه خودشان پشت فیلترینگ هستند.» نماینده مروودشت در مجلس شورای اسلامی افزوده که «معتقدیم این شیوه [فیلترینگ] اصلاً جواب نمی‌دهد. الان هم آماری منتشر شده بود که ۹۰ درصد افراد بین ۱۵ تا ۲۰ سال به وقت حضور در فضای مجازی از فیلترشکن استفاده می‌کنند. این نشان می‌دهد روشی که در پیش گرفته‌ایم اشتباه است و باید این روند اصلاح شود.»

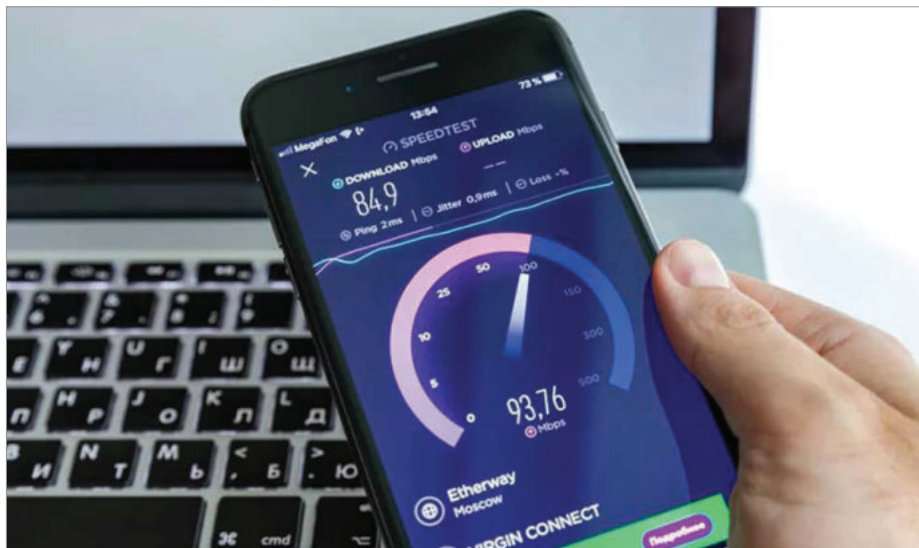
او با یادآوری اینکه پیشتر ابراهیم رئیسی و دیگر مسئولان گفته بودند با آرام شدن فضای کشور، شرایط اینترنت به حالت عادی باز می‌گردد گفته «تصمیمات اینگونه یعنی فیلتر فضای مجازی و محدودیت ورود آیفون‌ها تصمیماتی است که به اقتصاد و امنیت روانی جامعه ضربه می‌زند.» روح‌الله عباس‌پور سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی آخر امرداد اعلام کرده بود که طبق بررسی‌ها ۶۴ درصد از کاربران از فیلترشکن استفاده می‌کنند و سهم پنهانی باند ناشناس به ۲۵ درصد رسیده است.

جواد نیک‌بین عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در همین ارتباط امرداد امسال گفته بود که «متأسفانه یک گردش مالی عجیبی در فروش فیلترشکن‌ها در کشور وجود دارد و مجلس شورای اسلامی برای اینکه دریابد چه کسی و چه کسانی از فروش این فیلترشکن‌ها سود می‌برند قصد دارد تحقیق و تفحصی را در این حوزه رقم بزند.» عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی افزوده بود که «تمام اقدامات اولیه تحقیق و تفحص از فیلترشکن‌های پولی صورت گرفته است و به زودی به کمیسیون مربوط ارسال خواهد شد تا بعد از تصویب در کمیسیون در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح شود.»

می‌شود.

عیسی زارع‌پور روز چهارشنبه دهم آبان در حاشیه جلسه هیئت دولت مدعی شد که در پروژه فیبر نوری، سرعت‌های ۸۰ برابری به مردم می‌دهیم و به زودی تمامی شهرهای بعضی از استان‌ها که اسامی آن‌ها اعلام می‌شود، از سرعت‌های نزدیک به ۱۰۰۰ مگابیت بر ثانیه برخوردار

همچنین محمدحسن آصفری عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس درباره «کاسبان فیلترینگ» گفته بود که «درآمد و گردش مالی کاسبان فیلترینگ در سال بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان است و یک ریال هم مالیات نمی‌دهند. چطور دولتی که می‌تواند فیلتر کند، نمی‌تواند این‌ها را نیز مجدداً فیلتر کند؟ به نظر می‌رسد کاسبان



می‌شوند.

وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی بدون اشاره به فیلترینگ و ایجاد اختلالات عمدی در سرعت اینترنت از سوی حکومت گفته که «من بارها اعلام کردم تنها راه حل اساسی افزایش سرعت اینترنت در کشور، نوسازی زیرساخت‌های ارتباطی، به ویژه زیرساخت‌های ارتباطی ثابت است.»

او همچنین درباره اینترنت استارلینک هم گفته که «میسوین مقررات رادیویی مخابرات، شرکت استارلینک را مکلف کرده که برای ارائه خدمات خود در خاک جمهوری اسلامی ایران الزامات ایران را بپذیرد و مجوز دریافت کند که این یک قدم رو به جلو برای ارائه خدمات اینترنت ماهواره‌ای در کشور محسوب می‌شود.»

عیسی زارع‌پور پیشتر در اواخر مهرماه مدعی شده بود که «دو ماه است که زمان تأخیر در شبکه حدوداً ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده است» و گفته بود که «هر روز در تلاش برای ارتقای کیفیت شبکه هستیم.»

اپراتورهای مشارکت‌کننده در این طرح یکی از شروط توسعه پروژه فیبر نوری را افزایش تعرفه‌ها می‌دانند و می‌گویند پیشرفت این پروژه بدون کمک دولت سودده نیست. بیژن عباسی آرند، مدیرعامل ایرانسل به تازگی درباره افزایش تعرفه گفته که «اگر تعرفه‌ها اصلاح نشوند سال آینده مردم پول اینترنت می‌دهند اما به آن دسترسی نخواهند داشت و احساس بی‌کیفیت بودن اینترنت تشدید خواهد شد.»

هرچند اظهارات مدیران اپراتورهای داخلی احتمال افزایش تعرفه اینترنت بی‌کیفیت و فیلترشده درون ایران را در پی داشته اما عیسی زارع‌پور در سخنانی متناقض می‌گوید اینترنت گران نمی‌شود و در همین حال بهبود سرعت اینترنت و توسعه زیرساخت‌ها را مشروط بر همکاری اپراتورهای داخلی می‌داند که می‌گویند با این تعرفه امکان ادامه فعالیت ندارند. عیسی زارع‌پور بطور شفاف گفته که «این حوزه در دست بخش خصوصی است که اگر نتواند سرمایه‌گذاری کند، کیفیت شبکه پایین می‌آید و باید یک فکری برای آن کرد.»

فیلترینگ در برخی مجموعه‌ها نفوذ دارند و اعتقاد دارم این موضوع باید مدیریت شود.»

### وزیر ارتباطات در جهان موازی سیر می‌کند!

آمارهای ماهانه اسپیدتست، که یکی از منابع مورد ارجاع وزیر ارتباطات در بحث سرعت و کیفیت اینترنت است، نشان می‌دهد بر خلاف ادعای وزیر ارتباطات مبنی بر بهبود ۳۰ درصدی سرعت اینترنت طی دو ماه گذشته، در این مدت کاهش یافته است.

بر اساس گزارش‌ها سرعت اینترنت از ابتدای امسال تا پایان تابستان روندی کاهشی داشته است. در ۹ ماه نخست امسال بالاترین میانه سرعت اینترنت ثابت در فروردین تا اردیبهشت ۱۴۰۲ به ثبت رسیده که ۱۱.۹ مگابایت بر ثانیه بوده است و در این عدد در تیر و مرداد امسال حتی تا ۱۱.۳ مگابایت بر ثانیه هم افت کرده است و در شهریور تا مهر ۱۴۰۲ هم ۱۱.۶ بوده که باعث شده ایران در رتبه ۱۵۳ جدول اسپیدتست قرار بگیرد و بدترین سرعت اینترنت در ایران طی نیمه نخست امسال را ثبت کند.

سرعت اینترنت موبایل هم روندی مشابه اینترنت ثابت داشته بطوری که رتبه ایران از ابتدای سال تا پایان تابستان ۶۱ به ۷۵ نزل کرده و در حالی که ابتدای امسال میانه سرعت ۳۶.۳ مگابایت بر ثانیه بوده، در اوت ۲۰۲۳ (مرداد- شهریور) به ۳۱.۳ رسیده و در ماه اخیر هم این عدد ۳۱.۶ مگابایت بر ثانیه بوده است.

طبق گزارش انجمن تجارت الکترونیک تهران، میانگین سرعت اینترنت در ایران ۴ مگابایت بر ثانیه است، در حالی که ترکیه اینترنتی با میانگین سرعت ۱۲ مگابایت بر ثانیه وجود دارد و میانگین سرعت اینترنت در مالزی ۲۲ مگابایت بر ثانیه است. از نظر میانگین سرعت اینترنت ایران از میان ۱۰۰ کشور در رتبه ۹۷ را دارد و فقط سودان، کامرون و کوبا پس از ایران در قعر جدول قرار دارند.

عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی همواره مدعی بهبود وضعیت اینترنت است و به تازگی نیز وعده داده با راه‌اندازی فیبر نوری سرعت اینترنت ایران ۸۰ برابر

## یحیی رحیم صفوی به پکن رفت تا «صدای غزه» باشد! چین مهم‌ترین شریک تجاری اسرائیل در آسیا



دیدار رحیم صفوی با مقامات نظامی چین در پکن

فکر بیفتد که شاید بتواند برای تشدید اختلاف میان پکن و تل‌آویو تلاش کند.

جهاد اسلامی: نمی‌خواهیم در دام چین بیفتیم چون کسی از کار آن سر در نمی‌آورد!

در این میان، ناصر ابوشریف نماینده گروه تروریستی «جهاد اسلامی» در ایران خواستار آمادگی لازم «جهان اسلام» برای کمک به شبه‌نظامیان فلسطینی در جنگ با اسرائیل شد و گفت «ما نمی‌خواهیم از شرارت آمریکا در دام بدی چین بیفتیم. چین کشوری است که نمی‌توان سیاست‌هایش را به خوبی فهمید و کسی از کار آنها سر در نمی‌آورد!»

تکاپوی رحیم‌صفوی به نمایندگی از جمهوری اسلامی برای تغییر مواضع چین در قابل اسرائیل بیشتر از شوخی نیست زیرا پیوندهای سیاسی و اقتصادی تل‌آویو و پکن در نیم قرن گذشته به بالاترین سطح خود رسیده است.

در سال ۲۰۲۲ صادرات اسرائیل به چین به بیش از ۴/۶ میلیارد دلار آمریکا رسید. این مقدار نسبت به سال ۲۰۲۱ حدود ۲۳۰ میلیون دلار افزایش داشت. چین مهم‌ترین شریک تجاری اسرائیل در آسیا است و پس از آن هند و کره جنوبی قرار دارند.

ارتقاء روابط اسرائیل و چین در سال‌های اخیر به یکی از نگرانی‌های جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در همین ارتباط بر اساس گزارشی که «مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه» اسفند ۱۳۹۹ منتشر کرد بین سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ بخش تکنولوژی چین بیشترین سرمایه‌گذاری را در اسرائیل به ارزش ۵/۷ میلیارد دلار داشته است. روابط چین و اسرائیل برای جمهوری اسلامی یک تهدید امنیتی قلمداد می‌شود.

در چارچوب طرح «جاده ابریشم» نیز اسرائیلی‌ها به دنبال آن هستند تا بندر حیفا و خط ریلی آن را در پروژه کلان چین جای دهند. در همین ارتباط اسرائیل موفق شده برای توسعه بندر و خطوط ریلی و سایر زیرساخت‌های خود میلیاردها دلار سرمایه از چین جذب کند در شرایطی که چینی‌ها حتی حاضر به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز ایران هم نیستند.

۷۵ سال اشغالگری رژیم صهیونیستی است.» به نظر می‌رسد مواضع دولت چین در مورد جنگ اسرائیل علیه حماس با آنچه جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وفادار به رژیم از آن انتظار دارند اختلاف زیادی دارد. اخیراً روابط بین اسرائیل و چین تحت تأثیر جنگ حماس و اسرائیل قرار گرفت. وزارت خارجه چین از محکوم کردن



دیدار بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل با شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در پکن در سال ۲۰۱۷ / عکس: رویترز

قتل عام شهروندان اسرائیلی توسط حماس در عملیات «هفت اکتبر» خودداری و صرفاً اعلام کرد «اقداماتی را که به غیرنظامیان آسیب می‌رساند» محکوم می‌کند. چین همه طرفین را به آرامش دعوت کرد. وانگ یی وزیر خارجه چین نیز گفت که «اقدامات اسرائیل در غزه فراتر از دفاع از خود» بوده است. وزارت خارجه اسرائیل هم در مقابل، «نامیدی عمیق خود را از اظهارات و بیانه‌های چین» ابراز داشت. این وضعیت برای جمهوری اسلامی انگیزه‌ای شد تا به این

● رحیم‌صفوی مشاور خامنه‌ای در امور نظامی که به پکن سفر کرده، خواستار آن شده که نیروهای مسلح جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی به «فهم واحد» نسبت به انواع تهدیدات و منافع مشترک دست پیدا کنند!

● وی درباره این سفر گفت «تلاش می‌کنم در این شرایط خاص صدای مظلومیت مردم فلسطین را به گوش جهانیان برسانم.»

● ناصر ابوشریف نماینده گروه تروریستی جهاد اسلامی در ایران، خواستار آمادگی لازم «جهان اسلام» برای کمک به شبه‌نظامیان فلسطینی در جنگ با اسرائیل شد و گفت «ما نمی‌خواهیم از شرارت آمریکا در دام بدی چین بیفتیم. چین کشوری است که نمی‌توان سیاست‌هایش را به خوبی فهمید و کسی از کار آنها سر در نمی‌آورد!»

● در سال ۲۰۲۲ صادرات اسرائیل به چین به بیش از ۴/۶ میلیارد دلار آمریکا رسید. این مقدار نسبت به سال ۲۰۲۱ حدود ۲۳۰ میلیون دلار افزایش داشت. چین مهم‌ترین شریک تجاری اسرائیل در آسیا است و پس از آن هند و کره جنوبی قرار دارند.

سرلشکر پاسدار یحیی رحیم‌صفوی مشاور علی خامنه‌ای در امور نظامی که به پکن سفر کرده، خواستار آن شده که نیروهای مسلح جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی به «فهم واحد» نسبت به انواع تهدیدات و منافع مشترک دست پیدا کنند.

وی درباره این سفر گفت «تلاش می‌کنم در این شرایط خاص صدای مظلومیت مردم فلسطین را به گوش جهانیان برسانم.» خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز پنجشنبه ۱۱ آبان ماه گزارش داد رحیم‌صفوی ضمن دیدار با جانشین ستاد مشترک ارتش چین از اندیشکده‌های «کیکر» و «CIIS» و آکادمی علوم نظامی چین بازدید کرده است. وی که همزمان با تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه برای شرکت در اجلاس امنیتی «شیانگ شان» به چین رفته در دیدار با ژنرال جینگ جیانشین جانشین ستاد ارتش چین گفته نیروهای مسلح چین و ایران باید به فهم واحد نسبت به انواع تهدیدات و منافع مشترک دست پیدا کنند.

پیشنهاد رحیم‌صفوی به چینی‌ها «امنیت مشترک» بر اساس مدلی میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای است. در همین دیدارها جانشین رئیس ستاد ارتش چین با این ادعا که «نیروهای مسلح ایران از شرکای مهم ارتش چین هستند» گفته «چین به نقش ایران در امور منطقه‌ای آگاه است.» ادعای شراکت ارتش جمهوری خلق چین با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در شرایطی مطرح شده که چینی‌ها حتی حاضر نیستند قطعات جنگنده‌های قدیمی خود را که در ارتش جمهوری اسلامی هنوز پرواز می‌کنند تأمین کنند. با اینهمه آنها در ارسال تجهیزات جاسوسی یا سیستم‌های شونو و یا تجهیزاتی که برای سرکوب مردم ضروری است با جمهوری اسلامی همکاری تنگاتنگ دارند.

رحیم‌صفوی در یکی از اندیشکده‌های چینی با اشاره به یکجانبه‌گرایی دولت آمریکا گفته «نقش دولت چین برای مقابله با تلاش دولت آمریکا برای کسب قدرت هژمون و همچنین یکجانبه‌گرایی این کشور مهم است.»

وی همچنین در دفاع از عملیات گروه تروریستی حماس گفته «عملیات طوفان الاقصی دفاع مشروع در برابر بیش از

# شاخ و شانه کشیدن جمهوری اسلامی برای اسرائیل و آمریکا با جیب خالی و مردمی که آن را نمی‌خواهند!



کوچه «کودکان غزه» قلهک جاده شمیران

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید «هیچگاه در تاریخ به این اندازه ایران و آمریکا به یک جنگ و درگیری نظامی نزدیک نبوده‌اند».

● به دنبال سقوط شدید شاخص بورس در ایران موضوع تعطیل شدن بورس مطرح شده است. روزنامه «هم‌میهن» چاپ تهران در گزارشی نوشت «حمله زمینی [اسرائیل] بورس را زمین زد».

سه هفته پس از آغاز جنگ خونین میان تروریست‌های حماس و ارتش اسرائیل، در شرایطی که جمهوری اسلامی وانمود می‌کند نگران وضعیت مردم غزه به ویژه زنان و کودکان بی‌دفاع است، کاربران در شبکه‌های اجتماعی عکسی را بازنشر می‌کنند که نمایی واقعی از وضعیت زندگی مردم ایران است: دو نوجوان در تهران با لباس‌هایی کهنه در حالی که گونی‌های بزرگ ضایعات را بر دوش می‌کشند در حال عبور از کوچه‌ای در منطقه قلهک تهران هستند که جمهوری اسلامی بر آن نام «کودکان غزه» گذاشته است!

در شرایطی که ایران با انبوهی از بحران‌های کوچک و بزرگ دست به گریبان است، چنین به نظر می‌رسد که بالا رفتن ضریب احتمال کشیده شدن جنگ حماس و اسرائیل به سایر نقاط منطقه از جمله ایران علاوه بر نگرانی عمومی بر اقتصاد کشور نیز تأثیرات منفی گذاشته و پیشاپیش به آن ضربه زده است.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید «هیچگاه در تاریخ به این اندازه ایران و آمریکا به یک جنگ و درگیری نظامی نزدیک نبوده‌اند».

در این میان، عملیات مرگبار و فجیع گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل، مقامات ارشد جمهوری اسلامی را دچار اعتماد به نفس کاذب کرده است. بطوری که حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید، «اسرائیل توان جنگ با حماس را ندارد.» وی ششم آبان در یک سخنرانی با اطمینان مدعی شد که «غزه در جنگ زمینی مدفن نظامیان صهیونیستی خواهد شد».

فرمانده سپاه پاسداران این ادعا را پس از آن بیان کرد که عملیات جدید نیروهای زرهی و توپخانه ارتش اسرائیل در مناطق شمالی غزه آغاز شد.

در همین ارتباط یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرد که نیروهای ارتش این کشور در زمین، دریا و هوا و خارج از مرزهای غزه و داخل آن در حال جنگ هستند.

وی با تأکید بر اینکه «جنگ وارد مرحله جدیدی شده» هشدار داد: «حماس متحمل ضربات سنگینی می‌شود که پیش از این سابقه نداشته است.» گالانت گفت: «جنگی طولانی در پیش داریم یا ما می‌مانیم یا حماس».

اسرائیل در کارزار خود علیه گروه تروریستی حماس از پشتیبانی نظامی و اطلاعاتی آمریکا برخوردار است.

در واکنش به این تهدیدات، از سوی ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» که ریاست دولت سیزدهم جمهوری اسلامی را بر عهده دارد در ایکس به زبان انگلیسی نوشته شده «جنايات رژیم صهیونیستی از خط قرمزها عبور کرده و ممکن است همه را به اقدام وادار کند. واشنگتن از ما می‌خواهد کاری انجام ندهیم اما به حمایت گسترده از

و اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند. در این بخش مقداری آسیب‌پذیری و شکنندگی وجود دارد که نباید بگذاریم مرجعیت به تریبون‌های بیگانه برسد.»

با واقعیتی که در برابر چشم است، به نظر می‌رسد حتی در بالاترین سطوح جمهوری اسلامی نیز دچار سردرگمی و خطا درباره ارزیابی رویدادها شده‌اند. این در حالیست که در صورت پیش‌بینی درست و برآورد واقعی سناریوهای مختلف نیز دست حکومت برای عبور از بحران‌های عدیده باز نیست. بسیاری نگران تحمیل یک جنگ به ایران هستند. خبرنگاران و روزنامه‌نگاران طی این سه هفته مدام از کارشناسان در حوزه‌های مختلف در مورد احتمال وقوع یک جنگ مستقیم علیه کشور سؤال می‌پرسند. بدیهی است اولین پیامدهای منفی این جنگ برای ایران ضربه به زندگی مردم عادی خواهد بود.

در چنین شرایطی عدم همراهی اکثریت مردم ایران با سیاست‌های یهودستیزانه حکومت پیامی واضح به رهبران جمهوری اسلامی رسانده است. اقشار مختلف جامعه از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا به مقامات رژیم بفهمانند با آنان همسو و همصدا نیستند. این واقعیت آنقدر آشکار است که رسانه‌های داخلی با وجود سانسور و محدودیت‌های تحمیلی نیز نتوانسته‌اند آن را نادیده بگیرند و مجبور شده‌اند به آن بپردازند.

روزنامه «شرق» چاپ تهران در گزارشی به این پرسش پرداخته که «چرا افکار عمومی ایرانیان مانند کشورهای دیگر علیه جنایت غزه برانگیخته نشد؟» جواد کاشی جامعه‌شناس در پاسخ به این پرسش می‌گوید «ما مردم ایران، بیش از ماجرای غزه، نیازمند تماشای خود هستیم؛ سرمایه بزرگ و گرانی میان ما آب شده و از دست رفته است.»

وی در ادامه تحلیل کرده است «کرتخی و انجماد احساسات جامعه ایرانی» به قضایای غزه «آگاهانه و نتیجه سال‌ها بی‌محل به خواست عمومی و انباشت نارضایتی نزد افکار عمومی است.» همان واقعیتی که نه تنها از سال ۸۸ شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» را شکل داد بلکه به شعار «هم غزه هم لبنان، هر دو فدای ایران» نیز رسید!

اسرائیل ادامه می‌دهد.» در این پیام با اشاره غیرمستقیم به حملات موشکی و پهبادی علیه نیروهای آمریکایی در سوریه و عراق آمده است: «آمریکا به محور مقاومت پیام داد اما در میدان نبرد پاسخ روشنی دریافت کرد.»

با وجود این رجزخوانی‌ها طی سه هفته گذشته از وقتی جنگ حماس علیه اسرائیل آغاز شده، جمهوری اسلامی نتوانسته آنطور که مقامات تهران بلوف می‌زنند در عمل از گروه‌های مقاومت علیه اسرائیل حمایت کند. در حالی که از همان نخستین روزهای درگیری پیامدهای ضربات سنگینی بر اقتصاد بحران‌زده ایران وارد آورد. فعلا افزایش قیمت دلار و یورو در بازار تهران و سقوط بورس از پیامدهای اصلی این جنگ در کشور است.

## زمزمه‌هایی درباره تعطیل کردن بورس

همزمان با آغاز عملیات زمینی اسرائیل در غزه شاخص کل بورس در ایران بیش از ۵۰ هزار واحد سقوط کرد.

مجید عشقی رئیس سازمان بورس ششم آبان در حاشیه مراسم «گرامی‌داشت هفته پدافند غیرعامل» درباره ریزش شدید شاخص بورس گفت، «نوسان‌های بازار سرمایه دلایل مختلفی دارد و این روزها به دلیل شرایط ریسک سیستماتیک، بازار عکس‌العمل منفی نشان داده است.»

ریزش بورس استانبول بعد از موضع‌گیری رجب طیب اردوغان علیه اسرائیل و حمایت از حماس برای جمهوری اسلامی نگران‌کننده شد. حتی گفته شد دولت ترکیه در آستانه تعطیل کردن موقت بورس قرار گرفته است. مجید عشقی در واکنش به ریزش بورس استانبول و تعطیلی آن و اقدام احتمالی مشابه سازمان بورس به ریزش سهام، گفت: «این موضوع در شورای عالی بورس بررسی می‌شود.»

روزنامه «هم‌میهن» چاپ تهران روز یکشنبه هفتم آبان گزارش داد که «حمله زمینی [اسرائیل] بورس را زمین زد.» احسان خاندوزی وزیر اقتصاد در واکنش به افزایش قیمت دلار در بازار تهران می‌گوید: «در جنگ اخیر فلسطین، رسانه‌های بیگانه تلاش می‌کنند بگویند نرخ ارز در سال ۱۴۰۳ به عدد مشخصی می‌رسد تا ذهنیت فعالان تجاری

KAYHANLIFE



KAYHAN LONDON  
WWW.KAYHANLIFE.COM

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN  
COMMUNITY

[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)



عکس هفته | شیرئل حییم پور شهروند اسرائیلی ایرانی تبار که در حمله وحشیانه‌ی گروه تروریستی حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به قتل رسید.